

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم

دوره دوازدهم، شماره یک (پیاپی ۲۸)، بهار ۱۴۰۱

صاحب امتیاز: سازمان بسیج اساتید دانشگاه‌ها، مراکز آموزش عالی و پژوهشی کشور

مدیر مسئول: دکتر محمدرضا مردانی

سر دبیر: دکتر محمدجواد جاوید

مدیر داخلی: دکتر سیدمحمدرضا موسوی

اعضای هیئت تحریریه به ترتیب حروف الفبا:

دکتر علی باقری دولت آبادی / دانشیار علوم سیاسی، دانشگاه یاسوج

دکتر غلامرضا بهروزی لک / استاد علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام

دکتر بهرام بیات / استاد امنیت ملی، دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی

دکتر محمدجواد جاوید / استاد حقوق، دانشگاه تهران

دکتر علی اکبر جعفری / دانشیار روابط بین الملل، دانشگاه مازندران

دکتر علی دارابی / دانشیار علوم سیاسی، دانشگاه صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

دکتر حسین هرسیج / استاد علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان

صفحه آرا و طراحی جلد: مهندس یوسف بهرخ

پست الکترونیک: org.05@basijasatid.ir

نشانی وبگاه: www.spba.ir

فصلنامه علمی «مطالعات قدرت نرم» با صاحب امتیازی سازمان بسیج اساتید دانشگاه‌ها، مراکز آموزش عالی و پژوهشی کشور براساس آیین نامه نشریات علمی مصوب ۰۹/۰۲/۱۳۹۸ در ارزیابی سال ۱۳۹۹ موفق به کسب رتبه «ب» شده است.

این نشریه در پایگاه‌های زیر نمایه می شود:

<https://isc.ac/fa>

- پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)

www.magiran.com

- بانک اطلاعات نشریات کشور

www.noormags.com

- پایگاه مجلات تخصصی نور

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سازمان بسیج اساتید دانشگاه‌ها، مراکز آموزش عالی و پژوهشی کشور
نشانی: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، روبروی درب اصلی دانشگاه تهران، جنب کتابفروشی آستان

قدس رضوی، پلاک ۱۲۴۶

شماره تماس: ۰۲۱۶۶۹۷۵۶۰۵

فصلنامه علمی
مطالعات قدرت نرم

دوره دوازدهم، شماره یک (پیاپی ۲۸)، بهار ۱۴۰۱

- فصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم که در حاضر در چهار شماره در سال منتشر می‌شود، رعایت نکات و دستورالعمل زیر برای جلوگیری از تأخیر در داوری و انتشار بموقع مجله هنگام ارسال مقالات ضروری است:
- مقاله باید نتیجه تحقیقات شخصی نویسنده (ها) بوده و قبلاً در نشریات داخلی و یا خارجی منتشر نشده نگردیده، در مورد مقالات ارائه شده در مجامع علمی، مشخصات کامل مجمع باید با مقاله همراه باشد.
 - مقاله باید سلیس، روان و از نظر دستور زبان صحیح بوده و در انتخاب واژه‌ها دقت لازم مبذول گردد.
 - در متن فارسی باید تا حد امکان از معادل فارسی کلمات لاتین استفاده شود و چنانچه معادل فارسی به اندازه کافی رسا نباشد، می‌توان با ذکر شماره در بالای معادل، عین کلمه لاتین را در بخش یادداشتهای آورد.
 - مقاله باید با آخرین نسخه برنامه Word و با قلم نازنین نازک فونت ۱۲ (برای چکیده لاتین با قلم تایمز ۱۱) فاصله تقریبی میان سطور ۰.۹ حروفچینی و تایپ گردد. حاشیه از بالا ۶.۵، از پایین ۶.۵، از راست ۴ و حاشیه چپ ۴ سانتیمتر باشد. عنوان مقاله با فونت تیترا ۱۲، مشخصات نویسنده یا نویسندگان با فونت یاقوت ۱۲، چکیده فارسی با فونت نازنین نازک ۱۲، فهرست عناوین متن با فونت نازنین سیاه ۱۲، منابع و مأخذ با فونت نازنین ۱۱ نگاشته شود.
 - تعداد صفحات مقاله نباید از حدود ۱۸ صفحه چاپی به قطع مجله تجاوز کند.
 - مسئولیت محتوای مقالات و ویراستاری با نویسندگان است.

جهت اطلاعات بیشتر به وبسایت زیر مراجعه نمایید:

<http://www.spba.ir/journal/authors.note>

فهرست مطالب

- « نقش و جایگاه راهپیمایی اربعین بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران / نصرت الله حیدری، یونس عزتی، سارا فلاحی ۷
- « بررسی مبانی تألیف قلوب و نقش آن در تعمیق قدرت نرم حاکمیت اسلامی با تأکید بر فضای مجازی / محمد رسول آهنگران، محمدرضا محمودی، فاطمه حاجی زاده ۳۵
- « تأثیر مؤلفه‌های اقتصادی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران بر توسعه روابط تجاری با چین / فرشته علایی‌پور، عبدالمحمد کاشیان ۵۷
- « مقایسه راهبردهای آمریکا در دوران اوباما و ترامپ جهت تغییر رفتار یا تغییر نظام جمهوری اسلامی ایران / سید علی اصغر رحمانی، حبیب اله ابوالحسن شیرازی، اردشیر سنائی ۸۳
- « مبانی تعلیم و تربیت انقلاب اسلامی در زمینه بازتولید قدرت نرم با تأکید بر بیانیه گام دوم / یعقوب عزیزاده، ایلناز علی نژاد، زهرا قاسمی، مهری توتونچیان ۱۰۷
- « جایگاه و نقش علمی زنان در قدرت نرم (مطالعه موردی نقش زنان در ارکان نشریات علمی) / زهرا نامور، نرجس ورع ۱۲۷
- « پیش‌ران‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در اندونزی / سید محمد موسوی ۱۵۵
- « پیشرفت‌های اجتماعی به عنوان ابزار قدرت نرم و چالش‌های آن در جمهوری اسلامی در اندیشه‌ی امام خمینی (ره) / محمود شرفی، فروزان رضائی ورمزیار ۱۸۳
- « واکاوی ابعاد و مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در اسناد بالادستی / علی صادقی . ۲۰۹
- « بررسی وضعیت آستانه تحمل و تاب آوری جامعه از نظر شهروندان ساروی و راهکارهای افزایش تاب آوری در شرایط بحرانی / هادی ابراهیمی کیایی ۲۳۵
- « شناسایی مؤلفه‌های قدرت نرم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال ایالات متحده آمریکا / محمد رجبی ۲۵۹
- « طراحی الگوی سبک زندگی اسلامی ایرانی در راستای بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی (با تأکید بر قدرت نرم) / علیرضا حیدرنژاد، مهدی مقیمی ۲۸۱

نقش و جایگاه راهپیمایی اربعین بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران

نصرت الله حیدری^۱
یونس عزتی^۲
سارا فلاحي^۳

چکیده

جمهوری اسلامی ایران با محوریت دین شکل گرفته است پس مبانی قدرت آن نیز بر مؤلفه‌های دینی و نرم استوار است. سوگواری‌های عاشورا و اربعین از جمله آئین‌هایی هستند که از ظرفیت لازم برای انسجام‌بخشی و قدرت افزایی جمهوری اسلامی ایران برخوردار هستند. جمهوری اسلامی ایران از این آئین‌ها به صورت مستمر در مدیریت جنگ تحمیلی استفاده کرده است. اکنون نیاز است که متناسب با شرایط منطقه‌ای از این ظرفیت‌ها استفاده کرد. با فروپاشی رژیم بعث در عراق و از سر گرفته شدن پیاده‌روی اربعین توجه به این ظرفیت دینی دوچندان شده است. در مقاله حاضر نقش راهپیمایی اربعین بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته است. سؤال اصلی این است که راهپیمایی اربعین چه تأثیری بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران داشته است؟ یافته‌ها نشان داد که راهپیمایی اربعین با تقویت ارزش‌های دینی، معنویت‌گرایی، تقویت ایثار، شهادت و انتظار بر ارتقای قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران اثر مثبت داشته است.

واژگان کلیدی: راهپیمایی اربعین، قدرت، قدرت نرم، جمهوری اسلامی ایران

۱. استادیار و عضو هیأت علمی گروه علوم سیاسی، واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران. (نویسنده مسئول)
Nosratheidari@gmail.com

۲. استادیار و عضو هیأت علمی گروه علوم اجتماعی، واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران.

۳. استادیار و عضو هیأت علمی گروه علوم سیاسی، واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران.

مقدمه

انقلاب اسلامی بهمن ماه ۱۳۵۷ که بر مبنای آموزه‌های دینی شکل گرفت از انقلاب‌های مهم در نیمه دوم قرن بیستم به حساب می‌آید. این انقلاب نقش زیادی در گرگونی بسیاری از مفاهیم سیاسی و اجتماعی جامعه داشت. این انقلاب‌ها که بر اساس مبانی و آموزه‌های دینی شکل می‌گیرند دارای معیارهای بقا، دوام و فرهنگ‌محورند و قدرت خود را از بطن مؤمنان و باورمندان اخذ می‌کنند.

امروز بر همگان مبرهن است که قدرت نرم^۱ از مؤلفه‌های اساسی و تأثیرگذار در مناسبات جهانی و روابط بین‌الملل می‌باشد. جمهوری اسلامی ایران، با بهره‌گیری از ابزارهای فرهنگی-تاریخی خود، درصدد است تا قدرت و موقعیت خویش را به‌گونه‌ای ارتقاء دهد که حقانیت ایدئولوژیکی خود را اثبات نماید. همان‌گونه که ذکر شد، بخش مهمی از قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران بر بستر آموزه‌های دینی و شیعی استوار است. همین بسترها و آموزه‌ها با الگوها و آموزه‌های اندیشمندان غربی قابل درک و تحلیل نیستند؛ زیرا معنویت‌گرایی، ایثار، شهادت‌طلبی، اخلاق‌مداری، عدالت‌طلبی معنای خاصی از قدرت نرم را به جهان معاصر معرفی می‌کند. امروزه می‌توان ادعا کرد که یکی از مهم‌ترین بسترهای قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در آئین پیاده‌روی اربعین نهفته دانست که به تدریج در حال رخ‌نمایی است.

راهپیمایی میلیونی اربعین بزرگ‌ترین اجتماع جهانی است، اجتماعی از جنس اعتقادات، باورها و ارزش‌های الهی و انسانی. این حرکت گفتمان‌مناگرایی جمهوری اسلامی ایران را که همان دین‌مداری، حق‌خواهی، عدالت‌طلبی، فرهنگ‌ایثار و شهادت‌هست را تقویت کرده و به قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در منطقه و جهان عمق استراتژیک بخشیده است. راهپیمایی اربعین را باید از جنس نرم‌افزاری دانسته که توانسته با همه مراکز فرهنگی در جهان اسلام و حتی آزادیخواهان جهان ارتباط برقرار نماید و به یک سرمایه عظیم اجتماعی تبدیل گردد. ابعاد دینی و اخلاقی، اجتماعی و سیاسی و حتی اقتصادی اربعین منبع بسیار عظیمی در ارتقاء قدرت نرم برای جمهوری اسلامی ایران به حساب می‌آید و موجب تأثیرگذاری جمهوری اسلامی ایران در مناسبات قدرت، خاصه در قدرت نرم در عرصه جهانی شده است.

1. Soft power

این روند که از اوایل دهه ۱۳۹۰ شمسی به طور جد مورد توجه و امعان نظر مسئولین و مردم ایران قرار گرفته است. گرچه این آئین بومی شیعیان عراق است لکن جمهوری اسلامی ایران بنا بر ابتدای بنیان خود بر آموزه‌های شیعی نگاه ویژه‌ای بدان داشته و هستی، تداوم و غایت خود را مدیون ترویج، یادآوری و گسترش ماهیت آن می‌داند؛ اما مسئله‌ای که در این بین ذهن هر محقق را به خود مشغول می‌دارد این است که در دنیایی که رقابت ایدئولوژیک قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای و جهانی، برای کسب و حفظ قدرت خود، بر قدرت هوشمند تأکید دارند و از ابزارهای سخت‌افزار مدرن و پرهزینه و نرم‌افزاری فرهنگی - انسانی سریع‌الانتقال به طور هم‌زمان استفاده می‌کنند، آئین راهپیمایی اربعین چگونه می‌تواند بر قدرت و امنیت جمهوری اسلامی ایران کمک کند. نویسندگان مقاله با فرض این که آئین پیاده‌روی اربعین سرشار از آموزه‌های فرهنگی و دینی انسان‌ساز است در صدد هستند تا با تبیین این آموزه‌ها به مثابه قدرت نرم، ارتقای امنیت و قدرت جمهوری اسلامی ایران را درگرو گسترش و رواج این آئین پیگیری کنند. فلذا، برای تبیین این فرضیه از روش توصیفی - تحلیلی استفاده کرده و ضمن توصیف آموزه‌های دینی - فرهنگی اربعین به‌عنوان قدرت نرم، به تحلیل رابطه این آموزه‌ها با ارتقای امنیت و قدرت جمهوری اسلامی ایران پرداخت.

روش تحقیق:

این پژوهش به توصیف و تحلیل نقش راهپیمایی اربعین بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران توجه دارد. از آنجایی که محقق در تلاش است تا به مبانی نظری راهپیمایی اربعین و نیز قدرت نرم به شیوه توصیفی تحلیلی بپردازد، نگارندگان با به‌کارگیری مطالعات کتابخانه‌ای شامل اسناد، کتب، تحقیقات انجام‌شده تحلیل محتوا نموده و با استفاده از مطالعات نظری مرتبط و بررسی یافته‌های علمی - پژوهشی و همچنین مصاحبه با تحلیل‌گران و صاحب‌نظران اجتماعی، سیاسی و مذهبی به گردآوری اطلاعات و تحلیل آن‌ها پرداخته است. نحوه گردآوری اطلاعات، به صورت اسنادی و استفاده از فیش برداری و نیز کتب و مقالات علمی است.

پیشینه پژوهش

با توجه به بررسی‌های به‌عمل‌آمده در پژوهش‌های کتابخانه‌ای و مجلات معتبر علمی،

پژوهش‌های زیر در ارتباط با موضوع اربعین و ابعاد گوناگون آن به رشته تحریر درآمده اما در زمینه‌ی موضوع مقاله حاضر به‌رغم مطالب گسترده و پراکنده در منابع و بعضی از تحقیقات جدید پژوهش‌های محدودی به انجام رسیده که اهم نتایج آن‌ها به‌طور مختصر آمده است.

پیاده‌روی اربعین حسینی، عظیم‌ترین اجتماع مذهبی جهان است که به‌عنوان نماد ملت اسلام و بزرگ‌ترین مانور قدرت شیعیان در شرایط حساس منطقه است که می‌تواند با قابلیت‌های زیاد خود زمینه‌ساز عزت مسلمانان و به‌ویژه شیعیان در دنیای امروز باشد. آیینی انسانی، فراملیتی، فرامذهبی و حتی فرادینی که ظرفیت‌های پیدا و پنهان آن می‌تواند در راستای تحقق تمدن نوین اسلامی در مقابل تمدن غرب قرار گیرد و کارکرد و تأثیراتی همچون: همبستگی در برابر دشمنان از جمله تکفیری‌ها، پیدایش یک پرستیژ جدید در روابط بین‌الملل برای ایرانیان و مناطق شیعه‌نشین، رسانه‌گویی برای فرهنگ ضد استکباری و ظلم‌ستیزی شیعی، قدرت‌نمایی نرم جهان تشیع، زمینه‌ساز وحدت سیاسی و بالا بردن حس اعتماد به نفس در میان شیعیان و در نهایت مشروعیت بخشی به حکومت‌های اسلامی برای کسب پرستیژ بین‌المللی به همراه داشته است. روی هم رفته، می‌توان گفت نتایج تحقیق نشان داد که قدرت، دارای ابعاد سخت‌افزاری و نرم‌افزاری به‌هم پیوسته‌ای است. در چارچوب رقابت‌های ژئوپلیتیکی، کشورهایی که از ساخت-های تاریخی، اعتقادی و نرم‌افزاری قدرت بهره می‌برند، در عرصه تصویرسازی و پرستیژ قدرت و نفوذ، از اعتبار بیشتری در صحنه نظام جهانی برخوردار می‌شود در این راستا اربعین، حرکت هویتی اصیل است که در طول تاریخ اسلام در بین مسلمانان جاری بوده و هست و پیاده‌روی اربعین به مثابه یکی از مظاهر قدرت نرم شیعیان تلقی شده و به همین جهت بر برگزاری هر چه گسترده‌تر آن تأکید می‌شود (متمقی و ملاحسینی، ۱۳۹۹).

پرویش (۱۳۹۸) نهضت حسینی یکی از بزرگ‌ترین حادثه‌های تاریخ بشریت است که تمامی عالم هستی را تحت الشعاع قرار داده است. این حادثه ظرفیت‌های تمدن‌سازی فراوانی دارد که از مهم‌ترین ابعاد تمدن‌ساز آن، نمایش امت واحده، بیداری اسلامی و مبارزه با استکبار، مبارزه با روح نظام سرمایه‌داری می‌باشد. در جهان امروز مناسک و آیین‌نامه‌های اجتماعی همانند اربعین حسینی می‌تواند ظرفیت‌های بسیاری را در زمینه‌سازی تحقق امت واحده به وجود آورد؛ بنابراین، نهضت حسینی نقطه عطفی برای حرکت به سوی ایجاد یک تمدن اسلامی است. اربعین سرمایه‌ای عظیم و حماسه‌ای جهانی است که می‌توان از ظرفیت‌های آن برای

انتقال پیام وحدت و انسجام، عدالت خواهی و ظلم ستیزی استفاده نمود.

موسوی و بیات (۱۳۹۷) در راستای پاسخ به سؤال «آیا آیین پیاده‌روی اربعین، در تعالی تشیع، تأثیر داشته است؟» آن‌ها تلاش کردند تا در دو بعد سیاسی و اجتماعی، سؤال فوق را مورد بررسی قرار داده و به این نتایج دست یافتند که ۱- این آیین نوعی مانور سیاسی- اجتماعی است که اتحاد، امنیت، قدرت و پایبندی به آرمان شیعیان را به جهانیان اعلام می‌دارد و تأثیرات بیرونی آن بردنیای خارج اثرگذار است. ۲- منسک اجتماعی- سیاسی است که سبب آرامش، هویت و الگوپذیری یابی و وحدت شیعیان از یکدیگر و بر یکدیگر می‌شود و تأثیرات آن سبب تعالی فضای درونی و تمام جهات اسلام و تشیع می‌گردد. اربعین در دو محور سیاسی و اجتماعی و با بهره‌مندی از مطالعات جامعه‌شناسی و علوم سیاسی، دارای چندین کارکرد به شرح کارکردهای اجتماعی: هویت‌یابی، شکل‌گیری سبک زندگی اسلامی، اصلاح جامعه و زمینه‌سازی ظهور، تسکین مشکلات و مصائب اجتماعی و فردی، تولید نظم اجتماعی نوین؛ و کارکردهای سیاسی نیز عبارت‌اند از: مقاومت و بیزاری از ظلم و استکبار، وحدت و بیداری اسلامی، امنیت آفرینی. غفاری هشتجین و آقایی (۱۳۹۷) پیاده‌روی اربعین حسینی از وجوه ممتاز هجرت در فرهنگ سیاسی شیعی می‌دانند که به‌عنوان بزرگ‌ترین اجتماع انسانی در جهان با وجوه ممتاز مذهبی، واجد پیام‌های عمیق سیاسی است. این حرکت عظیم به‌مثابه یک جنبش با بهره‌گیری از نظریه‌ی جنبش‌های اجتماعی چارلز تیلی و تطبیق آن بر منسک پیاده‌روی اربعین مشخص شد که این رویداد هر سه مؤلفه‌ی استمرار ستادها، بهره‌گیری از طیفی از تظاهرات عمومی و درنهایت ابراز عمومی چهار مؤلفه‌ی ارزشمندی، وحدت، تعداد و تعهد را که عناصر اصلی یک جنبش هستند در خود دارد. به عبارتی می‌توان گفت که پیاده‌روی اربعین یک جنبش اجتماعی فراگیر با تمامی مؤلفه‌های آن است.

معینی پور (۱۳۹۶) بر این عقیده است که یکی از شاخصه‌های اصلی تحقق تمدن نوین اسلامی نیز ایجاد امنیت پایدار در زندگی مدنی و اجتماعی است امنیتی که نه‌تنها در بعد نظامی و انتظامی مدنظر است، بلکه دارای ابعاد نرم و سخت بوده و می‌بایست در عرصه‌های مختلف بینشی معرفتی، گرایشی اخلاقی و رفتاری در حوزه‌های فکر و علم، اقتصاد، فرهنگ، سیاست و حوزه‌های نظامی و انتظامی ظهور و بروز داشته باشد. راهپیمایی اربعین ظاهراً یک آیین دینی است اما به دلیل پیوند عمیق و وسیع آن با قیام ابا‌عبداللّه یک پدیده و اجتماع تمدنی است

که در ابعاد بینشی معرفتی گرایشی اخلاقی و رفتاری ظاهری دارای ظرفیت‌های تمدنی است. راهپیمایی اربعین در ابعاد معرفتی اخلاقی و رفتاری در حوزه‌های علمی سیاسی اقتصادی و فرهنگی منجر به تولید و افزایش امنیت می‌شود. در این مطالعه از نظریه لایه‌های وجودی انسان برای تبیین وجوه تمدنی اربعین و دیدگاه ماری بوزان برای بررسی ظرفیت‌های امنیت ساز اربعین استفاده شده است.

به اعتقاد باقری (۱۳۹۶) گفتمان اربعین حسینی به مثابه یک گفتمان آئینی برآمده از اسلام در گستره منطقه‌ای جهانی، با بهره‌گیری از فرهنگ عاشورا و قیام امام حسین (ع)، سالانه به اشکال مختلف و از جمله راهپیمایی برگزار می‌گردد. در گفتمان اربعین حسینی گفتمان اسلام انقلابی دال مرکزی هویت اسلامی و انقلابی است. گفتمان اصولگرایی شیعی به عنوان، بیان آخر این گفتمان، دال مبارزه با ظلم و گسترش عدالت را به عنوان دال مرکزی گفتمان اسلام انقلابی معرفی می‌نماید که با کاشفیت از اشاعه تمدنی اسلام، قابلیت و ظرفیت اشاعه و بسط یابندگی گفتمان حسینی را در سطوح ملی، منطقه‌ای و جهانی نمایندگی می‌کند و با توجه به عناصر و عوامل استیلا بخش هژمونیک ساز چهارگانه، قابلیت برنامه‌ریزی هوشمندانه و دیر پا پیدا می‌نماید. عاملیت سیاسی و فرهنگی گفتمان اسلام انقلابی به همراه بهره‌گیری از فرایند طرد و برجسته‌سازی و دسترسی رو به وسعت و اعتبار رو به فزون نسبت به سایر گفتمان‌های مدرنیته هم از عوامل استیلا بخش اولیه تکوینی و هم از عوامل زمینه‌ای مؤثر بر بسط یابندگی تمدنی گفتمان حسینی در مراحل توسعه‌ای آن، محسوب می‌شود.

شایگان و مؤمنی راد (۱۳۹۶) در مطالعه خود به بررسی شاخصه‌های اقتدار اسلامی در اجتماع اربعین حسینی پرداخته‌اند و اعلام می‌دارند که از نشانه‌ها و نمودهای تجلی و اقتدار دین اسلام، بزرگداشت مراسم اربعین حسینی به عنوان پاسداشت و گرامیداشت ارزش‌ها و اسطوره‌های مبارزه و مقاومت است که موجب اتحاد و همبستگی مسلمانان و در نتیجه رونق هر چه بیشتر دین اسلام و ولایت‌پذیری و انتظار فرج می‌باشد. آن‌ها همچنین عقیده دارند، اربعین با افزایش سرمایه اجتماعی در بین مسلمانان به روند جهانی شدن تفکر شیعی، وحدت و انسجام مسلمانان، تجلی شعائر اسلامی، دشمن‌شناسی، بدعت‌ستیزی و شکل‌گیری هویت اخلاقی جامعه مسلمین نقش اساسی ایفا می‌کند.

ملاحظات نظری

هر جامعه ای متشکل از مجموعه ای از انسانها است که برای رسیدن به اهداف خویش پیوسته در تعامل اند. تعاملی که بسته به امکانات، شرایط و توانایی های افراد بشر، کنش و واکنش های متفاوتی به دنبال داشته و امکان تعارض و تضاد منافع را افزایش می دهد. در این راستا جامعه برای ممانعت از تعارض و ستیز اعضاء خود چاره جویی کرده و راهبرد های بکار گرفته تا بتواند مسیر تعامل پیوسته و امنیت عمومی را هموار سازد. یکی از این راهبردهای بازدارند تضاد و تضمین امنیت عمومی جامعه استفاده از قدرت^۱ است. قدرت از زوایای مختلف قابل تعریف است. قدرت سخت، قدرت نیمه سخت و قدرت نرم. مورگنتا، قدرت را به معنی توانایی انسان بر ذهنها و اعمال دیگران تعریف میکند (عالم، ۱۳۷۳: ۸۹). ماکس وبر نیز قدرت را این چنین تعریف می نماید: «قدرت امکان خاص یک عامل (فرد یا گروه) به خاطر داشتن موقعیتی در روابط اجتماعی است که بتواند گذشته از پایه اتکای این امکان خاص، اراده خود را با وجود مقاومت به کاربرد» (عالم، ۱۳۷۸: ۸۹)؛ اما مشیل فوکو تعریف خاصی از قدرت را طرح می کند. قدرت، از نظر وی، یک مفهوم ساده ابلاغی از بالا به پایین و دستوری نیست بلکه در شبکه های از روابط درهم پیچیده جاری است (تاجیک، ۱۳۸۱: ۲۴۰-۲۳۹). قدرت در این مفهوم ریشه در لایه های مختلف اجتماعی و زبانی دارد. با توجه به تعاریف فوق، قدرت از جنس نفوذ بوده و بر توانایی و واداشتن دیگران بر انجام کاری (قدرت ایجابی) یا انجام ندادن کاری (قدرت سلبی) دلالت دارد. بر این اساس قدرت از حیث منبع در دو شکل اصلی قابل تعریف است: اول- قدرت سخت؛ که بر اجبار استوار است و به شکل زور تجلی می یابد (افتخاری، ۱۳۸۹: ۴۷ و حیدری، ۱۳۹۰: ۱۰).

دوم- قدرت نرم؛ از نظر جوزف نای، قدرت نرم عبارت است از کسب مطلوب از طریق جاذبه، نه از طریق اجبار یا تطمیع (الماسی، ۱۳۸۸: ۱۵). به عبارتی از نگاه نای، قدرت نرم بر اقتناع و جذابیت استوار است و به شکل پذیرش تجلی می یابد (نای، ۱۳۸۷: ۳۸). برخی دیگر نیز قدرت نرم را شکل دادن به علایق دیگران می دانند (حیدری، ۱۳۹۰: ۱۰).

1. power

ژوزف نای اولین کسی است که بحث قدرت نرم را مطرح کرده است. او پس از پایان جنگ سرد معتقد بود که ماهیت قدرت متحول شده است و از این رو قدرت نرم را در برابر قدرت سخت قرار داد. قدرت نرم شیوه جدیدی از اعمال قدرت در مقایسه با شیوه سنتی است (باقری، ۱۳۸۸: ۲۱۶). ژوزف نای در کتاب معروف خود با نام «قدرت نرم» آن را توانایی شکل دادن به ترجیحات و اولویتهای دیگران می‌داند (Nye, 1990: 157). به عبارتی نای قدرت نرم را توانایی رسیدن به اهداف مورد نظر از طریق جاذبه می‌داند نه استفاده از زور. در مقابل قدرت نرم، قدرت سخت قرار دارد و آن، یعنی توانایی ایجاد زور و فشار از طریق اقتدار نظامی و قدرت اقتصادی. برای قدرت نرم ویژگیهایی را برمی‌شمارند که عبارت‌اند از:

۱. قدرت نرم یک رابطه است. به تعبیر لاسول قدرت رابطه‌ای میان فردی یا رابطه‌ای میان افراد است.
۲. قدرت نرم بر ذهنیت افراد استوار است.
۳. قدرت نرم از جنس القاء و اقناع است.
۴. قدرت نرم امری غیر محسوس است (عالم، ۱۳۷۳: ۹۱).
۵. قدرت نرم فراگیر و همه‌جانبه است.
۶. قدرت نرم ماهیت پویا و تحول‌پذیر دارد.

از همین روی، فعال‌سازی منابع قدرت نرم برای تأمین منافع ملی و حفظ تمامیت ارضی مسئله‌ای ضروری به شمار می‌رود که تمامی بازیگران به‌نوعی نسبت به آن حساس می‌باشند (lee et al, 2005: 193). با توجه به این ویژگی‌هاست که می‌توان نوع نگاه و نگرش ویژه‌ای به انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ در ایران داشت.

۱. انقلاب اسلامی ایران

انقلاب اسلامی ایران در زمره معروف‌ترین انقلاب‌های جهان قرار دارد. اگر انقلاب کبیر فرانسه باهدف آزادی و انقلاب اکتبر روسیه (۱۹۱۷م) باهدف عدالت شکل گرفته‌اند، انقلاب اسلامی در ایران باهدف احیاء دین و ارزش‌های الهی و انسانی به وقوع پیوست. همین نگاه و ماهیت، انقلاب اسلامی را از دیگر انقلاب‌ها متمایز ساخته است. بر همین اساس است که شهید مطهری انقلاب اسلامی ایران را شاخه‌ای از انقلاب انبیاء، خصوصاً انقلاب صدر اسلام،

ارزیابی و در این چارچوب آن را تعریف می‌نماید. طبق نظر وی، «همان طوری که انقلاب صدر اسلام در همان حالی که انقلابی مذهبی و اسلامی بود، در همان حال، انقلابی سیاسی، معنوی، اجتماعی و انقلابی اقتصادی و مادی نیز بود، یعنی حدیث، آزادگی، عدالت، نبودن تبعیضهای اجتماعی و در متن تعلیمات اسلامی است» (مطهری، ۱۳۵۹: ۳۲).

آیت‌الله عمید زنجانی نیز در تعریف خود از مفهوم انقلاب اسلامی می‌گوید: «انقلاب اسلامی عبارت است از دگرگونی بنیادی در ساختار کلی جامعه، نظام سیاسی منطبق بر جهان‌بینی و موازین و ارزش‌های اسلامی و نظام امامت و بر اساس آگاهی و ایمان مردم، حرکت پیشگام متقیان و صالحان و قیام قهرآمیز توده‌های مردم» (عمید زنجانی، ۱۳۶۷: ۲۲-۲۱)؛ بنابراین، نکته مهم پیام جمهوری اسلامی در ایران احیاء اسلام و ارزش‌های دین و انسانی بود که امروزه به‌عنوان شاخصه قدرت نرم از آن یاد می‌شود.

۲. مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران

تغییرات در عرصه جهانی به تغییرات در مؤلفه‌های قدرت منجر شده است. از مهم‌ترین پیامد این تغییرات، کاهش مقبولیت قدرت سخت و توجه به مظاهر و منابع قدرت نرم است. انقلاب اسلامی در ایران به دلیل ساخت متفاوت آن با دیگر نظام‌های سیاسی از منابع قدرت نرم متفاوت برخوردار است. شناخت این منابع قدرت نرم برای کارآمدی انقلاب اسلامی یک ضرورت است. برای انقلاب اسلامی منابع قدرت نرم متعدد می‌توان برشمرد. مهم‌ترین این منابع عبارت‌اند از:

۱-۲. ارزش‌ها، اعتقادات و باورهای دینی

انقلابی که در سال ۱۳۵۷ در ایران روی داد و منجر به تشکیل دولت جمهوری اسلامی ایران شد، انقلابی برای خدا و باهدف اجرای احکام الهی و ارزش‌های توحیدی بوده است. آنچه انگیزه اصلی مردم در تظاهرات خونین چندین ماهه را تشکل می‌داد تباین و تضاد رژیم مستقر با اصول، ارزش‌ها و قواعد اسلامی بود و آنچه نیز به‌جای آن مطالبه و خواسته می‌شد، جامعه و حکومتی اسلامی بود که برقرارکننده اصول، ارزش‌ها و آرمانهای اسلام باشد (خرمشاد، ۱۳۸۸: ۲۰-۲۱)؛ بنابراین مهم‌ترین مرکز تولید قدرت نرم در انقلاب اسلامی، دین و آموزه‌های دینی است که با

ابتکارات خاص و خلاقیت‌های برجسته امام (ره) به‌عنوان موتور محرک انقلاب به کار گرفته شد (افتخاری، ۱۳۸۷: ۹۸). خاستگاه مؤلفه‌های قدرت نرم از منظر اسلام که پایه و منبع قدرت نرم انقلاب اسلامی است. دارای منشأ الهی و آسمانی است (لک زایی، ۱۳۸۹: ۶۵-۶۳).

۲-۲. معنویت‌گرایی

انقلاب اسلامی در یک فضای جدید و مبتنی بر معنویت شکل گرفته است. خدامحوری عامل تقویت معنویت در ابعاد مختلف انقلاب اسلامی بوده است و آن را از دیگر انقلاب‌های جهان متمایز ساخته است. از پیامد معنویت‌گرایی، آمیختگی آن با سیاست است (جعفری پناه و پوراحمدی، ۱۳۹۲: ۱۰۶). میشل فوکوز این خصیصه تحت عنوان «معنویت‌گرایی» در انقلاب اسلامی یاد می‌کند. این پدیده تنها در انقلاب ایران بروز کرد (خرمشاد، ۱۳۸۸: ۲۱). معنویت‌گرایی سیاسی در ایران مبانی فرهنگی سکولاریستی حاکم بر جهان را به مبارزه طلبیده و آن را کاملاً متمایز ساخته است.

۲-۳. تشیع

انقلاب اسلامی در بستر فرهنگ «تشیع» شکل گرفته است. به عبارتی مذهب تشیع، ایدئولوژی دائمی انقلاب اسلامی و مهم‌ترین منبع تجهیز ایدئولوژیک جنبش اجتماعی مردم است و در واقع همین عامل است که موجب تمایز انقلاب اسلامی ایران از سایر انقلاب‌های جهان شده است (شجاعیان، ۱۳۸۲: ۷۴). دو عنصر اساسی در فرهنگ تشیع که از منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران به حساب می‌آیند، عبارت‌اند از:

۲-۳-۱. مهدویت و انتظار

انقلاب اسلامی در بستر فرهنگ «تشیع» شکل گرفته است. به عبارتی مذهب تشیع، ایدئولوژی دائمی انقلاب اسلامی و مهم‌ترین منبع تجهیز ایدئولوژیک جنبش اجتماعی مردم است و در واقع همین عامل است که موجب تمایز انقلاب اسلامی ایران از سایر انقلاب‌های جهان شده است (شجاعیان، ۱۳۸۲: ۷۴). دو عنصر اساسی در فرهنگ تشیع که از منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران به حساب می‌آیند، عبارت‌اند از: مهدویت و انتظار.

مهدویت و انتظار از منابع قدرت آفرین تشیع به حساب می‌آیند. به عبارت دیگر، مذهب تشیع

فرجامی بسیار روشن و آرمانی را برای جهان تصویر می‌کند و معتقد است که در پایان تاریخ با قیام سراسری مهدی موعود (عج) به‌عنوان آخرین بازمانده از نسل پیشوایان الهی، تمامی نظام‌های ظالمانه‌ی الحادی سرنگون و یک دولت عدل نهایی با حاکمیت امام معصوم تشکیل خواهد شد (سعیدی و مقدم فر، ۱۳۹۳: ۱۱۶). این امیدواری به بهبود اوضاع جهان با ظهور منجی مانع یأس در شیعه شده و به او قدرت فوق‌العاده بخشیده است. استاد شهید مرتضی مطهری انتظار سازنده را تعهد آور، نبرد آفرین و تحرک‌بخش می‌داند.

۲-۳-۲. فرهنگ ایثار و شهادت

ناب‌ترین درسی که شیعیان از نهضت امام حسین (ع) می‌گیرند، آرزوی شهادت در راه آن حضرت است. این خصیصه منبعی از قدرت نرم ایجاد می‌کند که هیچ‌کدام از انواع قدرت سخت و نرم در برابرش تاب مقاومت ندارد (نای، ۱۳۸۹: ۳۹). حامد الگار در این رابطه می‌نویسد: «شهادت به لحاظ حرمت و اهمیتی که شیعه برای امام حسین (ع) قائل است. جایگاه خاصی دارد. درهم‌آمیختگی این دو مضمون و موضوع، یعنی نفی قدرت سیاسی بالفعل و ایمان به فضیلت شهادت تشیع را به‌خصوص در مراحل مشخصی از تاریخ آن به زیور مقاومت مبارزه جویانه‌ای آراسته است و در واقع تشیع قابلیت بالایی برای قیام و مبارزه فراهم کرده است» (الگار، ۱۳۶۰: ۱۱۱).

معتقدان به فرهنگ شهادت همواره خود را در میان دو امر نیکو می‌بینند که یکی پیروزی در جنگ و دیگری کشته شدن در راه خدا و کسب سعادت اخروی است (سعیدی و مقدم فر، ۱۳۹۳: ۱۱۶). به همین دلیل است که امام خمینی (ره) می‌فرماید: «منطق، منطق صدر اسلام است. اگر بکشیم، به بهشت می‌رویم و اگر کشته بشویم، به بهشت می‌رویم. این منطق شکست ندارد» (امام خمینی، ۱۳۵۷/۸/۱). یا مقام معظم رهبری جهاد و شهادت را منبع قدرت نرم می‌داند و می‌فرماید: «جهاد و شهادت عامل قدرت ملی و شاخص ایمان خالصانه است که باید حفظ گردد» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰). این امر از آن جهت مهم است که امروزه هیچ‌سیاستی بدون بهره‌مندی از منابع قدرت نرم نمی‌تواند موفق و مؤثر باشد (افتخاری و جانی پور، ۱۳۹۲: ۲۵). فعال‌سازی منابع قدرت نرم برای تأمین منافع ملی و حفظ تمامیت ارضی مسئله‌ای ضروری به‌شمار می‌رود که تمامی بازیگران به‌نوعی به آن حساس می‌باشند (lee et al, 2005: 423).

۲-۴-۳. جهاد

جهاد، نوعی خاص از جنگ و نبرد مسلحانه است که از یکسو حالت تدافعی در مقابل تجاوز نظامی بیگانگان داشته و از سوی دیگر مطابق با هنجارهای دینی پذیرفته شده در یک جامعه دارای ارزش دینی و اجتماعی است. اعتقاد به جهاد به عنوان یکی از فروع دین اسلام، روح انقلابی گری و شهادت طلبی را در پیروان این مکتب زنده نموده است. مقام معظم رهبری در این زمینه می فرماید: جهادی که جامعه اسلامی همیشه با آن مواجه است، «جهاد کبیر» است. زیرا جهاد اکبر یک مسئله عمومی است و همه با آن سر و کار دارند. جهاد اصغر نیز همیشگی نیست و در بسیاری زمانها وجود ندارد. اما جهاد کبیر یک جهاد همیشگی است. این جهاد همان جهاد حق و باطل است که در طول زمان بوده است و هدف باطل این است که حق را به تبعیت از خودش وادار کند. این جهاد همان جهادی است که امام عزیزمان فرمودند: «تا شرک و کفر هست، مبارزه هست و تا مبارزه هست، ما هستیم.» (آیت الله خامنه ای ۱۳۹۸/۳/۷).

۲-۴. ولایت پذیری

رابطه مردم و حاکم در جمهوری اسلامی ایران، یک رابطه اعتقادی و باور قلبی است. بر اساس مبانی اسلام، نقش ولی فقیه به عنوان رهبر انقلاب اسلامی یک نقش ویژه و از منابع اساسی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران به حساب می آید. ولایت فقیه نوعی نیابت امام معصوم (ع) در دوران غیبت می باشد که علت اصلی آن نیز آگاهی فقیه به احکام، قوانین و مقررات دین و برخورداری از شرایط اجتهاد و عدالت است (جمشیدی، ۱۳۸۸: ۵۳۲). اعتقاد به وجود ولی فقیه در رأس حکومت برآیند استدلال عقلی و نقلی مبانی شیعه است؛ زیرا بنا بر حکم عقل، اولاً انسان موجودی نیازمند است؛ ثانیاً بسیاری از نیازهای انسانها در اجتماع تأمین می شود؛ ثالثاً دین است که به تمام نیازهای انسان اهتمام دارد؛ رابعاً رهبر مسلمانان در آغاز کسی جز پیامبر و جانشینان آن حضرت نبوده است؛ خامساً شارع مسلمانان را از رجوع به طاغوتها منع کرده است (متقی زاده، ۱۳۹۰: ۱۱۰).

مجموعه این عوامل بخصوص رجوع به زمامدار عادل و دین شناس، ولایت فقیه را تجویز می نماید. ولایت فقیه به عنوان منبع مهم قدرت نرم شیعی اثرگذاری خود را در انقلاب اسلامی به خوبی نشان داده است. مشیل فوکو در مورد اثرگذار معمار کبیر انقلاب امام خمینی (ره)

می نویسد: «شخصیت آیت الله خمینی پهلوی به افسانه می زند، هیچ رهبری سیاسی نمی تواند ادعا کند که مردمش با او پیوندی چنین نیرومند دارد» (ملکوتیان، ۱۳۸۹: ۲۹۸). آنچه در ذیل منابع قدرت نرم در انقلاب اسلامی می توان مورد تأکید قرارداد عبارت اند از: معنویت، ایدئولوژی اسلامی، حماسه آفرینی مرجعیت، نوع نظام مردم سالار دینی، نفوذ رهبری و ولایت فقیه (الیاسی، ۱۳۸۸: ۶۴-۶۳ و حیدری، ۱۳۸۹: ۱۴۳).

۲-۵. ارزشهای سیاسی

ارزشها مجموعه قضاوت‌های یک گروه اجتماعی است که جهان را به مقولات مطلوب و نامطلوب تقسیم می کند و غالباً جزء بنیادین نظام فرهنگی محسوب می شود. ارزش جریانی است که با آن فرد به محیط پاسخ می دهد. ارزش ها نشان دهنده آموخته های هر فرد است و در واقع به زندگی افراد جهت و معنا می جریان رشد می بخشد. ارزشهای سیاسی تحت عنوان علاقه به قدرت و نفوذ شخصیتی و شهرت که الزاماً محدود به حوزه سیاست نیست (سعیدی نژاد، ۱۳۸۷: ۲۶)، تعریف می شود که دارای دو بعد است:

۲-۵-۱. مردم سالاری دینی:

مردم سالاری دینی، ناظر به مدلی از حکومت است که بر مشروعیت الهی و مقبولیت مردم و در چارچوب مقررات الهی استوار است و در راستای حق مداری، خدمت محوری و ایجاد بستری برای رشد و تعالی مادی و معنوی، ایفای نقش می کند. این مدل، بر دو پایه استوار است:

۱. از سویی ریشه در آموزه های وحیانی دارد.

۲. این آموزه ها را از رهگذر خواست و اراده مردم دنبال می کند.

از این رو در نظام مردم سالاری دینی، نظام سیاسی بر دو رکن الهی و انسانی استوار است و این نظام با در نظر داشتن اصول اعتقادی اسلام، رابطه مردم و حکومت را تبیین می کند (محمدی، ۱۳۸۴: مبحث ۷).

۲-۵-۲. ظلم ستیزی، برابری و دادگری:

هویت اصیل ایرانی در طول تاریخ کهن این سرزمین بار و حیه دادگری و ظلم ستیزی آمیخته است. اسطوره های کهن تاریخی ایران کاوه آهنگر را نمادی از دادگری معرفی می کند که در اوج ظلمت استبداد ضحاک فریاد دادخواهی و بیداد ستیزی را بلند کرد (هرسیج و تویسرکانی،

۱۳۸۹: ۱۷۵). حتی مورخان ایرانی نیز بر این نکته تأکید کرده اند که عدالت خواهی و ظلم ستیزی از آرمان های بزرگ مردم ایران بوده که از دوران هخامنشیان در این سرزمین رواج داشته است (مجتهدزاده، ۱۳۸۵: ۴). این مهم پس از ظهور اسلام و گسترش آن در سرزمین بزرگ ایران اهمیت بیشتری یافت. از برجسته ترین اصول اسلام و تفکر شیعه روحیه ظلم ستیزی، جهاد در راه حق و حرکت در مسیر عدالت و برابری آن هم در تمام ابعاد فردی، خانوادگی، اجتماعی که به اعتقاد آنها تا ظهور حضرت قائم (عج) ادامه خواهد داشت. اوج این ویژگی و روحیات را در جامعه ایران می توان در گسترش احساس همبستگی آنها با حادثه کربلا و الهام گرفتن از آن در حوادث مختلف تاریخی و قیام علیه ظلم و ستم مشاهده نمود. لذا حفظ و بزرگداشت این واقعه تاریخی همواره منبع نیرومند قدرت نرم جهان تشیع در برابر دشمنان و تقویت برادری، همدلی و همبستگی بیشتر است.

۲-۶. مطلوب های سیاست خارجی

اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در بحث از قدرت نرم در دو مقوله سیاست ایجابی و سلبی قابل بحث است. در سیاست سلبی خط قرمزهایی وجود دارد که هر یک از آنها به نظم سیاسی اقتدار می بخشد که از جمله آن میتوان به استکبارستیزی، ظلم ستیزی و نفی سبیل اشاره نمود و در بعد ایجابی دعوت و همکاری و انعطاف پذیری مطرح است (وائقی راد، ۱۳۸۳: ۴۶۴).

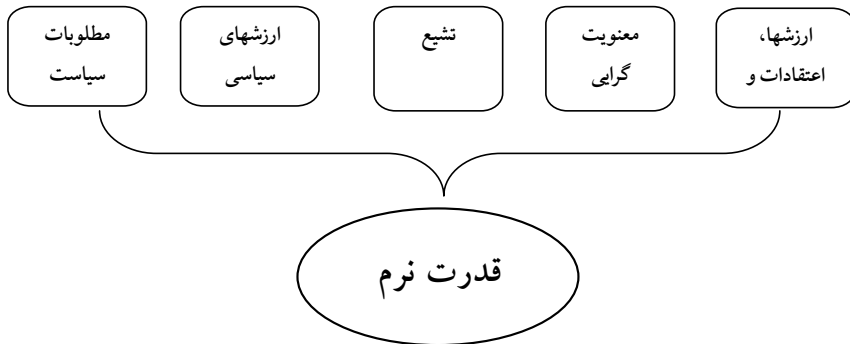
۲-۶-۱. مقابله با جبهه استکبار

سیاست خارجی جمهوری ایران، بر مبنای آموزه های اسلام و مذهب تشیع بر اصولی همچون نفی هر گونه سلطه جویی و سلطه پذیری، حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق مسلمانان، عدم تعهد در برابر قدرت های سلطه گر و روابط صلح آمیز متقابل با دول غیر محارب، همچنین دفاع از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین، نفی سلطه بیگانگان بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ استوار است (جعفری پناه و پور احمدی، ۱۳۹۲: ۱۰۶).

۲-۶-۲. انسجام سیاسی اجتماعی امت اسلامی

قرآن مجید از تفرقه، اختلاف و دو دستیگی به کرانه گودال آتش جنگ یاد کرده که وحدت، اتحاد و یک دستیگی خطر فرو افتادن در چنین گودالی را بر طرف می سازد: آیه ۱۰۳ سوره آل عمران

«بر لبه پرتگاهی از آتش بودید و او از آن، شما را نجات داد.» (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۳۷۱). دین اسلام به مساله وحدت و اتحاد از دیدگاه اجتماعی آن نگریسته و بر اهمیت آن میان انسانها تأکید کرده است. اتحاد و انسجام در سایه وحدت عقیده باثبات ترین و محکمترین نوع انسجام است. با شکل گیری دولت های ملی و تعیین مرزهای سیاسی هر کدام از کشورها، توجه به روابط بین المللی از اهمیت ویژه ای برخوردار شد. در بسیاری از کشورهای ملی بر ویژگی مسلمان بودن مردمان سرزمینشان به عنوان نقطه اشتراک جوامع در راستای انسجام و همبستگی دولت ها است. اصطلاحی حیاتی و استراتژیک برای جهان اسلام که پایه همگرایی هر چه بیشتر امت اسلامی در تقابل با دشمنان و مخالفان است.



شکل ۱: مولفه های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران

پس از طرح مختصر مبانی و منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران ضرورت دارد سطوح قدرت نرم نیز مشخص گردد. در ادامه به این سطوح می پردازیم.

۳. سطوح قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران

برای آن که بتوان تحلیل جامعی از قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران ارائه کرد، سطوح آن را باید مشخص کرد. قدرت نرم جمهوری اسلامی در سه سطح مورد مطالعه قرار گرفته است:

۱-۳. سطح تحلیل ملی

قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در سطح ملی بر عناصری چون ولایت فقیه و رهبری فرهمند

و مقتدر، وحدت و اعتماد ملی، مشروعیت سیاسی و اجتماعی، روح شهادت طلبی، توسعه دانایی محور، جنبش نرم‌افزاری و... استوار است (موسوی و کلانتری، ۱۳۹۰ و شعبانی سارویی، ۱۳۹۲: ۸۵).

۳-۲- سطح منطقه‌ای

قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه‌ای بر مواردی چون بازسازی تمدن اسلامی و احیای تاریخ تمدن و هویت فرهنگی، تاریخی و اسلامی، ارتقای بیداری اسلامی، مقبولیت و محبوبیت منطقه‌ای، احیای هویت جهان اسلام، محوریت ثبات منطقه‌ای، جهانی کردن مبارزه با صهیونیسم، ارتقای موقعیت ژئواستراتژیک ایران در منطقه، الگوی مقاومت بسیج، شکست طرح‌های استکباری در منطقه، تقویت دیپلماسی عمومی و دیپلماسی فرهنگی در منطقه استوار است (شعبانی سارویی، ۱۳۹۲: ۸۵).

۳-۳- سطح تحلیل بین‌المللی

قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در سطح بین‌المللی به چالش کشیدن هژمون فرهنگی غرب، گشایش جبهه ثالث در نظام بین‌المللی بر اساس اصل نه شرقی و نه غربی، شکل‌گیری فرهنگی مقاومت جهانی در برابر استکبار و صهیونیسم جهانی، تقویت گفتمان نفی سلطه و عدالت خواهی، ارتقای فرهنگ جهاد و شهادت و منجی طلبی، رشد گفتمان معنوی و دینی، ترویج روحیه استقلال طلبی در میان مستضعفان جهان، بر هم زدن معادلات قدرت‌های سیاسی امنیتی قدرت‌های بزرگ، تأثیرگذاری بر تحولات و معادلات بین‌المللی، ارتقای توانمندی رسانه‌ای (شعبانی سارویی، ۱۳۹۲: ۸۶-۸۵) اشاره کرد.

با چنین مشخصاتی که از سطوح سه‌گانه قدرت نرم جمهوری اسلامی اشاره شد، می‌توان از آئین پیاده‌روی اربعین به‌عنوان مبنای قدرت نرم ایران در هر سه سطح اشاره و استناد کرد.

۴. اربعین به‌مثابه قدرت نرم

بنیاد نظری این پژوهش بر اربعین به‌عنوان منبع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران استوار است. بی‌شک اصلی‌ترین قدرت نرم یک کشور عبارتند از:

۴-۱- عناصر قدرت نرم در راهپیمایی اربعین

اربعین به‌مثابه قدرت نرم انقلاب اسلامی از عناصر و اجزایی تشکیل شده است که در افزایش و قدرت نرم انقلاب اسلامی مؤثر است.

۴-۱-۱- **عناصر اعتقادی**؛ در راهپیمایی اربعین اعتقاد، باور، مکتب، ایدئولوژی جذاب کاملاً موج می‌زند.

۴-۱-۲- **عناصر فرهنگی و هویتی**؛ در راهپیمایی اربعین پیشینه تاریخی، تمدن و فرهنگی جاذبه‌های فرهنگی از عناصر اساسی است.

۴-۱-۳- **عناصر اجتماعی و انسانی**؛ در راهپیمایی اربعین در کنار اعتقادات باورها، فرهنگ، ایدئولوژی و تعامل تمدن می‌توان به حس تعلق اجتماعی، میزان انسجام و همگرایی، سرمایه اجتماعی و روابط عاطفی انسانی و ... اشاره کرد.

۴-۱-۴- **عناصر رسانه و تبلیغات**؛ راهپیمایی اربعین به‌مثابه یک رسانه بین‌المللی عمل می‌کند و می‌توان به اثربخشی آن، اقناع و افکار سازی و مقابله با همه‌مه و عملیات روانی دشمن و خنثی سازی ترفندهای دشمنان آنان را مورد اشاره کرد.

۴-۱-۵- **عناصر مدیریتی**؛ اجتماع بیش از ۲۵ میلیون نفر در کربلای معلّا، سبک جدیدی از مدیریت را ارائه کرده است. مدیریت مردمی اربعین قدرت نرم مدیریت اسلامی را نشان داده است. تجلی قدرت مرجعیت و ولی فقیه را در این راهپیمایی به‌آسانی می‌توان دید.

۴-۱-۶- **عناصر اقتصادی**؛ در راهپیمایی اربعین نظمی از رفاه اقتصادی برای زائران با تکیه بر منابع مردمی خلق گردیده است که می‌تواند در شرایط سخت مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

۴-۱-۷- **عناصر دیپلماسی و سیاسی**؛ در راهپیمایی اربعین کارایی و کارآمدی مدل نظام سیاسی اسلامی، نقش مرجعیت و رهبری کارزماتیک انقلاب اسلامی، بسیج اجتماعی، اعتماد مردم، ثبات سیاسی و امنیت پایدار و بالا را می‌توان کاملاً رصد کرد.

۵. راهپیمایی اربعین و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران

همان‌طور که اشاره شد راهپیمایی اربعین از منابع اساسی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران به حساب می‌آید. در راهپیمایی اربعین ما شاهد تجلی ارزش‌های چون حق‌مداری، معنویت‌گرایی، عدالت‌محوری، ولایت‌مداری و وحدت و انسجام جامعه اسلامی هستیم. آئین

راهپیمایی اربعین به‌عنوان یک ابزار نرم‌افزاری قدرت کارکردهای ذیل را به انجام می‌رساند:

۵-۱- راهپیمایی اربعین و تقویت اسلام؛

راهپیمایی اربعین موجب تقویت اساسی پایه قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران یعنی ارزش‌ها، اعتقادات و باورهای دینی و طرح مجدد اسلام به‌عنوان یک مکتب حیات بخش شده است. نمود وحدت‌بخشی آن را می‌توان در بسیج یکپارچه سیاسی توده‌ها و طبقات اجتماعی مشاهده کرد. راهپیمایی اربعین ضمن طرح مجدد اثرگذاری دین در عرصه اجتماع به خط فکری جدایی دین از سیاست پایان داد. اسلام سیاسی، مبلغ و مروج معنویت، عدالت، استقلال، آزادی و نوآوری است. اسلام سیاسی تکیه‌گاه، راه‌حل و برنامه‌ای برای بازیابی و بازسازی هویت در جوامع اسلامی است (خرمشاد، ۱۳۸۷: ۳۲). راهپیمایی اربعین با تقویت باورها و اعتقادات دینی به بازسازی هویت دینی - اسلامی انقلاب کمک فراوان کرده است.

۵-۲- اربعین و تعالی گفتمان سیاسی شیعه

همان‌گونه که ذکر شد، انقلاب اسلامی در ایران برگزیده شیعی استوار است. گفتمان سیاسی شیعه توانسته با استفاده از ابزار اجتهاد برای چالش‌های اساسی پیش روی خود که ناشی از ادامه روند تنازع و برخورد «سنت و مدرنیته» است پاسخ‌های مناسبی پیدا کرده و به یک مدل اساسی تبدیل شود (کمالی اردکانی، ۱۳۸۷: ۹۴-۹۵). گفتمان شیعه در سایه انقلاب اسلامی الگویی از رابطه دین و دموکراسی، جایگاه ولی فقیه را ارائه داده است.

راهپیمایی اربعین ضمن تقویت گفتمان انقلاب اسلامی که کارایی مدل حکومت اسلامی را در مسائل مستحدثه نشان می‌دهد به شیعیان اجازه داده است که برای اولین بار در سایه انقلاب اسلامی ظرفیت‌های پنهان و بلااستفاده فقهی، کلامی، فلسفی و تفسیری خود را آشکار کنند. در واقع، راهپیمایی اربعین بخشی از گفتمان سیاسی شیعه را در سایه مردم‌سالاری دینی نشان می‌دهد. در کنار این مباحث باید گفته شود که عنصر انتظار و مهدویت از اصولی است که همواره در کالبد انقلاب اسلامی حاضر بوده است. مهدویت به‌عنوان سرمایه معنوی به فرهنگ شیعه این امکان را داده است تا با تلاش فراوان همراه با صبر و بصیرت به قسمت فتح این قله‌ها و دست‌یابی به آرمان‌ها حرکت کند. راهپیمایی میلیونی اربعین این عناصر قدرت شیعی را که پایه

قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران است را تقویت کرده و آن را پویا نموده است.

۵-۳- اربعین و تقویت فرهنگ ایثار و شهادت

جهاد در راه خدا و شهادت‌طلبی از عناصر اساسی و فرهنگ شیعی و پایه قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران است. در اندیشه و فرهنگ سیاسی شیعه، جهاد و شهادت به‌عنوان یک اصل عامل نجات‌بخش، هدف استراتژیک و عامل تأثیرگذار تلقی می‌گردد. این فرهنگ ریشه در اعتقادات دینی و باورهای مردم دارد. فرهنگ شهادت‌طلبی به‌عنوان اصلی‌ترین منبع قدرت نرم در بین مسلمانان محسوب می‌گردد (افتخاری و شعبانی، ۱۳۸۹: ۹۹). راهپیمایی میلیونی اربعین نیز از آن جهت مهم است که همه زائران به امام حسین (ع) اقتدا می‌کنند. در انقلاب اسلامی با تکیه بر همین روحیه ایثار و شهادت و اقتدا به امام حسین (ع)، موانع بسیاری از جلوی پای انقلاب اسلامی برداشته شد و شهادت‌طلبی به عنصری اساسی در قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران تبدیل شد.

امام خمینی (ره) معمار کبیر انقلاب اسلامی در ترسیم این راهبرد اساسی فرمودند: «اگر بکشیم به بهشت می‌رویم و اگر کشته شویم به بهشت می‌رویم، این منطق شکست ندارد» (امام خمینی، ۱۳۵۷/۰۸/۰۱). بدین ترتیب، راهپیمایی اربعین بار دیگر این گفتمان و شعار را احیاء کرد که اسلحه پیشرفته و برنده انقلاب اسلامی، همان شهادت‌طلبی و نهضت حسینی است؛ بنابراین، راهپیمایی اربعین بار دیگر دو عنصر جهاد و شهادت را به‌عنوان دو عنصر تاریخ‌ساز و سرنوشت‌آفرین حیات اجتماعی مسلمانان مطرح کرد عناصری که آفریننده قدرت نرم و بالندگی و بازدارندگی در مقابل دشمن هستند (محمدی، ۱۳۸۷: ۴۳).

۵-۴- راهپیمایی اربعین و تقویت عدالت‌خواهی

انقلاب اسلامی نقش مهمی در تقویت گفتمان عدالت‌خواهی در جهان داشته است. بی‌شک در سایه همین عدالت‌خواهی است که ملت‌های بسیاری به انقلاب اعتماد و امید بسته‌اند. راهپیمایی میلیونی اربعین در محورهای ذیل در تقویت گفتمان عدالت‌خواهی و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران مؤثر بوده است:

۵-۴-۱- راهپیمایی اربعین به تقویت گفتمان عدالت‌با سیاست که پایه ساخت نظام سیاسی

انقلاب اسلامی است، کمک فراوان کرده و آن را عمق بخشیده است. برقراری عدالت موجب می شود که مردم به حکومت جذب شده و از آن در برابر هجمه ها دفاع کنند. آیت الله خامنه‌ای در این رابطه تأکید دارند «گفتمان عدالت یک گفتمان اساسی است، همه چیز ماست، منحنی جمهوری اسلامی هیچ حرفی برای گفتن نخواهد داشت» (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۸/۱۰).

۵-۴-۲- با راهپیمایی اربعین گفتمان اجرای عدالت انقلاب با میلیون‌ها مخاطب و عاشق مواجه شده است و همین گفتمان باعث شد که بستر و مبارزه برای مقابله با بی‌عدالتی و مبارزه با نظام ناعادلانه جهانی بیش از گذشته فراهم آید و همین مسئله باعث شده است که نظام سلطه در بسیاری از عرصه‌ها در خاورمیانه با شکست مواجه و از اهداف خویش عقب‌نشینی نماید.

۵-۴-۳- عدالت‌خواهی در عصر جدید سرمایه عظیم اجتماعی انقلاب اسلامی است و راهپیمایی اربعین این عنصر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران را توسعه داده است؛ و انقلاب را به پرچم‌دار این جنبش در دنیا تبدیل کرده است. به طوری که عدالت‌طلبی از عناصر قوام‌بخش هویت ایرانی و پایه اسلام شیعی است.

۵-۵- اربعین و جذاب سازی فرهنگ اسلامی

راهپیمایی اربعین جلوه‌های از همدلی، همیاری، تعاون را ... خلق کرده است و فرهنگ اسلامی را در منظر افکار عمومی جذاب کرده است. راهپیمایی اربعین جاذبه فرهنگ ایرانی - اسلامی را در داخل سازمان‌دهی کرده و در برابر جهانی شدن به آن مطلوبیت بخشیده است و این یعنی افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران.

۵-۶- راهپیمایی اربعین و تقویت وفاق ملی

راهپیمایی میلیونی اربعین جلوه‌های از اجتماع عظیم وحدت جهان اسلام است. راهپیمایی اربعین در تداوم آرمان بلند انقلاب اسلامی که وفاق جهان اسلام را وجهه همت خویش قرار داده به تقویت سرمایه اجتماعی انقلاب کمک فراوان کرده است. انقلاب اسلامی با بهره‌گیری از اعتماد ملی به عنوان یک سرمایه اجتماعی و بعد چهارم قدرت توانست به تعمیق وحدت و همبستگی ملی و تجمیع کلیه افشار و گروه‌های ملی و مذهبی کشور همت گمارد و با بهره‌گیری از مشارکت عمومی، وحدت میان ملت با نظام را در جامعه گسترش بخشد. به این

تربیت وفاق اجتماعی به‌عنوان مظهر قدرت نرم انقلاب اسلامی را در برابر چالش و توطئه‌های گوناگون توانمند سازد (دهشیری، ۱۳۹۰: ۳۵).

۷-۵. اربعین به‌مثابه یک رسانه بین‌المللی

اربعین به‌مثابه یک رسانه بین‌المللی به بیان جاذبه‌های فرهنگی شیعی کمک بسیار کرده است؛ و بخش مهمی از هجمه فرهنگی دشمن را علیه انقلاب اسلامی خنثی کرده است. به عبارتی اربعین در نقش یک رسانه بین‌المللی و فراگیر به دفع تهدیدات دشمن و استفاده از فرصت‌ها برای صیانت از انقلاب اسلامی کمک بسیار کرده است. اهمیت اربعین به‌عنوان یک منبع مهم در دیپلماسی عمومی از آنجا مهم است که دشمن در شرایط کنونی به دنبال استراتژی انزوای جمهوری اسلامی ایران است و راهپیمایی اربعین این پروژه را ناکام گذاشته است. مهم‌ترین آثار اربعین در این عرصه عبارت است از:

۷-۵-۱. مجذوب کردن فرهنگ اسلامی بخصوص فرهنگ شیعی

۷-۵-۲. مشروعیت بخشیدن به سیاست‌های انقلاب اسلامی و این یعنی تقویت قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران؛

۷-۵-۳. ارتقاء موقعیت بین‌المللی انقلاب اسلامی در میان دولت‌ها و ملت‌های مسلمان و این یعنی تقویت دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران.

۷-۵-۴. دفع تهدیدات و خنثی‌سازی توطئه بدنام کردن جمهوری اسلامی ایران در سطح افکار عمومی.

۷-۵-۵. نمایش استحکام درونی جمهوری اسلامی ایران.

۷-۵-۶. مقابله خبری با امپریالیسم خبری، امپریالیسم خبری در حقیقت به معنی سلطه‌جویی انحصاری در شریان‌های خبررسانی جهان است (زهره‌ای، ۱۳۸۹: ۲۵). راهپیمایی میلیونی اربعین به دلیل حضور گسترده اقدام و ملل مختلف و نمایش حقایق جهان اسلام انحصار خبری امپریالیسم غربی را درهم شکسته و به قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با جهان استکبار کمک بسیار کرده است.

نتیجه‌گیری

احیاء مراسم اربعین پس از سقوط صدام حسین به شکل گسترده و فراگیر باعث طرح این پرسش گردید که اربعین چیست؟ جایگاه اربعین و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در کجاست؟ در پاسخ به این پرسش‌ها این فرضیه مورد تأیید قرار گرفت: که راهپیمایی اربعین با بسط ارزش‌های دینی، عدالت‌خواهی ایثار و شهادت و استقلال‌خواهی موجب تقویت قدرت نرم جمهوری اسلامی شده است. پیامد این پژوهش در دو بعد نظری و عملیاتی قابل توجه و بحث است. در بعد نظری نخست بهره‌گیری از منابع قدرت نرم اسلام باعث گردید که بر اعتبار منابع قدرت نرم افزوده شود و مشخص گردید قبل از دیدگاه جوزف نای اسلام و جمهوری اسلامی دارای ظرفیت عظیمی در این حوزه بوده است.

انقلاب اسلامی در ایران با احیاء اسلام و ارزش‌های دینی و انسانی به‌عنوان شاخصه قدرت نرم ظرفیت عمق‌بخشی به راهبردهای خودش را دارد. ارزش‌ها، معنویت‌گرایی، تشیع، مهدویت و انتظار، ایثار و شهادت و ولایت‌فقیه از منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران هستند. اربعین به‌مثابه قدرت نرم جمهوری اسلامی از عناصر اعتقادی، فرهنگی و هویتی، اجتماعی و انسانی، رسانه و تبلیغات، مدیریت، اقتصاد، دیپلماسی و سیاسی برخوردار است. از این رهگذر منابع قدرت نرم که ریشه در اربعین دارد در شکل‌دهی و گسترش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران نقش‌آفرین است.

دوم: در بحث از قدرت نرم سطوح مختلفی وجود دارد که در هر سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی اربعین اثرگذار است. در بعد عملیاتی نخست افزایش اعتبار فرضیه پژوهش می‌تواند موجب تقویت قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در ابعاد مختلف سیاسی و فرهنگی، مدیریتی، اقتصادی و ... به همراه داشته باشد و موجب اتحاد و انسجام و افزایش قدرت نرم انقلاب اسلامی گردد. نهایتاً برای افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی باید بر اربعین متمرکز شد و از آن به‌عنوان یک بستر اساسی برای مقابله با تهدیدات نرم و سخت استفاده نمود.

مسئله دیگر به نظر می‌رسد با تحقق بخشی به فرهنگ اربعین و تداوم آن در هر سال بر اعتبار این فرضیه که موجب تقویت قدرت نرم جمهوری اسلامی می‌شود افزوده شود و این مسئله می‌تواند نیاز به قدرت سخت از سوی جمهوری اسلامی برای مواجهه با تهدیدات کاهش دهد و در وضعیت ضعف در قدرت سخت موجب ارتقاء قدرت جمهوری اسلامی گردد.

ره آورد دیگر این پژوهش توسعه قدرت نرم و کاهش قدرت نظامی در سطح منطقه خواهد بود و می‌تواند حلقه‌های همکاری ایران با دیگر ملل تقویت نموده و به هژمونی شدن قدرت جمهوری اسلامی ایران کمک نماید.

منابع و مأخذ

۱. افتخاری، اصغر (۱۳۸۹). «برتری قدرت نرم، بازخوانی نظریه جهاد در قرآن کریم» در کتاب قدرت نرم، امنیت نرم، تهران، انتشارات امام صادق (ع).
۲. افتخاری، اصغر و جانی پور، احمد (۱۳۹۲). «منابع قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران (مطالعه موردی، تحلیل وصیت‌نامه شهدای دانشگاه امام صادق (ع))»، فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال سوم، شماره ۹، ۴۶-۲۲.
۳. افتخاری، اصغر و شعبانی، ناصر (۱۳۸۹). قدرت نرم نبرد نامتقارن تحلیل جنگ ۳۳ روزه حزب الله و جنگ ۲۲ روزه غزه، ج ۱، تهران: انتشارات امام صادق (ع).
۴. الماسی، محمدحسین (۱۳۸۸). ماهیت و عناصر قدرت نرم، تهران: نشر ساقی.
۵. الگار، حامد (۱۳۶۰) انقلاب اسلامی در ایران، ترجمه مرتضی اسعدی و حسن چنیدری، تهران: انتشارات قلم.
۶. آیت الله خامنه ای - ۱۳۹۸/۷/۳- ، <https://khl.ink/f/42674>
۷. آیت الله خامنه ای - ۱۳۷۰/۱۱/۳۰- ، <https://farsi.khamenei.ir/speech?nt=2&-> ، year=1370
۸. امام خمینی، ۱۳۵۷/۰۸/۰۱.
۹. باقری، سیامک (۱۳۸۸). «قدرت نرم بسیج»، فصلنامه میثاق (بسیج متخصصین)، شماره ۷، نمایندگی ولی فقیه در سازمان بسیج مستضعفین.
۱۰. باقری، شهلا (۱۳۹۶). «راه‌پیمایی اربعین حسینی و دلالت‌های گفتمانی آن در ظرفیت بخشی تمدنی»، سومین همایش زیارت اربعین، دانشگاه امام صادق (ع).
۱۱. بیانات رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله خامنه ای در جمعی از دانشجویان، <https://farsi:khamenaei.ir/news-part-index?id=3257> .۱۳۸۳/۸/۱۰
۱۲. پرویش، محسن (۱۳۹۸). «بررسی ظرفیت‌های تمدن سازی در جهان اسلام با تکیه بر

۱۳. پیاده‌روی اربعین»، تمدن اسلامی و دین پژوهی، سال اول، شماره دوم، ۵۵-۳۵.
۱۳. تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۱). مقدمه‌ای بر استراتژی‌های امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران رهیافت‌ها و راهبردها، ج ۱، تهران، مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری.
۱۴. جانباز، دیان؛ رحمانی، محسن و عالی بیگی، کاظم (۱۳۹۹). «انقلاب اسلامی ایران، ظهور ژئوپلیتیک شیعه، تغییر موازنه قدرت»، فصلنامه علمی جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، ۱(۳)، صص ۱۳۹-۱۵۳.
۱۵. جعفری پناه، مهدی و پور احمدی، حسین (۱۳۹۲). «قدرت نرم از دیدگاه اسلام و کاربرد مؤلفه‌های آن در جمهوری اسلامی ایران»، دو فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال سوم، شماره ۸، صص ۹۷-۱۱۳.
۱۶. جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۸)، اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، تهران: پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی.
۱۷. حیدری، نصرت اله (۱۳۹۰). ماهیت و چستی جنگ نرم، ایلام: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.
۱۸. جنیدی، رضا و ملانی، مسعود (۱۳۹۸). «راهبردهای مبتنی بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در مقابله با قدرت هوشمند ایالات متحده آمریکا»، فصلنامه راهبرد سیاسی، سال سوم، شماره ۸، صص ۶۵-۸۹.
۱۹. خرمشاد، محمدباقر (۱۳۸۸). «فوکو و انقلاب اسلامی ایران»، معنویت‌گرایی در سیاست، پژوهشنامه متین، شماره ۱، تاریخ انتشار: ۱۳۸۹/۴/۱۳.
۲۰. دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۰). «حکمت اسمی، رویکرد تمدنی به دیپلماسی فرهنگی»، مجله روابط فرهنگی، شماره ۳، صص ۳۹-۳۰.
۲۱. رضایی، علیرضا (۱۴۰۰). «سیاست خارجی مطلوب دولت ابراهیم رئیسی؛ الگوی نظم عدالت محور مبتنی بر استراتژی موازنه نرم»، فصلنامه راهبرد سیاسی، سال پنجم، شماره ۱۷، صص ۱-۲۳.
۲۲. زهره‌ای، محمدعلی (۱۳۸۹). درآمدی بر سایبر دیپلماسی و قدرت نرم در عصر جهانی شدن فرهنگ، تهران: انتشارات بین‌المللی گاج.
۲۳. سبحانی‌فر، علی (۱۴۰۰). «ارائه الگو دفاع نرم سیاسی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر

- گفتمان امام خامنه ای (مدظله العالی)، فصلنامه علمی مطالعات دفاع مقدس، سال هفتم، شماره ۲۷، صص، ۶۹-۸۹.
۲۴. سعیدی، روح الامینی و مقدم فر، حمیدرضا (۱۳۹۳). «منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، دو فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال چهارم، شماره ۱۱، صص ۱۰۷-۱۲۶.
۲۵. سعیدی نژاد، حمیدرضا (۱۳۸۷). برری رابطه ارزشهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی با از خود بیگانگی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه، گزارش پژوهشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه.
۲۶. شایگان، فریبا و مؤمنی راد، فهیمه (۱۳۹۶). «شاخصه‌های اقتدار اسلامی در اجتماع عظیم اربعین حسینی»، سومین همایش زیارت اربعین، دانشگاه امام صادق (ع).
۲۷. شجاعیان، محمد (۱۳۸۲). انقلاب اسلامی و رهیافت فرهنگی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۸. شعبانی سارویی، رمضان (۱۳۹۲). «قدرت نرم و هویت فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران»، دو فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال سوم، شماره ۹، ۹۸-۷۹.
۲۹. صادقی، علی (۱۴۰۰). «نقش گردشگری جنگ و یادمان‌های دفاع مقدس در تقویت قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه علمی مطالعات دفاع مقدس، سال هفتم، شماره ۲۷، صص ۲۰۹-۲۲۸.
۳۰. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۳)، میزان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، قم: انتشارات اسلامی، ج ۳.
۳۱. عالم، عبدالرحمان (۱۳۷۳) بنیادهای علم سیاست، تهران: نشر نی.
۳۲. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۶۷) انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، تهران: نشر کتاب سیاسی.
۳۳. علی پورگرچی، محمود؛ سیفی، عبدالمجید و سامری، نادیا (۱۴۰۰). «دگردیسی قدرت سیاسی شیعیان عراق با تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی ایران»، فصلنامه علمی جامعه شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، سال دوم، شماره ۶، صص ۱۰۳-۱۱۹.
۳۴. غفاری هشتجین، زاهد و آقایی، محمد (۱۳۹۷). «پیاده‌روی اربعین حسینی به مثابه جنبش اجتماعی»، دو فصلنامه دانش سیاسی، سال ۱۴، شماره اول، پیاپی ۲۷، صص ۲۱-۱.

۳۵. کمالی اردکانی، علی اکبر (۱۳۸۷). انقلاب اسلامی ایران و تعالی گفتمان سیاسی شیعه، گفتارهایی درباره انقلاب اسلامی ایران به کوشش جلال درخشه، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

۳۶. لک زایی، نجف (۱۳۸۹). «کاربردهای امنیتی انسان‌شناسی حکمت متعالیه»، مطالعات راهبردی، سال ۱۳، شماره ۵۰، صص ۸۴-۶۳.

۳۷. متقی، افشین و ملاحسینی اردکانی، رضا (۱۳۹۹). «تبیین جایگاه و نقش اربعین در ارتقای پرستیژ ژئوپلیتیکی تشیع»، فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال دوازدهم، شماره سوم، صص ۱۱۲-۹۳.

۳۸. متقی زاده، احمد (۱۳۹۰). مؤلفه‌های قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران، مطالعات قدرت نرم، شماره ۲، ۱۲۷-۱۰۵.

۳۹. محمدی، علیرضا (۱۳۸۴). «هم مردم سالاری و هم دینی؛ مفهوم مردم سالاری دینی چیست»، مجله پرسمان، شماره ۳۶.

۴۰. محمدی، یدالله (۱۳۸۷). «انقلاب اسلامی و نقش تاریخ‌ساز امام خمینی در تولید قدرت نرم»، فصلنامه مطالعات عملیات روانی، شماره ۲۰، ۶۶-۳۷.

۴۱. مجتهدزاد، پیروز (۱۳۸۵). «دادگری پدیده‌ای از هویت ایرانی»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۲۳-۲۲۴.

۴۲. معینی پور، مسعود (۱۳۹۶). «ابعاد تحقق امنیت پایدار در پرتو مناسک دینی با تأکید بر راهپیمایی اربعین»، سومین همایش زیارت اربعین، دانشگاه امام صادق (ع)، https://www.civilica.com/Paper-ARBAIN03-ARBAIN03_012.html

۴۳. مطهری، مرتضی (۱۳۵۹). پیرامون انقلاب اسلامی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۴۴. ملکوتیان، مصطفی (۱۳۸۹). «ایدئولوژی و رهبری و تأثیر آن بر پیروزی سریع، ثبات پایدار و بازتاب جهانی انقلاب اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۰، شماره ۲، صص ۲۸۷-۳۰۵.

۴۵. موسوی، سید محمد و بیات، رضا (۱۳۹۷). «کاووشی در آیین پیاده‌روی اربعین حسینی و اثرگذاری کارکردهای اجتماعی-سیاسی آن»، دو فصلنامه علمی نامه فرهنگ و ارتباطات، سال سوم، شماره اول (پیاپی ۵)، صص ۱۱۶-۹۳.

۴۶. موسوی، سید محمد و کلانتری، مونا (۱۳۹۰). «راهکارهای تقویت هویت اسلامی و ملی دانشجویان از دیدگاه حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری»، مطالعات قدرت نرم، سال دوم، ۲۳، شماره پنجم، صص ۹۴-۷۱.
۴۷. حیدری، نصرت اله (۱۳۸۹). «نقش دانشگاه در تولید و توسعه قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، کرمانشاه، مجموعه مقالات همایش ملی جنگ نرم، مهری، گردآورنده محمدجواد، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، صص ۱۵۴-۱۲۹.
۴۸. نای، جوزف (۱۳۸۹). قدرت نرم ابزارهای موفقیت در سیاست بین الملل، ترجمه، سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران، امام صادق (ع).
۴۹. نای، جوزف (۱۳۸۷). قدرت نرم، ترجمه سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری: تهران: دانشگاه امام صادق (ع) و پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.
۵۰. هرسیج، حسین و مجتبی تویسرکانی (۱۳۸۹). «تأثیر مولفه های هویت ساز ایرانی بر قدرت نرم جمهور اسلامی ایران»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره سوم ش ۹.
۵۱. واثقی راد، محمدحسین (۱۳۸۳). نگرشی نوبه تاریخ اسلام، قم: آفاق غدیر، ج ۱.
52. Nye, J. S. (1990). Soft power. Foreign policy, (80), 153-171.
53. Lee, D. Sharp, V. J. & Konety, B. R. (2005). Use of bipolar power source for transurethral resection of bladder tumor in patient with implanted pacemaker. Urology, 66(1), 194.

بررسی مبانی تألیف قلوب و نقش آن در تعمیق قدرت نرم حاکمیت اسلامی با تأکید بر فضای مجازی

محمد رسول آهنگران^۱

محمد رضا محمودی^۲

فاطمه حاجی زاده^۳

چکیده

قدرت به عنوان تضمین کننده حاکمیت ملی به دو قسم نرم و سخت تقسیم می گردد. قدرت نرم به دلیل محاسن گسترده همواره مورد توجه حاکمیت دینی بوده است. در اسلام ابزارهایی برای قدرت نرم وجود دارد و یکی از مهم ترین آن ها «تألیف قلوب» می باشد. پژوهش پیش رو با روش اسنادی کتابخانه ای به بررسی نقش تألیف قلوب در افزایش قدرت نرم می پردازد. مهم ترین هدف از تألیف قلوب، تقویت امنیت و گسترش اسلام است. بررسی های صورت گرفته نشان می دهد اصل تألیف پس از پیامبر (ص) به اعتقاد فقها نه تنها نسخ نشده بلکه از اولویت بیشتری نیز برخوردار است، همچنین قلمرو تألیف شونده گان نیز اعم از مسلمان و غیر مسلمان می باشد. به طور کلی تألیف قلوب دارای ابزارهای اقتصادی شامل زکات، فیه و انفال، خمس و ابزارهای غیراقتصادی شامل وقف، تقیه مداراتی، قرارداد امان و اهتمام عملی و لسانی به برخورد نیکو می باشد. همچنین با توجه به گسترش ابزارهای ارتباطی استفاده از تألیف قلوب در فضای مجازی نیز متصور است. تألیف قلوب در فضای مجازی به دلیل گستردگی مصادیق و ابزارها و پیچیدگی آن نیازمند وجود سازمان منسجم به جهت تألیف می باشد. واژگان کلیدی: تألیف قلوب، فضای مجازی، قدرت نرم، حاکمیت اسلامی.

۱. استاد فقه و مبانی حقوق پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران.

۲. استادیار گروه فرهنگ و رسانه دانشکده شهید محلاتی، قم، ایران (نویسنده مسئول)

mrmahmudi@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران

مقدمه

مفهوم قدرت دارای سیر تطور در ادبیات معاصر است. ساختار سنتی قدرت که اغلب اشاره به قدرت سخت داشت، امروزه از ماهیت خود فاصله گرفته و به قدرت نرم تغییر یافته است (قوام، ۱۳۹۰: ۸۷) نظر به اینکه مرجع مشخصی برای صیانت و حمایت دولت‌ها در نظام بین‌المللی وجود ندارد، انگیزه برای تکیه بر توانمندی‌های داخلی گسترش پیدا می‌کند. کسب قدرت مهم‌ترین مؤلفه در این میان است و نقش محوری را در کسب توانمندی‌ها ایفا می‌نماید. (collins, 2010: 45) در دو دهه اخیر نگاه سنتی نسبت به مقوله قدرت تضعیف شده و جایگاه خود را به نگاه نرم‌افزاری به این مقوله مهم داده است. یکی از مهم‌ترین مقوله‌های قدرت نرم در جهان معاصر، فضای مجازی است. اهمیت بستر فضای مجازی خصوصاً پس از دوران شکل‌گیری وب تعاملی^۱ و آغاز دوران وب ۳ و با وب معنایی^۲ ظهور و بروز جدی‌تری یافته است. انقلاب اطلاعات یکی از مهم‌ترین خصوصیت‌های نسل‌های جدید وب است (کریمی فرد، ۱۳۹۹: ۸۳) دولت‌ها برای کسب قدرت از رسانه‌ها استفاده می‌کنند و قدرت نرم را با محوریت رسانه در ابعاد مختلف حاکمیتی (اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و...) دخیل می‌نمایند. (anderson, 2007: 84)

جمهوری اسلامی نیز از ابتدا با تکیه بر باور عمومی مردم به آرمان‌های انقلاب و با محوریت ظلم‌ستیزی و زمینه‌سازی برای حکومت مهدوی شکل گرفته است و برای چنین نظامی قدرت نرم و تقویت آن در سطوح مختلف از اهمیت بسیار زیادی برخوردار می‌باشد. مؤلفه‌ها و عناصر تقویت‌کننده قدرت نرم در آموزه‌های فقهی و قرآنی مورد بحث و بررسی قرار گرفته و تبیین شده‌اند که به‌کارگیری آن‌ها زمینه‌سازی تعمیق قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران خواهد شد. یکی از مهم‌ترین زمینه‌های تعمیق قدرت نرم، استفاده صحیح از اصل «تألیف قلوب» می‌باشد. این اصل نقش مهمی در زمینه‌سازی برای بسط تفکرات و اندیشه انقلاب اسلامی دارد که این‌ها مهم‌ترین خواسته‌های انقلاب اسلامی هستند. «مؤلفه القلوب» در نگاهی حداقلی شامل یک صنف از اصناف مستحقان زکات است که باهدف جذب آنان به اسلام و یا دفع خطر آنان برای اسلام مورد حمایت مالی قرار می‌گیرند؛ اما می‌توان با رویکردی حداکثری به این مقوله دامنه

1. Interactive Web

2. Semantic web

مصادیق آن را گسترش داد.

پیشینه پژوهش:

پیش از این سید هاشم پورمولا در مقاله تألیف قلوب در فقه امامیه و چگونگی اجرای آن در عصر غیبت و سید مصطفی میر محمدی در مقاله تألیف قلوب، مفهوم قلمرو و کاربست آن در وضعیت معاصر به بررسی جوانب مختلف تألیف قلوب پرداخته‌اند. همچنین محمدحسین گنجی در پایان‌نامه با عنوان مؤلفه قلوبهم و کاربرد آن در عصر حاضر به بررسی کاربست‌های تألیف قلوب در شرایط معاصر پرداخته است اما طرح موضوع به نحو مذکور در هیچ‌یک از آثار قبلی مشاهده نشد.

سؤال اصلی این پژوهش بررسی کاربرد قاعده تألیف قلوب در افزایش قدرت نرم حاکمیت اسلامی و بررسی جایگاه فضای مجازی در این مهم است. فرضیه‌ای که در پاسخ به این سؤال مورد بررسی قرار می‌گیرد این است که تألیف قلوب می‌تواند زمینه‌ساز افزایش قدرت نرم حاکمیت اسلامی باشد و در این مسیر امکان اجرای قاعده تألیف قلوب در جهت افزایش قدرت نرم در فضای مجازی نیز وجود دارد.

قدرت نرم:

«جوزف نای» اولین شخصی بود که از مفهوم قدرت نرم استفاده نمود. به عقیده وی مهم‌ترین بحث در قدرت نرم توانایی تأثیرگذاری بر دیگران است (nye,2004:5) قدرت نرم ثمره استفاده مؤثر از تکنیک‌های رسانه‌ای و توانایی تصویرسازی مثبت و اثرگذاری عمیق بر دیگران است که اغلب به صورت غیرمستقیم انجام می‌شود و در مسیر آن از فنون مختلف اقناع (مهارتی، احساسی، ادراکی و...) استفاده می‌گردد. امروزه قدرت نرم در برابر قدرت سخت یا جنگ نظامی و تسلیحاتی بکار می‌رود. (خراسانی، ۱۳۸۹: ۴۵) البته برخی از محققین این دورا قسیم یکدیگر نمی‌دانند (طبسی و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۷۳) در تعریف «نای» یکی از مهم‌ترین منابع قدرت ملی، قدرت نرم است. به اعتقاد وی قدرت در تعریف امروزی نقطه ثقلی در مباحث نظامی ندارد و عوامل مختلف دیگری مانند تکنولوژی، آموزش و رشد اقتصادی به عنوان اولویت‌های قدرت نرم در عرصه بین‌المللی هستند (Nye,1990:154)

«ساموئل بارکین» نیز از دیگر معتقدان به قدرت نرم در تعمیق قدرت دولت‌های معاصر است و شناخت قدرت نرم و شیوه عملکرد آن را بسیار دشوار می‌داند (barkin,2006:45). در قدرت نرم، فرهنگ مسلط که توسط رسانه‌های اجتماعی پشتیبانی می‌شود مهم‌ترین منبع قدرت می‌باشد. عناصر اصلی تشکیل‌دهنده فرهنگ حاکم بر کشورهای مختلف شامل زبان ملی، ارزش‌ها و هنجارهای عمومی است که توسط رسانه‌های انبوه^۱ تبلیغ و ترویج می‌گردد. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۱۰۶) توسعه ارتباطات و گستردگی شبکه‌های اجتماعی در دوران وب ۲^۲ و شکل‌گیری امپریالیسم رسانه‌ای تأثیر بسیار زیادی بر وابستگی دولت‌های ضعیف به قدرت‌های جهانی داشته است (برجلی زاده، ۱۳۹۸: ۲۵) این توسعه موجب پراکنده شدن قدرت‌های دولتی به بازیگران خصوصی و فرا منطقه‌ای و تغییر در ماهیت قدرت نرم در روابط بین‌الملل گردیده است (همان، ۱۳۹۱: ۲۰۴) شکل‌گیری امپریالیسم رسانه‌ای و جهانی شدن موجب تشدید رقابت‌ها برای ایجاد قدرت نرم شده است. (کیایی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۴۸) مبانی قدرت نرم از منظر اسلام به دلیل تفاوت جهان‌بینی تفکر اسلامی و غربی دارای ماهیت متفاوتی است. در اسلام شاخصه‌هایی مانند جهاد و شهادت، خدامحوری، اخلاق از مولفه‌های قدرت نرم به حساب می‌آید. هنجارهای اساسی دینی اجازه استفاده از هر شاخصه‌ای به جهت افزایش قدرت نرم در اسلام را نمی‌دهد و این شاخصه‌ها می‌بایست با اصول و مبانی و ارزش‌های دینی سازگاری داشته باشند. (جعفری پناه و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۱۰)

تألیف قلوب:

«تألیف» که ریشه آن «الف» است به معنای انضمام (مصطفوی، ۱۴۰۲ق، ج ۱: ۱۰۶) و اجتماع (راغب، ۱۴۱۲ق: ۸۰) با میل و رغبت استعمال شده است. از نظر لغوی تألیف قلوب به معنای از بین بردن تفرقه و الفت دادن میان دو شیء است. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۹: ۹) پس می‌توان تألیف قلوب را در علم لغت، مرادف پیوند دل‌ها دانست.

واژه‌ی مرکب «تألیف قلوب» را باید از دو نظر بررسی نمود: یکی از نظر لغوی و دیگری اصطلاح فقهی. در معنای لغوی برخی آن را به معنای الفت و دوستی ذکر کرده‌اند. (ابن منظور، ۱۴۱۴

1. mass media
2. Interactive Web

ق، ج ۹: ۱۰) در فارسی بیشترین استعمال آن در مفهوم «پیوند» بوده است. (قرشی، ۱۴۱۲ ق، ج ۱: ۹۲) «قلوب» نیز جمع قلب و به معنای وارونه و دگرگون نمودن است. (قرشی، ۱۴۱۲، ج ۶: ۲۵) قلب در معانی مختلفی در قرآن به کارگیری شده است و خداوند آن را منشأ خیر و شر می‌داند. در برخی موارد منظور از قلب، روح و نفس انسانی است. (مصباح یزدی، ۱۳۷۸: ۱۳۷۸) و به همین علت است که مفسرین دریافت وحی باروح پیامبر (ص) و شناخت به آن را مطرح نموده‌اند. (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۰: ۲۰۷-۲۲۱) با توجه به موارد ذکر شده می‌توان تألیف قلوب را نوعی سازگاری و همدلی برای گذران زندگی در میان مردم دانست. کما اینکه در فارسی نیز این واژه به معنای پیوند میان مردم استعمال شده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۴: ۵۵۳۷) از نظر فقهی تألیف قلوب عبارت است از: «حمایت اقتصادی مسلمین و یا کفار توسط پیامبر، امام و یا ولی امر مسلمین به منظور جلب آنان برای جهاد و اسلام و دفاع از آن.» برای این حمایت اقتصادی اسلام بودجه‌ی خاصی را اختصاص داده و آن قسمتی از زکات است که به عنوان مالیات اسلامی، از مردم مسلمان گرفته می‌شود. کسانی که چنین مورد کمک و حمایت قرار می‌گیرند «مؤلفه قلوبهم» و یا «مؤلفه القلوب» نامیده می‌شوند. (شهید اول، ۱۴۱۲ ق: ۱۹۳)

تعریف اصطلاحی تألیف قلوب عبارت است از اعطای بخشی از زکات به کفار باهدف تألیف قلوب و متمایل نمودن دل‌های آنان به اسلام که موجب همراهی آنان در جهاد و دفاع به نفع مسلمانان خواهد بود. همچنین اعطای بخشی از زکات به افراد ضعیف‌الایمان از مسلمانان به جهت همراهی با مسلمانان در جهاد و دفاع را نیز شامل می‌گردد. (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۰ ق، ج ۲: ۳۰)

مبانی تألیف قلوب:

تألیف قلوب دارای مبانی مختلف نقلی و عقلی است که در ادامه به آنان اشاره می‌گردد:

قرآن

در آیاتی از قرآن کریم مانند آیه ۱۰۳ سوره آل عمران: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَادْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ...»^۱ و آیه ۶۳ سوره انفال: «وَأَلَّفَ

۱. و همگی به رشته (دین) خدا چنگ زده و به راههای متفرق نروید، و به یاد آرید این نعمت بزرگ خدا را که شما با هم دشمن بودید، خدا در دل‌های شما الفت و مهربانی انداخت

بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفَتَّ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ...»^۱ به موضوع تألیف قلوب مسلمانان و آیه ۶۰ سوره توبه «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ... وَالْمَوْلَمَةِ قُلُوبِهِمْ... فَرِيضَةً مِنَ اللَّهِ...»^۲ به اختیارات حاکم اسلامی، در استفاده کردن از منابع مالی، برای تألیف قلوب کافران اشاره شده است.

روایات

تألیف قلوب در روایات مختلفی مورد اشاره معصومین (ع) قرار گرفته است. پیامبر (ص) در این خصوص می فرماید: خیارکم احسنکم اخلاقاً الذین یألفون و یؤلفون^۳ (نوری، ۱۴۰۸ ق، ج ۸: ۴۵۱) همچنین حضرت علی (ع) نیز می فرماید: طوبی لمن یألف الناس و یألفونه علی طاعة الله^۴ (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۷۵: ۵۶) در برخی از روایات یکی از مهم ترین علل حج را زمینه سازی برای تألیف قلوب میان کشورهای اسلامی ذکر کرده است چراکه آشنایی مسلمانان با یکدیگر زمینه ساز همدلی و تألیف قلوب میان اقوام و مزاحم مذاهب مختلف می گردد (کشکولی، ۱۳۸۳: ۱۸۹) گونه ای دیگر از روایات مؤید اصل تألیف روایاتی است که اشاره به بخشش غنائم به مشمولین این اصل دارد. در این باره روایات متعددی از پیامبر اسلام (ص) وجود دارد که دال بر تقسیم غنائم جنگی و اعطای آنان به قریش به جهت تألیف قلوب است (نیشابوری، بی تا: ۱۰۸) روایت پرداخت زکات به مشمولین اصل تألیف نیز از دیگر روایات مؤید این اصل هست. در این روایات به سیره پیامبر نسبت به بخشش قسمتی از زکات به جهت تألیف قلوب اشاره شده است (نوری، ۱۴۰۸، ج ۷: ۱۰۲)

۱. و الفت داد دل‌های مؤمنان را، دل‌هایی که اگر تو با تمام ثروت روی زمین می خواستی میان آنها الفت دهی نتوانستی، لیکن خدا تألیف قلوب آنها کرد
۲. (مصرف) صدقات منحصرًا مختص است به (این هشت طایفه): فقیران و عاجزان... و کسانی که باید تألیف قلوب آنها کرد (یعنی برای متمایل کردن بیگانگان به دین اسلام)... این مصارف هشتگانه فرض و حکم خداست
۳. بهترین شما کسانی هستند که اخلاقشان نیکوتر است آنانکه با مردم طرح الفت و محبت می ریزند و مردم نیز با آنها پیوند اُنس و دوستی برقرار می کنند
۴. «خوشا به حال کسی که بر پایه طاعت خداوند، با مردم الفت می گیرد و مردم با او الفت می گیرند.

اجماع

بررسی آراء فقها این مطلب را تبیین می‌نماید که اجمالاً بر وجود اصلی تألیف در اسلام و موارد مصرف آن اتفاق نظری وجود دارد (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۱۵: ۳۴۳) (قرضاوی، ۱۴۰۱، ج ۲، ۶۱۰) (حلی، ۱۴۱۳، ج ۱: ۳۴۸)

بنای عقلا

تأمل در سیره عقلا در هر دین و مذهبی این واقعیت را نشان می‌دهد که همواره عقلای قوم نسبت به رأفت و عطف به جهت جلب قلوب مردم توجه ویژه داشته‌اند و همواره از به‌کارگیری خشونت و درشت‌گویی به جهت دفع مردم پرهیز می‌نمایند با تأمل در ادله اربعه می‌توان به مشروعیت اصل تألیف قلوب در اسلام حکم نمود.

قلمرو تألیف شوندهگان:

در بحث قلمرو تألیف شوندهگان دو دیدگاه مهم وجود دارد: شمول صرفاً کفار و شمول کفار و مسلمین.

۱. کفار: قائلین به شمول اختصاصی کفار معتقدند تنها مخاطب اصل تألیف کافرانی هستند که با اعطای صدقات تمایل به اسلام در آن‌ها ایجاد می‌گردد. (طوسی، ۱۳۸۷، ق، ج ۱: ۲۴۹) مدعای این گروه هم برای اختصاص مشمولین تألیف قلوب، اجماع می‌باشد (همان)

۲. کفار و مسلمانان: قائلین به قول دوم علاوه بر شمول تألیف قلوب به کفار به جهت تمایل و حمایت از اسلام، مسلمانان را نیز در چند مصداق، مشمول اصل تألیف قلوب می‌دانند.

اول: مسلمانانی که در قومشان خویشاوندی با کفار داشته باشند که تألیف قلوب زمینه‌ساز ترغیب اقوام کافرشان گردد.

دوم: مسلمانانی که در ایمان و عقیده ضعیف هستند و بهره‌مندی آن‌ها از اصل تألیف قلوب می‌تواند مانع تزلزل آنان از اسلام گردد.

سوم: مسلمانانی که عاملان و مباشران جمع‌آوری زکات هستند.

چهارم: مسلمانان مرزنشینی که بهره‌مندی آن‌ها از اصل تألیف قلوب زمینه‌ساز حراستشان از مرزهای حکومت اسلامی می‌گردد (عراقی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱:۳) (امام خمینی، بی تا، ج ۱، ۳۳۶) قائلین به مورد چهارم به تألیف قلوب منافقین مکه مانند ابوسفیان و صفوان ابن امیه توسط پیامبر اسلام (ص) استناد می‌نمایند (مغنیه، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ۸۲) نظر به وجود اقوال مختلف در مشمولین اصل تألیف قلوب و ذکر مصادیق عام (کفار و مسلمین) توسط فقها، ادعای اجماع غیرقابل قبول می‌باشد. همچنین وجود روایات مختلف در خصوص مصداق قرار دادن مسلمانان در اصل تألیف و ذکر عبارت «مولفه قلوبهم» در قرآن که به‌وضوح بر مسلمان قرار دادن مشمول اصل تألیف اشاره می‌نماید ادعای قائلین به قول اول را نفی می‌نماید. بنابراین تألیف قلوب شامل هر دو گروه مسلمانان و کفار می‌گردد (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۷، ۱۰۳). عده‌ای از علما نه تنها مسلمان بودن را در تألیف قلوب شرط نمی‌دانند بلکه فقیر بودن را نیز در شمول آن دخیل نمی‌دانند. (عراقی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ۱۲) طبق نظر ایشان در صورت مصلحت اسلام حتی در صورت غنی بودن نیز می‌بایست افراد مشمول اصل تألیف قلوب قرار گیرند.

تألیف قلوب و تعمیق قدرت نرم:

برای تعمیق قدرت نرم می‌بایست منابع آن را شناخت و با تقویت منابع قدرت نرم، به آن تعمیق بخشید. ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی و انقلابی و ایرانی، مشروعیت و مقبولیت، معارف، علم و دانش و شهرت از مهم‌ترین منابع قدرت نرم در انقلاب اسلامی به شمار می‌آیند. مهم‌ترین کارکرد اصل تألیف قلوب همین تعمیق به منابع قدرت نرم است. بدین منظور می‌بایست از ابزارهای مختلفی استفاده کرد. با بررسی موارد ذکر شده در روایات پیرامون تألیف قلوب مشخص می‌گردد که تقسیم به ابزارهای اقتصادی و غیراقتصادی یکی از بهترین تقسیمات در خصوص ابزارهای تألیف قلوب است.

ابزارهای اقتصادی:

یکی از مهم‌ترین ابزارهایی که از صدر اسلام توسط پیامبر (ص) در قالب پرداخت بخشی از زکات و یا مشارکت‌های اجتماعی و هدیه مورد استفاده قرار گرفته است، ابزار اقتصادی می‌باشد. نظر به وجود مصادیق متعدد از پرداخت زکات، شکی در مشروعیت آن باقی نمی‌ماند.

البته برخی از عامه بایبان نسخ حکم در زمان پس از پیامبر (ص)، سعی در نامشروع دانستن استفاده از زکات در اصل تألیف قلوب داشته‌اند، اما در مقابل بسیاری از فقها قائل به عدم نسخ و بقای حکم تألیف قلوب بعد از پیامبر (ص) هستند (محقق حلی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۵۷۴) (علامه حلی، بی‌تا، ج ۵، ۲۵۰) برخی نیز ضرورت آن در زمان پس از پیامبر (ص) را بسیار بیشتر از زمان حضور ایشان می‌دانند (مازندرانی، ۱۳۸۲، ج ۱۰: ۱۱۰)

زکات

در بین ابزارهای اقتصادی تألیف قلوب یکی از مهم‌ترین آن‌ها که منصوص در روایات هم می‌باشد تألیف به وسیله پرداخت زکات است. این امر در قرآن (توبه: ۶۰) اشاره شده و از شئون حاکم اسلامی می‌باشد (منتظری، ۱۴۰۹، ج ۳: ۱۱)

اموال حاکم اسلامی (فیء و انفال)

غیر از زکات موارد دیگری نیز داخل در بحث شمول مصادیق تألیف قلوب هستند. دو منبع اصلی که در فقه به عنوان اموال تحت اختیار حاکم تبیین شده است فیء و انفال می‌باشد. «فیء» مالی از کفار است که بدون جنگ عاید مسلمانان می‌گردد که جزیه و خراج و... از جمله مصادیق آن هستند (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۶۴) «انفال» نیز به اموال عمومی جامعه که تحت مالکیت شخصی نیست گفته می‌شود که کوه‌ها، اراضی موات، بیابان‌ها، دریاها، معادن و... از جمله مصادیق آن به شمار می‌رود و اختیار آن در دست حاکم اسلامی می‌باشد (منتظری، ۱۴۰۹، ج ۱: ۲۰۷) مسلماً این اختیارات در زمان حضور به دست معصوم (ع) و در زمان غیبت نیابتاً از امام معصوم به دست فقهای جامع‌الشرایط است (عمید زنجانی، ۱۴۲۱، ج ۱: ۵۴۴) در روایتی از امام کاظم (ع) نیز به استفاده از انفال در جهت تألیف قلوب تصریح گردیده و اختیار آن را برای امام می‌داند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۵۴۰)

خمس

یکی دیگر از موارد مصرف اقتصادی برای اصل تألیف قلوب بحث خمس می‌باشد. غالب مورخان اعتقاد دارند که تألیف قلوب شکل گرفته توسط پیامبر (ص) به قریش از خمس غنائم

بوده است. (ابن سعد، بی تا، ج ۲: ۱۴۷) همچنین بسیاری از فقها مقوله خمس را از شئون امام معصوم (ع) برشمرده اند و نه جزو اموال شخصی امام و بر طبق این نظریه خمس نیز همانند سایر انفال در خدمت حاکم اسلامی است. (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۴۷۰) (امام خمینی، بی تا، ج ۳: ۲۷) (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۴، ج ۲: ۴۳۹) مسلماً همانند انفال در زمان حضور اختیار تألیف قلوب از خمس به دست امام معصوم (ع) است و در زمان غیبت نیز این اختیار برای فقیه جامع الشرایط خواهد بود (خمینی، بی تا: ۵۱) (منتظری، بی تا، ج ۶: ۲۲۷) خمس یکی از مهم ترین منابع و درآمدهای بیت المال است و مسلماً اختصاص آن صرفاً برای رفع حاجات سادات و روحانیون توجیهی ندارد و مسلماً می بایست در مسائل مختلف حاکمیتی و خدمات عمومی و مسائل فرهنگی، دفاعی و بهداشتی مورد استفاده قرار گیرد (امام خمینی، ۱۴۲۳: ۳۱ و ۳۲) برخی از فقها نیز به کاربرد خمس در برطرف نمودن مسائل و مشکلات جامعه اسلامی و کمک به نشر و توسعه دینی تصریح نموده اند (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۴، ج ۲: ۴۳۹) بنابراین یکی از مهم ترین منابع برای تألیف قلوب خمس می باشد.

ابزارهای غیراقتصادی

تألیف قلوب ۱۰ اختصاص در مسائل اقتصادی ندارد و شامل ابزارهای غیرمالی نیز می گردد. این ابزارها می تواند عمومیت بیشتری نسبت به ابزارهای مالی داشته باشد. در فقه امامیه ابزارهای مختلف غیراقتصادی برای تألیف قلوب ذکر شده است که از آن ها می توان برای اجرای اصل تألیف قلوب بهره برد (سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۱۱: ۱۹۸)

وقف:

یکی از ابزارهایی که در فقه تعریف شده و کاربرد بسیاری در تألیف قلوب دارد بحث وقف می باشد. از آنجایی که وقف نوعی حبس است در زمره ابزارهای غیراقتصادی تعریف گردیده است. در اسلام وقف با نیت تألیف قلوب بر کافران ذمی و مرتدان ملی دارای مشروعیت می باشد (امام خمینی، بی تا، ج ۲: ۷۱) حتی برخی از فقها وقف تألیفی بر شعائر کفر را نیز جایز می دانند و معتقدند اگر وقف با نیت تألیف قلوب بر معابد، کنیسه ها صورت پذیرد نیز دارای مشروعیت می باشد (خراسانی آخوند، ۱۴۱۳: ۲۵) بنابراین وقف یکی از موارد تألیف قلوب است.

تقیه مداراتی

منظور از تقیه پوشانیدن اعتقاد حق شخص در برابر مخالفان به جهت دوری گزیدن از ضرر دینی و یا دنیوی است (مفید، ۱۴۱۴: ۱۳۷) گرچه تقیه مورد تأکید در قرآن، تقیه مسلمان از کافر است (آل عمران، ۲۸) لیکن تقیه مسلمان از مسلمان نیز در فقه امامیه مورد تأکید قرار گرفته است (موسوی بجنوردی، القواعد الفقهیه، ج ۵: ۷۵) این امر حتی در بین اهل تسنن نیز تصریح شده است مانند شافعی که به مشروعیت تقیه مسلمان از مسلمان به جهت حفظ جان و مال تصریح نموده است. (سبحانی، الانصاف، ج ۲: ۳۳۱) هدف از تقیه مداراتی جلب محبت و دوستی با اهل سنت و ایجاد وحدت و اتحاد کلمه با آنان است (امام خمینی، ۱۴۲۰: ۷) (فاصل لکنرانی، ۱۳۶۵: ۱۷) البته این همراهی صرفاً لسانی نیست و به جهت تألیف قلوب در مقام عمل نیز بسیاری از امور با عمل اهل تسنن هماهنگ می‌گردد. (زحیلی، ۱۴۱۸، ج ۳: ۲۰۵) پس بنابراین منظور از تقیه صرفاً لسانی نیست و تقیه در مقام عمل نیز در بحث تألیف قلوب کاربرد فراوانی دارد. ثمره اصلی این تقیه مداراتی اعتلای جامعه اسلامی و القای وحدت و یکپارچگی به دشمنانی است که با نیت نفوذ و تفرقه‌افکنی سعی در تخریب اصل اسلام دارند. (امام خمینی، ۱۴۲۰: ۷۰) مصادیق متعددی را برای این نوع از تقیه می‌توان ذکر نمود. افطار به همراه اهل سنت و یا وقوف در مشاعر مقدسه در موسم حج و یا برگزاری جشن‌های مشترک میلاد پیامبر (ص) و برگزاری هفته وحدت از جمله مواردی است که در تقیه مداراتی با اهل سنت قابل احصا می‌باشد (حکیم، ۱۴۱۶، ج ۲: ۴۰۷) همچنین در روایت به معاشرت با اهل تسنن و عیادت از مریض و شرکت در مراسم تشییع جنازه عامه اشاره شده است (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۶: ۲۱۹) بنابراین یکی از مهم‌ترین موارد تقیه مداراتی، مدارات با عامه است که دارای مصادیق متنوعی می‌باشد. البته تقیه مداراتی را نمی‌توان صرفاً محدود در مسلمانان دانست. در دنیای ارتباطات کنونی همراهی لسانی و فعلی در امور تحسین‌شده توسط شرع با برخی از کفار نیز می‌تواند مصداقی از تقیه مداراتی باشد. این امر خصوصاً در فضای مجازی از اهمیت و اولویت بیشتری برخوردار خواهد بود. همراهی در برخی شعائر دینی که در نظام بین‌الملل نیز مورد تأکید قرار گرفته و هم‌کلامی در محسنات مشترک زمینه‌ساز جلب دل‌های غیرمسلمانان به اسلام خواهد بود. بنابراین یکی از مهم‌ترین مصادیق تألیف قلوب در فضای مجازی می‌تواند تقیه مداراتی با مسلمانان و غیرمسلمانان در این بستر باشد.

قرارداد امان

یکی دیگر از مواردی که در قالب ابزارهای غیرمالی موجب تألیف قلوب می‌گردد قرارداد امان است. مخاطب این قرارداد کافر حربی می‌باشد. اجرای تألیف قلوب در قالب قرارداد امان در اختیار حاکم اسلامی است که وی می‌بایست با ملاحظه تمامی جوانب و به جهت تألیف قلوب کفار در قالب رفع خطر و یا تألیف قلوب آنان به اسلام اقدام نماید. در اسلام عقد امان، قراردادی است که به سبب آن کافر در مدت زمان محدودی تحت امنیت قرار می‌گیرد. (سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۱۵: ۱۳۱) مهم‌ترین مصلحت در عقد امان متمایل کردن دشمنان به اسلام است که البته می‌بایست با رعایت مصلحت جامعه اسلامی صورت پذیرد (حلی، ۱۴۱۳، ج ۱: ۵۰۲)

اهتمام عملی و لسانی به برخورد نیکو

یکی از مهم‌ترین مواردی که می‌تواند در اصل تألیف قلوب مورد استفاده قرار گیرد اهتمام عملی و لسانی به برخورد نیکو است. این امر در آیات و روایات متعددی مورد توصیه قرار گرفته است. «قول لین» که در قرآن کریم مورد اشاره قرار گرفته نمونه‌ای از کاربرد برخورد نیکو در برابر خصم می‌باشد. لیت در سخن که خداوند به آن اشاره نموده است در مورد حضور موسی و هارون (ع) در نزد فرعون می‌باشد که خداوند از آن دو می‌خواهد با قولی نرم و نیکو با فرعون سخن بگویند، شاید که وی تحت تأثیر حق قرار گیرد (طه، ۴۴) مسلماً خشونت در کلام موجب دافعه خواهد شد و لیت در کلام موجب جاذبه و این جاذبه همان تألیف قلوب است. (حسینی شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۲۸۴)

حتی در مواقع جدال نیز دستور به جدال احسن داده شده است (نحل، ۱۲۵؛ عنکبوت، ۴۶) چراکه هدف از جدال تبیین معارف و فهم دین برای مخاطب است و این امر جز با گفت‌وگویی که زمینه‌ساز ترغیب مخاطب شود امکان‌پذیر نیست. (حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ج ۱۲: ۳۵۶)

شیکی دیگر از راه‌های به‌کارگیری تألیف قلوب و عفو و گذشت هست که خداوند منان در قرآن کریم آن را مورد اشاره قرار داده است (اعراف، ۱۹۹) در این آیه خداوند با خطاب قرار دادن پیامبر وی را از به‌کارگیری سخنان تند و ستیزه‌گری نهی نموده و ایشان را به ملامت و عفو دعوت می‌نماید چراکه این عمل زمینه‌ساز هدایت کفار خواهد بود (کاشانی، ۱۳۷۳: ۲۷۱) یکی دیگر از مصادیق تألیف قلوب مشورت با دیگران و خطاب دادن آنان در شئون مختلف است

خداوند منان در قرآن کریم پیامبر را دعوت به مشورت با مردم می نماید (آل عمران، ۱۵۹) مسلماً شخصیت کامل پیامبر (ص) نیازمند مشورت ناقص اطرافیان نیست پس به چه علت خداوند منان پیغمبر را دعوت به این مشورت با مجاورین می کند؟ آن چیزی که متبادر به ذهن است این است که دعوت به مشورت صورت گرفته در آیه ۹ از باب کمک گرفتن تدبیری و علمی از دیگران بلکه از باب توجه نفوس مختلف و متعاقباً تألیف قلوب آنان هست یکی از مهم ترین دلایل این ادعا این حقیقت است که در ادامه آیه خداوند رأی و نظر پیامبر را خطاب عزم اصلی آن حضرت قرار داده و نظرات دیگران را در تصمیم نهایی پیامبر لحاظ ننموده است (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۲۸۶) حتی مشورت نمودن با کسانی که غلیظ القلب باشند و تألیف قلوب در آنان بی معنای جاذبه ای نقشی نداشته باشد اصل مصلحت مشورت می تواند متصور در رفع فتنه و فساد آنان و برپایی علم مخالفت با اسلام باشد (ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸، ج ۱: ۵۲۳) یکی دیگر از مواردی که زمینه ساز تألیف قلوب است دفع صحیح با حسن می باشد در قرآن کریم دعوت به پاسخ دادن مناسب در مقابل بدی شده است و آن را سبب ایجاد الفت و دوستی میان مسلمان و دشمنان می داند (فصلت، ۳۴) نظر به این که خطاب اصلی آیه پیامبر است می توان این گونه برداشت نمود که خداوند منان به پیامبر فرموده علی رغم ظلم و جفایی که در مورد تو با سخنان ناروا بکار می گیرند تو برای تألیف قلوب آنان در مقابل هجمه هایشان با ملاحظت و مهربانی برخورد نما و این سلوک مسلماً زمینه ساز تألیف قلوب و دعوت دشمنان به اسلام می گردد (امین اصفهانی، ۱۳۹۳، ج ۱۱: ۳۳۳).

یکی از بارزترین نمونه های دفع بدی با خوبی ماجرای مشهور عیادت پیامبر از شخص یهودی بیماری است که با ریختن خاکستر بر سر آن حضرت به ایشان اهانت می نمود و وی پس از این ملاحظت پیامبر مسلمان گردید (طبرسی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۲۰۲) بنابراین برخورد حسن در قول و فعل می تواند یکی از مهم ترین ابزارهای مالی تألیف قلوب باشد که به کارگیری صحیح آن زمینه ساز دفع خطر دشمنان و یا جلب محبت و علاقه دشمنان به اسلام خواهد گردید.

تألیف قلوب در فضای مجازی

مسلماً مهم ترین پدیده عصر حاضر بشر گسترده گشتاری های ارتباطی و اطلاعاتی و نقش آفرینی آنان در تحولات اقتصادی، فرهنگی و سیاسی قرن حاضر است در دوران وب

تعاملی این امکان محقق گردیده است که بشر بتواند با اقصی نقاط دنیا ارتباط برقرار نموده و در مسائل مختلف سیاسی اجتماعی و اقتصادی عقاید خویش را به اشتراک گذارند. این تکامل فناوری‌های ارتباطی در ابعاد مختلف علمی و فناوری زمینه‌ساز شکل‌گیری مفهوم جهانی شدن ارتباطات شده است (سنایی، ۱۳۹۲: ۹۶) البته عده‌ای دیگر نیز این پدیده جهانی شدن را نتیجه انقلاب‌های اطلاعاتی شکل گرفته در دهه ۹۰ می‌دانند. یکی از مهم‌ترین افراد اثرگذار در این حوزه مارشال مک لوهان است که در کتاب خود بانام دهکده جهانی این بحث را مطرح کرده است به عقیده وی تکامل فناوری منجر به پدید آمدن دنیایی شده است که در آن دورترین نقاط به یکدیگر متصل شده و از تمامی احوالات و اتفاقات مطلع گردیده و به صورت هم‌زمان یکدیگر را مشاهده می‌نمایند این امر موجب آن شده است که هویت سنتی بسیاری از امور از بین رود (کوزه‌گر کالجی، ۱۳۸۹: ۱۱۶) مسلماً رشد و تکامل اینترنت و تولید بسترهای تعاملی در فضای مجازی زمینه‌ساز شکل‌گیری مفاهیم جدیدی از پدیده ارتباطات را فراهم آورده است (یزدانی و دیگران، ۱۳۹۱: ۴۹) این امر موجب آن می‌گردد تا مسلمانان و مردم سایر ادیان بتوانند در یک فضای تعاملی اعتقادات و افکار و آراء خویش را با یکدیگر به اشتراک گذارند مسلماً مهم‌ترین هدف از اصل تألیف قلوب و زمینه‌سازی برای جذب افراد به دین مبین اسلام است اگر در زمان پیامبر (ص) تألیف قلوب در عالم ارتباطات آن موقع با نامه و فرستادن پیک به ممالک مختلف انجام می‌شد، امروزه مهم‌ترین بستر و زیرساخت ارتباطی فضای مجازی است و مسلماً بیشترین زمینه شکل‌گیری تألیف قلوب از طریق زیرساخت اصلی ارتباطات بشری شکل می‌گیرد. بنابراین می‌توان گفت مهم‌ترین زیرساخت شکل‌گیری مقوله تألیف قلوب در دنیای معاصر ما فضای مجازی می‌باشد.

اثبات مشروعیت تألیف قلوب در فضای مجازی نیاز به ادله تفصیلی نخواهد داشت. با اثبات مبانی و ابزارهای تألیف قلوب در فضای واقعی می‌توان به مشروعیت استفاده از آن در فضای مجازی نیز حکم نمود. چراکه تخصیص فضای مجازی از فضای واقعی نیاز به مخصص دارد و چنین مخصصی ذکر نشده است. مضافاً بر اینکه علت واقعی تألیف و هدف از آن در روایات تصریح شده و طبق «العله تعمم و تخصص»^۱ هر بستری که زمینه‌ساز تحقق هدف تألیف

۱. «العله تعمم كما تخصص»، یعنی علت، حکم را تعمیم و تخصیص می‌دهد و ابهام آن را برطرف می‌کند. وقتی شارع می‌فرماید: «الخمیر حرام لانه مسکر»، این «لانه مسکر» بیان علت حکم است. در این قبیل موارد، می‌توان

قلوب باشد می‌تواند جزو مصادیق این اصل قرار گیرد.

پس اجرای اصل تألیف قلوب در فضای مجازی دارای مشروعیت می‌باشد. اما یکی از مهم‌ترین مسائلی که می‌بایست مورد مذاقه قرار گیرد نحوه اجرای اصل تألیف قلوب در بستر فضای مجازی است. آشنایی با ابزارهای مالی و غیرمالی تألیف قلوب زمینه‌ساز ایجاد چشم‌اندازی در استفاده فضای مجازی از این اصل می‌باشد. ابزارهای اقتصادی یکی از مهم‌ترین ابزارهای تألیف قلوب هستند (ارجینی، ۱۳۸۵: ۱۳) که در بستر فضای مجازی کاربرد دارند. صرف هزینه برای تألیف قلوب در بستر فضای مجازی به دو شکل متصور است. یا این‌که این مبلغ از طریق فضای مجازی به مخاطبان این فضا که زمینه تلطیف و تألیف آنان نسبت به اسلام وجود دارد به صورت مستقیم واریز گردد که این نحوه از اعطای کمک مستقیم اقتصادی در فضای واقعی نیز انجام می‌شود. برای مثال پرداخت برخی مبلغ از ابزارهای اقتصادی به سلبریتی‌ها و هنرمندانی که با تلطیف و تألیف قلوب به نفع اسلام مردم را دعوت نموده و یا این‌که از اظهارنظرهای نامناسب و ایجاد مشکل برای اسلام خودداری می‌نمایند و یا پرداخت برخی از مبلغ به بعضی از معاندین اسلام در فضای مجازی به جهت عدم القای شبهه و اقناع افکار عمومی در ستیز با انقلاب و اسلام و مواردی از این دست که شخص مخاطب در یکی از دو وجه تألیف یعنی دعوت به اسلام و یا رفع شر وی از اسلام زمینه تألیف قلوب را خواهد داشت، شامل این نوع از تألیف قلوب می‌گردد. این امر یکی از ساده‌ترین و جوه تألیف قلوب در بستر فضای مجازی است. ابزارهای غیراقتصادی نیز نقش عمده‌ای در تألیف قلوب دارند. (همان: ۲۲) وقف یکی از ابزارهای غیراقتصادی است که می‌تواند نقش زیرساختی برای سایر ابزارهای تألیف داشته باشد. (جهانیان، ۱۳۹۰: ۹۸) تقیه مداراتی و اهمتمام عملی و لسانی به برخورد نیکو از جمله ابزارهای غیراقتصادی تألیف قلوب هستند که توسط عامه مردم قابلیت اجرایی دارند. تقیه مداراتی در قالب همراهی با جریان‌های رسانه‌ای غیرمسلمانان و ایجاد وحدت کلمه در ارتباطات و تولیدات رسانه‌ای قابلیت اجرایی خواهد داشت. این امر زمینه‌ساز تألیف قلوب و تمایل غیرمسلمانان به اسلام و یکی از مهم‌ترین ابزارهای شکست پروژه اسلام‌هراسی غرب خواهد بود. اهمتمام عملی و لسانی به برخورد نیکو علاوه برشان حاکمیتی می‌بایست در بین لایه‌های جامعه نیز تبلور یابد.

چراکه در دنیای وب تعاملی فقط حاکمان و سیاسیون دارای هویت ترویجی و تبلیغی نیستند، بلکه تمامی مردم فعال در شبکه‌های اجتماعی دارای این هویت هستند. (یزدانی و دیگران، ۱۳۹۱: ۶۳) لذا استفاده از این ابزار غیراقتصادی می‌بایست توسط حاکم برای عموم جامعه اسلامی ترویج و تبیین گردد. آخرین ابزار غیراقتصادی تبیین شده قرارداد امان است که این ابزار از شئون و اختیارات حاکم اسلامی هست. مخاطب این ابزار صرفاً کافر حربی می‌باشد. هدف از این ابزار نیز تألیف قلوب و تمایل به اسلام و یا رفع خطر آنان از مسلمانان است. (ابوالحسینی، ۱۳۸۳: ۲۲) ایجاد قرارداد امان بین برخی سلبریتی‌های اپوزیسیون و فعال علیه حاکمیت اسلامی با رعایت شرایط و ضوابط، می‌تواند مصداقی از تألیف قلوب در فضای مجازی باشد. یکی از چالش‌هایی که در بحث تألیف قلوب در بستر فضای مجازی وجود دارد تعاملی بودن این فضا و حضور همگان در آن است (anderson, 2007: 84) این امر موجب می‌گردد جز با حضور مردم در قالب تألیف همگانی در بستر فضای مجازی اجرای حداکثری اصل تألیف امکان‌پذیر نگردد. بنابراین به منظور اجرای حداکثری تألیف قلوب در فضای مجازی علاوه بر شان حاکمیتی می‌بایست سازمانی ذیل حاکم اسلامی به جهت مشارکت عمومی برای تألیف قلوب ایجاد گردد. مشارکت عمومی در تألیف قلوب بیشتر با ابزارهای غیراقتصادی مفروض است.

نتیجه‌گیری

بر اساس ادله اربعه اصل تألیف قلوب یکی از اصول مسلم و مورد پذیرش در اسلام می‌باشد که در طول زمان فقیهان همواره آن را مورد توجه و تأکید خویش قرار داده‌اند همچنین قلمرو تعریف شوندگان صرفاً منحصر در کفار نبوده و نظریه تعمیم در این مسئله نسبت به نظریه تخصیص به کفار از قوت بیشتری برخوردار است. همچنین تألیف قلوب در زمان غیبت نیز دارای مشروعیت و اولویت است و نظریه تخصیص آن زمان حضور معصوم منسوخ می‌باشد و در این مسئله فقهای جامع الشرایط، نایبان امام در زمان غیبت نسبت به اجرای اصل تألیف می‌باشند. ابزارهای تألیف قلوب به صورت کلی به دو قسم اقتصادی و غیراقتصادی تقسیم می‌گردند که زکات، اموال حاکم اسلامی، خمس، مالیات از جمله ابزارهای اقتصادی و وقف، تقیه مداراتی، قرارداد امان، اهتمام عملی و نشانی به برخورد نیکو از جمله ابزارهای غیراقتصادی می‌باشند. همچنین اصلی‌ترین هدف در تألیف قلوب تلطیف و ایجاد علاقه نسبت به دین مبین اسلام به

جهت هدایت مخاطب به سمت این دین است همچنین رفع شر خصم نیز یکی از عناصر اصلی در تألیف قلوب می باشد با توجه به این که ابزارهای ارتباطی در دنیای امروز یکی از مهم ترین عناصر قدرت نرم به شمار می روند حضور مؤثر و فعالانه در این فضا می تواند زمینه ساز تعمیق قدرت نرم جمهوری اسلامی گردد بنابراین می توان گفت اصل تألیف نقش مهمی را در تقویت قدرت نرم جمهوری اسلامی در فضای مجازی می تواند ایفا نماید. نظر به گستردگی فضای مجازی و تبدیل آن به اصلی ترین بستر ارتباطی لازم است تا تألیف قلوب در این فضا در تمامی ابزارهای اقتصادی و غیراقتصادی شکل گیرد. این تألیف قلوب می تواند از ابزارهای اقتصادی بر اساس حکم حاکم و از ابزارهای غیراقتصادی به صورت عمومی و توسط مردم حاضر در این فضا انجام گیرد. اجرای صحیح اصل تألیف در بستر فضای مجازی منوط به وجود سازمانی متمرکز در حاکمیت اسلامی است که وظیفه اصلی آن شناسایی موارد و مصادیقی در خصوص تألیف در بستر فضای مجازی و جهت عمومی مردم به جهت استفاده از ابزارهای غیراقتصادی در جهت تألیف می باشد. بنابراین تألیف در فضای مجازی علاوه بر شان حاکمیتی موجود در برخی ابزارها، نیازمند شکل گیری مجموعه ای متمرکز و سازمان یافته است تا نتایج مؤثر و مفیدی را در پی داشته باشد.

فهرست منابع:

۱. قرآن کریم.
۲. ابن منظور، محمدبن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۳. ابوالحسینی، علی اکبر (۱۳۸۳). «همزیستی مسالمت آمیز با غیرمسلمان در قالب قرارداد امان»، پژوهش های فقه و حقوق اسلامی، شماره ۱.
۴. ارجینی، حسین (۱۳۸۵). «تألیف قلوب در اسلام»، نشریه معرفت، شماره ۱۰۵.
۵. امین اصفهانی، سیده نصرت (۱۳۶۱). مخزن العرفان در تفسیر قرآن، تهران: نهضت زنان مسلمان.
۶. باقری دولت آبادی، علی و کمالی زاده، محمد (۱۴۰۰). «مبانی نظری و شاخص های «جامعه اسلامی» در اندیشه سیاسی حضرت آیت الله خامنه ای (مدظله العالی)»، فصلنامه

- علمی جامعه شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، سال ۲، شماره ۱.
۷. باقری دولت آبادی، علی (۱۴۰۰). «انقلاب اسلامی و مکتب سازی: نمونه موردی مکتب شهید حاج قاسم سلیمانی»، فصلنامه علمی مطالعات دفاع مقدس، سال ۷، شماره ۴.
۸. برجعلی زاده، محمد؛ جعفری، علی؛ کردی، ناهید (۱۳۹۸). «نقش رسانه های نوین در گسترش تروریسم در عرصه بین الملل»، فصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم، شماره ۲۰.
۹. ثقفی تهرانی، محمد (۱۳۹۸). تفسیر روان جاوید، چ سوم، تهران: انتشارات برهان.
۱۰. جعفری پناه، مهدی؛ پور احمدی، حسین (۱۳۹۲). «قدرت نرم از دیدگاه اسلام و کاربرد مؤلفه های آن در جمهوری اسلامی ایران»، دوفصلنامه مطالعات قدرت نرم، شماره ۸.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳). ولایت فقیه: ولایت، فقاقت و عدالت، قم: مرکز نشر اسراء.
۱۲. جهانیان، ناصر (۱۳۹۰). «مبانی اهداف و جایگاه وقف در مکتب اقتصادی اسلام»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۴۲.
۱۳. حر عاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹). وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، قم: مؤسسه آل البیت (ع).
۱۴. حکیم، محسن (۱۴۱۶ق). مستمسک العروة الوثقی، بیروت: دارالإحیاء التراث العربی.
۱۵. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳ق). قواعد الأحکام فی معرفة الحلال و الحرام، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۶. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳ق). منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية.
۱۷. حلی، حسن بن یوسف (بی تا). تذکرة الفقهاء، قم: مؤسسه آل البیت (ع).
۱۸. حلی، نجم الدین جعفر (۱۴۰۷ق). المعتبر فی شرح المختصر، قم: مؤسسه سیدالشهدا (ع).
۱۹. خراسانی، رضا (۱۳۸۹). «جایگاه و نقش قدرت فرهنگی در سیاست خارجی و تأثیر آن بر روند تحولات جهانی»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال ۱۱، شماره ۴۱.
۲۰. خراسانی، محمد کاظم (۱۴۱۳ق). کتاب فی الوقف، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۱. خمینی، سید روح الله موسوی (۱۴۲۰ق). الرسائل العشرة، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار

- امام خمینی (ره).
 ۲۲. خمینی، سید روح‌الله موسوی (۱۴۲۳ق). ولایت فقیه، بی‌جا: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
 ۲۳. خمینی، سید روح‌الله موسوی (بی‌تا). تحریر الوسيلة، قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
 ۲۴. دانشی، مریم؛ عباسی نیا، سعید و بختیار، مریم (۱۳۹۹). «خاستگاه قرآنی ولایت اجتماعی سیاسی در اندیشه امام خمینی (ره)»، فصلنامه علمی جامعه شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، سال ۱، شماره ۲.
 ۲۵. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت نامه، ج ۴، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
 ۲۶. دهشیری، دهشیری و سلامت، امیرحسین (۱۳۹۹). «نظام سلطه در اندیشه و دیدگاه مقام معظم رهبری»، فصلنامه علمی جامعه شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، سال ۱، شماره ۴.
 ۲۷. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۹). «دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی در منطقه خلیج فارس»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۰، شماره ۴.
 ۲۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دارالعلم الدار الشامیة.
 ۲۹. ریاضی، وحید (۱۴۰۰). «مکتب سلیمانی؛ پیشران زمینه‌ساز ظهور»، فصلنامه علمی مطالعات دفاع مقدس، سال ۷، شماره ۴.
 ۳۰. زحیلی، وهبة بن مصطفى (۱۴۱۸ق). التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج، بیروت، دارالفکر المعاصر.
 ۳۱. سبزواری، سید عبدالاعلی (۱۴۱۳ق). مذهب الأحكام فی بیان الحلال و الحرام، قم: مؤسسه المنار.
 ۳۲. شاه‌عبدالعظیمی، حسین (۱۳۶۳). تفسیر اثنی عشری، تهران، میقات.
 ۳۳. طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۶۵). مکارم الأخلاق، ترجمه ابراهیم میرباقری. تهران: فراهانی.
 ۳۴. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۳۸۷ق). المبسوط فی فقه الإمامیة، تهران: المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة.
 ۳۵. عراقی، آقا ضیاء الدین (۱۴۱۴ق) شرح تبصره المتعلمین، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته

- به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم،
۳۶. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۴۲۱ق). فقه سیاسی، تهران: امیرکبیر.
۳۷. فاضل لنکرانی، محمد (۱۳۶۵) تقیه مداراتی، زمینه‌ساز وحدت اسلامی، بی‌جا: گروه ارشاد حجج ایرانی (امر به معروف).
۳۸. قرشی، سیدعلی اکبر (۱۴۱۲ق) قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۳۹. قرضاوی، یوسف (۱۴۰۱ق). فقه الزکاه، بی‌جا: مؤسسه الرساله.
۴۰. قوام، عبدالعلی (۱۳۹۰). چالش‌های توسعه سیاسی، تهران: نشر قومس.
۴۱. کاشانی، ملافتح‌الله (۱۳۷۳ق). خلاصه المنهج، تهران: انتشارات اسلامیة.
۴۲. کتابی، امیرعلی (۱۴۰۰). «نسبت سنجی عدالت اجتماعی با الگوهای توسعه دولت‌های پس از انقلاب اسلامی»، فصلنامه علمی جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، سال ۲، شماره ۴.
۴۳. کریمی‌فر، حسین (۱۳۹۹). «پاندومی کرونا، قدرت نرم، نقش و کارکرد رسانه و افکار عمومی»، فصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم، شماره ۲۲.
۴۴. کشکولی، محمدحسینی (۱۳۸۳). نگرشی اجتماعی به کعبه و حج از دیدگاه قرآن، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۴۵. کلینی، ابوجعفر محمدبن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامیه
۴۶. کیایی، مهدی؛ سماواتی، عباس (۱۳۹۸). «بنیان‌های نظری توسعه پایدار از منظر فقه اسلامی به عنوان شاخصه قدرت نرم»، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، شماره ۲۱.
۴۷. کوزه‌گرکالجی ولی (۱۳۸۹). «پیامدهای جهانی شدن بر کشورهای عربی منطقه خلیج فارس»، سیاست خارجی، شماره ۲۸.
۴۸. مازندرانی، محمد صالح بن احمد بن شمس سروی (۱۳۸۲ق). شرح الکافی، تهران: المكتبة الإسلامية.
۴۹. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار، چ دوم، بیروت: دارالإحياء التراث العربی.
۵۰. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۰). مبانی شناخت، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۵۱. مروجی طبسی، حمید؛ رضایی اصفهانی، محمد علی؛ عشریه، رحمن (۱۳۹۹). «بررسی رابطه جهاد کبیر و قدرت نرم»، فصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم، شماره ۲۲.

۵۲. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۸). نظریه سیاسی اسلام، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۵۳. مصطفوی، حسن (۱۴۰۲ق). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: مرکز الکتب لترجمه و النشر.
۵۴. مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۱ق). فقه الأمام الصادق (ع). چ دوم، قم: مؤسسه انصاریان.
۵۵. منتظری، حسینعلی (۱۴۰۹). کتاب الزکاة، چ دوم، قم: مرکز جهانی اطلاعات اسلامی.
۵۶. منتظری، حسینعلی (بی تا). کتاب الخمس و الأنفال، قم: بی جا.
۵۷. نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت: دارالإحیاء التراث العربی.
۵۸. نعمتی، لیلا و نعمتی، یعقوب (۱۳۹۹). «نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران به مثابه یک الگوی متعالی»، فصلنامه علمی جامعه شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، سال ۱، شماره ۲.
۵۹. نوری، محدث، میرزاحسین (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت: مؤسسه آل البيت
۶۰. نیشابوری، مسلم بن الحجاج (بی تا) صحیح مسلم، بیروت: دار الفکر،
۶۱. هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۴۲۴ق). کتاب الخمس، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع).
۶۲. همدانی، محمد حسین (۱۴۰۴ق). انوار درخشان، تهران: کتابفروشی لطفی.
۶۳. یزدی، سید محمد کاظم طباطبایی (بی تا). تکملة العروة الوثقی، قم: کتابفروشی داوری.
64. Brakin, Samuel (2006). International Organizations, Oxford: Oxford university press.
65. Collins, Alan (2010). Contemporary Securities Studies, Oxford: Oxford University Press.
66. Nye, Joseph (1990). Soft Power, Foreign Policy, No. 80.

تأثیر مؤلفه‌های اقتصادی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران بر توسعه روابط تجاری با چین

فرشته علایی پورا^۱

عبدالمحمد کاشیان^۲

چکیده

از عوامل موثر بر تمایل کشورهای دنیا در توسعه روابط تجاری خود، سطح قدرت نرم کشور هدف و میزان تاثیرگذاری آن کشور بر معادلات بین‌المللی است. مقاله حاضر به این سؤال پاسخ می‌دهد که در میان مؤلفه‌های اقتصادی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، کدام یک از آن‌ها بر توسعه روابط تجاری ایران و چین مؤثر بوده است؟ روش مورد استفاده در این پژوهش الگوی خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی (ARDL) است و داده‌های مورد تحلیل در این مقاله مربوط به دوره ۱۹۸۸ تا ۲۰۱۹ است. نتایج به دست آمده از تحلیل داده‌ها حاکی از آن است که مؤلفه‌های اقتصادی قدرت نرم ایران نقش بسیار مهمی در تمایل چین به توسعه روابط تجاری با ایران دارد. افزایش قدرت اقتصادی ایران حسب تولید ناخالص داخلی، بهبود سرمایه اجتماعی و افزایش سرمایه‌گذاری خارجی نقش بسیار مهمی در توسعه روابط تجاری ایران و چین داشته است، جمع‌بندی مقاله بیانگر آن است که حضور ایران در عرصه بین‌الملل و توسعه روابط تجاری با سایر کشورها مستلزم افزایش قدرت نرم کشور خصوصاً در مؤلفه‌هایی از جمله تولید داخلی، سرمایه اجتماعی و سرمایه‌گذاری خارجی است و افزایش رابطه تجاری ایران و چین در بستر افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران قابل توجیه است.

واژگان کلیدی: قدرت نرم، روابط تجاری، سرمایه‌گذاری خارجی، تولید داخلی

۱. کارشناس ارشد اقتصاد، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران.

۲. استادیار گروه اقتصاد دانشگاه سمنان، سمنان، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه

امروزه قدرت نرم به عنوان یکی از ابزارهای کسب موفقیت در سیاست و اقتصاد بین الملل محسوب می شود. تحولات عظیم سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان سبب شده است کشوری که در ترکیبی از جنبه قدرت سخت و قدرت نرم توانمند باشد، بتواند در عرصه های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهانی نقش مؤثرتری داشته باشد. نگاهی به مفهوم قدرت نرم این تلقی را به همراه دارد که قدرت نرم به قابلیت کشورها در جذب و متقاعدسازی، در راستای تحقق اهداف سیاست خارجی گفته می شود و از این جهت آن را در برابر پرداخت مالی یا اجباری قرار می دهند. اهمیت این قدرت در آن است که با کم ترین هزینه در مقایسه با قدرت سخت می توان اهداف کلیدی در عرصه بین الملل را محقق ساخت. بنابراین، قدرت نرم «توانایی تأثیرگذاری بر دیگران برای کسب نتایج مطلوب از طریق جذابیت به جای اجبار یا تطمیع است» (نای، ۲۰۱۴).

بدون تردید یکی از این عوامل ایجاد جذابیت و در نتیجه تحقق اهداف کلیدی در سطح بین الملل، مؤلفه های اقتصادی قدرت نرم کشورهاست. به طور طبیعی مؤلفه های اقتصادی تأثیر قابل توجهی در افزایش قدرت نرم یک کشور داشته و همواره کشورهایی که قدرت اقتصادی بالاتری داشته اند، از بعد بهره گیری از قدرت نرم مؤثرتر نیز بوده اند. در نتیجه بهبود مؤلفه های اقتصادی قدرت نرم تأثیر قابل توجهی بر میزان تأثیرگذاری کشور در سطح بین الملل خواهد داشت.

موضوعی که تحلیل آن از منظر مؤلفه های اقتصادی قدرت نرم جذاب و با اهمیت می نماید، توسعه روابط تجاری ایران و چین است. مسئله اصلی این است آیا توسعه همکاری های ایران و چین را می توان از منظر توسعه قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران نیز تفسیر کرد؟ به عبارت دیگر پژوهش حاضر در پی یافتن پاسخی برای این سؤال اساسی است که ابعاد اقتصادی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در چیست؟ و آیا بهبود این مؤلفه ها نقش مؤثری بر توسعه روابط تجاری ایران و چین داشته است؟ مطالعات اولیه تحقیق دلالت بر آن دارد که ۴ شاخص تولید ناخالص ملی (یا رشد اقتصادی)، سرمایه اجتماعی، حجم تجارت خارجی ایران به کل دنیا و سرمایه گذاری خارجی ایران به عنوان متغیرهای اقتصادی قدرت نرم ایران قابل اتکا هستند. این پژوهش به این سؤال پاسخ می دهد که هر یک از این مؤلفه های چه تأثیری برای توسعه روابط تجاری

چین و ایران دارند. چنانچه همه این مؤلفه اثر مثبتی از خود نشان دهند می‌توان به این جمع‌بندی رسید که قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران سبب توسعه روابط تجاری ایران و چین شده است. در نتیجه سیاست حضور کشور در سطح بین‌الملل و توسعه روابط تجاری با کشورهای مختلف، منوط به بهبود مؤلفه‌های اقتصادی قدرت نرم خواهد بود.

بر این اساس پژوهش حاضر در ابتدا به پیشینه پژوهش خواهد پرداخت، در ادامه مبانی نظری مطرح خواهد شد. با توجه به اینکه داده‌های مورد تحلیل این پژوهش داده‌های آماری هستند، در بخش سوم به بیان روش تحقیق و مراحل پیاده‌سازی آن اشاره خواهد شد. در بخش چهارم به تجزیه و تحلیل داده‌ها و نتایج به دست آمده از داده‌ها اشاره می‌شود و نهایتاً در بخش پنجم به ارائه یک جمع‌بندی و توصیه‌های سیاستی بسنده خواهد شد.

۱. مبانی نظری پژوهش

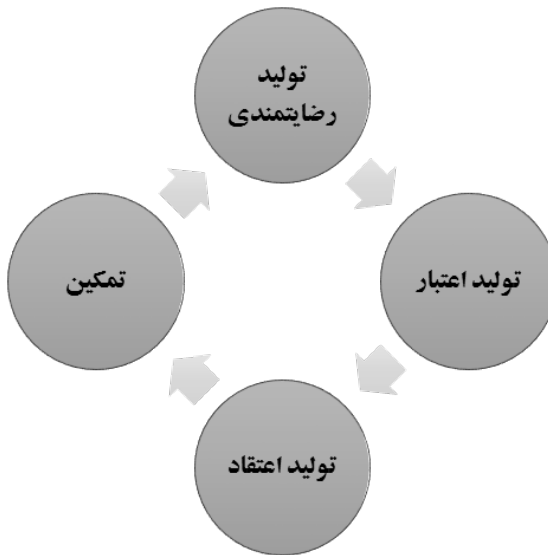
۱-۱. نظریه قدرت نرم

اصطلاح قدرت نرم برای نخستین بار بعد از جنگ جهانی دوم، توسط ای. اچ. کار، دانشمند انگلیسی در سال ۱۹۳۹ مطرح شد. وی قدرت بین‌المللی را در سه بخش نظامی، اقتصادی و قدرت تسلط بر افکار توصیف کرد (کار، ۱۹۶۴: ۱۰۸). اما قدرت نرم به‌عنوان یک نظریه منسجم، برای اولین بار توسط جوزف ساموئل نای مطرح شد و به همین دلیل از وی به‌عنوان مبدع قدرت نرم در جهان یاد می‌شود. نای تعاریف مختلفی از قدرت نرم ارائه می‌کند که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

- توانایی جذب کردن؛ (نای، ۱۳۸۶)
- توانایی شکل دادن به ترجیحات دیگران؛ (نای، ۱۳۸۴)
- توانایی کسب مطلوب از طریق جاذبه؛ (نای، ۱۳۸۷/ب)
- توانایی تعیین اولویت‌ها به گونه‌ای که مشروع به نظر رسیده یا دارای اعتبار معنوی باشد (همان)
- قدرت جذب، اقناع و شیفتگی (همان)
- یک نیروی فرهنگی-اقتصادی (همان)
- تغییر شکل قدرت از قدرت آمرانه به قدرت متقاعدکننده؛ (نای: ۲۰۰۴)

- توانایی تأثیر بر دیگران به نحوی که خواسته شما به خواسته آن‌ها تبدیل شود؛ (نای، ۱۳۸۷/ج)

از نظر وی تعریف کامل قدرت نرم عبارت است از: توانایی تأثیرگذاری بر دیگران از طریق روش‌های مشارکتی، تعیین دستور کار، متقاعدسازی و جذب مثبت به منظور به دست آوردن نتایج مطلوب. (نای، ۱۳۹۰). از مجموع تعاریف ارائه شده، چنین برمی آید که قدرت نرم، محصول و برآیند تصویرسازی مثبت، ارائه چهره موّجه از خود، کسب اعتبار بین‌المللی و نفوذ در افکار عمومی داخلی و خارجی، قدرت تأثیرگذاری غیرمستقیم توأم با رضایت بر دیگران، ترتیب، در به‌کارگیری قدرت نرم نتایجی به صورت تولید رضایتمندی، تولید اعتقاد، تولید اعتبار و تمکین به دست می‌آید. فرایند این نتایج را می‌توان چرخه تولید و بازتولید قدرت نرم نامید که نمودار آن به‌قرار نمودار ۱ می‌باشد. (یوسفی؛ ۱۳۸۷: ۲۰۰)



نمودار ۱: چرخه تولید و بازتولید قدرت نرم (یوسفی، ۱۳۸۷: ۲۰۰)

۲-۱. مؤلفه‌های اقتصادی قدرت نرم

با مراجعه به دیدگاه برخی از اندیشمندان اقتصادی و سیاسی، وجوه نرم در اقتصاد و مباحث مربوط به قدرت نرم را به وضوح می‌توان مشاهده کرد. نای هرچند در آثار اولیه خود انواع

قدرت را در عصر جهانی اطلاعات شامل سه قدرت نظامی و اقتصادی و نرم می‌داند و قدرت را دارای دو لایه سخت و نرم دانسته و قدرت اقتصادی را همانند قدرت نظامی، جزء قدرت سخت به شمار می‌آورد؛ اما در آثار بعدی خود، منابع اقتصادی را جزء یکی از منابع قدرت نرم محسوب می‌کند و معتقد است: منابع اقتصادی هم می‌تواند رفتار نرم و هم رفتار قدرت سخت تولید کند (نای، ۱۳۸۹: ۳۲) وی همچنین در مقاله‌ای با عنوان «دوباره فکر کنید: قدرت نرم» تأکید می‌کند که قدرت نرم دارای مفهوم محدود و گسترده است. در مفهوم گسترده، قدرت نرم مترادف با قدرت غیرنظامی است و شامل هر دو قدرت فرهنگی و اقتصادی می‌شود و تنها در مفهوم محدود، قدرت نرم شامل قدرت فرهنگی است. وی در این کتاب آینده قدرت، در فصلی جداگانه به بحث قدرت اقتصادی پرداخته، در آن قدرت اقتصادی را یکی از مهم‌ترین ابزارها در جعبه ابزار سیاست‌های قدرت نرم می‌داند (نای، ۱۳۹۰: ۱۳۶).

علاوه بر نای محققان بسیاری در خصوص جنبه‌های اقتصادی قدرت نرم اظهار نظر کرده‌اند و هر یک جنبه‌های مختلفی از اقتصاد نرم را مورد توجه قرار داده‌اند. با توجه به گستره وسیع این پژوهش‌ها، جدول ذیل به صورت خلاصه نتیجه آراء این محققین، مؤلفه‌های مورد نظرشان و ابعاد اقتصادی این مؤلفه‌های اشاره کرده است:

جدول ۱: مفاهیم مورد کاربرد در مؤلفه‌های اقتصادی قدرت نرم

دیدگاه/ نظریه	مؤلفه‌های عنوان شده در مبانی نظری قدرت نرم	مفاهیم مؤلفه‌های اقتصادی در نظریه‌های قدرت نرم
نای، ۱۹۹۰ a: ۱۵۸	اهمیت عواملی همچون: رشد اقتصادی، فناوری، آموزش	عوامل پیشرفت و رشد اقتصادی
نای، ۱۹۹۰ b: ۱۶۰	قدرت بازیگران غیردولتی و دولت‌های کوچک، اهمیت همبستگی ملی، فرهنگ جهانی و نهادهای بین‌المللی	نهادگرایی در اقتصاد، همبستگی اقتصاد ملی، فرهنگ اقتصادی و نهادهای اقتصادی
نای، ۱۹۹۰ c: ۱۶۶	جذابیت فرهنگ و ایدئولوژی دولتی	جذابیت فرهنگ و ایدئولوژی اقتصادی
نای، ۱۳۸۷ /b: ۱۱۶- ۱۰۱	اثربخشی فرهنگ، فرهنگ اقتصادی، تابع بازار و تجارت بودن، تغییرات بازار و تحولات اقتصادی در راضی کردن مردم یک کشور، استانداردهای در زمینه برندهای برتر	فرهنگ اقتصادی، مشروعیت اقتصادی، توانمندی اقتصادی، برندهای اقتصادی

موفقیت اقتصادی	موفقیت طرح‌های اقتصادی	نای، ۱۳۸۷ اب: ۱۴۴
مهارت اقتصادی و تولید عمده	مهارت اقتصادی و تولید عمده (در قدرت نرم ژاپن)	نای، ۱۳۸۷ اب: ۱۶۱
رشد سریع اقتصادی	رشد سریع اقتصادی	نای، ۱۳۸۷ اب: ۱۶۶
سیاست‌های اقتصادی دولت در خارج و داخل	سیاست‌های دولت در خارج و داخل کشور	نای، ۱۳۸۷ اج: ۱۶۰
فرهنگ اقتصادی، دیپلماسی اقتصادی در خارج	فرهنگ و ارزش‌های آن، دیپلماسی عمومی، سیاست خارجی	ساندرز، ۱۳۸۷
منابع اقتصادی، مجموعه نهادها و سیاست‌های اقتصادی، شفافیت بازار	منابع اقتصادی، مجموعه‌ای از نهادهای اقتصادی و سیاست‌ها، یک اقتصاد موفق منبع مهمی برای جذابیت، شفافیت بازار	نای، ۱۳۸۹ ۳۲
شفافیت بازار، مشارکت اقتصادی	قدرت بازارها، توانایی حصول نتایج مطلوب از طریق شیوه‌های مشارکت	نای، ۱۳۹۰ ۴۸ - ۴۴
باورهای اقتصادی	متقاعدسازی که عبارت است از به‌کارگیری استدلال برای نفوذ بر عقاید و اقدامات دیگران بدون تهدید به زور یا قول پرداخت وجه	نای، ۱۳۹۰ ۱۵۵ - ۱۵۴
نقش فرهنگ اقتصادی، ارزش‌های اقتصادی، سیاست‌های اقتصادی، الگوهای اقتصادی، موفقیت‌های اقتصادی. ابزارهای سیاستی در اقتصاد شامل بنگاه‌های اطلاعات اقتصادی، دیپلماسی اقتصادی، مبادلات اقتصادی، کمک‌های اقتصادی و دوره‌های آموزشی اقتصادی	انواع منابع اصلی شامل فرهنگ، ارزش‌ها، سیاست‌های مشروع، یک الگوی داخلی مثبت، یک اقتصاد موفق و یک قدرت نظامی توانمند. ابزارهای سیاستی شامل سرویس‌های اطلاعاتی ملی، بنگاه‌های اطلاعاتی، دیپلماسی، دیپلماسی عمومی، دوره‌های تبادل، دوره‌های کمک‌رسانی، دوره‌های آموزشی و تدابیر مختلف	نای، ۱۳۹۰: ۱۶۵ - ۱۶۲ یا نای، ۱۳۹۰: ۱۶۵ - ۱۶۳

یوسفی، ۱۳۸۷: ۲۰۱-۲۰۹	آزادی، قانون، اخلاق، اعتقاد دینی، الگوی حکمرانی، کارایی اقتصادی	آزادی اقتصادی، قوانین اقتصادی، اخلاق اقتصادی؛ نقش دین و ایدئولوژی در اقتصاد، الگوی اقتصادی، کارایی اقتصادی
----------------------------	--	--

مأخذ: سیف و دیگران (۱۳۹۲)

نگاهی به مؤلفه‌های مطرح شده در این تحقیقات دلالت بر آن دارد که متغیرهای مختلفی از جمله کارایی اقتصادی، نهادهای اقتصادی، فرهنگ اقتصادی و امثال آن به‌عنوان متغیرهای مختلف مطرح شده است. برآیند بسیاری از این مؤلفه‌ها از جمله کارایی، نهادها، فرهنگ، شفافیت و امثال آن را می‌توان در تولید داخلی خلاصه کرد. چرا که همه این مؤلفه‌های در نهایت خود را تولید داخلی نشان می‌دهد. سایر مؤلفه‌هایی که امکان طرح به صورت مجزا دارند و دارای اهمیت زیادی هستند عبارت است سرمایه اجتماعی، میزان روابط تجاری کشور و میزان سرمایه‌گذاری خارجی. برآیند بسیاری از مؤلفه‌های مطرح شده از جمله دیپلماسی اقتصادی، ارتباطات اقتصادی، مبادلات اقتصادی، کمک‌های اقتصادی را می‌تواند ذیل سطح تجارت خارجی کشور مطرح کرد. در مجموع می‌توان ۴ مؤلفه اصلی تولید داخلی، سرمایه اجتماعی، میزان روابط تجاری کشور و میزان سرمایه‌گذاری خارجی را به‌عنوان ۴ متغیر جامع که بسیاری از مؤلفه‌های فوق را در خود دارند، شناسایی کرد و از آن‌ها به‌عنوان مؤلفه‌های اقتصادی قدرت نرم یاد کرد.

۳-۱. تحلیل رابطه تجاری ایران و چین در بستر قدرت نرم

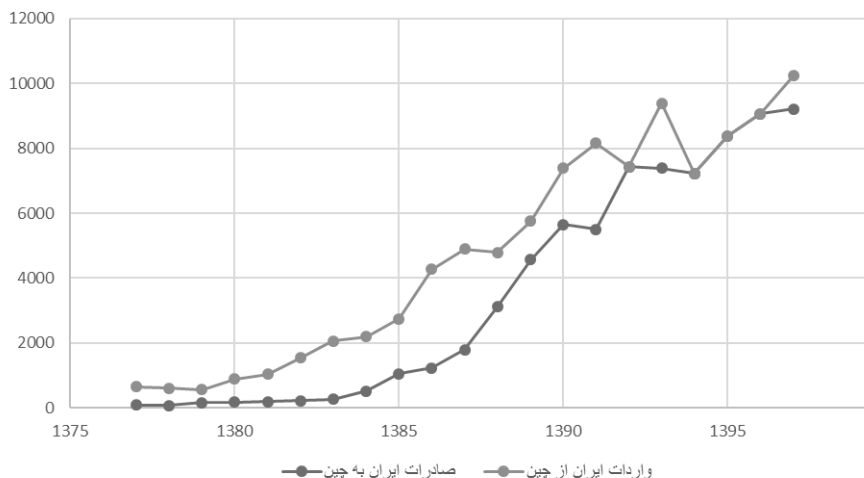
اقتصاد چین که برای سالیان متمادی تحت سیطره کمونیسم قرار داشت، از آغاز سال ۱۹۷۹ سیاست‌های اصلاحات و درهای باز را به اجرا گذارد. پس از اجرای این سیاست، اقتصاد این کشور توسعه قابل ملاحظه‌ای پیدا کرد و چهره کشور دستخوش تغییرات قابل توجهی شد. این دوران از لحاظ وضعیت، بهترین زمان پس از تأسیس جمهوری خلق چین و بهترین دوره برای مردم به لحاظ تأمین منافع آنان به شمار می‌رود. روند رشد چین به قدری خیره‌کننده بود که کمتر از ۴۰ سال بعد از اجرای سیاست‌های اصلاحات و درهای باز، اقتصاد گمنام چین به برترین اقتصاد دنیا تبدیل شد و این کشور توانست قدرت برتر اقتصادی دنیا از لحاظ تولید ناخالص

داخلی (PPP) شود. این جریانات که هم‌زمان با شکل‌گیری انقلاب اسلامی در ایران بود، زمینه ساز تحولات عظیمی در توسعه روابط تجاری ایران و چین گردید (کاشیان، ۱۴۰۰، ص ۵). روابط ایران و چین در سال‌های اخیر خصوصاً در حوزه اقتصادی با سرعت بالایی گسترش یافته است؛ به طوری که اقتصاد چین در سال‌های اخیر به بزرگترین شریک تجاری ایران تبدیل شده است. از سویی تحریم‌های جبهه غرب بر علیه ایران و تشدید آن‌ها در سال‌های اخیر و همچنین افزایش چالش‌های روابط تجاری چین و آمریکا سبب شده که چین به اصلی‌ترین شریک تجاری ایران تبدیل شود. از آنجا که قدرت اقتصادی، سیاسی و نظامی چین به طور روزافزون در حال گسترش است، تعریف مسیر روابط تجاری با این کشور در سال‌های آتی اهمیت بسیار بیشتری برای اقتصاد ایران خواهد داشت. بنابراین با توجه به نقش کلیدی روابط اقتصادی و تجاری در جهت‌دهی به برنامه‌های توسعه اقتصادی و کمک آن به روند جهانی شدن اقتصاد، بررسی تأثیر تجارت با این کشور، بر مناسبات توسعه اقتصادی کشور از اهمیت بسزایی برخوردار است.

۱-۳-۱. وضعیت فعلی روابط ایران و چین

واردات ایران از چین طی یک دهه گذشته دچار تحول اساسی و رشد قابل توجهی شده است، به طوری که طی مدت ده ساله حدود ۵۱ برابر شده و صادرات از ۱۹۸ میلیون دلار در سال ۱۳۸۱ به ۱۰۲۴۸ میلیون دلار در سال ۱۳۹۷ افزایش یافته است. میزان صادرات ایران به چین نیز طی یک دهه گذشته با رشد قابل توجهی همراه بوده است، به طوری که طی این مدت حدود ۹ برابر شده و از ۱۰۴۶ میلیون دلار در سال ۱۳۸۱ به ۹۲۱۷ میلیون دلار در سال ۱۳۹۷ افزایش یافته است. در حال حاضر چین در کنار عراق و افغانستان یکی از مقاصد اصلی کالاهای صادراتی ایران است. در سال ۲۰۱۸ به میزان ۹ میلیارد دلار از ایران به این کشور کالا صادر شده که چیزی در حدود ۱ درصد از نیازهای وارداتی چین را تأمین کرده است. نمودار زیر به خوبی بیانگر حجم واردات چین از ایران طی سالیان گذشته است.

نمودار ۲: صادرات و واردات ایران از چین
بررسی روابط تجاری ایران و چین در سال‌های اخیر (میلیون دلار)



مأخذ: سایت گمرک جمهوری اسلامی ایران

یکی از عمده‌ترین محصولاتی که از ایران به چین صادر می‌شود، نفت و سوخت‌های فسیلی است. چین نیاز شدیدی به این سوخت‌ها داشته و ایرانی نیز از قدیم یکی از مهم‌ترین تولیدکنندگان این حوزه بوده است. داده‌های سازمان تجارت جهانی در زمینه صادرات ایران به چین در سال ۲۰۱۸ دلالت بر آن دارد که ۳ محور اصلی صادرات ایران به چین به شرح زیر بوده است:

- نفت و سوخت‌های فسیلی
- انواع سنگ معدنی
- خاک، سیمان، آهک، گوگرد
- منافع ایران در توسعه روابط با چین

بدون تردید روابط تجاری ایران و چین سبب ایجاد مزایایی شده است که در ادامه به بررسی

آن پرداخته می‌شود:

- کاهش هزینه‌های دسترسی به نهاده‌های تولیدی

- امکان دسترسی به بازارهای جدید
- تسهیل فرآیند تبادل دانش فنی و سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه
- گشایش بازارهای جدید به روی کسب‌وکارهای محلی و امکان توسعه صادرات
- توسعه قدرت نرم ایران
- یافتن شریک تجاری و بی‌نیازی از غرب
- دور زدن تحریم‌ها

۱-۳-۲. منافع چین در توسعه روابط تجاری با ایران

بدون تردید از مهم‌ترین ویژگی‌های توسعه روابط تجاری، منافع دو طرفه‌ای است که برای افراد ایجاد می‌شود. همان‌طوری که توسعه روابط تجاری با چین برای ایران اهمیت دارد، به همان نسبت برای چینی‌ها این‌گونه است. در ادامه به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود. توسعه نفوذ در منطقه و ارتقای قدرت نرم خود: چین به‌عنوان یک قدرت بزرگ به تجارت بین‌المللی به‌عنوان راهی برای تحکیم منافع خود در صحنه نمایش ژئوپلیتیکی استفاده کرده است خرید نفت مسیر منطقی‌تری برای پیگیری نفوذ پکن در این منطقه فراهم می‌کند:

- تأمین امنیت عرضه انرژی و مواد اولیه
 - رقابت اقتصادی - سیاسی با روسیه
 - کاهش کسری تراز تجاری دوجانبه با ایران
 - بازی کردن با برگ ایران در مقابل با آمریکا
 - بازار مناسب برای فروش محصولات خود
- موضوعی که در این بخش حائز اهمیت است، سنگین بودن وزن برگ ایران در مقابل با آمریکا برای چین است که به‌راحتی می‌تواند با آن بازی کند.

۲. روش پژوهش

این بخش به معرفی روش تحقیق اختصاص دارد. از آنجا که موضوع مورد پژوهش، تبیین رابطه بین متغیرها بر اساس رفتار گذشته آن‌ها یعنی داده‌های موجود است، از روش‌های سری زمانی اقتصادسنجی استفاده شده است. حداقل داده مورد نیاز برای تخمین پارامترهای مدل‌های سری زمانی ۳۰ دوره است که با توجه به اینکه آخرین داده‌های موجود مربوط به سال ۲۰۱۹ بوده است، دوره زمانی ۱۹۸۸ تا ۲۰۱۹ انتخاب شده است.

۲-۱. متغیرهای پژوهش

متغیرهای اصلی این پژوهش را می‌توان به ۳ دسته متغیرهای مستقل، وابسته و کنترل تقسیم‌بندی کرد. در این پژوهش متغیر تولید ناخالص داخلی، سرمایه اجتماعی، سرمایه گذاری خارجی، حجم تجارت خارجی به کل دنیا به غیر از چین به شکل سالانه در بازه زمانی ۱۹۸۸ تا ۲۰۱۹ به عنوان متغیرهای مستقل قابل طرح هستند. داده‌های فوق همگی از بانک جهانی استخراج شده است. متغیر وابسته این پژوهش سطح روابط تجاری ایران و چین است. از آنجا که تعرفه‌های گمرکی نقش بسیار مهمی در میزان صادرات و واردات دارند، از آن به عنوان متغیر کنترل استفاده شده است.

۲-۲. تصریح مدل

بر اساس ادبیات موضوع به منظور بررسی تأثیر تولید ناخالص داخلی، سرمایه اجتماعی، سرمایه گذاری خارجی، حجم تجارت خارجی، بر توسعه روابط تجاری با چین، مدل زیر تصریح می‌گردد.

$$T = F(\text{GDP}, \text{SC}, \text{I}, \text{VT}, \text{Tar})$$

متغیر وابسته: T تجارت ایران و چین می‌باشد که از اطلاعات آماری سایت بانک جهانی قابل استخراج است.

متغیر مستقل: که در آن GDP تولید ناخالص داخلی، SC سرمایه اجتماعی، I سرمایه گذاری مستقیم، VT حجم تجارت خارجی می‌باشد.

متغیر کنترل: Tar که نشان دهنده تعرفه گمرکی است

۲-۳. بررسی مانایی داده‌ها

گام اول در مدل‌های سری زمانی، بررسی مانایی داده‌های پژوهش است. به طور کلی یک فرآیند تصادفی زمانی که دارای میانگین و واریانس ثابت در طی زمان باشد و مقدار کوواریانس آن در دو دوره زمانی، تنها به فاصله یا وقفه بین این دو دوره بستگی داشته و ارتباطی به زمان واقعی محاسبه کوواریانس نداشته باشد (گجراتی، ۱۳۸۷) به عبارتی اگر، Y_t به عنوان متغیر سری زمانی تصادفی، با ویژگیهای زیر وجود داشته باشد:

$$E(Y_t)E(Y_t) - \mu$$

$$\text{VAR}(Y_t) = E(Y_t - \mu) = \sigma^2$$

$$Y_k = E(Y_t - \mu)(Y_{t+k} - \mu)$$

که در آن Y_k کوواریانس در وقفه K ، کوواریانس بین مقادیر Y_t و Y_{t+k} یعنی دو مقدار Y در فاصله زمانی k میباشد. حال اگر سری زمانی Y از مبدا زمانی t به $t+m$ انتقال یابد، سری زمانی Y پایا خواهد بود. البته اگر میانگین و واریانس و کوواریانس سری Y_t و Y_{t+k} با هم برابر باشند. بنابراین یک سری زمانی هنگامی پایا خواهد بود که میانگین، واریانس و کوواریانس در وقفه‌های مختلف سری زمانی یکسان بوده و ثابت باقی بماند.

یکی از مهمترین مشکلات عمده در تحلیل داده‌ها، وجود ریشه واحد میباشد. وجود ریشه‌های واحد به معنی نامانای بودن داده‌ها است و این امر منجر به بروز مشکلاتی در اعتبار آزمونهای انجام شده می‌گردد. در ادبیات سری‌های زمانی، چنین سری‌های نامانایی، سری‌های نامانای دارای ریشه واحد نامیده می‌شود.

۲-۴. روش برآورد مدل

همانطوری که در بخش قبلی بیان شد، گام اول در بررسی مانایی داده‌ها دلالت بر آن دارد که اکثر متغیرهای پژوهش مانا از مرتبه ۱ هستند و تنها سرمایه‌گذاری در سطح مانا است. از این جهت می‌توان گفت در میان روش‌های موجود می‌بایست از مدل $ARDL$ استفاده شود. مدل خود توضیح با وقفه گسترده ($ARDL$) معرفی شده توسط پسران و همکاران (۲۰۰۱)

برای بررسی هم‌جمعی و نیز تخمین روابط کوتاه مدت و بلند مدت بین متغیرها استفاده شده است. این روش مزیت‌های زیادی نسبت به سایر تکنیک‌های مرسوم دارد و لذا به‌طور گسترده در مطالعات تجربی مورد استفاده قرار می‌گیرد مهم‌ترین مزیت رویکرد ARDL است که این روش صرف‌نظر از اینکه متغیرهای مدل $I(0)$ یا $I(1)$ هستند قابل کاربرد است، دلیل دیگر اینکه این روش در نمونه‌های کوچک یا محدود کارایی نسبتاً بیشتری در مقایسه با روش‌های دیگر دارد هم‌چنین در این روش علاوه بر محاسبه روابط بلند مدت میان متغیرها، امکان محاسبه روابط پویا و کوتاه مدت وجود دارد ضمن آنکه سرعت تعدیل به تعادل بلند مدت پس از شوک‌های کوتاه مدت، با افزودن مدل ECM قابل محاسبه است، افزون بر این مشکل درون زایی به دلیل همبسته نبودن جملات اخلال در رویکرد ARDL بروز نمی‌کند (پسران و شین، ۱۹۹۵)

تعیین وقفه بهینه و اجرای مدل

گام اول در مدل ARDL برای معادله ۱ به صورت زیر تصریح می‌گردد.

$$T_t = \alpha + \beta_1 GDP_t + \beta_2 SC_t + \beta_3 VT_t + \beta_4 I_t + \beta_5 Tar_t + u_t$$

اولین گام در آزمون کرانه‌ها، آزمون فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود هم‌انباشتگی $H_0 = \beta_0 = \beta_1 =$ در مقابل $H_1 = \beta_1 \neq \beta_2 \neq 0$ است. یعنی توزیع F نامتقارن است، پسران و همکاران (۲۰۰۱) مقادیر بحرانی را برای اماره F در دو مرحله تخمین زده‌اند. ابتدا با این فرض که همه متغیرها $I(0)$ هستند و بار دیگر با این فرض که همه متغیرها هستند $I(1)$ و سپس کران پایین را برای رگرسیون $I(0)$ و کران بالا را برای رگرسیون‌های $I(1)$ تعریف کرده‌اند. اگر اماره F محاسباتی بزرگ‌تر از مقدار کران بالا باشد، فرضیه صفر رد می‌شود و اگر کوچک‌تر از کران پایین باشد، فرضیه H_0 پذیرفته می‌شود و اگر اماره F بین دو کران قرار بگیرد آزمون بی نتیجه است. پس از این مرحله نوبت به تخمین ضرایب بلند مدت و الگوی پویای کوتاه مدت خواهد رسید.

نکته دیگری که باید مد نظر قرار گیرد شرطی است که پسران و همکاران (۲۰۰۱) جهت کارکرد صحیح الگوی خطا (ARDL) برای بررسی هم‌انباشتگی میان متغیرها ارائه کرده‌اند. آن‌ها در مطالعه خود نشان می‌دهند که جهت استفاده از مدل خود توزیعی باید Y_t برون‌زای ضعیف باشد و شرط برون‌زای ضعیف X_t آن است که در معادله VECM مربوط به این متغیر، ضریب جمله تصحیح خطا بی معنی باشد. در این حالت می‌توان از مدل ARDL به شکلی

که متغیر X_t به عنوان متغیر توضیحی و متغیر Y_t به عنوان متغیر وابسته وارد الگو می شود استفاده کرد. رابطه هم انباشتگی میان متغیرها نشانگر وجود رابطه علیت گرنجری به صورت حداقل یک سویه است و از طرف دیگر اثبات هم انباشتگی به خودی خود نمی تواند جهت علیت را مشخص کند، در پایان علیت کوتاه مدت و بلند مدت متغیرهای الگو مورد بررسی قرار می گیرد. تعداد وقفه های بهینه برای هر یک از متغیرهای توضیح دهنده را می توان به کمک یکی از ضابطه های اکائیک (AIC)، شوارتز بین (SBC) و یا حنان کوئیک (HQC) مشخص کرد. در این پژوهش با توجه به اینکه تعداد داده های سری زمانی از ۱۰۰ کمتر است، تعداد وقفه های بهینه با استفاده از معیار شوارتز بین (SBC) مشخص شده است (نوفروستی، ۱۳۸۹:۹۶).

۳. یافته های پژوهش

در این بخش به تحلیل داده ها و نتایج به دست آمده از مدل پرداخته می شود. برای تحلیل داده ها از نرم افزار Eviews استفاده شده است.

۳-۱. توصیف داده ها

اولین گام در شرح نتایج به دست آمده از مدل، توصیف داده است. جدول ذیل به طور خلاصه داده های پژوهش را توصیف نموده است:

جدول ۲: آمار توصیفی داده های پژوهش

تولید ناخالص داخلی	سرمایه گذاری خارجی	سرمایه اجتماعی	تعرفه خارجی	تجارت ایران و چین	تجارت خارجی ایران	واحد
دلار	دلار	-	درصد	میلیون دلار	میلیون دلار	میانگین
۳/۷۷E+۱۱	۱/۳۳E+۰۸	۹/۰۷۴۱۳۰	۰/۰۶۴۲۷۶	۶۷۸۲/۴۵۴	۴۶۸۹۵/۳۳	میان
۳/۸۰E+۱۱	۷۹۶۳۰۰۰۰	۹/۴۷۷۰۰۴	۰/۰۶۷۴۷۳	۲۰۵۰/۴۵۰	۳۵۶۷۳/۰۵	ماکزیمم
۵/۶۱E+۱۱	۱/۳۶E+۰۹	۱۵/۸۱۲۱۹	۰/۰۸۸۱۲۵	۲۳۰۶/۰۰	۱۱۸۹۹۹/۴	مینیمم
۱/۹۳E+۱۱	۳/۲۶E+۰۸	۳/۱۳۵۰۸۶	۰/۰۲۳۶۲۴	۱۶۵/۴۲۲۷	۱۰۵۴۳/۵۸	انحراف از معیار
۱/۰۸E+۱۱	۲/۶۸E+۰۸	۳/۶۶۳۷۸۴	۰/۰۱۴۳۵۳	۸۱۴۵/۰۴۶	۳۱۷۲۰/۳۰	چولگی
۰/۰۰۳۱۹۹	۳/۱۶۹۹۰۵	۰/۱۹۱۶۱۱-	۱/۰۷۹۵۶۰-	۰/۸۸۷۱۲۶	۰/۶۲۹۱۰۲	

ماخذ: یافته های پژوهش

۲-۳. آزمون ریشه واحد

همان‌طور که قبلاً بیان گردید روش ARDL در صورت وجود متغیرهای مدل $I(0)$ یا $I(1)$ هستند، قابل کاربرد است. روش‌های مختلفی برای انجام آزمون ریشه واحد و بررسی پایایی متغیرها وجود دارد که در این مقاله از روش فیلیپس پراون استفاده شده است. به‌طور کلی یک فرآیند تصادفی هنگامی مانا نامیده می‌شود که میانگین و واریانس آن طی زمان ثابت باشد و مقدار کوواریانس بین دو دوره زمانی، تنها به فاصله یا وقفه بین این دو دوره بستگی داشته و ارتباطی به زمان واقعی محاسبه کوواریانس نداشته باشد (گجراتی، ۱۳۸۷).

جدول ۳: نتایج آزمون مانایی با استفاده از روش فیلیپس پراون

متغیر	درجه مانایی	احتمال در سطح	احتمال در تقاضا مرتب اول
T	I(1)	۹۹ درصد	۰ درصد
GDP	I(1)	۵۳ درصد	۱ درصد
VT	I(1)	۴۵ درصد	۰ درصد
SC	I(1)	۹۷ درصد	۰ درصد
I	I(0)	۰ درصد	-
Tar	I(1)	۲۴ درصد	۰ درصد

مأخذ: یافته‌های پژوهش

جدول فوق نشان می‌دهد تولید ناخالص ملی، سرمایه اجتماعی و حجم تجارت خارجی، تجارت ایران و چین با یک بار تقاضا گیری و سرمایه گذاری مستقیم در سطح مانا هستند.

۳-۳. تعیین وقفه بهینه و رابطه بلندمدت

در قدم بعدی وجود رابطه بلند مدت بین متغیرها آزمون می‌شود. انتخاب تعداد وقفه بهینه با توجه به معیار شوارتز-بیزین صورت گرفته است. بر اساس این معیار وقفه بهینه برای هر یک از متغیرها به شرح زیر است:

جدول ۴: تعداد وقفه بهینه با استفاده از معیار شوارتز

متغیر	تعداد وقفه بهینه
T	۲

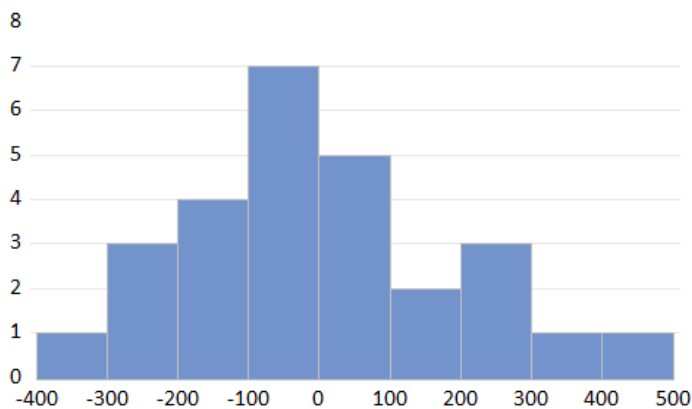
۲	GDP
۳	VT
۳	SC
۳	I
۲	Tar

مأخذ: دستاوردهای پژوهش

نتایج آماره F محاسباتی جهت آزمون کرانه‌ها عدد $۳۷/۴۰$ به دست آمده که حتی در سطح معنی داری ۱ درصد بیشتر از حد بحرانی بالاست. اگر آماره F بزرگ‌تر از مقدار بحرانی باشد فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود رابطه بلند مدت رد می‌شود و اگر آماره F کمتر از حد پایین بحرانی باشد فرضیه صفر را نمی‌توان رد کرد. با توجه به F به دست آمده در اینجا نشانگر وجود رابطه بلند مدت بین متغیرهاست.

۳-۴. بررسی نرمالیتی، خودهمبستگی و واریانس ناهمسانی

داده‌های به دست آمده از آزمون نرمالیتی داده‌ها دلالت بر آن دارد که توزیع نرمال است و با وجود احتمال ۵۹ درصدی نرمال بودن تائید می‌شود.



نمودار ۳: نمودار آزمون نرمالیتی CUSUM (مأخذ: دستاوردهای پژوهش)

برای بررسی واریانس همسانی و خودهمبستگی نتایج آزمون‌های به دست آمده حاکی از

برقراری فروض کلاسیک و همسانی واریانس و عدم وجود خودهمبستگی است.

جدول ۵: نتایج آزمون خودهمبستگی و واریانس ناهمسانی

احتمال	اماره	فروض کلاسیک
۰/۱۵	۳/۰۰۴	آزمون خود همبستگی
۰/۲۰۶	۱/۷	آزمون همسانی واریانس

مأخذ: دستاوردهای پژوهش

۳-۵. رابطه کوتاه مدت:

بر اساس نتایج به دست آمده از اجرای مدل، هر یک از متغیرهای و وقفه‌های آن‌ها دارای آثار مختلفی هستند که در جدول زیر نشان داده شده است:

جدول ۶: نتایج حاصل از تخمین مدل در کوتاه مدت

احتمالات	آماره T	خطای استاندارد	ضریب	متغیر
۰/۰۰۲۶	-۴/۹۳۶۵۳۲	۰/۱۴۵۴۳۵	-۰/۷۱۷۹۴۴	T(-۱)
۰/۰۰۰۲	۷/۹۶۱۳۹۷	۰/۱۲۰۴۵۸	۰/۹۵۹۰۱۴	T(-۲)
۰/۵۹۹۴	-۰/۵۵۴۳۸۳	۱۷۸/۳۴۷۲	-۹۸/۸۷۲۵۶	SC
۰/۱۲۹۲	۱/۷۵۸۴۹۰	۳۳۱/۷۳۳۴	۵۸۳/۳۴۹۸	SC(-۱)
۰/۲۲۱۰	-۱/۳۶۵۸۴۶	۲۸۱/۲۳۴۵	-۳۸۴/۱۲۳۲	SC(-۲)
۰/۰۵۰۵	۲/۴۴۰۰۶۰	۲۶۶/۷۵۶۳	۶۵۰/۹۰۱۲	SC(-۳)
۰/۰۱۰۳	-۳/۶۸۵۱۱۹	۲۴۹۰۷/۸۷	-۹۱۷۸۸/۴۶	TAR
۰/۹۵۲۱	۰/۰۶۲۵۶۲	۱۹۶۴۷/۱۵	۱۲۲۹/۱۶۹	TAR(-۱)
۰/۰۱۱۱	-۳/۶۱۹۶۳۰	۱۶۳۱۹/۲۷	-۵۹۰۶۹/۷۳	TAR(-۲)
۰/۰۵۳۷	-۲/۳۹۴۹۵۸	۰/۰۱۵۵۶۱	-۰/۰۳۷۲۶۷	VT
۰/۰۰۰۶	-۶/۵۴۰۶۵۴	۰/۰۱۳۰۴۲	-۰/۰۸۵۳۰۴	VT(-۱)
۰/۰۲۴۰	-۳/۰۰۰۵۳۳	۰/۰۱۳۷۹۷	-۰/۰۴۱۳۹۹	VT(-۲)
۰/۰۰۰۱	۹/۰۶۱۳۷۶	۰/۰۱۳۰۱۱	۰/۱۱۷۸۹۷	VT(-۳)
۰/۰۰۳۸	۴/۵۸۴۷۴۱	۶/۳۴E-۰۷	۲/۹۱E-۰۶	I
۰/۰۰۳۲	۴/۷۳۹۷۷۹	۵/۵۵E-۰۷	۲/۶۳E-۰۶	I(-۱)

۰/۰۰۰۲	۸/۲۷۴۸۸۶	۶/۸۰E-۰۷	۵/۶۲E-۰۶	I(-۲)
۰/۰۸۱۸	۲/۰۸۸۵۰۴	۶/۶۲E-۰۷	۱/۳۸E-۰۶	I(-۳)
۰/۲۹۰۰	-۱/۱۶۰۱۹۶	۱/۲۷E-۰۸	-۱/۴۸E-۰۸	GDP
۰/۰۰۰۷	۶/۳۸۴۸۱۹	۱/۳۷E-۰۸	۸/۷۵E-۰۸	GDP(-۱)
۰/۳۴۷۹	۱/۰۱۸۰۴۶	۱/۲۶E-۰۸	۱/۲۸E-۰۸	GDP(-۲)
۰/۰۳۵۱	-۲/۷۱۰۰۷۴	۱۱۰۵۲/۴۴	-۲۹۹۵۲/۹۳	C

مأخذ: دستاوردهای پژوهش

همانطوری که پارامترهای برآورد شده نشان می‌دهد، مولفه های اقتصادی قدرت نرم هر یک به صورت متعددی بر توسعه روابط تجاری ایران و چین تاثیرگذار بوده‌اند. در بخش تفسیر نتایج به تحلیل پارامترهای به دست آمده پرداخته خواهد شد.

۳-۶. روابط بلند مدت

علاوه بر تعیین روابط کوتاه مدت، از مزایای روش ARDL پرداختن به روابط بلندمدت است. پس از اطمینان از وجود رابطه بلند مدت و برقراری فروض کلاسیک، نتایج تخمین مدل بلند مدت به روش ARDL، با یک وقفه به‌عنوان وقفه بهینه بر اساس معیار شوارتز بیزین در جدول ذیل ارائه شده است.

جدول ۷: نتایج حاصل از تخمین مدل در بلندمدت

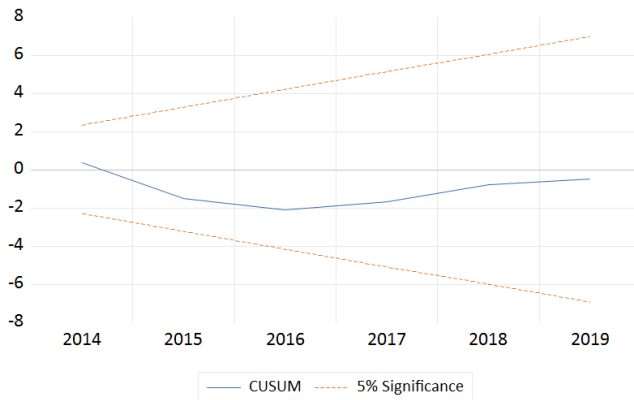
احتمالات	آماره T	خطای استاندارد	ضریب	متغیر
۰/۰۷۸۵	۲/۱۱۸۳۴۴	۴۶۷/۲۹۳۴	۹۸۹/۸۸۸۲	SC
۰/۰۰۰۲	-۸/۳۲۲۰۰۶	۲۳۶۹۱/۱۶	-۱۹۷۱۵۸/۰	TAR
۰/۰۶۱۶	-۲/۲۹۳۵۶۸	۰/۰۲۶۴۶۹	-۰/۰۶۰۷۰۷	VT
۰/۰۰۰۲	۸/۰۸۹۷۶۵	۲/۰۴E-۰۶	۱/۶۵E-۰۵	I
۰/۰۰۱۶	۵/۴۱۲۷۰۱	۲/۰۸E-۰۸	۱/۱۳E-۰۷	GDP
۰/۰۳۵۱	-۲/۷۱۰۰۷۴	۱۱۰۵۲/۴۴	-۲۹۹۵۲/۹۳	C

مأخذ: دستاوردهای پژوهش

۳-۷. آزمون ثبات مدل

آزمون‌های تشخیص، برای مشخص کردن ثبات مدل و تعیین ثبات ساختاری مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این تحقیق ثبات مدل از نمودار CUSUM و CUSUM^۱ استفاده شده است. اگر نمودار آماری یکی از خط‌های طرفین را در سطح ۵ درصد، قطع نماید، مدل با ثبات نخواهد

بود. مطابق نمودارهای پیوست CUSUM نمودار آبی رنگ یکی از خط‌های طرفین را قطع نکرده است. بنابراین ثبات دائمی بلند مدت برای الگوی مورد نظر قابل قبول است.



نمودار ۴: نتایج آزمون ثبات مدل (مأخذ: دستاوردهای پژوهش)

۳-۸. تفسیر نتایج

حسب نتایج به دست آمده از اجرای مدل ARDL، تمامی شرایط لازم برای صحیح بودن نتایج حاصل شده است. تمامی متغیرهای مورد استفاده در مدل، مانا از درجه صفر یا درجه یک هستند. از طرفی فروض کلاسیک شامل نرمالیتی، عدم خودهمبستگی و واریانس ناهمسانی در مدل رعایت شده است. آزمون CUSUM نیز ثبات مدل در بلندمدت را تأیید می‌کند. با توجه به این نتایج تفسیر ضرایب به دست آمده در مدل امکان پذیر است.

ضرایب به دست آمده از مدل دلالت بر آن دارد که میان مؤلفه‌های اقتصادی قدرت نرم و رابطه تجاری ایران و چین رابطه بلندمدت وجود دارد. نتایج نشان می‌دهد به هر میزان که قدرت اقتصادی کشور حسب تولید داخلی بیشتر شده است، طبیعتاً رابطه تجاری ایران و چین نیز بیشتر شده است. چنانچه این نتیجه قابل تسری به کل کشورهای دنیا باشد، نتیجه این است که حمایت از تولید داخلی و افزایش سطح تولید تأثیر بسیاری زیادی در افزایش روابط تجاری کشور دارد. به عبارتی توسعه همکاری و افزایش ارتباط با کشورهای مختلف دنیا منوط به افزایش قدرت نرم کشور از طریق افزایش تولید است. به همین صورت سرمایه اجتماعی نیز رابطه معنادار و

بلندمدتی با توسعه روابط تجاری ایران با چین داشته است. همان طوری که پیش تر مطرح شد، سرمایه اجتماعی یکی از فاکتورهای بسیار مهم در قدرت نرم کشورهای دنیاست. افزایش سرمایه اجتماعی منجر به افزایش قدرت نرم کشور می شود و در نتیجه امکان توسعه روابط با کشورهای دیگر را فراهم می کند

موضوع دیگری که در توسعه روابط خارجی حائز اهمیت است، افزایش سطح سرمایه گذاری خارجی ایران در کشورهای مختلف دنیاست. نتایج نشان می دهد به هر میزانی که کشور در خارج از مرزهای داخلی سرمایه گذاری کرده است، با افزایش روابط تجاری مواجه بوده است. سرمایه گذاری خارجی ضمن تعیین منافع مشترک میان ایران و سایر کشورهای جهان، امکان افزایش قدرت نرم را فراهم آورده و در نتیجه نقش بسیار مؤثری در توسعه روابط خارجی ایران دارد.

نهایتاً مؤلفه رابطه تجاری ایران با سایر کشورهای دنیاست که به هر میزانی که ایران به سوی کشورهای دیگر رابطه تجاری برقرار می کند، بر روابط ایران و چین اثر منفی می گذارد. در واقع رابطه تجاری ایران و سایر کشورهای دنیا به غیر از چین یک اثر دوگانه ایجاد می کند: ۱- این رابطه سبب افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران می شود و در نتیجه می تواند بر رابطه تجاری ایران و چین مؤثر باشد. ۲- این رابطه سبب کاهش توجه ایران به چین و معطوف نگه داشتن آن به سایر کشورها می شود و از حجم رابطه تجاری ایران و چین می کاهد. از آنجا که این دو مکانیسم، آثار متفاوتی بر توسعه روابط تجاری ایران و چین دارند، برآیند آن حائز اهمیت است. نتایج مدل نشان می دهد که اثر دوم بر اثر اول غالب بوده و لذا رابطه تجاری ایران و چین از این منظر با کاهش همراه بوده است. در خصوص متغیر کنترلی پژوهش نیز رابطه منفی اثبات شده است، به این معنا که افزایش تعرفه های گمرکی سبب کاهش روابط تجاری ایران و چین شده است.

در خصوص نتایج کوتاه مدت همان طوری که پیش تر نیز اشاره شد، مؤلفه های اقتصادی قدرت نرم هر یک با وقفه های ۲ و ۳ در مدل بهینه تعیین شدند و این نشان می دهد که آثار این مؤلفه های در کوتاه مدت نه به صورت مستقیم بلکه با وقفه هایی همراه است. جدول شماره ۵ نشان می دهد که تأثیر سرمایه اجتماعی بر توسعه روابط تجاری ایران و چین بعد ۳ وقفه یعنی ۳ سال بعد اثر خود را نشان می دهد. تعرفه های گمرکی هم دارای اثر مستقیم و هم دارای اثر

با وقفه هستند. روابط تجاری ایران و سایر کشورها نیز اثری به همین صورت دارند. نکته مهم سرمایه‌گذاری خارجی ایرانیان است که اثر آن بر توسعه روابط تجاری با چین هم به صورت مستقیم و هم در وقفه اول و دوم خود را نشان داده است. لذا این متغیر یکی از متغیرهای مهم در اثرگذاری بر روابط ایران و چین و به طبع آن سایر کشورهای بوده است. نهایتاً در خصوص تولید داخلی نیز اثر آن با یک وقفه خود را نشان داده است و دلالت بر آن دارد که هر گاه تولید کشور افزایش می‌یابد، از طریق افزایش قدرت نرم، منجر به افزایش توسعه روابط تجاری با چین در سال بعدی می‌شود.

۹-۳. تحلیل نتایج

با در نظر گرفتن تفسیری که از نتایج به دست آمده ارائه شد، در این بخش نوبت به تحلیل نتایج و ارائه یک جمع‌بندی از دست‌آوردهای پژوهش می‌رسد. همانطوری که در تعریف قدرت نرم بیان شد، قدرت نرم عبارت است از توانایی جذب کردن؛ شکل دادن به ترجیحات دیگران، کسب مطلوب از طریق جاذبه، قدرت جذب، اقناع و شیفتگی. بر این اساس افزایش قدرت نرم یک کشور می‌تواند منجر به تمایل دیگران به برقراری ارتباط، توسعه روابط در عرصه‌های مختلف و پذیرش خواسته‌های آن کشور در سطح بین‌الملل شود. در بعد اقتصادی نیز می‌توان قدرت نرم را عاملی موثر در توسعه روابط اقتصادی و ایجاد منافع مشترک دانست.

فرضیه اصلی پژوهش حاضر، این بود که بهبود مولفه‌های اقتصادی قدرت نرم یک کشور، نقش موثری در تمایل سایر کشورها به توسعه روابط تجاری با آن کشور دارد. در این پژوهش فرضیه مذکور در خصوص اقتصاد ایران به آزمون گذارده شده و تاثیر مولفه‌های اقتصادی قدرت نرم بر توسعه روابط تجاری ایران و چین مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج آزمون‌ها، تایید فرضیه اصلی پژوهش را به همراه داشته است. به عبارت دیگر، نتایج اجرای مدل دلالت بر آن دارد که با بهبود مولفه‌های اقتصادی قدرت نرم، سطح روابط تجاری ایران و چین به شکل قابل توجهی افزایش می‌یابد. با در نظر گرفتن سرمایه اجتماعی، تولید ناخالص داخلی، سطح روابط تجاری با سایر کشورها و میزان سرمایه‌گذاری خارجی به عنوان ۴ مولفه اقتصادی قدرت نرم، به هر نسبت که این مولفه برای اقتصاد ایران بهبود یافته است، روابط تجاری ایران و چین افزایش یافته است. از این منظر می‌توان توسعه روابط تجاری ایران و چین را ناشی از افزایش قدرت

نرم جمهوری اسلامی ایران تحلیل کرد و بیان داشت که افزایش قدرت نرم ایران تاثیر زیادی بر جذابیت توسعه روابط تجاری برای طرف‌های چینی علی‌رغم همه تحریم‌ها داشته است. از آنجا که اقتصاد چین از اقتصادهای بزرگ و تاثیرگذار دنیاست و یک طرف جنگ تجاری با آمریکا است، توسعه روابط تجاری با چین می‌تواند برای جمهوری اسلامی ایران حائز اهمیت باشد.

بر اساس یافته‌های پژوهش و ارائه یک قانون کلی می‌توان به این جمع‌بندی رسید که یکی از مسیرهای افزایش حضور ایران در اقتصاد جهانی و توسعه روابط تجاری با سایر کشورها، بهبود مولفه‌های اقتصادی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران است. به هر میزانی که این مولفه‌ها تقویت شوند، اعتماد سایر کشورها جلب شده، منافع مشترک تعریف شده و در نهایت میزان روابط تجاری افزایش خواهد یافت. این پژوهش بر بهبود رشد اقتصادی، افزایش سرمایه اجتماعی، افزایش سرمایه‌گذاری خارجی و توسعه روابط تجاری به عنوان مولفه‌های اصلی قدرت نرم تاکید زیادی دارد و بهبود این مولفه‌ها را عاملی حیاتی بر بهبود شرایط اقتصاد ایران و افزایش نقش و تاثیرگذاری آن در سطح بین‌الملل دارد. بر این اساس:

۱. افزایش تولید ناخالص داخلی کشور (رشد اقتصادی مثبت) منجر به افزایش قدرت نرم و در نتیجه توسعه روابط تجاری ایران و سایر کشورها از جمله چین خواهد شد.
۲. بهبود سرمایه اجتماعی در ایران منجر به تقویت قدرت نرم کشور و در نتیجه توسعه روابط تجاری ایران و سایر کشورها از جمله چین خواهد شد.
۳. افزایش سطح سرمایه‌گذاری خارجی ایران منجر به ایجاد منافع مشترک میان ایران و سایر کشورها شده و در نتیجه با بهبود قدرت نرم، منجر به توسعه روابط تجاری خواهد شد.
۴. توسعه روابط تجاری در سطح بین‌الملل با عده‌ای از کشورها می‌تواند نقش مهمی در جذب دیگر کشورها نیز داشته باشد.

جمع‌بندی و ارائه پیشنهادها سیاستی

پژوهش حاضر به دنبال بررسی تاثیر مولفه‌های اقتصادی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران بر توسعه روابط تجاری ایران و چین بوده است. امروزه قدرت نرم به‌عنوان یکی از ابزارهای کسب موفقیت در سیاست و اقتصاد بین‌الملل محسوب می‌شود. تحولات عظیم سیاسی، اقتصادی و

فرهنگی جهان سبب شده است کشوری که در ترکیبی از جنبه قدرت سخت و قدرت نرم توانمند باشد، بتواند در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهانی نقش مؤثرتری داشته باشد. موضوعی که تحلیل آن از منظر مؤلفه‌های اقتصادی قدرت نرم جذاب و با اهمیت می‌نماید، توسعه روابط تجاری ایران و چین است. مسئله اصلی پژوهش حاضر این است آیا توسعه همکاری‌های ایران و چین را می‌توان از منظر توسعه قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران نیز تفسیر کرد؟ به عبارت دیگر پژوهش حاضر در پی یافتن پاسخی برای این سؤال اساسی است که ابعاد اقتصادی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در چیست؟ و آیا بهبود این مؤلفه‌ها نقش مؤثری بر توسعه روابط تجاری ایران و چین داشته است؟

بررسی مبانی نظری پژوهش نشان می‌دهد که ۴ مؤلفه اصلی شامل تولید داخلی (GDP)، سرمایه اجتماعی، میزان روابط تجاری کشور و میزان سرمایه‌گذاری خارجی به‌عنوان ۴ متغیر جامع که بسیاری از مؤلفه‌های اقتصادی قدرت نرم را در خود دارند و لذا از آن‌ها به‌عنوان مؤلفه‌های اقتصادی قدرت نرم استفاده شده است. بازه زمانی مورد تحلیل در این پژوهش داده‌های مربوط به سال ۱۹۸۸ تا ۲۰۱۹ بوده است و روش مورد استفاده در این پژوهش روش خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی (ARDL) بوده است. آزمون‌های انجام گرفته نشان از آن دارد که مدل مورد استفاده تمامی شرط‌های لازم برای اطمینان از صحت نتایج را محقق کرده و نتایج به دست آمده از مدل قابل تفسیر است.

نتایج به دست آمده از مدل دلالت بر آن دارد که میان مؤلفه‌های اقتصادی قدرت نرم و رابطه تجاری ایران و چین رابطه بلندمدت وجود دارد. نتایج تحلیل بلندمدت دلالت بر آن دارد که به هر میزان که قدرت اقتصادی کشور حسب تولید داخلی بیشتر شده است، طبیعتاً رابطه تجاری ایران و چین نیز بیشتر شده است. چنانچه این نتیجه قابل تسری به کل کشورهای دنیا باشد، نتیجه این است که حمایت از تولید داخلی و افزایش سطح تولید تأثیر بسیاری زیادی در افزایش روابط تجاری کشور دارد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که افزایش سرمایه اجتماعی منجر به افزایش قدرت نرم کشور می‌شود و در نتیجه امکان توسعه روابط با کشورهای دیگر را فراهم می‌کند. رابطه تجاری ایران و چین تحت تأثیر این مؤلفه است. از طرفی به هر میزانی که ایران در خارج از مرزهای داخلی سرمایه‌گذاری کرده است، با افزایش روابط تجاری مواجه بوده است. سرمایه‌گذاری خارجی ضمن تعیین منافع مشترک میان ایران و سایر کشورهای جهان، امکان افزایش

قدرت نرم را فراهم آورده و در نتیجه نقش بسیار مؤثری در توسعه روابط خارجی ایران دارد. به همین صورت به هر میزانی که ایران به سوی کشورهای دیگر رابطه تجاری برقرار می‌کند، بر روابط ایران و چین اثر منفی گذاشته و نهایتاً اینکه افزایش تعرفه‌های گمرکی سبب کاهش روابط تجاری ایران و چین می‌شود.

نتایج حاصل از تحلیل کوتاه مدت نشان می‌دهد که تأثیر سرمایه اجتماعی بر توسعه روابط تجاری ایران و چین بعد ۳ وقفه یعنی ۳ سال بعد اثر خود را نشان می‌دهد. به عبارتی با افزایش سطح سرمایه اجتماعی در کشور می‌توان انتظار داشت کشورهای مختلف با نگاه خوش به ایران توجه نمایند و تصمیم به افزایش روابط تجاری داشته باشند که این مسیر بعد از ۳ سال محقق می‌شود. به همین صورت تعرفه‌های گمرکی هم دارای اثر مستقیم و هم دارای اثر با وقفه هستند. روابط تجاری ایران و سایر کشورها نیز اثری به همین صورت دارند. اثر سرمایه‌گذاری خارجی ایرانیان بر توسعه روابط تجاری با چین هم به صورت مستقیم و هم در وقفه اول و دوم خود را نشان داده است. لذا این متغیر یکی از متغیرهای مهم در اثرگذاری بر روابط ایران و چین و به طبع آن سایر کشورهای بوده است. تولید داخلی نیز اثر خود را با یک وقفه نشان داده است و دلالت بر آن دارد که هر گاه تولید کشور افزایش می‌یابد، از طریق افزایش قدرت نرم، منجر به افزایش روابط تجاری با چین در سال بعدی می‌شود.

نظر به اهمیت تولید داخلی در افزایش قدرت اقتصادی و قدرت نرم کشور و در نتیجه تأثیر بر سطح روابط تجاری ایران و سایر کشورهای دنیا، پیشنهاد می‌شود مسئله حمایت از تولید و افزایش سطح تولید داخلی به طور جدی مورد تأکید بیشتری قرار گیرد. طبیعتاً این مهم از طریق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی ابلاغی از سوی رهبر معظم انقلاب قابل تحقق است. همچنین با توجه به تأثیر مهم سرمایه‌گذاری خارجی ایرانیان در کشورهای دیگر، سیاست‌گذاری لازم نسبت به کشورهای مشترک‌المنافع و خصوصاً منطقه در این خصوص صورت پذیرد. از آنجا که یکی از مؤلفه‌های مهم در افزایش سطح روابط خارجی و آن هم با وقفه سه ساله، سرمایه اجتماعی است، با توجه به اهمیت این مؤلفه و تأثیرگذاری آن در بلندمدت می‌بایست همه توان کشور برای حفظ و ارتقای این مؤلفه مورد استفاده قرار گیرد و نهایتاً اینکه با توجه به تأثیر منفی افزایش تعرفه تجاری بر توسعه روابط تجاری، ضمن در نظر گرفتن آثار آن بر افزایش واردات و آسیب به تولید داخلی می‌بایست راه‌حل مطلوبی در این خصوص اتخاذ شود.

منابع

۱. ساندرز، فرانسیس (۱۳۸۷). جنگ سرد فرهنگی سیا در عرصه فرهنگ و هنر، تهران: بنیاد فرهنگی پژوهشی غرب شناسی.
۲. سیف، الله مراد (۱۳۹۰). «مفهوم شناسی قدرت نرم اقتصادی جمهوری اسلامی ایران»، مجله آفاق امنیت، شماره ۱۱، صص ۳۸-۵.
۳. کاشیان، عیدالمحمد (۱۴۰۰). «تحلیلی بر ماهیت احتضار سرمایه‌داری و افول قدرت اقتصادی آمریکا»، مطالعات راهبردی آمریکا، شماره ۱، صص ۳۱-۴۹.
۴. نای جوزف اس (۱۳۸۹). آموزش عالی، فرهنگ عامه و قدرت نرم (پیشگفتار: درک قدرت نرم) ترجمه محسن روحانی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۵. نای، جوزف اس (۱۳۸۴). «مزایای قدرت نرم»، همشهری دیپلماتیک، ۸۴/۴/۲۵.
۶. نای، جوزف اس (۱۳۸۶). «منافع قدرت نرم»، ترجمه ناصر بلیغ، فصلنامه مطالعات بسیج، شماره ۳۶، پاییز، صص ۱۱۶-۱۰۷.
۷. نای، جوزف اس (۱۳۸۷/الف). رهبری و قدرت هوشمند، ترجمه محمودرضا گلشن پژوه و الهام شوشتری زاده، تهران: ابرار معاصر.
۸. نای، جوزف اس (۱۳۸۷/ج). قدرت نرم در عصر اطلاعات، ترجمه سعید میرترابی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۹. نای، جوزف اس (۱۳۹۰). آینده قدرت، ترجمه سیدرضا مراد صحرائی، تهران: حروفیه.
۱۰. نوفرستی، محمد (۱۳۸۹). ریشه واحد و همجمعی در اقتصادسنجی، تهران: انتشارات رسا.
۱۱. یوسفی، جعفر (۱۳۸۷). «بررسی تطبیقی قدرت نرم در گفتمان اسلامی و لیبرال دموکراسی». قدرت نرم و سرمایه اجتماعی، تهران، دانشگاه امام صادق (ع) و پژوهشکده مطالعات بسیج.
12. Carr, E.H. (1964). The Twenty years Crisis, 1919-1939, An Introduction to the Study of International Relations, New York, Harper & Row.
13. Nye, Joseph S. (2004). "The Benefits of Soft Power", Until Recently the Dean of Harvard's Kennedy School.
14. Nye, Joseph. S (1990a). Bound To Lead: The Changing Nature of American Power, Basic Books.

15. Nye, Joseph. S (1990b). "Misleading Metaphor of Decline", *the Atlantic*, March.
16. Nye, Joseph. S (1990c). "Soft Power", *Foreign Policy*, No.80, Twentieth Anniversary, Washingtonpos, Newsweek Interactive, LLC, Autumn, P.153-171.
17. Nye, Joseph. S (1990c). "Soft Power", *Foreign Policy*, No.80, Twentieth.
18. Pesaran, M. H. and Y. Shin (1995), "An Autoregressive Distributed Lag Modeling Approach to Cointegration Analysis". Cambridge Working Papers in Economics, No. 9514.
19. Pesaran, M. H., Y. Shin and R. I. Smith (2001), "Bounds Testing Approaches to the Analysis of Level Relationships", *Journal of Applied Econometrics*, Vol. 16, PP. 289-326.

مقایسه راهبردهای آمریکا در دوران اوباما و ترامپ جهت تغییر رفتار یا تغییر نظام جمهوری اسلامی ایران

سید علی اصغر رحمانی^۱
حیب اله ابوالحسن شیرازی^۲
اردشیر سنائی^۳

چکیده:

سیاست خارجی ایالات متحده در نظام بین الملل، صرفاً بازتابی از راهبردهای نظام سیاسی حاکم بر این کشور است که بر اساس رهیافت واقع گرایی شکل گرفته است که آن هم بر اساس مکتب سیاست قدرت بوده و هدف از بهره گیری از قدرت، ارتقاء در کسب منافع می باشد. با اینکه اوباما با شعار تغییر به قدرت رسید ولی راهبردهای سیاست خارجی در دوران او، بر اساس اعمال فشار، تهدید نظامی و تحریم دنبال شده و بیشتر صبغه تداوم به خود داشت. تعامل دیپلماتیک ایالات متحده در زمان اوباما با ایران، مکمل راهبردهای فشارهای همه جانبه و در واقع نوعی از دیپلماسی اجبار بود و این سیاستها در زمان دولت ترامپ به صورت خصمانه و با گونه ها و اشکال مختلفی با ابزارهای فناورانه، شرایط سیستمی و استفاده از قدرت هوشمند بر علیه ایران اعمال شد و دامنه تحریمها گسترده تر گشت ولی این سیاستها به نتایج مورد نظر آمریکا نرسیده و اعتبار و هژمون جهانی این کشور را تضعیف نمود. سیاست خارجی ایالات متحده از بین الملل گرایی لیبرال در دوران اوباما به نوانزوگرایی، واقع گرایی و عمل گرایی در دوران ترامپ مبدل گشت.

واژگان کلیدی: تحریم، برجام، فشارهای همه جانبه، نظام بین الملل، نظم لیبرال، قدرت هوشمند

۱. گروه مسائل ایران، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. گروه روابط بین الملل، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
mhabib_shirazi@yahoo.com

۳. گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

حاکمان، تصمیم سازان و تصمیم گیران کشور ایالات متحده آمریکا، سیاست خارجی این کشور را بر اساس ابزارهای قدرت سازماندهی می کنند و ماهیت قدرت طبق مقتضیات زمانی در حال تغییر و دگرگونی بوده و شاخصهایی مانند قدرت نرم، قدرت سخت و قدرت هوشمند، مهمترین عوامل شکل دهنده سیاست خارجی آمریکا محسوب می شوند. (دهشیار، ۱۳۸۸: ۸۶)

دولتمردان براساس مفهوم منافع در چهارچوب قدرت، تفکر و رفتار می کنند . . . تغییر در سیاست خارجی هر کشوری را باید انعکاس تطبیق منافع و قدرت کشورها در فضای متحول بین المللی دانست وقتی که معادله قدرت و ساختار بین المللی تغییر می یابد در آن صورت، شرائط مشهود و اجتناب ناپذیری از دگرگونی در سیاست خارجی کشورها مشاهده می شود. (مورگنتا، ۱۳۷۹: ۱۳۸)

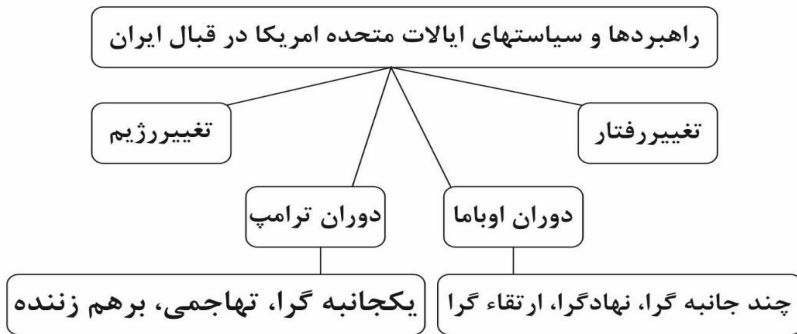
تبیین سیاست «تغییر» باراک اوباما را می توان در این رابطه مورد توجه قرار داد و بر اساس این ادراک است که غربیها از توانمندیهای ایران هراس داشته و خواهان برجیده شدن برنامه موشکی و منطقه ای ایران بوده و از مهمترین اهداف تحریمهای گسترده و همه جانبه در زمان اوباما و ترامپ، به پای میز مذاکره کشاندن ایران برای تحقق این هدف بوده است که در زمان جو بایدن نیز پیگیری این راهبرد تداوم دارد.

بررسی عملکرد دولت اوباما مشخص می نماید که، علیرغم طرح شعار «تغییر» او درصدد ایجاد تغییرات گسترده در سیاست خارجی آمریکا و نظام بین الملل نبوده، و درصدد بود که سیاست خارجی آمریکا را به رویه ها و روندهای عادی خود برگرداند. (خلیلی، ۱۳۸۸: ۱۳)

دولت اوباما، هم زمان با اعمال شدیدترین تحریم های دوجانبه و چندجانبه بین المللی علیه جمهوری اسلامی ایران، به مهم ترین توافق بین المللی هسته ای با ایران دست یافت و دولت ترامپ این توافق را بدترین توافق دانست که تاکنون صورت گرفته است. (یزدان فام، ۱۳۹۵: ۱۲۱)

ایالات متحده در دوران اوباما و ترامپ، نسبت به ایران در سطح وسیع، در ابعاد نظری و عملی و در اشکال سیاسی، اقتصادی، امنیتی، تبلیغاتی و رسانه ای، سیاستهای خصمانه در پیش گرفته و در تقابل با ایران، از همه ابزارها جهت روی کار آوردن رژیم سیاسی همسو با خود،

مانند قبل از پیروزی انقلاب در ایران، استفاده کرده است و برای براندازی دولت ایران، از شیوه‌هایی مثل فشارهای دیپلماتیک، تحریم‌های گسترده، جنگ روانی، عملیات مشروعیت‌زدایی از نظام، استفاده نموده و اهتمام ویژه‌ای با استفاده از قدرت هوشمند برای از بین بردن سرمایه‌های اجتماعی و انسانی و همچنین ایجاد تنش بین اقوام و مذاهب داشته است تا از پیش برد برنامه‌ها و اهداف انقلاب اسلامی جلوگیری نماید. (Davis, 2016, 10-14)



۱. مبانی نظری

۱-۱. نظریه واقع‌گرایی: واقع‌گرایان بر این باورند که انسان ذاتاً موجودی شرور بوده و نظام بین‌المللی ماهیتی آنارشیک دارد دولت‌ها مهمترین بازیگران در محیط بین‌المللی به شمار می‌روند که صرفاً در پی کسب منافع خود به منظور بقا می‌باشند. در محیط آنارشیک بین‌المللی به علت کمبود منافع حیاتی، شاهد نزاع دائمی ملت‌ها می‌باشیم در چنین محیطی دولت‌ها برای تأمین امنیت، منافع اقتصادی، ... به رقابت می‌پردازند که در این میان تنها راه برای بقاء، خودیاری است که از راه کسب دائمی قدرت بدست می‌آید. و ماهیت چنین رقابتی بازی با حاصل جمع صفر است (قوام، ۱۳۸۴: ۸۰) به عبارت دیگر در نگاه واقع‌گرایان کلاسیک، منافع ملی به عنوان چراغ راه تصمیم‌گیرندگان، تصمیم‌سازان و مجریان سیاست‌ها می‌باشد واقع‌گرایان تنها راه دستیابی به منافع را، استفاده از ابزارهای مادی همچون قدرت نظامی می‌دانند (Wohlforth 2008, 32)

۱-۲. واقع‌گرایی کلاسیک: از این پارادایم به صورت مکتب اندیشه سیاست قدرت یاد می‌شود منظور از قدرت، تغییر رفتار سایرین در زمینه دلخواه می‌باشد.

هگل نیز جایگاه قدرت را مهم می‌داند باور هگل به این نکته که مهمترین هدف دولت حفظ

خود است، از بنیانهای واقع‌گرائی محسوب می‌شود.

منظور از مفهوم آشوب‌زدگی از نظر واقع‌گرایان، این است که هیچ حکومت مرکزی در نظام بین‌الملل نیست و کنترل مطلق بر نظام بین‌الملل وجود ندارد و دلیل تمایز عرصه داخلی از عرصه بین‌الملل، نبود اقتدار در سطح جهانی می‌باشد و در واقع محیط و نظامی که دولت‌ها در آن زندگی می‌کنند، آنارشیک است و آنارشیک بودن نظام دولتی‌ها، در واقع ریشه در برداشت هابز، در زمینه برقرار بودن وضعیت طبیعی در روابط بین‌الملل دارد و از نظر آنها تعارض و رقابت بعنوان رابطه‌ای است که در نظام بین‌الملل حرف اول را می‌زند. (مشیرزاده ۱۳۸۵: ۹۳)

۱-۳. نظریه نو واقع‌گرائی: تئوری نوواقع‌گرائی در دهه ۱۹۸۰ توسط کنت والتز در کتاب «تئوری سیاست بین‌الملل» مطرح شد و با اتخاذ بسیاری از مفروضه‌های تئوری واقع‌گرائی کلاسیک، به تبیین ساختاری از رفتار بازیگران در محط آنارشیک بین‌الملل اقدام نمود. والتز بدنبال پاسخ این پرسش بود که چرا بازیگران در محیط بین‌الملل با وجود مسائل متفاوت سیاسی، اقتصادی، ایدئولوژیک، ... رفتاری مشابه از خود بروز می‌دهند او در پاسخی که خودش به این پرسش می‌دهد نگاهی جدید را وارد عرصه تحلیل پویسهای رفتاری بازیگران می‌نماید.

والتز، تفکرش بر این است که نمی‌توان این شباهت را بر اساس ویژگیهای واحد‌ها توضیح داد و در مقابل بایستی به برداشت سیستمی از سیاست بین‌الملل متکی بود به عبارت دیگر ساختار آنارشیک سبب می‌شود بازیگران ادراکات ذهنی خاصی را در خود ایجاد نمایند و بر اساس آن رفتار نمایند بنابراین تاثیرات ساختار بر کارگزاران (بازیگران) سبب می‌شود که آنها رویه‌های مشابهی را اتخاذ نمایند انتقاداتی که والتز به واقع‌گرایان کلاسیک داشت، تقلیل‌گرا بودن این نظریه می‌باشد زیرا واقع‌گرایان کلاسیک، سطح تحلیل را صرفاً به سطح دولت محدود ساخته بودند لذا والتز تلاش کرد تا سطح تحلیل کارآمدتری را، برای ارائه تبیین روشن از روابط بین‌الملل بوجود آورد. او در راستای دستیابی به این هدف، تئوری رئالیسم ساختاری (نوواقع‌گرائی) را پایه‌گذاری نمود. (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۸۸، ۱۳۸)

۴-۱. واقع‌گرائی نئوکلاسیک: تئوری واقع‌گرائی نئوکلاسیک، برداشتی نو و تازه از، نوواقع‌گرائی والتز می‌باشد. ارائه این تئوری بتوسط گیدئون رس (Gideon Rose) سبب مجموعه آثاری به قلم توماس کریستنس، راندال شوئل، ویلیم وولفورت، و فرید زکریا در روابط بین‌الملل گشته است. (Buzan, 1993, 39)

نئوکلاسیک‌ها نیز همانند کنت والتز به ارائه تبیین ساختاری و سیستمیک از روابط بین الملل اقدام می‌نمایند. توجه واقع‌گرایان نئوکلاسیک بیش از هر چیز بر قدرت است و قدرت را نیز مانند نئوواقع‌گرایان بر اساس توانمندی‌های مادی، تبیین می‌کنند. نئوکلاسیک‌ها همچون دیگر انواع رئالیسم بر این نظرند که سیاست یعنی نزاع دائمی میان دولت‌های مختلف به منظور دستیابی به قدرت مادی و امنیت در جهانی کمیاب از منابع امنیت. (برزگر، ۱۳۸۸: ۷۴)

از جمله مؤلفه‌های مثبت این تئوری، می‌توان به کاربردی بودن آن در تحلیل سیاست خارجی کشورها اشاره نمود زیرا برخلاف تئوری واقع‌گرایی و نوواقع‌گرایی، در کنار تحلیل ساختاری، به مؤلفه‌های دیگری همچون ساختار دولت و فهم رهبران از نظام بین‌المللی نیز تکیه دارد. (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۹۰: ۲۷۴)

۱-۵. واقع‌گرایی تهاجمی: این نوع واقع‌گرایی، اینگونه استدلال می‌کند که آنارشی، دولت‌ها را وادار می‌سازد که قدرت نسبی خود را به حداکثر برسانند و امنیت و بقاء، در نظام بین‌الملل هرگز قطعی نبوده و در وضعیتی که امنیت امری کمیاب می‌باشد دولت‌ها می‌کوشند با به حداکثر رساندن قدرت و نفوذ خود، امنیت خویش را افزایش دهند. (قوام، ۱۳۸۸: ۱۱۴)

قدرت بیشتر، به معنای امنیت بیشتر است این وضعیت سبب می‌گردد که دولت‌ها بدنبال تعقیب سیاست‌های تجاوزگرانه و توسعه طلبانه باشند. در واقع دولت‌ها در موقعی که تصمیم‌گیرندگان اصلی آنها تصور کنند که توانمندی نسبی آنها بیشتر شده است راهبردهای تهاجمی را با هدف بیشینه‌سازی قدرت و نفوذ خود دنبال خواهند کرد بنابراین هر اندازه که قدرت دولتی افزایش یابد آن دولت به سیاست‌های خارجی توسعه طلبانه‌ای روی خواهد آورد (مشیرزاده، ۱۳۸۹: ۱۱۸)

۱-۶. واقع‌گرایی تدافعی: صاحبان این تفکر نیز به رابطه میان آنارشی و استلزامات نظام بین‌الملل از یکسو و رفتار دولت‌ها از سوی دیگر توجه دارند اما وضعیت را پیچیده‌تر می‌بینند فرض واقع‌گرایی تدافعی این است که آنارشی بین‌المللی معمولاً خوش‌خیم است یعنی امنیت چندان نایاب نیست و فراوان است و در نتیجه دولتهائی که این مسئله را در می‌یابند رفتار تهاجمی نخواهند داشت و تنها در شرایطی که احساس کنند تهدیدی علیه آنها وجود دارد نسبت به آن واکنش نشان می‌دهند و این واکنش نیز اغلب تنها در سطح موازنه و بازداشتن تهدید گر است تنها در شرایطی که معضل امنیت خیلی جدی شود واکنش‌های سخت و بروز تعارضات رخ خواهد داد.

آنچه در روابط میان دولت‌ها مهم است برداشت آنها از یکدیگر به عنوان تهدید است و نه صرف میزان قدرت آنها، و دولت‌ها در برابر آن دولتهایی دست به موازنه می‌زنند که وضعیت آن کشورها را تهدیدی فوری نسبت به موجودیت یا منافع خود بدانند و امنیت در شرایطی افزایش خواهد یافت که ایجاد موازنه به هنجار بدل شده باشد. (Dunne, 2010: 86)

۲. راهبردها و سیاستهای خارجی آمریکا در دوران اوباما و مسئله تعامل با ایران

۱-۲. چند جانبه‌گرایی: مدیریت بر چند جانبه‌گرایی راهبردی با هدف، حفظ قدرت رهبری آمریکا، در دوره اوباما تدوین شد اوباما چند جانبه‌گرایی و تعامل با کشورها را اجتناب ناپذیر دانسته و معتقد بود این امر، شرط لازم برای رهبری آمریکا در جهان و ایجاد صلح و ثبات از طریق همکاری و مشارکت می‌باشد. (Bremmer, 2010, 38) و با استفاده از این مسئله، او اجماع بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران در پرونده هسته‌ای را بوجود آورد. و جان کری وزیر امور خارجه اوباما در ایجاد این اجماع نقش اساسی داشت.

۲-۲. مهار ایران: متضاد بودن اهداف سیاست خارجی ایالات متحده و ایران و استفاده جمهوری اسلامی ایران از رهیافتهای راهبردی جدید در مقابل نظام سلطه را می‌توان در زمره عواملی دانست که زمینه‌های تعارض و رویارویی ایالات متحده با ایران در حوزه‌های مختلف جغرافیایی را بوجود آورده است.

مقابله‌گرایی را می‌توان بخشی از تفکر راهبردی آمریکائیه‌ها در برخورد با ایران دانست، اگر چه شدت و میزان براندازی، در رویکرد نظریه پردازان راهبردی آمریکا متفاوت است، اما تمامی آنها، بر ضرورت محدود سازی، مهار، مقابله کم‌شدت، موازنه‌گرایی امنیتی و کنترل غیر مستقیم موقعیت و جایگاه ایران در منطقه تاکید داشته‌اند. (یزدان فام، ۱۳۹۵: ۶۸)

فرآیندهای مقابله‌گرا با ایران در ساختار سیاسی آمریکا رشد قابل توجهی پیدا کرده و به موازات ایجاد زمینه‌های تعامل‌گرا در روابط آمریکا- ایران در دوران اوباما، شاهد شکل‌گیری موج متفاوت علیه چنین رویکردی می‌باشیم. (متقی، ۱۳۸۸: ۵۶)

۲-۳. مسئله تغییر: با توجه به عملکرد دولت بوش، طرح تغییر و دگرگونی در اولویتهای سیاست خارجی اوباما بر اساس رهیافت ساختارگرایی و موضوعی طبیعی و اجتناب ناپذیر بود بطوریکه برژینسکی به این جمع‌بندی رسید که: «خاورمیانه محور اصلی هدف گذاری در

سیاست خارجی آمریکا می باشد و اهمیت ژئوپلیتیکی خاورمیانه به میزانی است که آمریکا برای تحقق آن می تواند هرگونه مصالحه ای را با ایران به انجام رساند.

نظریه پردازان مسائل راهبردی آمریکا بر این اعتقادند که نباید از الگوهای تهاجمی به عنوان نماد چالشها، علیه ایران استفاده کرد، بلکه می توان از الگوهای دیگری برای فشار و محدودیت غیر عملیاتی بهره گرفت. (Feaver, 2011, 57)

برخی از تحلیل گران سیاست خارجی آمریکا نیز با تاکید بر وجود ساختارهای سیاسی و اجتماعی آمریکا و همچنین حضور لابی های قدرتمند تاثیر گذار در حوزه های گوناگون تصمیم گیری آمریکا، معتقد بودند روند سیاست گذاری دوره اوپاما تفاوت محسوسی با دوره قبل نداشت و از سوی دیگر شاخصهایی همانند رکود اقتصادی را می توان در زمره مولفه های بحران ساز در سیاست امنیتی این برهه و بازگشت به الگوهای گذشته دانست. (ترابی، ۱۳۸۹: ۶۲)

با توجه به مولفه های یاد شده و همچنین با تاکید بر فرآیند عمومی سیاست خارجی ایالات متحده در برخورد با جمهوری اسلامی ایران، می توان بر این امر تاکید کرد که حوزه های تغییر، در رفتار امنیتی و راهبردی اوپاما نسبت به ایران، تغییر چندانی پیدا نکرده و محدودیت های راهبردی آمریکا در این دوره، همچنان ادامه پیدا کرد بطوریکه بخشی از این فرآیند به خصوص در رابطه با کشور ایران را می توان ناشی از تفکر راهبردی نخبگان سیاسی، گروه های ذی نفوذ و ساختهای حکومتی این کشور نسبت به جمهوری اسلامی ایران دانست. (متقی و رهنورد، ۱۳۸۹: ۶۴)

۴-۲. راهبرد فشار دیپلماتیک و تحریم: تحریم به عنوان ابزاری مهم در اعمال سیاست های خارجی برای به تحلیل بردن قدرت اقتصادی طرف مقابل، دیکته نمودن اراده خود به رقبا و حریفان، و ابزاری مطلوب جهت تغییر راهبردهای کشور هدف بدون استفاده از جنگ های ویرانگر و خشونت های نظامی می باشد. (Denise, 2010, 43)

فرآیند اعمال تحریم های ایالات متحده علیه ایران از سال ۱۹۸۴ شروع و در سال ۱۹۹۵ به صورت تحریم های فراگیر بر تمام فعالیت های اقتصادی و تجاری ایران تداوم پیدا کرد و آمریکا با مشاهده بسیار محدود بودن تاثیر این تحریم ها، سعی نموده از اهرم های فشار خود بر کشورهای دیگر استفاده نموده و آنها را تشویق کند که از ایجاد هرگونه فعالیت های تجاری- اقتصادی با ایران بپرهیزند بطوریکه این مسئله در قانون تحریم های ایران و لیبی مصوب سال ۱۹۹۶ که به ایلسا معروف شد، خود را نشان داد. (همان، ۲۰۱۰: ۴۷)

این تحریمها هرگونه سرمایه گذاری در صنعت گاز و نفت ایران را مورد تحریم قرار می داد بخصوص زمانی که هیچگونه شواهد مستقیم و غیر مبهم، از فعالیت پژوهشی ایران در ساخت سلاح هسته ای وجود نداشت و صلح آمیز بودن این فعالیت ها به طور مکرر مورد تایید آژانس بین المللی انرژی اتمی قرار گرفت.

در سال ۲۰۱۳ پس از راستی آزمایی های متعدد و مکرر، آژانس بین المللی انرژی اتمی اعلام نمود، همه فعالیت های هسته ای در ایران مورد بررسی قرار گرفته اند و مواد استفاده شده به هیچ وجه دچار انحراف به سمت فعالیت های ممنوعه نبوده است ولی ایالات متحده تلاش کرد با اتهامات واهی، اقدامات جهانی و بین المللی را علیه ایران شکل دهد و ایران هراسی را در جهان گسترش دهد. (نفیو، ۲۰۱۴: ۷)

آمریکا اعمال تحریم توسط متحدانش را نقش تکمیلی برای قطعنامه ۲۹۲۹ می دانست و در این زمینه با همکاری نزدیک با اتحادیه اروپا، ژاپن، کره جنوبی، استرالیا، کانادا و ... گزینه های تحریمی علیه ایران را افزایش داد که آنها می توانستند هم شامل تحریمهای شورای امنیت باشند و هم اثر آنها را تقویت کنند در این زمینه دو عنصر خاص بیش از سایرین نمود داشت:

نخست آنکه شرکاء و متحدان آمریکا خصوصا اروپا، ژاپن و کره جنوبی، بذیرفتند که از سرمایه گذاری بیشتر در صنعت نفت و گاز ایران پرهیزند و از تمام پشتیبانیهای فنی و مالی باقیمانده در ایران بیرون بکشند، دیگر آنکه، شرکای آمریکا پذیرفتند بخش انرژی ایران را درون خطوط فرمز خود قرار دهند و انجام هرگونه فعالیت اقتصادی در این حوزه را نیازمند کسب مجوز قبلی بدانند مثلا هرگونه فعالیتی که بالای چهل هزار یورو ارزش داشت می بایست نخست مجوز این دولتها را کسب کند. (CBS NEWS, 2016, 36)

۳. راهبردهای سیاست خارجی آمریکا در زمان ترامپ و اعمال فشارهای همه جانبه بر ایران
 ۱-۳. فشارهای متمرکز: در راهبرد فشارهای متمرکز، اراده های به هم پیوسته، به طور همزمان فشارهای متنوعی را بر نقطه ثقل کشور هدف وارد می کند. راهبرد فشارهای متمرکز در واقع یک کنش فرسایشی علیه توان و اراده کشور هدف است. در این راهبرد، میدان مبارزه تنها یک روش نیست. فرسوده سازی در واقع با حمله به نیروها، منابع و اراده سیاسی، توان کشور هدف را به مرور زمان از بین می برد. راهبرد فشارهای متمرکز می تواند به دو نوع علیه کشور مورد

نظر به اجرا گذاشته شود:

الف) فشار به شکل انباشتی یا جمع شونده که علیه هدف به کار گرفته می شود. در راهبرد فشار متمرکز انباشتی، فشار وارده بر دولت هدف، اگرچه در ابتدا اثر قابل توجهی ندارد اما آرام آرام تبدیل به کوهی از مشکلات و چالش ها می شود که می تواند نقاط ثقل هر ساختاری را از پای بیافکند.

ب) فشار متمرکز پی در پی که در آن، کشور مبدأ فشارهایی را از سویه های گوناگون و به شکل پشت سرهم به ساختارهای حیاتی و منابع تصمیم گیر دولت هدف، وارد می کند. اعمال پی در پی فشارها، کشور هدف را به مرحله ای می رساند که با فرسایش ساختارها و از بین رفتن منابع قدرت و تصمیم گیری خویش، راهی جز پذیرش خواسته های کشور مبدأ نداشته و در نهایت خود را با این اهداف، همسو خواهد کرد.

بنیاد دفاع از دموکراسی، یکی از نزدیک ترین مراکز تصمیم ساز به دولت ترامپ، در ماه جولای چند سال پیش، گزارشی را با موضوع طراحی ساختار مواجهه با ایران، به قلم اریک ادلمن منتشر کرد در این سند راهبردی اریک ادلمن، معماری نوینی را برای اعمال فشار بر ایران، مطرح نمود که به صراحت اصل راهبردی "فشارهای متمرکز" را پیش کشید. او استفاده از تمامی گزینه های فشار در برجام را به ترامپ پیشنهاد کرد فشار اقتصادی که سازوکار آن در برجام به عنوان قوی ترین سند عدم اشاعه هسته ای در طول تاریخ هسته ای جهان گنجانده شده و اولین مسیری است که فشار علیه ایران را به گونه ای نظام مند تحمیل می کند.



شکل - ۱: دیاگرام راهبرد فشارهای متمرکز

۲-۳. براندازی با قدرت هوشمند

در این پارادایم بجای مقابله با تهدیدها، مدیریت تهدیدها مد نظر می‌باشد. به بیان دیگر، آینده‌گرا بودن قدرت هوشمند، این امکان را ایجاد می‌کند که به جای تخریب فضای اجرایی، شکل مطلوب‌تری از هوشیاری محیطی، مسیریابی، سرعت عمل، انعطاف‌پذیری، تناسب بین اهداف و منابع قدرت و مشارکت فعال را شکل دهد. (قربانی و دیگران، ۱۴۳)

شاخص‌های منابع مجازی که در حوزه‌های نرم مورد استفاده قرار می‌گیرد را موضوعاتی



<http://www.defenddemocracy.org/media-hit/eric-s-edelman-how-trump-should-handle-iran/>

مانند تکنولوژی ارتباطی و فناوری‌های ارتباطی تشکیل می‌دهند و مولفه‌های قدرت مجازی در حوزه‌های ارتباطات و اطلاعات، امکان بسیج و منعکس‌سازی قدرت هنجاری یک کشور را در حوزه‌های جغرافیایی دور دست فراهم می‌سازد که این روند همواره بگونه‌ای پایان‌ناپذیر در حال تحول و تکامل می‌باشد. (Gilpin, Robert, 2005, 6)

قدرت هوشمند در صدد کنترل روح، احساس و درک جوامع می‌باشد. اگر چه مولفه‌های یاد شده، دارای نشانه‌های فرامادی - فرا ابزاری هستند اما واقعیت‌های موجود نشان می‌دهد که هر یک از شاخص‌ها و مولفه‌های مذکور نیازمند شاخص‌ها و نشانه‌های معطوف به تاثیرگذاری و

کنترل پویایی محیط درونی سایر کشورها می‌باشد. (Feaver and Brands, 2017, 19)

روش‌های کاربرد قدرت هوشمند توسط کشورهای غربی علیه ایران متنوع و متکثر بوده است که از اشاعه اطلاعات نادرست در رسانه‌ها جهت تشویق و توجیهاتی که هویت و رفتار

ایرانی‌ها را نامشروع جلوه دهد گرفته تا بکارگیری نظام‌های قانونی جهان گستر به منظور تهدید فعالیت‌های ایران، که با در پیش گرفتن تحریم‌های آکادمیک، فرهنگی و اقتصادی علیه ایران و مردم این کشور، اقداماتشان را اعمال نموده اند.

جنگ رسانه‌ای آنها علیه برنامه صلح آمیز هسته‌ای ایران تحت عنوان ساخت بمب هسته‌ای، در چهارچوب استراتژی رسانه‌ای غرب علیه دولت ایران، قابل تجزیه و تحلیل می‌باشد جنگ رسانه‌ای مدرن، پرده‌های مهم‌تری از رویارویی رسانه‌ها با کشور هدف و شلیک‌های رسانه‌ای به عنوان کمک به تهدیدات نظامی را در بردارد مولفه‌های جنگ رسانه‌ای ایالات متحده در بخش‌های مختلف نظامی، سیاسی، اطلاعاتی، امنیتی، رسانه‌ای و تبلیغاتی با هم در آمیخته شده است. (برزگر، ۱۳۸۹: ۸۵-۸۴)

یکی از مصادیق بارز تصویر سازی مخدوش علیه ایران طرح تصویر یک ایران مجهز به سلاح‌های اتمی بوده است و یکی از موارد تهدیدسازی آنها، تفسیری غیر واقعی و تصویر سازی نادرست از حوادثی مثل انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ می‌باشد که آنها با این راهبرد، درصد تضعیف نظام سیاسی ایران و ایجاد شکاف در بین جامعه و حکومت بر آمدند. (عبدالله و اسماعیلی، ۱۳۹۲: ۵۹)

بر خلاف قدرت سخت که بر اصل «اجبار» تاکید دارد، تلاشهای همه جانبه در قدرت هوشمند بر اصل «مشارکت» مبتنی است. این امر به مفهوم آن است که برای ایفای نقش سیاسی و بین‌المللی، ضرورت مشارکت با نهادهای بین‌المللی اجتناب‌ناپذیر است. اساساً زمینه اتصال متحدان به یکدیگر در راستای همگرایی و تحقق اهداف مشترک، مشارکت با متحدان منطقه‌ای و بین‌المللی می‌باشد که نه تنها منجر به توزیع هزینه‌های مداخله‌گرایانه می‌شود بلکه حمایت‌های بیشتر متحدین را جذب می‌کند. (احمدی، ۱۳۸۸: ۷۵)

۱-۲-۳- استفاده از رسانه در پارادایم قدرت هوشمند: انتقال مفاهیم توسط سامانه رسانه انجام گرفته و بدین وسیله ذهنیت و ادراک مردم کشورهای مختلف تحت تاثیر قرار می‌گیرد درحالیکه در فضای قدرت سخت افزاری، رسانه‌ها نقش تخریب‌کنندگی و جبهه سیاسی دولت‌های رقیب را ایفا می‌کنند

در قدرت سخت افزاری، ساز و کارهایی مثل جنگ رسانه‌ای، عملیات روانی، تبلیغات سیاسی و فرهنگی برای رسیدن به اهداف سیاسی در پیش گرفته می‌شود اما در قدرت هوشمند،

اراده و هویت شهروندان یک کشور هدف قرار می‌گیرد. (ارسلان قربانی و دیگران، ۱۳۹۰: ۴۸)

روش‌های کاربرد قدرت هوشمند علیه ایران متنوع و متکثر بوده است که از اشاعه اطلاعات نادرست در رسانه‌ها تا تشویق و توجیهاتی که هویت و رفتار ایرانی‌ها را نامشروع جلوه دهد، گرفته تا بکارگیری نظام‌های قانونی جهان گستر به منظور تحدید و تضعیف توانمندیهای ایران، که با در پیش گرفتن تحریم‌های آکادمیک، فرهنگی و اقتصادی علیه ایران و مردم این کشور، اقداماتش را اعمال می‌نماید.

جنگ رسانه‌ای آمریکا علیه برنامه صلح آمیز هسته‌ای ایران تحت عنوان ساخت بمب هسته‌ای در چهارچوب استراتژی رسانه‌ای غرب علیه دولت ایران، قابل تجزیه و تحلیل می‌باشد جنگ رسانه‌ای مدرن، پرده‌های مهم‌تری از رویارویی رسانه‌ها با کشور هدف و شلیک‌های رسانه‌ای به عنوان کمک به تهدیدات نظامی را در بردارد مولفه‌های جنگ رسانه‌ای ایالات متحده در بخش‌های مختلف نظامی، سیاسی، اطلاعاتی، امنیتی، رسانه‌ای و تبلیغاتی با هم در آمیخته شده است. (جنگ نرم و راهکارهای مقابله با آن، ۱۳۸۶: ۱۱)

جنگ رسانه‌ای، ظاهراً میان رادیو و تلویزیون‌ها، مفسران مطبوعاتی، خبرنگاران خبرگزاری‌ها، شبکه‌های خبری و وبگاه‌های اینترنتی جریان دارد اما واقعیت این است که در پشت این جدال ژورنالیستی، امری با سازمان‌یافتگی گسترده و پیچیده به نام «سیاست رسانه‌ای» نظام سیاسی یک کشور نهفته است که مستقیماً توسط بودجه‌های رسمی مصوب مجالس کشورها یا بودجه‌های سری سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی و سرویس‌های جاسوسی، تغذیه می‌شود.

در این راهبرد هدف نهایی، ایجاد تهدید موجودیتی، توسط مردم است. به گونه‌ای که مردم به این نتیجه برسند که نظام دیگر کارایی خود را ندارد و به حدی ضعیف شده که در آستانه فروپاشی قرار گرفته است و در حقیقت آمریکایی‌ها القاء فروپاشی در ذهن را مقدمه فروپاشی نظام سیاسی ایران می‌دانند و به همین دلیل

در پروژه قدرت اعمال فشار، از همه ابزارها استفاده می‌کند از تحریم و تهدید نظامی گرفته تا عملیات رسانه‌ای، اما آنچه بیشتر از همه در القاء فروپاشی نقش تعیین‌کننده دارد رسانه‌ها و فضای مجازی است. بر همین اساس اصلی‌ترین تاکتیک‌های تبلیغی دشمن، در فضای رسانه‌ای قابل بررسی می‌باشد. (جنگ نرم، جنگ رسانه‌ای، ۱۳۸۶: ۱۲)

۴. مقایسه راهبردهای ایالات متحده آمریکا در دوران اوباما و ترامپ نسبت به ایران
 برخلاف باراک اوباما که تمایلی زیادی به چندجانبه گرایی و همسو کردن دیگر کشورها و متحدان
 آمریکا در تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی و احترام به ساختار نظام بین‌الملل داشت، ترامپ تلاش
 نمود تا یک‌جانبه‌گرایی را جایگزین چندجانبه‌گرایی اوباما نماید. (دهشیار، ۱۳۹۵: ۳۸)

رویکرد سیاست خارجی دولت دونالد ترامپ، برخلاف دولت باراک اوباما یک‌جانبه
 محور، غیر بین‌الملل‌گرا و منزوی‌گرایانه بود. اوباما در رابطه با ایران بر اساس سیاست‌های
 چندجانبه‌گرایی و تلاش‌های دیپلماتیک پیش‌رفت و در چارچوب سازمان‌های بین‌المللی و انجام
 مذاکره، کار کرد ولی ترامپ تشدید تقابل و یک‌جانبه‌گرایی را دنبال نموده و قوانین و تصمیمات
 سازمان‌های بین‌المللی همچون شورای امنیت سازمان ملل، دادگاه بین‌المللی لاهه و آژانس بین
 المللی انرژی اتمی را زیر پا گذاشت. (Goldberg, 2017, 124)

اوباما به تخفیف اختلافات حتی مابین ایران و کشورهای عربی حاشیه جنوبی خلیج فارس
 تمایل داشت و معتقد به تعامل کشورها با رهبری ایالات متحده و در راستای تامین منافع آمریکا
 بود، درحالی‌که ترامپ بنزین به آتش اختلافات عربستان با ایران ریخته، رقابت تسلیحاتی و
 اختلافات قومی و منطقه‌ای را تشدید نمود. اوباما برخی از اشتباهات گذشته آمریکا را پذیرفت
 در حالی‌که ترامپ دنبال تغییر رژیم در ایران بوده و روی دشمنان ایران حساب باز کرده و بدون
 درک هزینه آن. برخی از دولتمردان او تعدادی از اعضای تیم ترامپ با گروهک تروریستی و
 جنایتکار منافقین دیدار کردند. (آهوئی، ۱۳۹۵: ۸۳) ترامپ مدعی شد که اوباما برنامه
 موشک‌های بالستیک ایران و نفوذ و اقتدار منطقه‌ای این کشور را نادیده گرفته است.

سیاست چندجانبه‌گرایی، توسعه مراودات اقتصادی و قراردادهای مختلف تجاری در
 رویکردهای سیاست خارجی اوباما از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود بطوریکه اوباما آنرا به عنوان
 گراند استراتژی سیاست‌های خارجی خود معرفی نمود اما با تغییر فضای سیاسی و روی کار
 آمدن ترامپ در آمریکا از سال ۲۰۱۶، سیاست چندجانبه‌گرایی به چالش کشیده شد.

با توجه به شکست سیاست‌های گذشته دولت آمریکا در قبال ایران، اوباما استفاده از شعار
 تغییر را جهت رویکرد جدید ایالات متحده در قبال ایران مطرح نمود در زمان ریاست جمهوری
 او هم‌زمان با مذاکرات ایران و قدرتهای جهانی، ایران و آمریکا در سطح وزرای خارجه دیدارهای
 مکرر داشتند که در کل روابط دو کشور بعد از انقلاب بی سابقه بود. (Berman, 2017, 61)

اوباما در مبارزات انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۰۷، خواستار گفتگو و تعامل بی قید و شرط با ایران شد. او در دور اول ریاست جمهوری خود وارد مذاکرات جدی با ایران شد اما دولتمردان او با یکدیگر متحد و هماهنگ و هم نظر نبودند بین دنیس راس در کاخ سفید با ویلیام برنز در وزارت خارجه، تفاوت بینش زیادی در مورد تعامل با ایران وجود داشت و رویکرد دنیس راس منجر به اجماع سازی جهانی در اعمال تحریمهای بیشتر علیه ایران در دوره اول ریاست جمهوری اوباما شد ولی با این حال اوباما توانست معاهده مهم برجام را به سرانجام رساند ولی راهبردهای اوباما بشدت از سوی ترامپ مورد انتقاد قرار گرفت ترامپ ادعا کرد: «همچنانکه دولت بوش با هزینه های سنگین نظامی به اقتصاد آمریکا ضربه زد، دولت اوباما نیز با کاهش بودجه نظامی، قدرت نظامی آمریکا را تضعیف کرده و به دلیل ناتوانی در استفاده از قدرت نظامی، پیام های نادرستی به دولت های دیگر داده و آنها را در قبال آمریکا جسورتر ساخت. و متحدین آمریکا هزینه های سنگینی به آمریکا تحمیل نموده و عملاً مشارکتی در تامین هزینه های نظام امنیت دسته جمعی نداشتند و روند جهانی شدن به ضرر آمریکا تمام شد کارگران و کالاهای آمریکایی موقعیت خود را از دست داده و به سود کشورهای دیگر، هزینه های کمرشکنی را متحمل شده اند. معاملات تجاری آمریکا به صورت یک جانبه و به ضرر این کشور و به نفع رقبای کلیدی آن رقم خورد.» (Feaver and Brands, 2017, 36)

در زمینه سیاست های خارجی، ترامپ شعار «نخست آمریکا» را در قالب نوعی ملی گرایی افراطی که با یک جانبه گرایی همراه بود، مطرح کرد. او گفت: اصل «نخست آمریکا» باید چراغ راهنمای سیاست خارجی کشور باشد و بلوک غرب به عنوان یکی از ستون های دنیای پس از جنگ جهانی دوم معنای خود را از دست داده است.

یک جانبه گرایی ترامپ نه تنها در مورد سازمان های بین المللی، بلکه در مورد متحدین غربی آمریکا نیز مشهود بود. او بر این باور بود که آمریکا دیگر نباید در راستای منافع متحدین خود در بلوک غرب هزینه کند. هر کدام از کشورهای غربی و متحدین منطقه ای آمریکا، باید هزینه تامین امنیت خود را بپردازند. امنیت کالایی است که آمریکا تولید می کند و در اختیار دیگران قرار می دهد بدون اینکه آنها بهای آن را بپردازند.

دولت اوباما تن به تعهداتی داد که از پشتیبانی بین المللی گسترده ای برخوردار بود و کمتر کسی تصور می کرد دولت بعدی با جدیت برای خروج از آن برنامه ریزی کند. در عمل، با اینکه

آژانس بین المللی انرژی اتمی مکرراً پایبندی ایران به برجام را مورد تأیید قرار داد، دولت ترامپ شدیداً مایل بود به بهانه های مختلف ایران را در معرض تحریم قرار داده و حتی تحریم های مرتبط با فعالیت های هسته ای ایران را هم بازگرداند. نهایتاً ترامپ با این استدلال که توافق هسته ای از اساس مشکل داشته و خواسته های کشورش در مورد ایران را برآورد نکرده است، خروج آمریکا از برجام را اعلام کرد و افزود که فرمان اجرایی لازم برای اعمال شدیدترین تحریم ها علیه ایران را امضاء خواهد کرد.

سیاست تحریمی دولت اوباما، بیشتر با انگیزه اجبار ایران به پذیرش شرایط مورد نظر مبتنی بود ولی هدف اصلی دولت ترامپ مبتنی بر پیشبرد حداکثری منافع مورد نظر آمریکا فارغ از چارچوب ها و محدودیت های حقوقی بین المللی و موارد درج شده در توافقنامه برجام بود که رئیس جمهور قبلی ایالات متحده چند ماه قبل از آن، این تعهد نامه را امضاء کرده بود و این کار حیثیت کشور ایالات متحده را تضعیف نموده و هویت این کشور را زیر سوال برد.

پذیرش برجام، برای دولت اوباما سیاستی کارآمد بود چون سیاست هسته ای ایران را با ابزار قرار دادن نهج‌های بین المللی که همسو با شعار همه جانبه گرایی او بود، محدود می ساخت اما برای دولت ترامپ با این استدلال که فاقد منفعت قابل توجه برای آمریکاست، ناکارآمد تلقی شد. (Goldberger : 2017, 52)

اوباما کاهش فعالیت‌های نظامی، گسترش فعالیت‌های دیپلماتیک و چندجانبه گرایی در سطح بین الملل با رهبری آمریکا را مطرح نمود ولی ترامپ اعتقاد داشت که افزایش بودجه نظامی آمریکا، به دولت این امکان را می دهد که، هم به اول بودن آمریکا در جهان اطمینان پیدا کند و همچنین امنیت تولید شده را به دیگران بفروشد و هم با اعمال قدرت، اعتبار از دست رفته خود را دوباره بازسازی کرده و به دیگران نشان دهد که نادیده گرفتن آمریکا چه عواقب وخیمی دارد. با در نظر گرفتن شعار «نخست آمریکا»، منطق سیاست خارجی ترامپ ترکیبی از انزواگرایی، یک جانبه گرایی و برتری جویی بود. انزواگرایی در ارتباط با مسائل داخلی و در بخش اقتصادی و امنیتی که با بستن مرزهای ملی به روی ملل دیگر نمود یافت و محدود کردن جریان نیروی کار، سرمایه و کالا از راهبردهای ترامپ برای تأمین اهداف خود در داخل کشور بود که ریشه در ملی گرایی افراطی داشت و با جهانی شدن و جهان گرایی در ابعاد گوناگون در تعارض بود و سبب یک جانبه گرایی در سطح خارجی و در

روابط با کشورهای دیگر گشت. (Brands : 2016 , 93)

ترامپ، ایران را مهم ترین دشمن آمریکا اعلام نمود که به دنبال بی ثبات سازی منطقه و ضربه زدن به منافع آمریکا و متحدان منطقه ای آن است. او به دنبال اجرای سخت گیرانه برجام بود. ترامپ در مصاحبه خود با شبکه «فاکس نیوز، در خصوص سیاست آمریکا در قبال ایران نکاتی را طرح کرد که نشان دهنده نگرش، رویکرد و پارادوکس های نظرات او در قبال ایران بود مثل این مطالب که، ایران دولت شماره یک حامی تروریسم است. آنها پول و اسلحه به همه جا می فرستند. کشتی های جنگی ایالات متحده در خلیج فارس از سوی قایق های نظامی ایران احاطه شده و مورد اذیت و آزار قرار گرفته اند آنها جسورتر شده اند، ایران هیچ احترامی برای ما قائل نیست.

در دوره ترامپ، اعمال تحریمها علیه ایران شدت گرفت بطوریکه مشاور امنیت ملی او اعلام کرد که تحریمهای آمریکا آتقدر افزایش خواهند یافت تا استخوانهای ایران خرد شود. او در سازمان ملل، تندترین اظهارات تاریخ ریاست جمهوری آمریکا علیه ایران را بیان داشت و اتحاد با عربستان را بطرز بی سابقه ای افزایش داد، معامله تسلیحاتی ۱۱۰ میلیارد دلاری با ریاض امضاء کرد و تصمیم به تشکیل " ناتو عربی " علیه ایران گرفت.

بررسی تمدید و افزایش تحریم ها در دو دوره اواما و ترامپ نشان می دهد که رویکرد دولت ترامپ در قبال ایران، حداقل در زمینه تحریم ها و اعمال فشار بر ایران بسیار شبیه رویکرد اواما می باشد که نتیجه آنها، افزایش خصومت ها نسبت به ایران بوده است.

نتیجه گیری

مقابله گرایی را می توان بخشی از تفکر راهبردی آمریکائیا نسبت به ایران دانست و اگر چه شدت و میزان راهبرد براندازی، در رویکرد نظریه پردازان استراتژیک آمریکا متفاوت است ولی در نظریات آنها، بر ضرورت محدود سازی، مهار و مقابله با ایران تاکید شده است بررسی نظریه های ارائه شده توسط مراکز مطالعاتی آمریکا در دوره اواما و ترامپ، نشان می دهد چنین رویکردی به عنوان الگوی مسلط در بین راهبرد پردازان آمریکایی مطرح بوده است.

ایالات متحده با استفاده از مولفه های قدرت ملی و با فشار همه جانبه، در صدد اقتناع و اجبار ایرانیها جهت تعدیل و تغییر در سیاستهای راهبردی خود بوده است بطوریکه برای نیل به

این اهداف از حمایت و همراهی و همکاری برخی کشورهای اروپایی و متحدین غیر اروپائیش نیز بهره مند بوده است.

در حالیکه دولت او با ما هم زمان با اعمال شدیدترین تحریم های دوجانبه و چندجانبه بین المللی علیه جمهوری اسلامی ایران، به مهم ترین توافق بین المللی هسته ای با ایران دست یافت، دولت ترامپ این توافق را بدترین توافقی دانست که تاکنون صورت گرفته است.

او با ما در مقابله با ایران بر سیاست های چندجانبه گرایی و تلاشهای دیپلماتیک تکیه نموده و در چارچوب سازمانهای بین المللی و مذاکره، حرکت کرد ولی ترامپ تشدید تقابل را به شکل یکجانبه گرایی دنبال نموده و قوانین و تصمیمات سازمانهای بین المللی همچون شورای امنیت سازمان ملل، دادگاه بین المللی لاهه و آژانس بین المللی انرژی اتمی را زیر پا گذاشت.

دولت او با ما بر راهبرد تعامل سازنده و موثر با جهان تاکید نموده و در صدد بر آمد ضمن ایفا نمودن نقش حیاتی در جهان، از افتادن ایالات متحده در بحرانهای بین المللی جلوگیری نماید ولی دولت ترامپ، انزواگرایی و یکجانبه گرایی را در روابط بین الملل در پیش گرفت.

در جهان واقعی سیاست، دولت ترامپ نتوانست برنامه ای تحت عنوان یک سیاست خارجی جامع یا یک راهبرد کلان برای ایجاد نظم جهانی تنظیم کند. ترامپ درصدد ارتقای موقعیت بین المللی کشور خود بود اما برای تعامل با متحدان اصلی، کسب منافع ملی و همکاری با دولت های دیگر در جهت تعقیب اهداف جهانی راهکار منسجمی نداشت و بی توجهی او به نظم بین الملل و اعتبار نهادها و سازمان های بین المللی، نظم موجود را با چالش مواجه نموده و هژمون آن کشور را در سطح جهانی تضعیف نمود.

استراتژی فشارهای متمرکز که در دوره ترامپ بر علیه ایران استفاده شد، یک راهبرد صحنه بوده و با هدف فرسوده سازی توان و از بین بردن توانمندیها، علیه کشور هدف، به کار گرفته شد که آن ائتلافی از اراده ها است، اراده های به هم پیوسته که به طور همزمان فشارهای متنوعی را بر نقطه ثقل کشور مورد نظر وارد می کند. راهبرد فشارهای متمرکز در واقع یک کنش فرسایشی علیه توان و اراده کشور هدف است. در این راهبرد، فرسوده سازی با حمله به نیروها، منابع و اراده سیاسی که توان دشمن را به مرور زمان از بین می برد، مورد نظر می باشد.

هدف از تحمیل تحریمهای شدید اقتصادی، قطع منبع درآمدی ایران بود تا بواسطه این فشارها، این کشور، از پیگیری سیاستهای منطقه ای و برنامه های موشکی و توانمندیها و تقویت

قدرت ملی خود دست بردارد.

در راستای فشارهای همه سویه نسبت به ایران، در کنار تحریمهای شدید، گسترده و همه جانبه، در سطح منطقه ای، در حوزه امنیتی نیز، مثلث همکاریهای مشترک اسرائیل - آمریکا - عربستان و امارات برای تقابل با ایران تشکیل شد.

کشور ایالات متحده، برای براندازی دولت ایران از شیوه هایی مثل تحریم، جنگ روانی، عملیات مشروعیت زدایی از نظام و اهتمام ویژه برای از بین بردن سرمایه های اجتماعی و انسانی، ایجاد تنش بین اقوام و مذاهب استفاده نموده است لذا می توان گفت کنش گرایی ایالات متحده در تقابل با ایران، شامل قدرت های سخت، نرم و هوشمند بوده و این کشور بدنبال آن بوده است که با فشار های مبتنی بر استراتژی قدرت هوشمند علیه ایران، در نهایت مانع از پیش برد برنامه ها و اهداف انقلاب اسلامی گردد.

آمریکا در قدرت هوشمند، از رسانه، مشارکت و همگرایی، مدیریت افکار عمومی و کاربست قابلیت های اقتصادی استفاده نموده و با استفاده از این پارادایم، درصدد حفظ برتری و باز تعریف جایگاه جهانی خویش می باشد.

استفاده از سامانه رسانه یکی از مولفه های قدرت هوشمند می باشد و بدین وسیله انتقال مفاهیم انجام گرفته و ذهنیت و ادراک مردم کشور هدف تحت تاثیر قرار می گیرد درحالی که در فضای قدرت سخت افزاری، رسانه ها نقش تخریب کنندگی و جبهه سیاسی دولت های رقیب را ایفا می کنند.

ایالات متحده با استفاده از ابزارهای مذکور، مشروعیت زدایی از هویت ملی - اسلامی ایرانی ها را هدف قرار داده است و با القاء انواع اتهامات مثل تهدید همسایگان، حمایت از تروریسم، نظم گریز بودن، در صدد وارونه جلوه دادن واقعیت ها و القای آن ها به شهروندان ایرانی می باشد. لذا با اشاعه اطلاعات نادرست در رسانه ها تا تشویق و توجیهاتی که هویت و رفتار ایرانی ها را نامشروع جلوه دهد، گرفته تا بکارگیری نظام های قانونی جهان گستر به منظور تحدید و تضعیف توانمندی های ایران، که با در پیش گرفتن تحریم های آکادمیک، فرهنگی و اقتصادی علیه ایران و مردم این کشور، اقداماتش را اعمال می نماید.

ایالات متحده با مداخله در امور داخلی ایران و فشار های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، امنیتی و سوء استفاده از سازمان های بین المللی و استفاده ابزاری از آنها مثل صدور قطعنامه

ها در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای و شورای امنیت سازمان ملل علیه ایران و استفاده از ابزارهای اقتصادی و استراتژیک، این نبرد را تداوم می‌بخشد.

جنگ رسانه‌ای، ظاهراً میان رادیو و تلویزیون‌ها، مفسران مطبوعاتی، خبرنگاران خبرگزاری‌ها، شبکه‌های خبری و وبگاه‌های اینترنتی جریان دارد اما واقعیت این است که در پشت این جدال ژورنالیستی، امری با سازمان‌یافتگی گسترده و پیچیده به نام «سیاست رسانه‌ای» نظام سیاسی یک کشور نهفته است که مستقیماً توسط بودجه‌های رسمی مصوب مجالس کشورها یا بودجه‌های سری سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی و سرویس‌های جاسوسی، تغذیه می‌شود.

در این راهبرد هدف نهایی، ایجاد تهدید موجودیتی، توسط مردم است. به گونه‌ای که مردم به این نتیجه برسند که نظام دیگر کارایی خود را ندارد و به حدی ضعیف شده که در آستانه فروپاشی قرار گرفته است و در حقیقت آمریکایی‌ها القاء فروپاشی در ذهن را مقدمه فروپاشی نظام سیاسی ایران می‌دانند و به همین دلیل در پروژه قدرت اعمال فشار، از همه ابزارها استفاده می‌کند از تحریم و تهدید نظامی گرفته تا عملیات رسانه‌ای، اما آنچه بیشتر از همه در القاء فروپاشی نقش تعیین‌کننده دارد رسانه‌ها و فضای مجازی است. بر همین اساس اصلی‌ترین تاکتیک‌های تبلیغی دشمن، در فضای رسانه‌ای قابل بررسی می‌باشد.

منابع

۱. احمدی، حسن (۱۳۸۸). «قدرت هوشمند، راهبرد جدید آمریکا در خاورمیانه»، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای جهان اسلام، سال دهم، شماره ۳۷
۲. آهویی، مهدی (۱۳۹۵). تحلیلی بر راهبرد اتحادهای آمریکا در خاورمیانه و گزینه‌های محتمل در قبال ایران، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره اول، شماره ۲۳
۳. برزگر، کیهان (۱۳۸۹). «بررسی ریشه‌های منازعه ایران و آمریکا پس از حادثه یازده سپتامبر»، فصلنامه راهبرد، شماره ۳۹.
۴. ترابی، طاهره (۱۳۸۹). «اطاقهای فکر و سیاستگذاری در آمریکا»، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال ششم.
۵. چهارآزاد، سعید (۱۴۰۰). «تبارشناسی «تراگذرنده‌گی تحریم‌های ضد ایرانی» در جامعه شناسی سیاسی پساانقلاب اسلامی»، فصلنامه علمی جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب

- اسلامی، ۲(۲)، صص ۵۱-۷۲.
۶. حسن خانی، سعید (۱۴۰۰). «ایران و محیط امنیتی تغییر یافته (الزامات و راهبردها)»، فصلنامه راهبرد سیاسی، ۵(۴)، صص ۲۳-۶۲.
۷. خلیلی، اسدالله (۱۳۸۸). روابط ایران و آمریکا، بررسی دیدگاه‌های نخبگان آمریکایی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات ابرار معاصر تهران.
۸. سبحانی فر، علی (۱۴۰۰). «ارائه الگو دفاع نرم سیاسی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر گفتمان امام خامنه‌ای (مدظله العالی)» فصلنامه علمی مطالعات دفاع مقدس، ۷(۳)، صص ۶۹-۸۹.
۹. شریف پور، بهنام؛ باقری زاده، علی و گل پرور، مجید (۱۴۰۰). «بررسی تأثیرات اهداف منطقه ای ایران، عربستان و آمریکا بر الگوهای موازنه قدرت منطقه‌ای در حوزه ژئواستراتژیک غرب آسیا پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱»، فصلنامه راهبرد سیاسی، ۵(۱۶).
۱۰. دهشیار، حسین (۱۳۸۸). سیاست خارجی آمریکا، واقع گرایی لیبرال، ناشر: خط سوم.
۱۱. دهشیار، حسین (۱۳۹۵). «ترامپ و محوریت توانمندیهای اقتصادی و نظامی در قلمرو سیاست خارجی»، فصلنامه پژوهشهای روابط بین الملل، شماره ۲۲.
۱۲. دهشیری، دهشیری و سلامت، امیرحسین (۱۳۹۹). «نظام سلطه در اندیشه و دیدگاه مقام معظم رهبری»، فصلنامه علمی جامعه شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، ۱(۴)، صص ۲۹-۶۸.
۱۳. دهقانی فیروز آبادی، سید جلال (۱۳۹۰). «واقع گرایی نو کلاسیک و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و پنجم، شماره ۲، تابستان.
۱۴. دوئرتیجیمز و فالتزگراف، رابرت (۱۳۸۸). نظریه های متعارض در روابط بین الملل، ترجمه وحید بزرگی و علیرضا طیب، تهران: قومس.
۱۵. رستگار، رامین و محمدپور، علی اصغر (۱۴۰۰). «تأثیر استقرار طرح سپر دفاع موشکی آمریکا در خاورمیانه و کنش های جمهوری اسلامی ایران: از منظر واقع گرایی تهاجمی»، فصلنامه راهبرد سیاسی، ۵(۳).
۱۶. رضایی، علیرضا (۱۴۰۰). «سیاست خارجی مطلوب دولت ابراهیم رئیسی؛ الگوی نظم عدالت محور مبتنی بر استراتژی موازنه نرم»، فصلنامه راهبرد سیاسی، ۵(۱۷)، صص ۱-۲۳.
۱۷. روشن چشم، حامد و دشتی، محمدحسین (۱۴۰۰). «شیفت از ساختار سنتی به ساختار پست مدرن در جامعه ایران و تاثیر آن بر تحول توسعه سیاسی و رویکرد روابط بین الملل

۸. پس از انقلاب»، فصلنامه علمی جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، سال ۲، شماره ۸، زمستان.
۱۸. زندگی، فرزین (۱۴۰۰). «ابزارهای ایالات متحده آمریکا برای تحدید قلمروسازی ژئوپلیتیکی ایران»، فصلنامه راهبرد سیاسی، ۵(۱۶).
۱۹. عبدالله، عبدالمطلب و اسماعیلی، مصطفی (۱۳۹۲). «راهبرد سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران، تداوم یا تغییر»، فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال دوم، شماره ۷ تابستان.
۲۰. کریمی، حانیه؛ مدرس، محمد ولی و کریمی، غلامرضا (۱۴۰۰). «سیاست‌های تهاجمی منطقه‌ای عربستان در قبال ایران از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۰»، فصلنامه راهبرد سیاسی، ۵(۴)، صص ۱۶۱-۱۷۸.
۲۱. قوام، عبدالعلی (۱۳۸۸). روابط بین‌الملل، نظریه‌ها و رویکردها، تهران: انتشارات سمت.
۲۲. متقی، ابراهیم (۱۳۸۸). «آمریکا در برابر ایران»، مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی، شماره اول.
۲۳. متقی، ابراهیم (۱۳۸۸). «گفتمان تغییر در سیاست خارجی آمریکا»، فصلنامه روابط خارجی، سال اول، شماره ۳.
۲۴. متقی، ابراهیم و وحید رهنورد (۱۳۸۹). «نشانه‌ها و فرآیندهای سیاست خارجی اوپاما»، فصلنامه سیاست خارجی، سال دوم، شماره ۶، تابستان.
۲۵. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۹). تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: انتشارات سمت.
۲۶. مورگنتا، هانس جی (۱۳۷۹). سیاست میان‌ملتها، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: وزارت امور خارجه.
۲۷. نفیو، ریچارد (۱۳۹۷). هنر تحریمها نگاهی از درون میدان، ترجمه مرکز پژوهش‌های مجلس، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۲۸. یزدان‌فام، محمود (۱۳۹۵). «سیاست خارجی ترامپ و جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال نوزدهم، شماره ۴، زمستان.
29. Barry Buzan (1993). Charles Fones and Richard Little; the Logic of Anarchy: Neo-realism to Structural Realism, New York: Columbia University Press.
30. Berman, Russell (2017). 'The Donald Trump Cabinet Tracker', The

- Atlantic, 2 March; Available at: <https://www.theatlantic.com/politics/archive/2017/03/trump-cabinet-tracker/510527/>
31. Brands, H (2016). Making the Unipolar Moment, U.S. Foreign Policy and the Rise of the post Cold War Order. Ithaca. NY: Cornell University press
 32. Brands, H (2016). Making the Unipolar Moment, U.S. Foreign Policy and the Rise of the post Cold War Order. Ithaca. NY: Cornell University press
 33. Brands, H (2016). Making the Unipolar Moment, U.S. Foreign Policy and the Rise of the post Cold War Order. Ithaca. NY: Cornell University press
 34. Bremmer, I (2016). Super Power: Three Choices for America's Role in the World. New York: Penguin
 35. CBS NEWS (2016). "Pence goes farther than trump on Iran deal, says US will rip up". Available at: <http://www.cbsnews.com/news/pence-goes-farther-than-trump-oniran-deal-says-us-will-rip-up/> accessed 2 December 2017
 36. Cillizza, Chris (2017). 'The Donald Trump latest attack on the media is very, very dangerous', The Washington Post, 6 February. York: Penguin.
 37. Denise, alfred fild (2010). Inter national economic
 38. Dunne, tim (2010). International reletion theories
 39. Feaver, P (2011). 8 Myths about American Grand Strategy. Foreign Policy, November 23.
 40. Feaver, Peter and Hal Brands (2017) 'Trump and Terrorism: U.S. Strategy after ISIS', Foreign Affairs, March /April
 41. Gilpin, Robert (2005). War and Change in world Politics, Cambridge: Cambridge University Press
 42. Goldberg, John (2017). 'What Trump means when he says 'America

first', Los Angeles Times, 24 January; Available at: <http://www.latimes.com/opinion/op-ed/la-oe-goldberg-america-first-20170124-story.html>

43. Hunter, Robert (2009). A New American Middle East Strategy, Survival, No 6
44. Wolforth, willian c (2008). Realism and Foreign policy, Theories Actors Cases, Edite by Steve Smith and Amelia Had filed and Tim dunne Oxford University Press.

مبانی تعلیم و تربیت انقلاب اسلامی در زمینه بازتولید قدرت نرم با تأکید بر بیانیه گام دوم

یعقوب علیزاده^۱

ایلناز علی نژاد^۲

زهرا قاسمی^۳

مهری توتونچیان^۴

چکیده

انقلاب اسلامی ایران هرچند در نگاه اول یک انقلاب سیاسی و اجتماعی به شمار می‌رود، اما بررسی عمیق‌تر ابعاد آن نشان دهنده وجوه تربیتی قابل توجهی است که هم در عرصه داخلی و هم در عرصه بین‌المللی آثار زیادی بر جای گذاشته است. وجه جدیدی که می‌توان به آن اشاره نمود، نقش قابل توجهی در بازتولید قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران نیز خواهد داشت. علاوه بر این، طرح بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی که اهمیت خاصی برای مسأله تعلیم و تربیت در نظر گرفته است، به وضوح نشان دهنده، پیوستگی تعلیم و تربیت و افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران است. بر همین اساس پژوهش حاضر به این مسأله پرداخته است که مبانی تعلیم و تربیت انقلاب اسلامی در زمینه بازتولید قدرت نرم با تأکید بر بیانیه گام دوم شامل چه مواردی است؟ پاسخی که می‌توان ارائه نمود این است که خصوصیات کرامت و اخلاق‌مداری، استکبارستیزی، استقلال و خوداتکایی، نفی استعمار، تربیت سیاسی بر مبنای مردمسالاری دینی به عنوان وجوه مبانی تعلیم و تربیت انقلاب اسلامی بر مبنای بیانیه گام دوم محسوب می‌شوند که از توان تولید قدرت نرم نیز برخوردار هستند. روش مورد استفاده در پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی و با گردآوری مطالب از بیانات امام خمینی (ره)، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، آراء آنان در کتب مختلف و بررسی بیانیه گام دوم صورت گرفته است.

واژگان کلیدی: تعلیم و تربیت، انقلاب اسلامی، قدرت نرم، بیانیه گام دوم، آیت‌الله خامنه‌ای.

۱. استادیار، عضو هیات علمی گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
y_alizadeh@pnu.ac.ir

۲. استادیار، عضو هیات علمی گروه الهیات، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

۳. دانش آموخته دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز، شیراز، ایران.

۴. دانش آموخته دکترای فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

نظام‌های سیاسی و اجتماعی برای آنکه بتوانند اصول و اهداف تعیین شده در عرصه داخلی و خارجی را به نحو مطلوبی بدست آورند، نیازمند استفاده از ابزارها و راهکارهای متعددی هستند. برخی از نظام‌های سیاسی تلاش می‌کنند تا از طریق قدرت نظامی، جنگ و تجهیزات مسلحانه به اهداف خود برسند؛ برخی با برجسته کردن اصول و برنامه‌های اقتصادی و تجاری و برخی دیگر نیز از راه دیپلماسی و توسعه روابط خود با سایر کشورها درصدد هستند تا بر قدرت خود بیفزایند و در عرصه‌های داخلی و خارجی، قدرت مضاعفی برای خود بیافرینند. اما در این میان، با توجه به تغییر و تحولات تکنولوژیکی و ارتباطی، دشوار شدن استفاده از ابزارهای نظامی و مقرون به صرفه نبودن از نظر نظامی و لجستیکی، برخی نظام‌های سیاسی تلاش می‌کنند تا با ابداع سازی و استفاده از رویکردهای نرم و فرهنگی، اهداف و اصول مورد نظر خود را به دیگران بقبولانند. این رویه امروزه در قالب «قدرت نرم» شناخته می‌شود و هم صاحب‌نظران و هم طیف وسیعی از نخبگان سیاسی و دولتمردان درصدد هستند تا با بهره‌گیری از روش‌های مناسب و کارآمد، ارزش‌ها، هنجارها، اصول و اهداف مورد نظر خود را به دیگران معرفی و سپس غالب نمایند.

اما برای دستیابی به اهداف، دارا بودن خصائص جذاب و اثرگذار بسیار حائز اهمیت است. به عبارت دیگر، هر نظام سیاسی و فرهنگی بدون بهره‌مندی از ویژگی‌های مطلوبی که برای طرف و یا طرفین مقابل جذابیت داشته باشد، نمی‌تواند به اهداف خود دست یابد. بنابراین در وهله اول، نقطه مبدأ و دارا بودن مزیت‌هایی از نقطه A و پذیرش آن از سوی نقطه B بسیار حیاتی و مؤثر است. به نظر می‌رسد هرچقدر که منابع ایدئولوژیکی، فرهنگی، مقبول آفرین و جذاب بیشتر باشند، امکان تولید قدرت نرم با سهولت بیشتری امکان پذیر است. پذیرش ایده‌ها در قدرت نرم از سوی افراد، گروه‌ها، نظام‌های سیاسی و غیره می‌تواند منشأ مادی و یا معنوی و یا آمیخته‌ای از این دو باشد. در هر صورت از نظر کسانی که به دنبال تولید قدرت نرم و ارائه آن به دیگری هستند، نیازمند منابع غنی و جذابی هستیم و از سوی پذیرندگان نیز نیازمند اقتناع و پذیرش بر مبنای اهداف مادی و یا معنوی هستیم. با در نظر گرفتن این شرایط می‌توان به بررسی اصول، معیارها، ابعاد و زوایای مبانی تعلیم و تربیت انقلاب اسلامی با تکیه بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی که از سوی مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مطرح شده است، توجه نشان داد.

استخراج این مؤلفه‌ها و تحلیل آنان با توجه به بیانیه گام دوم رهبری انقلاب، حائز اهمیت فراوان است. هرچند می‌توان این گونه بیان کرد که ویژگی‌های تربیت نیروهای متعالی و فراگیران متعهد در چارچوب گفتمان ناب اسلام محمدی و انقلاب اسلامی نیز قابل استخراج است. بنابراین آنچه در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، توسط رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بیان شده است، گامی برای تحقق این شعارها و آرمان‌های اسلامی و انسانی است که به طور مشخص، وجه تمایز مسیر انقلاب و اهداف آن از سایر مکاتب و ایدئولوژی‌های سیاسی در نظر گرفته می‌شود. در اینجا به مهم‌ترین مبانی‌ای اشاره می‌شود که توجه به آنان به منزله نقشه راهی برای بازتولید قدرت نرم در جمهوری اسلامی محسوب می‌شوند. در این پژوهش، مقصود از مبانی تعلیم و تربیت، اصول و معیارهای تربیتی است که بتواند انسان‌ها را در مسیر شکوفایی قرار داده و از حیث سیاسی و اجتماعی نیز مقبولیت و کارآمدی داشته باشد.

۱. پیشینه تحقیق

آهنچیان و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله «ارزیابی و بررسی سازگاری نظرات استاد مطهری در امر تربیت اسلامی با سند راهبردی آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران»، رویکردهای استاد مطهری در زمینه تعلیم و تربیت بررسی کرده است و از آنان به عنوان مبانی برای اصلاح رویه‌های آموزش و پرورش یاد کرده است. وجدانی و همکاران (۱۳۹۲)، نیز در مقاله‌ای تحت عنوان «ماهیت تربیت اخلاقی از نظر فردی یا جمعی بودن از دیدگاه علامه طباطبایی (ره)» ابتدا به ماهیت فردی و یا جمعی بودن تربیت اخلاقی می‌پردازند و سپس در پایان نتیجه می‌گیرند که تربیت اخلاقی در دیدگاه علامه طباطبایی (ره)، صرفاً فردی نیست، بلکه بخش مهمی از برنامه جامع تربیت اخلاقی به ساماندهی وضعیت اخلاقی جامعه اختصاص می‌یابد. نصرت‌پناه و همکاران (۱۳۹۶)، نیز در مقاله «اصول تعلیم و تربیت از دیدگاه مقام معظم رهبری در مأموریت‌های تربیتی سپاه» جایگاه تربیت و تربیت اخلاقی را در بیانات مقام معظم رهبری مورد توجه قرار داده‌اند. از نظر نویسندگان، کشف اصول اخلاقی و تربیتی در نظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای باعث الگویی برای رشد تعلیم و تربیت در دستگاه‌های مختلف از جمله سازمان‌های نظامی می‌شود. بنابراین نویسندگان نتیجه می‌گیرند که اصول تربیت بر مبنای دیدگاه‌های رهبری می‌تواند در سه حیطه اعتقادی، اجتماعی و اخلاقی قابل توجه باشد که در یک نگاه کلی می‌تواند

تحت عنوان «طرح صادقین» اجرا شود. سلمانی (۱۳۹۶)، نیز در مقاله «شایستگی‌های مربی در زمینه تعلیم و تربیت با رویکرد جهادی» به ویژگی‌های مربیان از منظر رویکرد جهادی می‌پردازد. روشن است که این رویکرد با توجه به بیانات رهبر انقلاب اسلامی درباره مدیریت جهادی دنبال می‌شود. بنابراین نویسنده نتیجه می‌گیرد که مؤلفه‌های رویکرد جهادی در حوزه تعلیم و تربیت شامل: ولایت‌پذیری، مبانی اعتقادی، مهارت‌های حرفه‌ای و تحصیصی معلمی، صداقت، آمادگی جسمانی و روانی، شئون مربی‌گری، احترام به مربی، خویشتن‌داری و سعه صدر است. بنابراین برای دستیابی به شایستگی‌های مربی مؤثر از منظر تعلیم و تربیت جهانی نیازمند دارا بودن شایستگی‌های جهادی و ارزشی هستیم. مرتضوی و انصاری مقدم (۱۳۹۹)، نیز در مقاله‌ای با عنوان «بررسی ابعاد تربیت نرم در آموزه‌های اسلامی»، رویکرد جدیدی نسبت به عرصه تعلیم و تربیت باز می‌کنند که در آن بر انتقال و یادگیری مفاهیم از سطوح ناهشیار یا نیمه‌هشیار به ذهن مربی تأکید می‌کنند. این روش تربیتی از نظر نویسندگان در شرایط جنگ نرم بسیار کاربرد دارد و می‌تواند هم نقشه‌های دشمنان را خنثی نماید و هم اینکه راهکاری برای تعلیم آموزه‌های اسلامی فراهم آورد. مبانی تربیت نرم ریشه در احادیث و روایات و سیره ائمه (ع) دارد که با شیوه‌ای نرم و شیوا درصدد انتقال مفاهیم و احکام به دیگران بوده‌اند.

توجه به پژوهش‌های مذکور، مقدمه‌ای برای مدنظر قرار دادن مبحث تعلیم و تربیت است که از این جهت، پژوهش حاضر نیز همین رویه را در پیش گرفته است. اما آنچه باعث تمایز پژوهش حاضر با پژوهش‌های مذکور شده است، بررسی مقوله تعلیم در بازتولید قدرت نرم انقلاب اسلامی با عنایت به بیانیه گام دوم انقلاب است که به طور مشخص، آراء و دیدگاه‌های حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی را مورد بررسی قرار می‌دهد. بدیهی است که با توجه به جامعیت و فراگیری بحث، بهره‌گیری از آراء رهبر انقلاب اسلامی در کتب منتشر شده از ایشان، بیانات و سخنرانی‌های ایشان نیز در دستور کار پژوهشگران قرار گرفته است. از این جهت، تاکنون هیچ پژوهش مستقلی به بررسی این موضوع نپرداخته است و تاکنون چنین پژوهشی در محافل آکادمیک و حوزوی نیز انجام نشده است.

۲. روش تحقیق

روش مورد استفاده در پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی است که با استناد به منابع دینی و فقهی از جمله آیات قرآن کریم، متون فقهی و تاریخی از جمله تاریخ صدر اسلام و همچنین بهره‌گیری از آراء و دیدگاه‌های اندیشمندان مسلمان صورت گرفته است. بنابراین نگارنده با گردآوری داده‌ها به صورت فیش‌بردای و از طریق منابع اسنادی و کتابخانه‌ای نسبت به جمع‌آوری اطلاعات اقدام نموده است.

۳. مبانی نظری؛ تعلیم و تربیت در گفتمان انقلاب اسلامی و رهبری معظم انقلاب

مقام معظم رهبری به تبعیت از بنیانگذار انقلاب تعلیم و تربیت را امری اساسی برای هدایت انسان‌ها و حفظ دستاوردهای انقلاب می‌دانند و دنبال کردن آن را موجب تقویت قدرت اسلام و شهروندان ایرانی معرفی می‌کنند. از نظر ایشان: «از مسائل ارزشمند و کارساز در زندگی بشر، علم و آگاهی است. علم، افزون بر اینکه وسیله‌ای است برای بهتر زیستن و برای خوب از عهده مسئولیت برآمدن، بخودی خود نیز مطلوب بشر است. برای ایجاد یک تمدن اسلامی - مانند هر تمدن دیگر - دو عنصر اساسی لازم است: یکی تولید فکر، یکی پرورش انسان رهبر انقلاب در اهمیت و ضرورت علم‌آموزی فرمود یک کشور اگر می‌خواهد به معنای واقعی بازسازی کند، باید بیشترین تکیه و بیشترین نگاه و توجهش، به انسان و نیروی انسانی باشد (بیانات رهبری در اجتماع زنان خوزستان، ۱۳۷۵/۱۲/۲۰).

از منظر رهبر انقلاب هدف اصلی تعلیم و تربیت مبارزه با بیسوادی است و در این راستا ایشان اظهار می‌دارند که: «آن وقتی که در دنیا خبری از علم و سواد و درس و مشق و نشانه‌های تعلیم و تعلم وجود نداشت، اسلام و قرآن ما با «اقرأ» (۱) آغاز شد و حتی به این نوشته و مقام والای قلم، سوگند یاد نمود. حتی بر مبنای همین مقام والا و محترم قلم، اسیران جنگی را در قبال یاد دادن و آموزش آزاد نمود. این مسأله به چهارده قرن پیش مربوط است و امروزه برای ما بسیار حائز اهمیت است. این گونه فعالیت‌های اسلام و رسول گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) باعث شد تا جامعه‌ی امّی و بیسواد عرب صاحب بزرگترین دانشگاه‌ها در جهان باشد. در حالی که در آن زمان، اروپای امروز هیچ خبری از علم و دانش نداشتند. بزرگترین دانشگاه‌ها و مشهورترین دانشمندان از جمله فارابی‌ها و ابن‌سیناها و محمدبن زکریاها و ابوریحان‌ها متعلق به اسلام بوده

است. بنابراین در صدر اسلام، از بین بردن بی‌سوادی و تحریص و تحریض به علم و دانش، باعث شده بود تا جامعه‌ی اسلامی حتی حدود هفت، هشت قرن، جلوتر از همه ملت‌های متمدن آن روزها باشد. البته بعد ما رجعت کردیم، مسلمانان سستی به خرج دادند و کار به اینجا ختم شد. اما مجدداً می‌توانیم از نو آغاز کنیم. زیرا دوباره انقلابی تازه شروع شد و اسلام بر سرکار آمد و بیسوادی معنایی ندارد» (بیانات در دیدار مسئولان دفاتر نهضت سوادآموزی و مسئولان شهربانی، ۶۹/۷/۴). اساساً این مبارزه با بی‌سوادی در تربیت حق جویانه فرد مسلمان تأثیر بسیار دارد به گونه‌ای که ایشان معتقدند: «عدالت اجتماعی، در صورتی در جامعه تأمین می‌شود که افراد در جامعه تربیت شده باشند؛ ظلم نکنند و زیر بار ظلم نروند» (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۷۲/۴/۲۳).

از این رو رهبر انقلاب اسلامی در بحث رابطه معلم و فراگیر و اهمیت تعلیم و تربیت می‌فرماید: «عالم باید علم خود را به دیگران بیاموزد، زیرا علم رزقی است که خداوند بدو عطا کرده و از او انفاق آن را خواسته است. از میان تمامی عوامل آموزشی و تربیتی، نقش معلم به‌عنوان مهمترین عامل نظام تعلیم و تربیت، جایگاه و اهمیت بسزایی دارد. معلم در رشد و پرورش دانش‌آموزان، نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند. تمامی فعالیت‌های معلم، مانند شناخت فرآیند رشد کودکان و نوجوانان، شیوه‌های تدریس و علاقه‌مندی به رشته تدریس خود، از عواملی هستند که در آموزش و پرورش دانش‌آموزان، دخالت زیادی دارند. رهبر انقلاب می‌فرماید: «شما معلمان از این مسئله غفلت نکنید که تربیت کردن هم جزو کار شماست؛ و چه بهتر که با نفوذ معلمی؛ با تأثیر روحی معلم بر متعلم استفاده کنید و یک نقطه روشن و نورانی‌ای در قلب دانش‌آموز باقی بگذارید» (۱۲/۰۲/۱۳۸۷ بیانات در دیدار معلمان استان فارس).

دشمن‌شناسی و شکست دشمن استعمارگر که می‌کوشد در تربیت کشور تسلط یابد از اهداف اصلی تربیت اسلامی و ایرانی است که بایسنی آموزش معطوف به این حرکت عظیم باشد؛ چرا که استقلال کشور منوط به این تربیت و آموزش مناسب و آگاهانه است. چنان‌که رهبری اشاره می‌کنند: «استعمارگران می‌کوشند تا در هر کشور به سرچشمه‌های اصلی تعلیم و تربیت آن کشور تسلط پیدا کنند و به اصطلاح می‌کوشند تا آب را از سرچشمه گل آلود کنند. آنان سعی می‌کنند با تأسیس دبستانها، دبیرستانها، دانشگاهها و مراکز تربیت معلم، نسلی تربیت کنند تا آنطور فکر کند که استعمارگران می‌خواهند و در نتیجه آن طور عمل کند که منافع

استعمارگران تامین شود. استعمار فرهنگی سخت‌ترین نوع استعمار و شدیدترین نوع وابستگی است و پایه‌های استعمار نوبر استعمار فرهنگی استوار می‌شود. استعمارگران فرهنگ و تعلیم و تربیت را در هر کشور به دست می‌گیرند تا نسل جوان را فاسد و تباه سازند. رهبر انقلاب در این باره می‌فرماید: «امام بزرگوار ما در يك حادثه‌ی مهم جنگی - که خیلی از شماها آن وقت شاید متولد هم نشده بودید - در قضیه‌ی یکی از عملیات که پیروزی‌ای به دست رزمندگان آمده بود، يك پیامی دادند. در آن پیام این نکته وجود داشت که فتح‌الفتوح انقلاب اسلامی، تربیت این جوانهاست. همه توقع داشتند که امام بگوید این پیروزی‌ای که شما به دست آوردید، فتح‌الفتوح است؛ از آن پیروزی ستایش کند؛ امام نه، از رزمندگان تشکر کردند. اما گفتند فتح‌الفتوح انقلاب ما تربیت این جوانهاست؛ که در آن شرائط دشواری که همه‌ی دنیا در مقابل ما با چهره دژم و سلاح آماده شلیک ایستاده بودند، اینها توانستند يك چنین پیروزی بزرگی را به دست آورند؛ پیشرفت واقعی این است که جوانهای ما، نخبگان ما نسبت به آینده احساس مسئولیت کنند؛ برای خودشان دیدگاه تعریف کنند؛ برای کشور آینده‌ای را تصویر کنند و مجسم کنند و احساس کنند و این احساس را اظهار کنند؛ که آماده‌اند برای رسیدن به این آینده، تلاش کنند» (بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در ششمین همایش ملی نخبگان جوان، ۹۱/۷/۱۲).

یکی از اصولی که رهبری در امر آموزش و پرورش بر آن تاکید می‌کند نظارت و شیوه غیر مستقیم تعلیم و تربیت و اثرات آن است. مقام معظم رهبری -مدظله العالی- با یک مثال عینی به بیان این اصل تربیتی می‌پردازند: «اگر شما گاهی می‌بینید یک بچه‌ای که در محیط مذهبی و خانواده مذهبی تربیت شده، اما در آن دوران ضد مذهبی می‌شود، این نشانه‌ی تأثیری آن عامل تربیتی خانوادگی نیست؛ بلکه نشانه‌ی وجود یک عامل ناشناخته‌ای است که ما از آن بیخبریم. احیاناً اختلاف پدر و مادر، همان پدری که نماز شب هم می‌خواند یا همان مادری که عفت خودش را با شدیدترین وجهی و با وسواس حفظ می‌کند، خصوصیاتش دارد که در رفتار آن مخاطب تأثیر منفی می‌گذارد. یعنی با یک خُلقیاتی همراه است که آن کودک نتیجه می‌گیرد که باید آن خُلق پدر را نپذیرد و به طور طبیعی نمی‌پذیرد. و ما از این عوامل در داخل خانواده بی‌اطلاعیم. یا یک عنصری در داخل خانواده‌ها وجود دارد که از آن غافلیم. من خانواده‌هایی را می‌شناسم که پدرها آدم‌های بسیار خوبی بودند، اما بچه‌هایشان آدم‌های بسیار بدی شدند و در این رابطه در چند مورد تجربه‌ی دوران سیاسی آن روزها به علت بسیار عجیبی برخورد کردم. دیدم پدرها از

محیط کار خودشان می‌آیند در داخل خانه، یک چیزی را می‌گویند غافل از اینکه برداشت این پدر پخته‌عقل جهان دیده از فلان حادثه که دارد نقل می‌کند، با برداشت آن بچه‌خام ابتدایی به کلی متفاوت خواهد بود و ملتفت این نکته نیست. آن وقت می‌آید آنچه را که در محیط سیاسی - اجتماعی می‌گذرد، داخل خانه بازگو می‌کند. من یک پدر متعصب مبارز مذهبی ضدکمونیست را می‌شناختم که فرزندانش بی‌اعتنا به تعصب و مذهبی بودن پدر کمونیست شدند و چند نفر از آن بچه‌ها احياناً همه آنها در حوادث گوناگون کشته شدند. اینها در مواضع مارکسیستی الحادی ضدمذهبی بودند و پدر که یک مذهبی تندی بود، می‌آمد خانه مثلاً فرض کنید یک چیزهایی را که در محیط مذهبی‌ها وجود داشت و انتقادات و حرف‌های گزنده‌ای که ما داشتیم و باب آن بچه‌ها نبود این را در محیط بی‌در و پیکر ذهن کودک در میان می‌گذاشت و نتیجه‌اش همان می‌شد که شد و من مواردی از این قبیل را سراغ دارم» (بانکی‌پور، ۱۳۸۵: ۲۴۸). ویژگی‌های فراگیر مطلوب از منظر رهبری می‌تواند شامل موارد زیر باشد:

- خوب درس بخواند.
- خوب گوش بدهد و در ارتباط تابع معلم و آموزه‌های او باشد.
- خوب تهذیب نفس کند.
- در کنار درس ورزش را فراموش نکند چرا که سلامت فکری در گرو سلامت بدنی است.
- سرباز حقیقی انقلاب باشد.

ویژگی‌های معلم خوب از نظر گفتمان انقلاب اسلامی و بر مبنای آنچه رهبری انقلاب اسلامی مطرح کرده است، می‌تواند شامل این موارد باشد. از جمله اینکه استاد یا مسؤولی که معیارهای تهذیب نفس و پایبندی به اصول مذهبی و احکام شریعت را رعایت می‌کند، می‌بایست مورد احترام باشد و همگی او را احترام کنند. بنابراین دانشجویان باید وی را احترام کنند. علاوه بر این، جایگاه علم و دانش و فراگیری آن تا جایی است که در هر شرایطی باید رابطه استاد و شاگرد مبتنی بر احترام متقابل به پیش برود. فرض کنید استادی کافر باشد و در یک کلاس حزب الهی حضور پیدا کند، در این صورت باید وی محترم شمرده شود. محیط میان دانشجو و استاد باید مبتنی بر احترام طرفین و سرشار از روابط دوستانه باشد (همان: ۲۳۳).

تعلیم و تربیت در اندیشه مقام معظم رهبری از این جهت اهمیت فراوان دارد که آن نقش بی‌مانندی در تحقق تمدن نوین اسلامی دارد. مهم‌تر اینکه مقام معظم رهبری معتقدند که برای

ایجاد تمدن اسلام - مانند هر تمدن دیگر دو عنصر اساسی لازم است: یکی تولید فکر و حرف نو (براساس منابع اصیل اسلامی) که در محیط‌های گوناگون علمی و روشنفکری روی می‌دهد و دیگری، پرورش انسان (بیانات مقام معظم رهبری، ۷۹/۷/۱۴). به عبارت دیگر، راه برافراشتن پرچم تمدن نوین اسلامی تربیت نسلی با ویژگی‌های خاصی مانند: مؤمن، شجاع، باسواد، متدین، دارای ابتکار، پیش‌گام، خودباور، با انگیزه، غیور، دارای توان جسمی و فکری حرکت، هدفمند و آینده‌نگر، جدی و در یک کلمه یک انسان انقلابی است (بیانات مقام معظم رهبری، ۹۵/۷/۲۸).

با عنایت به اهمیت تعلیم و تربیت در گفتمان انقلاب اسلامی و همچنین تأکید رهبری معظم انقلاب بر اهمیت کسب تعلیم و تربیت در جامعه اسلامی، می‌توان از عناصر مشترک و موجود در این زمینه به عنوان مبنای تعلیم و تربیت جهت بازتولید قدرت نرم استفاده نمود. نکته مهم در این زمینه تکیه بر بیانیه گام دوم است که از سوی مقام معظم رهبری بیان شده است.

۴. یافته‌های تحقیق

بر مبنای آنچه در گفتمان انقلاب اسلامی ایران و بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در زمینه تعلیم و تربیت مطرح شده است، می‌توان به اصول و عناصری توجه نشان داد که براساس آن بتوان نسبت به بازتولید قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران دست یافت. در اینجا به برخی از مهم‌ترین اصول پرداخته می‌شود:

۴-۱. استکبارستیزی

از جمله اصول اولیه برای تولید قدرت نرم از منظر سیاسی و اجتماعی که دارای وجه تربیتی کارآمد و جذابی است، مسأله استکبارستیزی در ابعاد مختلف آن است. با روی کار آمدن نظام جمهوری اسلامی ایران، دین جایگاه اصلی خود را در معادلات بین‌المللی پیدا کرد و بر این مبنای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس اصل «نه شرقی نه غربی» بنا شده است. در این رویکرد مستقل، با درهم کوبیدن استکبار جهانی و همچنین قطع کردن دست بیگانگان از دخالت در کشورهای در حال توسعه و مستضعف، رویکرد نوینی را برای جهانیان عرضه داشته است. این مسیر جدید منجر به استقرار عدالت با تأکید بر احکام دینی شده است.

این رویکرد جدید با توأمانی تلقی کردن مسؤولیت انسان در برابر خداوند، باعث شکل گیری محیطی مساعد برای رشد فضائل اخلاقی می شود. نکته برجسته دیگر در این زمینه، مبارزه با کلیه عناصر فساد و تباهی، برآورده ساختن حقوق همه جانبه مستضعفان، مقابله با سلطه خارجی در عرصه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، حمایت از مسلمانان و مظلومان جهان، افزایش قدرت اسلام و مسلمانان، ترویج فرهنگ اسلامی و اعتقادات معنوی در عالم بشری و همچنین تلاش برای گسترش وحدت امت اسلام برای استقرار عدالت و نفی تسلط استکبار جهانی است (جعفری پناه و پورا احمدی، ۱۳۹۲: ۱۱۰). بنابراین تسری این رویکردها در منطقه جهانی می تواند باعث جذب سایر کشورهای مستقل در نظم جهانی شود و از این طریق به قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران افزوده گردد. این مسأله هرچند در منطقه خاورمیانه و غرب آسیا در حال پیگیری است و دستاوردهای مطلوبی از جمله در محور مقاومت نصیب ایران کرده است، اما با این حال چینی رویه ای می تواند با عمق و گستردگی بیشتری دنبال شود.

چنان چه در این زمینه می توان گفت یکی از اصولی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی به آن توجه شد، جلوگیری از تسلط کشورهای بیگانه بر امور مسلمانان بود. شعاری که از آن زمان همواره سرلوحه سیاست خارجی ایران قرار گرفت؛ نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی بود. به این قاعده «نفی سیبل» می گویند. این اصل، فرصتی را در اختیار جمهوری اسلامی قرار داد تا به خصوص در میان ملت های مسلمان که از وابستگی شدید حکامشان بسیار ناراضی داشتند، نفوذ کرده و آن ها را همراه و همسو با خود نمایند (مایلی و مطیعی، ۱۳۹۵: ۲۰۲). این قاعده از زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران تا به امروز به خوبی توانسته است زمینه هایی برای قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران فراهم سازد و حتی الگویی برای سایر کشورها نیز تلقی شود. به نظر می رسد مقوله قدرت نرم می تواند یکی از مهم ترین برنامه های آینده نظام جمهوری اسلامی ایران در عرصه های داخلی، منطقه ای و بین المللی باشد. این راه حل به خوبی در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی نیز نمایان است. ایشان در این زمینه اعلام می کنند: «جوانان عزیز در سراسر کشور بدانند که همه ی راه حل ها در داخل کشور است. اینکه کسی گمان کند که «مشکلات اقتصادی صرفاً ناشی از تحریم است و علت تحریم هم مقاومت ضد استکباری و تسلیم نشدن در برابر دشمن است؛ پس راه حل، زانو زدن در برابر دشمن و بوسه زدن بر پنجه گرگ است» خطایی نابخشودنی است. این تحلیل سراپا غلط، هرچند گاه از زبان و قلم برخی غفلت زدگان داخلی

صادر می‌شود، اما منشأ آن، کانون‌های فکر و توطئه خارجی است که با صد زبان به تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران و افکار عمومی داخلی القاء می‌شود (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی).

با این اوصاف، استکبارستیزی مبنای تربیتی قابل اتکایی برای تولید قدرت نرم انقلاب اسلامی به شمار می‌رود. این ویژگی امروزه در نزد بسیاری از ملل منطقه از جمله در عراق، سوریه، لبنان، یمن، مصر، لیبی و... تحت تأثیر آموزه‌های تربیتی انقلاب اسلامی عمل می‌نماید. بنابراین، انقلاب اسلامی ایران با مختصات ویژه‌ای که در ابتدای قرن بیست و یکم طرح نمود، توانست قلب و اندیشه بسیاری از ملل مسلمان و غیر مسلمان را جلب نماید و خود را به عنوان یک راه برون‌رفت از نظم ظالمانه جهانی، که بر اساس انگاره‌ها و منافع دولت‌های سرمایه‌داری طرح‌ریزی گردیده بود، معرفی نماید. بنابراین مبارزه برای نابودی کامل همه ظواهر ظلم و ستیز در جهان یکی دیگر از آرمان‌های اساسی این اندیشه است (ناظمی اردکانی و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۱). این اندیشه و تأثیرگذاری که به وضوح حاکی از افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در منطقه و جهان بوده است، با واکنش مستقیم و غیر مستقیم قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای نیز روبرو شده است. چنان‌چه علاوه بر تحمیل جنگ هشت‌ساله بر علیه ایران، سیاست‌های خصمانه و هدفمندی در عرصه‌های فرهنگی و جنگ نرم راه انداختند که مطابق آن ارزش‌ها و آموزه‌های انقلاب اسلامی را تحت تأثیر قرار دهند. این رویکرد تربیتی به خوبی در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی تشریح شده است. این مسأله در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی نیز مورد توجه قرار گرفته است. درباره این اصل چنین بیان شده است: «پس آنگاه انقلاب ملت ایران، جهان دوقطبی آن روز را به جهان سه‌قطبی تبدیل کرد و سپس با سقوط و حذف شوروی و اقمارش و پدید آمدن قطب‌های جدید قدرت، تقابل دوگانه‌ی جدید «اسلام و استکبار» رویداد منحصر به فرد جهان معاصر و مرکز توجه جهانیان شده است. از طرفی نگاه امیدوارانه‌ی ملل زیر ستم و جریانهای آزادی‌خواه جهان و برخی دول مایل به استقلال، و از سویی نگاه کینه‌ورزانه و بدخواهانه‌ی رژیم‌های زورگو و قلدرهای باج‌طلب عالم، بدان دوخته شد (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی).

۴-۲. استقلال و خودکفایی

مبنای تربیتی دیگری که منبعث از اندیشه انقلاب اسلامی است و می‌تواند برای باز تولید قدرت نرم به کار گرفته شود، اصول استقلال و خودکفایی است. توضیح اینکه تبدیل ایران به سبیل

عزت در منطقه و جهان به ویژه جهان اسلام و این در سایه تحقق سه حق، استقلال، اعمال حاکمیت ملی و حق تعیین سرنوشت خود، یکی از اهداف انقلاب اسلامی بوده است (نباتیان و رضاپور، ۱۳۹۳: ۴۵). ضمن اینکه باید گفت که استقلال سیاسی در اندیشه امام خمینی (ره) نیز نقشی محوری دارد. به طوری که می توان گفت وجه تمیز نظام اسلامی از نظام های طاغوتی همین استقلال فرهنگی و سیاسی است (ذولفقارزاده و سعدآبادی، ۱۳۹۳: ۲۲). همان طور که در بیانات رهبر انقلاب اسلامی به مسأله استقلال بدین نحو اشاره شده است. به بیان ایشان: «از جمله مبانی اعلامی امام و شعارهای امام، استقلال بود؛ از جمله ی آنها آزادی بود؛ از جمله ی آنها عدالت اجتماعی و عدالت اقتصادی بود؛ اینها مبانی امام بود که مطرح می کرد» (بیانات رهبری در مراسم ارتحال امام خمینی (ره)، ۱۳۹۶/۳/۱۴). در همین راستا، در بیانیه گام دوم انقلاب نیز، شاخصه استقلال و خودکفایی، به عنوان هدفی اساسی و مبنایی تربیتی هم در داخل و هم در خارج از مرزهای نظام اسلامی در نظر گرفته می شود.

پیام استقلال طلبی انقلاب اسلامی که در بیانیه گام دوم نیز مبنای تربیتی متقنی برای آزادی خواهان جهان به شمار می رود، با نفی الگوهای مطرح شده در سطح جهان خود را نشان داده است. در بیانیه گام دوم انقلاب، حرکت انقلاب اسلامی با سایر حرکت های تجربه شده در جهان مانند مارکسیسم و لیبرالیسم و غیره تفاوت مبنایی دارد و برای رسیدن به تعالی راه دیگری و جدیدی را طلب می کند. چنانکه رهبری در بیانیه گام دوم می فرماید: «هیچ تجربه ی پیشینی و راه طی شده ای در برابر ما وجود نداشت. بدیهی است که قیام های مارکسیستی و امثال آن نمی توانست برای انقلابی که از متن ایمان و معرفت اسلامی پدید آمده است، الگو محسوب شود. انقلابیون اسلامی بدون سرمشق و تجربه آغاز کردند و ترکیب جمهوریّت و اسلامیت و ابزارهای تشکیل و پیشرفت آن، جز با هدایت الهی و قلب نورانی و اندیشه ی بزرگ امام خمینی، به دست نیامد؛ و این نخستین درخشش انقلاب بود. پس آنگاه انقلاب ملّت ایران، جهان دو قطبی آن روز را به جهان سه قطبی تبدیل کرد و سپس با سقوط و حذف شوروی و اقمارش و پدید آمدن قطب های جدید قدرت، تقابل دوگانه ی جدید «اسلام و استکبار» آغاز شده است. بدین ترتیب مسیر جهان دچار تغییر شد و زلزله ی انقلاب، فرعون های در بستر راحت آرمیده را بیدار کرد؛ دشمنی ها با همه ی شدت آغاز شد و اگر نبود قدرت عظیم ایمان و انگیزه ی این ملّت و رهبری آسمانی و تأیید شده ی امام عظیم الشان ما، تاب آوردن در برابر آن همه خصومت و شقاوت

و توطئه و خباثت، امکان‌پذیر نمی‌شد (بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷).

۳-۴. اخلاق و کرامت انسانی

مسئله اخلاق و کرامت انسانی یکی از اصول و حتی می‌توان گفت یکی از دلایل وقوع انقلاب اسلامی ایران بوده که همواره نیز به عنوان اصلی اثرگذار مورد توجه بوده است. بنابراین یکی از تفاوت‌های اصلی انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران در نظر گرفتن توأمان «اخلاق و سیاست» است. در این رویکرد نوین، کارها برای رضای خدا صورت می‌گیرد. به عبارتی در راس همه کارهای انسانی که به سمت تمدن‌سازی در جریان است، نظارت خدا به عنوان یک اصل است و اگر این‌گونه دیدگاهی در جامعه عمومیت پیدا کند، خدامحوری به جای انسان‌محوری قرار می‌گیرد. در واقع انسان خدامحور جای شخص انسان محور را می‌گیرد. در این رویکرد اخلاقی، افراد پاداش خود را نزد خدا می‌خواهند. چنین فردی اعتقاد دارد؛ هر کس در برابر آنچه به دست آورده است، جزا داده شود و به آنها ستم نمی‌شود (جائیه/۲۲). همچنین ایمان دارد که؛ خداوند به آنان که نیکی کرده‌اند بهترین پاداش را می‌دهد (نجم/۳۱).

با توجه به مسائل مطرح شده، کرامت انسانی در گفتمان انقلاب اسلامی همواره به عنوان یک اصل باشد و راهنمایی برای بازتولید قدرت نرم است. کلمه «وِیل» از شدیدترین تهدیدات قرآنی است و تنها دو سوره در قرآن با این کلمه شروع شده است که هر دوی آنها درباره مردم است. وِیل للمطففین (وای بر کم فروشان) و وِیل لکل همزه لمزه (وای بر عیب جویان طعنه زنده) اولی درباره کم‌فروشی است که به نوعی می‌تواند مصداق کم‌کاری در مسئولیت‌ها نیز می‌تواند باشد و دومی درباره آبروی مردم است که هر دوی آنها نشان از تقدس در کرامت انسانی را می‌رساند. در این میان نیز توجه به آزادی انسان در جامعه نیز نوعی توجه به کرامت انسانی است که البته آزادی معانی و تعابیر بسیار می‌تواند داشته باشد که در گفتمان انقلاب اسلامی بسیار مورد توجه است. اما انسان اگر آزاد نباشد کرامت و ارزش انسانی به کلی پایمال خواهد شد. لذا شاهد هستیم در شیوه عملی ائمه علیهم‌السلام اظهار نظرها آزاد بوده و آزادی بیان وجود داشته است و این علمیت ائمه بوده که جاهلان را هدایت کرده‌اند و همچنین شاهد هستیم که رهبر معظم انقلاب بسیار بر کرسی‌های آزاد اندیشی تأکید داشته‌اند که همه این موارد نشان دهنده اهمیت کرامت و ارزش انسانی در جامعه چه در سطح فرد به فرد افراد و چه در سطح اجتماع است.

اخلاق محوری از محورهای اساسی سیاست‌ورزی در گفتمان انقلاب اسلامی به شمار می‌رود که پشتوانه قدرت نرم محسوب می‌شود. اخلاق جمع «خُلُق» به معنای نیرو و سرشت باطنی انسان است که فقط با دیده بصیرت و غیرظاهر قابل درک است. قرآن کریم توجه به اخلاق را امر مهم و برجسته‌ای می‌داند و وجه تمایز پیغمبر با تمام افراد انسانی دیگر نیز شاید اخلاق باشد. قرآن مجید خطاب به پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ». «و تو دارای اخلاق بزرگ و برجسته‌ای هستی» (سوره قلم: آیه ۴). لذا می‌توان اخلاق محوری را یکی از ارکان مهم رشد جامعه بشری برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی باشد. رهبر انقلاب شرط اصلی ساختن یک تمدن پیشرفته و دارای کمترین اشکالات را معنویت متکی بر دین اسلام می‌داند و معتقدند که معنویت دینی زمینه‌ساز شناخت استعدادها و بهره‌گیری مناسب از آنها و پیشرفت مطلوب در همه ابعاد و با کمترین آسیب خواهد بود (رضائی، ۱۰۴: ۱۳۹۴). همچنان که در بیانیه گام به این مسأله اشاره می‌کنند و می‌فرمایند: «از میان همه ملت‌های زیر ستم، کمتر ملتی به انقلاب همت می‌گمارد؛ و در میان ملت‌هایی که به‌پاخاسته و انقلاب کرده‌اند، کمتر دیده شده که توانسته باشند کار را به نهایت رسانده و به‌جز تغییر حکومتها، آرمانهای انقلابی را حفظ کرده باشند. اما انقلاب پُرشکوه ملت ایران که بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک چلّه‌ی پُرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همه‌ی وسوسه‌هایی که غیر قابل مقاومت به نظر می‌رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده و اینک وارد دوّمین مرحله خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است. درودی از اعماق دل بر این ملت؛ بر نسلی که آغاز کرد و ادامه داد و بر نسلی که اینک وارد فرایند بزرگ و جهانی چهل سال دوّم می‌شود» (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی).

علاوه بر مسأله کرامت و توصیه رهبر انقلاب اسلامی به تداوم آن در چهل ساله دوم، مسأله اخلاق محوری یکی از مبانی اساسی قدرت نرم در گفتمان اخلاق محور انقلاب اسلامی است که توسط ایشان این گونه مورد توجه قرار گرفته است: «عیار معنویّت و اخلاق را در فضای عمومی جامعه به گونه‌ای چشمگیر افزایش داد. این پدیده‌ی مبارک را رفتار و منش حضرت امام خمینی در طول دوران مبارزه و پس از پیروزی انقلاب، بیش از هر چیز رواج داد؛ آن انسان معنوی و عارف و وارسته از پیرایه‌های مادی، در رأس کشوری قرار گرفت که مایه‌های ایمان مردمش بسی ریشه‌دار و عمیق بود. هرچند دست تظاول تبلیغات مروج فساد و بی‌بندوباری

در طول دوران پهلوی‌ها به آن ضربه‌های سخت زده و لجن‌زاری از آلودگی اخلاقی غربی را به درون زندگی مردم متوسط و بخصوص جوانان کشانده بود، ولی رویکرد دینی و اخلاقی در جمهوری اسلامی، دل‌های مستعد و نورانی بویژه جوانان را مجذوب کرد و فضا به سود دین و اخلاق دگرگون شد. مجاهدت‌های جوانان در میدانهای سخت از جمله دفاع مقدس، با ذکر و دعا و روحیه‌ی برادری و ایثار همراه شد و ماجراهای صدر اسلام را زنده و نمایان در برابر چشم همه نهاد» (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی). بنابراین پشتوانه اخلاقی انقلاب اسلامی که توسط مبارزان انقلاب و هشت سال دفاع مقدس، پایه‌گذاری شد، نقشه راهی برای آیندگان و از جمله تربیت مربیان و فراگیران انقلابی است که خود گامی برای بازتولید قدرت نرم خواهد بود.

۴-۴. الگوی مردمسالاری دینی

ترویج و اشاعه الگوی مردمسالاری دینی یکی از اهداف و مقاصد انقلاب اسلامی ایران به شمار می‌رود که خود الگویی برای ارائه مدل حکومتی در سطح جهان نیز به شمار می‌رود. بر همین اساس، توجه به الگوی مردمسالاری دینی، تعلیم و تربیت نیروهای ارزشمدار و وفادار به الگوی انقلابی در سایه این هدف بزرگ، پرورش دهنده نخبگان سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است که بتوانند ضمن برشمردن نقایص دموکراسی‌های غربی، الگوی مطلوب اسلامی را در قالب تعامل دین و دولت ارائه نمایند. از نظر رهبر معظم انقلاب جامعه مطلوب اسلامی بر مبنای اراده آزاد انسان‌ها و در پرتو تعالیم شریعت شکل می‌گیرد. به بیان ایشان: «آزادی حقیقی برای یک ملت و برای یک انسان این است که اراده‌ی خودش را، همت خودش را، نیرو و توان خودش را به کار بیندازد برای بهروزی خود و آن بهروزی را در عبودیت خدا و بندگی خدا ببیند. مادنبال این هستیم» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مردم یزد، ۱۳۸۶/۱۰/۱۲). بدین ترتیب تحقق ارزش‌های الهی مهم‌ترین هدف حکمرانی مطلوب اسلامی است که در غیر این صورت ارزشی ندارد. به این دلیل که وجه تمایز حکمرانی مطلوب اسلامی از رویکردهای سکولار غربی، عدم جدایی میان حاکمیت انسان (امور مادی) و حاکمیت الله (امور معنوی) است. تا جایی که با بررسی گفتمان انقلاب اسلامی، الگوی موردنظر امام خمینی (ره) و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای می‌توان گفت جدایی دین از سیاست از مظاهر شرک است که تا مسلمانان به همه ابعاد اسلام که سیاست نیز یک بُعد مهم آن است، ایمان نیاورند، وارد اسلام واقعی نمی‌شوند (اکبری و رضایی، ۱۳۹۳: ۹۲).

تئوری‌سازی و معرفی الگوی مردمسالاری دینی یکی از مبانی تعلیم و تربیت در گفتمان انقلاب اسلامی است که بتوانند مزایای مردمسالاری دینی را بر مبنای شریعت الهی بیان نمایند و جامعه را به سمت و سوی این الگوی مطلوب سوق دهند. در همین راستا، رهبر معظم انقلاب اسلامی با برشمردن صفات مردمسالاری واقعی، الگوهای مادی‌نگر غربی را طرد می‌کند و جامعه مطلوب خود را بنا می‌نهد. جایی که با نقد «دموکراسی به مثابه انتخابات»، مردمسالاری مدنظر اسلام را مطرح می‌کنند. به تعبیر ایشان: «برخی تصور می‌کنند مردمسالاری دینی فقط شامل حضور در پای صندوق‌های رأی و انتخابات است در حالی که این موضوع، یکی از جلوه‌های مردمسالاری دینی است و معنی واقعی آن یعنی «مردم، سالار زندگی جامعه خود براساس دین اسلام»، هستند (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار هزاران نفر از بسیجیان، ۱۳۹۵/۰۹/۰۳). بنابراین اس و اساس جامعه مطلوب مدنظر رهبر معظم انقلاب، عمل بر مبنای آموزه‌های رهایی‌بخش اسلامی و الهی است. زیرا این ارزش‌ها در ذات انسان‌ها نهفته است و تخطی از آنان تخطی از ارزش‌های الهی است. از نظر ایشان: «بنابراین نتیجه‌ای که می‌توانیم بگیریم، این است که نظام اسلامی آرمان‌هایش غیرقابل تغییر است؛ علت این است که آرمان‌ها، آرمان‌های فطری است. نگاه به این آرمان‌ها، نگاه هوس‌گونه و از سر هوس گذرا نیست؛ بلکه نیاز طبیعی و جوشیده‌ی از فطرت انسان است. نیاز به عدالت، نیاز به آزادی، نیاز به پیشرفت، نیاز به رفاه عمومی، نیاز به خُلقیات عالی، اینها نیازهای فطری انسان است» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان کرمانشاه، ۱۳۹۰/۰۷/۲۴).

الگوی مردمسالاری دینی یک پیام روشن برای تعلیم و تربیت و در نهایت بازتولید قدرت نرم دارد. بدین معنا که حکمرانی مطلوب اسلامی به معنای عمل هماهنگ دستگاه‌های مختلف اداره کشور و نظام اسلامی برای تحقق وعده‌های راستین الهی و رهایی از وعده‌های دروغین ایدئولوژی‌های شرق و غرب است. جامعه مطلوب و مدنظر رهبر معظم انقلاب به خوبی توسط ایشان بیان گردیده است. جایی که رابطه سلسله‌وار بخش‌های مختلف حکمرانی اسلامی را اینگونه بیان می‌کنند: «حلقه‌ی اول، انقلاب اسلامی است، بعد تشکیل نظام اسلامی است، بعد تشکیل دولت اسلامی است، بعد تشکیل جامعه‌ی اسلامی است، بعد تشکیل امت اسلامی است؛ این یک زنجیره‌ی مستمری است که به هم مرتبط است» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان کرمانشاه، ۱۳۹۰/۰۷/۲۴). در مرحله آخری و رسیدن به عبودیت خداوند

است که حکمرانی مطلوب اسلامی معنا پیدا می‌کند و این امر نیازمند رهایی از وابستگی به شرق و غرب (اجرای برنامه اقتصاد مقاومتی) و تکیه بر ارزش‌های مادی و معنوی به صورت متعامل و هماهنگ است. چنان‌چه ایشان در وصف چنین جامعه‌ای بیان می‌کنند: «جامعه‌ای که به عبودیت خدا می‌رسد، یعنی به معرفت کامل خدا می‌رسد، تخلق به اخلاق الله پیدا می‌کند؛ این، آن نهایت کمال انسانی است. بنابراین هدف نهائی، آن است؛ و هدف قبل از آن، ایجاد جامعه‌ی اسلامی است، که هدف بسیار بزرگ و بسیار والاتی است» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان کرمانشاه، ۱۳۹۰/۰۷/۲۴).

نتیجه‌گیری

انقلاب اسلامی ایران و به دنبال آن بیانیه گام دوم انقلاب، دارای ابعاد تربیتی کارآمدی برای تولید و افزایش قدرت نرم هستند. اما خصائص و عناصر تربیتی منبعث از انقلاب اسلامی که برای چهره دوم انقلاب اسلامی مجدداً بازخوانی و مورد تأکید قرار گرفته است، درصدد پیوند این عناصر با اوضاع و شرایط سیاسی و اجتماعی است. از جمله می‌توان به عنصر استکبارستیزی انقلاب اسلامی اشاره نمود که در بیانیه گام دوم نیز مشهود است. این عناصر در عرصه تحولات سیاسی خاورمیانه هم توسط بازیگران رسمی و هم توسط بازیگران غیررسمی محل توجه است. مبحث بنیادین دیگر که می‌تواند منبعی برای قدرت نرم در نظر گرفته شود، استقلال و خودکفایی است. بدین معنا که تکیه بر توان بومی و باور به ایجاد تغییر، حق تعیین سرنوشت ملت‌های آزاده و اشاعه این پیام در عرصه داخلی و خارجی، از جمله مباحث جذابی است که در ارتباط با قدرت نرم نیز قرار دارند. اخلاق و کرامت انسانی نیز در بطن انقلاب اسلامی و بیانیه گام دوم مطرح شده از سوی رهبر انقلاب اسلامی دارد. بدین معنا که عرصه اداره جامعه، سیاست ورزی، تعامل با جهان و با سایر ملل، مستلزم پیوند اخلاق و سیاست و کرامت انسانی است. همین رویکرد نشانگر تمایز گفتمان انقلاب اسلامی با سایر گفتمان‌ها و زمینه‌ای برای پذیرش آن از سوی دیگرانی است که به عنوان نظام سیاسی و یا گروه‌های سیاسی فعالیت می‌کنند. در نهایت اینکه الگوی مردمسالاری دینی، تلفیقی از معنویت و سیاست، حاکمیت مردم و حاکمیت دین و شرع و همچنین مهیا کردن عرصه برای طرح الگوی مبتنی بر احکام شرع برای اداره جامعه است که امروزه در سطح جهان و منطقه نیز گرایش‌هایی برای

احیای نقش معنویت در سیاست دیده می‌شود. به نظر می‌رسد تلفیق عناصر مطرح شده در عرصه‌های خارجی، جذب و اقناع بازیگران به خوبی می‌تواند مبنایی برای قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در نظر گرفته شود.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اساتید و نخبگان دانشگاه صنعتی شریف، مورخ ۱۳۹۵/۱۰/۱۳؛ قابل بازنمایی در سایت: www.Leader.ir
۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار نخبگان جوان علمی، مورخ: ۱۳۹۶/۷/۲۶؛ قابل بازنمایی در سایت: www.Farsi.khamenei.ir
۴. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان کرمانشاه، مورخ: ۱۳۹۰/۰۷/۲۴؛ قابل بازنمایی در سایت: www.farsi.khamenei.ir
۵. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار هزاران نفر از بسیجیان، مورخ: ۱۳۹۵/۰۹/۰۳؛ قابل بازنمایی در سایت: www.Leader.com
۶. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مردم یزد، ۱۳۸۶/۱۰/۱۲؛ قابل بازنمایی در سایت: www.farsi.khamenei.ir
۷. بیانات مقام معظم رهبری دیدار با مسؤولان نظام، مورخ: ۱۳۹۴/۰۴/۰۲؛ قابل بازنمایی در سایت: www.Leader.ir
۸. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار نخبگان جوان علمی، ۱۳۹۶/۰۷/۲۶، قابل بازنمایی در سایت: www.Leader.ir
۹. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با بسیجیان، مورخ: ۱۳۹۵/۰۹/۰۳؛ قابل بازنمایی در سایت: www.Farsi.khamenei.ir
۱۰. بیانات رهبری در دیدار جمعی از مسؤولان بسیج، ۱۳۷۹/۹/۵، قابل بازیابی در سایت: www.Leader.ir
۱۱. بیانات مقام معظم رهبری در جمع مردم و مسؤولان، مورخ: ۱۳۹۳/۰۱/۰۱، قابل دسترسی

در پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری به نشانی: www.leader.ir

۱۳. بانکی پورفرد، امیرحسین (۱۳۸۵). تعلیم و تربیت از دیدگاه مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، به اهتمام: امیرحسین بانکی پورفرد، به اهتمام: احمد قماشچی، تهران نشر تربیت اسلامی.
۱۴. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی.
۱۵. جعفری پناه، مهدی، پوراحمدی، حسین (۱۳۹۲). «قدرت نرم از دیدگاه اسلام و کاربرد مؤلفه‌های آن در جمهوری اسلامی ایران»، دوفصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال سوم، شماره هشتم، تابستان.
۱۶. ذوالفقارزاده، محمد مهدی، سعدآبادی، علی اصغر (۱۳۹۳). «بازتعریف کارکردهای اصلی دانشگاه در جامعه براساس آرمان‌های اسلامی در اندیشه امام خمینی (ره)»، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال هفدهم، شماره ۶۵، زمستان.
۱۷. رضائی، فریدون، اکبری، مرتضی (۱۳۹۴). «واکاوی شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله)»، مطالعات پیشرفت الگوی اسلامی-ایرانی دوره ۳، شماره ۵، بهار و تابستان، صص ۸۵-۱۰۸.
۱۸. مایلی، محمدرضا، مطیعی، مریم (۱۳۹۵). «قدرت نرم در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، دوره ۹، شماره ۳۵، پاییز.
۱۹. ناظمی اردکانی، مهدی، امامی، مهدی، داودی، احمدعلی (۱۳۹۳). «آرمان جهانی اسلام در اندیشه فرهنگی انقلاب اسلامی»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال سوم، شماره ۹، تابستان.
۲۰. نباتان، محمداسماعیل، رضاپور، حسین (۱۳۹۳). «نقش قدرت نرم آموزش عالی در تحقق اهداف انقلاب اسلامی»، فصلنامه سیاست متعالیه، سال دوم، شماره هفتم، زمستان.

جایگاه و نقش علمی زنان در قدرت نرم (مطالعه موردی نقش زنان در ارکان نشریات علمی)

زهرا نامور^۱

نرجس ورع^۲

چکیده

تولیدات علمی و نشریات به عنوان یکی از ابزارهای دیپلماسی علم و فناوری در سیاست‌گذاری‌های علمی و تاثیر آن بر لایه سوم دیپلماسی علم و فناوری (قدرت نرم) حائز اهمیت هستند. از اینرو مطالعه حاضر با هدف بررسی میزان حضور زنان در جایگاه‌های مدیریتی ارکان نشریات انجام شده است. پژوهش پیمایشی- توصیفی و از نوع وب‌سنجی است. جنسیت سردبیر، مدیر مسئول و اعضای هیات تحریریه نشریات معتبر وزارت علوم، تحقیقات و فناوری از طریق اطلاعات مندرج در وبگاه نشریه یا صفحه شخصی آنان گردآوری، ذخیره و مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد، علیرغم اینکه زنان همانند مردان از منابع با ارزش جامعه به شمار می‌روند و هم‌دوش آنان نقش عمده‌ای در توسعه پایدار دارند؛ اما تنها در ۱۰ درصد نشریات نقش سردبیری و در ۱۲ درصد نشریات جایگاه مدیر مسئولی را برعهده داشتند. همچنین در مجموع ۸ درصد عضویت هیات تحریریه نشریات را شامل می‌شوند. این در حالی است که بیش از ۹۰ درصد نشریات که با سردبیری زنان منتشر می‌شود دارای رتبه‌های بین‌المللی، الف و ب هستند و این امر می‌تواند نشان از توانایی زنان در اداره و مدیریت نشریات داشته باشد. در نهایت با تأکید بر یافته‌ها می‌توان استدلال کرد، برای رفع بی‌عدالتی جنسیتی و مشارکت بیشتر زنان در افزایش قدرت نرم از بعد علم و فناوری، سیاست‌گذاری‌های کنونی در این حوزه ناکافی به نظر می‌رسد.

واژه‌های کلیدی: مناصب مدیریتی، قدرت نرم، زنان، نشریات علمی، توزیع جنسیتی

۱. دانش آموخته دکتری علم اطلاعات دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
namvarzahra@gmail.com

۲. استادیار مرکز منطقه ای اطلاع رسانی علوم و فناوری، شیراز، ایران.

مقدمه

در جهان امروز، مشارکت، به عنوان یکی از شاخص‌های اصلی سرمایه اجتماعی، به وجود آورنده دموکراسی، عنصر توانمندسازی و راهکار اصلی توسعه در نظر گرفته شده است؛ چرا که مشارکت اجتماعی از طریق سازماندهی گروهی، راه دستیابی به توسعه و رفاه اجتماعی را هموار می‌سازد. در همین راستا هیچ جامعه‌ای را نمی‌توان توسعه یافته و مبتنی بر عدالت اجتماعی تلقی نمود؛ مگر آنکه تمام اعضای آن در تصمیم‌گیری و نظارت بر امور مشارکت همه جانبه داشته باشند (گلشن فومنی و مشهدی، ۱۳۸۹). اهمیت و نقش تعیین کننده نیروی انسانی در رشد و توسعه یافتگی کشورها بر کسی پوشیده نیست (البرزی و خیر، ۱۳۸۷: ۹)؛ اما گذار از وضعیت سنتی به مدرن، تحولاتی در ساختار جوامع ایجاد کرده که منجر به عقاید و نگرش‌های متفاوتی نسبت به گذشته شده است. از پیامدهای این امر، بازتعریف هویت انسانی و اجتماعی جنسیتی بین زنان و مردان است. به طوری که هر نسلی، در مقایسه با نسل پیشین، به تساوی حقوق زن و مرد بیشتر متعهد شده و در صدد ایجاد محیط و فرصت‌های برابر برای بروز تمامی استعدادها و توانمندی‌های انسانی در حوزه‌های متفاوت است (هومین فر، ۱۳۸۲: ۹۰). تا با ساختن جامعه‌ای انسان‌پرور، ظرفیت بالقوه سرمایه‌گذاری بر روی نیروی انسانی و مشارکت موثر مردان و زنان را تحقق بخشد (ذاکر صالحی، ۱۳۸۰: ۱۹).

نادیده گرفتن زنان و عدم توجه به آنان در طول تاریخ حتی با تشکیل حکومت‌ها و دولت‌های مختلف، وجود داشته است. هرچند برخی از کشورها قوانینی در جهت کاهش تبعیض علیه زنان وضع کرده‌اند؛ اما باید بدانیم که وضع قوانین برابر برای زنان تضمینی برای تغییر در نگرش‌ها نخواهد بود. نگرش‌ها، به وسیله تجارب، جامعه‌پذیری تاریخی و الگوهای خانوادگی شکل می‌گیرند. جنبش‌های زنان باعث افزایش سطح آگاهی زنان در زمینه حقوق و تجارب کاریشان شده و به نسبت گذشته شاهد حضور بیشتر زنان در پست‌های مدیریتی هستیم؛ ولیکن هنوز نابرابری وجود دارد (البرزی و خیر، ۱۳۸۷: ۸).

از بحث‌های مهم در توسعه، بحث مشارکت اجتماعی و فرهنگی زنان در جامعه و سهم آنها از توسعه کشور است. در فرایند توسعه، انسان‌ها به طور عام در عین حال که ابزاری برای توسعه هستند هدف توسعه نیز محسوب می‌شوند. به همین دلیل نقش زنان در توسعه، مستقیماً به هدف توسعه اجتماعی و اقتصادی بستگی دارد و در تحول جوامع انسانی عاملی بنیادی محسوب

می‌گردد. (ذاکر صالحی، ۱۳۸۰: ۱۸). از اینرو توجه و علاقه‌مندی رو به رشدی در میان محققان و سیاستگذاران کشورها خاصه کشورهای پیشرفته جهان نسبت به زنان و نقش آنها در تولید دانش به وجود آمده است. برابری جنسیتی نه فقط یک هدف اخلاقی، بلکه پیش‌نیازی برای رقابت آینده کشورهای است که به بهره‌مندی از همه منابع انسانی‌شان در علم نیاز دارند (مولن و همکاران، ۲۰۱۳: ۱۹۹). عبارتی تأکید بر گفتگو و ائتلاف و مشارکت، اساس و پایه رویکرد نوین به راهبرد توسعه مشارکت زنان است (آقاپور و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۴). از بین بردن تفاوت‌ها و شکاف‌های جنسی در بخش‌های گوناگون اقتصادی و نیز آموزش عالی نه تنها به برابری بیشتر، بلکه به کارایی بالاتر می‌انجامد. تجربه کشورها نشان داده است که سرمایه‌گذاری در آموزش زنان موجب افزایش تولید اجتماعی می‌شود و زمینه رشد و توسعه بیشتر را فراهم می‌سازد (عمادزاده، ۱۳۸۲: ۱۶). یکی از ابعاد آن که می‌توان در ارتباط با حذف تفاوت‌ها و شکاف‌های جنسیتی به آن توجه کرد، مساله ظرفیت زنان در افزایش قدرت علمی کشورها به عنوان یکی از مصداق‌های قدرت نرم است. ظهور این نوع از قدرت نرم را می‌توان در قالب مساله دیپلماسی علم و فناوری نیز مورد توجه قرار داد. زنان به عنوان نیمی از افراد جامعه و یک سرمایه اجتماعی می‌توانند نقش مهمی در این امر داشته باشند. یکی از زمینه‌هایی که می‌توان از ظرفیت‌های بالقوه جامعه زنان در این راستا بهره برد عرصه علم و فناوری است. اما برای استفاده از ظرفیت این سرمایه انسانی باید مقدمات و زیرساخت‌های لازم جهت مشارکت و حضور فعال تر آنها در زمینه‌های مختلف علمی و اجتماعی فراهم گردد.

طبق نظریه نای، قدرت نرم، معادل مشارکت و تعاون است (پیروسی و شیرخانی، ۱۳۹۸: ۶۸) و از این دیدگاه می‌توان نیروی نهفته مشارکت زنان در تولیدات و تصمیم‌گیری‌های علمی را مورد بررسی و ارزیابی قرار داد. بنابراین، در مطالعه حاضر به بررسی سهم زنان در تولیدات علمی و مشارکت آنان در جایگاه تصمیم‌گیرنده و ارکان علمی نشریات به عنوان یکی از محمل‌های انتشار تولیدات علمی پرداخته شده و به این پرسش می‌پردازد که "مشارکت زنان در تصدی مناصب مدیریتی نشریات به منظور ارتقاء دیپلماسی کارآمد بعنوان یکی از مولفه‌های قدرت نرم به چه میزان است؟".

دیپلماسی علم و فناوری

در قرن بیستم، تسریع روند تولید، توزیع و مصرف علم و شکل‌گیری قدرت‌های سیاسی و اقتصادی وضعیت پیچیده‌ای را به وجود آورد و تولیدات علمی به عنوان ابزاری قدرتمند در قلمرو فرهنگی و اقتصادی از حساسیت بیشتری برخوردار گردید. به طوریکه هر کشوری بدون تسلط بر علم و فناوری به ناچار باید تابع و پیرو قدرت‌های بزرگ قرار گیرد (مبینی دهکردی، ۱۳۸۷: ۱۳). با توجه به وجود قدرت نرم علم، زمانی که این ابزار با دیپلماسی ترکیب شود عرصه‌ای جدید تحت عنوان دیپلماسی علم و فناوری ایجاد خواهد شد. ادبیات دیپلماسی علم و فناوری در سال‌های اخیر رو به افزایش است و تجربیات موفقی را با خود به همراه آورده است (بنیادی نائینی و صدوق، ۱۳۹۶: ص ۶۱). با وجود تاریخ طولانی ارتباط بین علم و دیپلماسی، واژه دیپلماسی علمی پدیده قرن بیست و یکمی است. تاکنون تلاش‌های زیادی برای تعریف دیپلماسی علمی انجام شده است. با این حال می‌توان دیپلماسی علم را به عنوان تلاشی ساده برای تعامل و مبادله علم در ابعاد گسترده‌تر و اهدافی فراتر از کشف علم مد نظر قرار داد (گلاکمن و همکاران، ۲۰۱۷: ۴). دیپلماسی علم و فناوری مفهوم جدیدی در عرصه روابط بی‌الملل است که هدف اصلی آن نشان دادن نقش محوری دانشمندان در ایجاد روندهای مهم بین‌المللی است.

ایجاد و گسترش روابط در حوزه علم از دیرباز مورد توجه ملل جهان بوده است و نهادهای مختلفی به فعالیت‌های تبادل علم در سطح بین‌المللی پرداخته‌اند. چنانچه بپذیریم دیپلماسی کارآمد، یکی از مولفه‌های قدرت نرم محسوب می‌شود، در آن صورت شاه‌کلید آن استفاده از «علم و فناوری» است. دیپلماسی علم و فناوری علاوه بر تسریع و تسهیل ارتقاء جایگاه کشورها، در بسیاری از حوزه‌ها می‌تواند به مثابه پلی میان همکاری‌های تحقیقاتی و فناوری نیز عمل نماید. از آنجایی که توجه به مقوله دیپلماسی علمی به دلیل اثرگذاری آن در توسعه علم و دیپلماسی ضرورتی انکارناپذیر است، این نیاز احساس می‌شود که ابعاد آن از منظرهای گوناگون دخیل در امر علم و فناوری و دیپلماسی مورد بررسی قرار گیرد.

پیش از آنکه واژه دیپلماسی علم وارد ادبیات علمی جهان شود، در آمریکا از این موضوع

تحت عنوان قدرت هوشمند و یا قدرت نرم نام برده می‌شد (موسوی موحدی و کیانی بختیاری، ۱۳۹۱: ۷۲). به اعتقاد جوزف نای، علم و فناوری یکی از عناصر و سرچشمه‌های اساسی قدرت، اعم از نوع سخت و نرم است (حافظ نیا، ۱۳۸۶: ۶۱). به عبارت دیگر علم و فناوری بر قدرت اقتصادی از طریق ایجاد مزیت رقابتی، تقسیم کار بین‌المللی، خلق اقتصاد دانش محور؛ بر قدرت نظامی از طریق تولید و تجهیزات تسلیحات پیشرفته، ایجاد اثر بازدارندگی، توسعه فنون و عملیات نظامی و بر قدرت فرهنگی از دریچه و زاویه دیپلماسی بر قدرت سیاسی و از طریق تبادلات و تعاملات علمی و دانشگاهی تاثیرگذار است. در ادبیات قدرت جهانی، اکثر نظریه پردازان، کاربرد علم و فناوری را بهترین نوع ابزار اعمال قدرت معرفی می‌کنند. ظرفیت‌های علم و فناوری، می‌تواند به عنوان بستری مناسب برای ایجاد روابط علمی و فناوری شکل گرفته و به ارتقاء سطح روابط کمک نماید (متقی، ۱۳۸۷: ۵۹).

رشد فناوری در برخی از حوزه‌ها اثرات مستقیمی بر معادلات سیاسی جهانی گذاشته و از این رو منطقی است که کشورها به سمت در اختیار گرفتن ابزار علم و فناوری برای رسیدن به اهداف خود باشند. همانگونه که پیش‌تر اشاره شد، گرایش به استفاده از علم و فناوری در عرصه سیاست خارجی، منجر به شکل گرفتن دیپلماسی علمی به معنای استفاده از علم و فناوری و ظرفیت‌ها و دستاوردهای آن در عرصه روابط با دیگر کشورها و ملت‌ها شده است. عبارتی راه و روشی برای برقراری ارتباطات جدید و تقویت روابط میان دولت‌ها، به وجود آمدن قدرت نرم برای کشورها و تامین منافع ملی ایجاد گردیده است (داودی، ۱۳۹۴: ۱۰۸). این نوع از دیپلماسی دارای سه لایه است: الف) استفاده از علم و فناوری به عنوان ابزار دیپلماسی به منظور رسیدن به اهداف سیاست خارجی؛ ب) دیپلماسی برای علم و فناوری به معنای استفاده از ظرفیت‌های دیپلماتیک در جهت رشد و توسعه علم و فناوری و ج) قدرت نرم به این معنا که از منابع علم و فناوری در جهت اثرگذاری و ایجاد مطلوبیت برای مردم کشورهای دیگر استفاده گردد.

نظریه قدرت نرم جوزف نای چارچوب مناسبی برای تحلیل دیپلماسی علم و فناوری به شمار می‌آید. نای معتقد است علم نقش مهمی در توسعه قدرت سخت ایفا کرده است؛ اما علم در زمره قدرت نرم قرار می‌گیرد، چرا که جاذبه و نفوذ علمی، دارایی ملی یک کشور به شمار می‌آید و در

نهایت منافع ملی را تامین خواهد کرد (هینز، ۲۰۱۰: ۱۱). علم همواره در توسعه توانمندی‌های قدرت سخت همچون فناوری‌های نظامی، نقش ایفا کرده است. اما علم برای دیپلماسی اصولاً به قدرت نرم علم که به عنوان یک سرمایه ملی از جذابیت و نفوذ برخوردار بوده و به عنوان یک فعالیت جهانی از منافع ملی نیز سبقت می‌گیرد، نزدیک‌تر است (نظیف‌کار، ۱۳۹۱: ۶۹).

قدرت نرم

واژه قدرت نرم نخستین بار توسط جوزف نای در کتابی با عنوان الزامات رهبری: تغییر در ماهیت قدرت آمریکا در سال ۱۹۹۵ به کار برده شد. از نظر وی قدرت نرم به معنای توانایی شکل‌دهی به ترجیحات دیگران (نای، ۲۰۰۳: ۳۵۳) و استفاده از ابزار اطلاعات و دانایی به منظور پایان دادن به موضوعات مورد اختلاف با رقیب و همچنین ترسیم اختلافات به گونه‌ای که از آنها امتیاز دریافت شود، تعریف شده است (نای، ۲۰۰۴: ۹۶). همچنین در دنیای در حال تغییر امروز، این قدرت نرم است که در تمامی زمینه‌های رهبری، مدیریت، نظامی و اقتصادی کاربرد دارد و کشورهای موفق اند که از این قدرت برخوردار باشند (موسوی موحدی و کیانی بختیاری، ۱۳۹۱: ۷۱). نای تفاوت قدرت نرم و قدرت سخت را در منابع آنها می‌داند و قدرت سخت را به قدرت فرماندهی و قدرت نرم را معادل قدرت مشارکت و تعاون می‌داند (پیروسی و شیرخانی، ۱۳۹۸: ۶۸).

از نظر نای جامعه امروز، جامعه شبکه‌ای است. تنها بخشی از قدرت نرم، حاصل عملکرد دولت، از راه سیاست‌های آن در حوزه دیپلماسی عمومی است. زایش قدرت نرم متأثر از شیوه‌های مثبت و منفی شماری از بازیگران غیردولتی در درون و بیرون یک کشور است. این نوع از قدرت، در مواردی موجب خواهد شد که نخبگان، سیاست‌هایی را اتخاذ کنند که زمینه‌ساز دستیابی به نتایج دلخواه باشد (نای، ۱۳۹۲: ۱۴۴). از این رو و با توجه به اینکه منشا اصلی تولید قدرت نرم، جامعه مدنی و غیردولتی هستند به همین دلیل دولت‌ها باید برای تولید قدرت نرم استعداد‌های جامعه مدنی خود را آزاد کنند (نظیف‌کار، ۱۳۹۱: ۶۹).

قدرت نرم نیز مانند سایر اشکال قدرت، برآیندی از برخی منابع است. از نظر نای، قدرت

نرم هر کشور برگرفته از فرهنگ، سیاست‌ها و ارزش‌های داخلی و سیاست خارجی است (نای، ۲۰۱۰: ۱۲۳). هر چند نای در تعریف منابع قدرت عمدتاً به منابع فرهنگی و سیاسی توجه داشته؛ اما سرچشمه قدرت نرم تنها فرهنگ، ارزش‌ها و سیاست‌ها نیستند بلکه می‌توان به منابع دیگری مانند منابع اجتماعی، اقتصادی، سایبری و حتی نظامی نیز اشاره کرد. از نظر نای، قدرت نرم را می‌توان معطوف به ماهیتی اجتماعی-فرهنگی دانست که بدون توجه به مولفه‌های محیطی نمی‌توان آن را درک و معنا نمود. نقش عناصر اجتماعی در تولید قدرت نرم، ابزاری بوده که به صورت فعال در سرنوشت جامعه ایفای نقش می‌نماید. به این دلیل، افکار عمومی چه در حوزه داخلی و چه در حوزه خارجی در دستور کار سیاست‌گذاران قرار گرفته و تلاش می‌شود قدرت اجتماعی جای قدرت سخت مبتنی بر تهدید و فشار را بگیرد (ياسوشی و مک کانل: ۴۰).

منشاء و منبع اصلی شکل‌دهنده قدرت ملی کشورها در حوزه‌های مختلفی از جمله عوامل اقتصادی، فردی و شخصیتی، جغرافیایی، علمی و روحانی، اجتماعی و نظایر آن قرار دارد (زرقانی، ۱۳۸۹: ۴). هنگامی که سخن از قدرت نرم به میان می‌آید توانایی اثرگذاری و تلاش برای شناسایی فرصت‌های مناسب به ذهن متبادر می‌شود. برای اثرگذاری و شناسایی فرصت‌های بهتر، بی‌شک بکارگیری نیروهایی که از چنین ظرفیت‌هایی برخوردار باشند بسیار کلیدی است. تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی خود ناگزیر به بهره‌گیری از آنها هستند.

یکی از منابع قدرت نرم توان و تخصص ظرفیت منابع انسانی کارآمد و امکان بهره‌برداری از آن است (نای، ۱۳۸۳: ۲۳). به این معنا که بهره‌برداری مقیاس توانایی یک دولت در به دست آوردن منابعی است که برای تحقق اهداف خود لازم دارد و این به دست آوردن از طریق نیروی انسانی، مشارکت و همکاری تحقق می‌یابد. (تلیس و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۲۵). در این راستا ضرورت به کارگیری ظرفیت‌های انسانی بالقوه موجود در جامعه امری حیاتی است و با توجه به ماهیت قدرت نرم (به عنوان لایه سوم دیپلماسی علم و فناوری) و سطح تأثیرگذاری در دنیای کنونی، بخشی از جامعه که باید در این عرصه با تمام توان وارد شوند، زنان هستند (پیروسی و شیرخانی، ۱۳۹۸: ۶۹). در خصوص مشارکت اجتماعی زنان در ایران و عوامل

بازدارنده آن تحقیقات نشان داده است که با توجه به اینکه زنان نزدیک به ۵۰ درصد جامعه ایران را تشکیل می‌دهند؛ از ظرفیت آنان جهت مشارکت در فرایند توسعه استفاده صحیح و کارآمد به عمل نیامده است. این نیروی بالقوه و گسترده عملاً نتوانسته است با مشارکت بالفعل خود در فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی چرخ‌های جامعه را همگام با مردان به حرکت درآورد. میانگین مشارکت اجتماعی زنان و به خصوص مشارکت رسمی آنها به طور کلی پایین است و این امر نشان دهنده این واقعیت است که ما هنوز در ابتدای راه هستیم (گلشنی فومنی و مشهدی، ۱۳۸۹: ۱۳۹). اصلاح نگرش و اعتقاد به این اصل کلیدی که زنان اعضای متفکر، فعال و توانای جامعه انسانی هستند و تکیه بر دانش و تجربه آنان می‌تواند موجب موفقیت برنامه‌های توسعه گردد از موردی است که باید مورد توجه قرار گیرد (ودیع و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۶). در همین راستا به نظر می‌رسد مسئله قدرت نرم باید بر اساس ظرفیت جمعیتی و ملی نیز بررسی شود؛ یعنی باید ظرفیت تمام گروه‌ها اعم از زن و مرد در آن مورد توجه قرار گیرد.

زنان در تولید علم و مناصب مدیریتی

دستیابی به توسعه و استقلال کشورها، نیازمند همکاری‌های چندجانبه علمی و فناوری، تدوین و اجرای برنامه‌هایی متناسب با رفع نیازها و به کارگیری سرمایه فکری، تخصیص منابع و ملزومات است (عمادزاده و شهنازی، ۱۳۸۶: ۱۴۴). در این میان سرمایه فکری از جمله مهمترین عوامل به شمار می‌آید؛ از اینرو، جوامعی در دستیابی به توسعه موفق‌تر خواهند بود که از تمام دارایی‌های فکری خود اعم از زن و مرد بهره‌مند شده باشند (هدائی و نورمحمدی، ۱۳۹۳: ۴۶). حضور موثر زنان به عنوان یکی از راهکارها برای افزایش توان رقابت با سایر جوامع در عرصه علم و فناوری محسوب می‌شود (فریچ و همکاران، ۲۰۰۹: ۵۹۰)؛ چرا که حضور زنان در قلمرو تولید علم، تنها به معنای تلاش فردی آنها نیست، بلکه به معنای توجه نظام آموزشی و پژوهشی یک کشور در ایجاد تعادل بین توانمندی‌های آن کشور از گروه‌های گوناگون جنسیتی می‌باشد. میزان مشارکت زنان در تولید علم در سطح ملی و مؤسسه‌ای موضوع مهمی در جامعه‌شناسی است و منبع اطلاعاتی مهمی برای سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیرندگان در

آموزش عالی و بازار کار به شمار می‌آید (مظفریان و جمالی، ۲۰۰۸: ۴۶۴). علاوه بر این، ورود زنان به تولیدات مبتنی بر دانش، عمدتاً از طریق مشارکت آنان در فعالیت‌های علمی و دانشگاهی است. به طوری که بالا رفتن زنان از نردبان علمی آکادمیک سبب می‌شود که آنان به منزله نیروهای حرفه‌ای مولد علم و دانش نیز خود را نشان دهند (عزیزی، ۱۳۸۹: ۱۱۰).

از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون، جهت ارتقاء و بهبود وضعیت زنان در عرصه علم و فناوری کشور، سیاست‌ها و تدابیری تدوین یافته است. زنان ایرانی در اسناد سیاستی از حقوق ارزشمند و ویژه‌ای در عرصه علم و فناوری برخوردار می‌باشند؛ حقوقی مانند: حق مشارکت زنان در سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری و مدیریت‌های آموزشی، علمی و حضور فعال در مجامع فرهنگی و علمی داخلی و بین‌المللی، حق پژوهش، تألیف، ترجمه و انتشار کتب، مقالات در نشریات عمومی و تخصصی، حق برخورداری از حمایت‌های لازم نسبت به منابع و امکانات و تربیت نیروی انسانی محقق (بوشهری و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۱۵). درعین حال شواهد نشان می‌دهد که دلیل عملکرد و یا رویکردهای متفاوت سیاست‌گذاران و مدیران اجرایی، این سیاست‌ها از منظر تدوین و اجرا، انسجام و یکپارچگی لازم را نداشته و از نتایج مورد انتظار برخوردار نبوده‌اند (همان: ۹۰).

علیرغم اینکه علم پدیده‌ای جهانی است و ویژگی‌هایی مانند جنسیت، عامل اصلی و تعیین کننده در آن نیست، نابرابری‌های جنسیتی در این حوزه به چشم می‌خورد (رازقی و همکاران، ۱۳۹۴: ۹۵). هرچند افزایش کمی زنان در عرصه علم به معنای از بین رفتن مسئله نابرابری‌های جنسیتی نیست، بلکه شکل جدید این مسئله در ارتقاء زنان به مراتب و موقعیت‌های برتر علمی همچنان وجود دارد. این نابرابری‌ها باعث می‌شود زنان در محیط‌های دانشگاهی با مسائل و مشکلات خاصی نظیر دسترسی کمتر به پست‌های مدیریتی، پیشرفت کندتر، کم‌تعداد بودن در سطوح بالا و بهره‌وری علمی پائین‌تر روبه‌رو شوند؛ این در حالی است که مردان هم‌ردیف آنها که وضعیت مشابهی با آنان دارند، چنین مشکلاتی ندارند (ستلز و همکاران، ۲۰۰۶: ۴۷).

همانگونه که اشاره شد، با توجه به افزایش چشمگیر تعداد زنان متخصص در سطح کشور در سال‌های اخیر انتظار می‌رود که میزان مشارکت آنان در مناصب و همچنین تولیدات علمی افزایش یافته باشد (زاهدی، ۱۳۸۱: ۵۴). برخی مطالعات نشان می‌دهد که متناسب با افزایش

زنان در آموزش عالی، نقش آفرینی آنان در بخش‌های مدیریتی جامعه اعم از مدیریت اجرایی یا قانونگذاری در سطوح ملی و محلی افزایش نیافته است (پیشگاهی فرد و اسدی‌راد، ۱۳۸۲: ۱۶۰). به بیان دیگر خلاً حضور زنان در بخش برنامه ریزی‌ها و سیاستگذاری‌های خرد و کلان بیانگر این مطلب است که تقریباً جایگاهی برای زنان در این سطوح در نظر گرفته نشده است (فرهمند، ۱۳۸۲: ۲۳۳) و آنها همچنان حضوری کم‌رنگ در تصمیم‌گیری‌ها و پست‌های کلیدی دارند.

نظر به اینکه امروزه در میان پژوهشگران و خط‌مشی‌گذاران کشورها به خصوص کشورهای پیشرفته، توجه و علاقمندی فراوانی نسبت به نقش زنان در تولید دانش به عنوان یکی از عوامل مؤثر در پیشبرد اهداف توسعه همه جانبه و پایدار ایجاد شده (خسروی و همکاران، ۲۰۱۳: ۱۰۲) که پرداختن به این موضوع از دیدگاه‌های مختلف حائز اهمیت است.

پیشینه پژوهش

سوگیری جنسیتی در جنبه‌های مختلف علمی از جمله تألیف مقالات، نویسنده اول بودن، تخصیص کمک هزینه، اشتغال و همچنین کسب پست‌های مدیریتی در ارکان نشریات وجود دارد (گتیرز و همکاران، ۲۰۱۷: ۲). نشریات به عنوان روزآمدترین محمل‌های انتشار یافته‌ها، نقش مهمی در ارتقای برابری جنسیتی و برابری در نویسندگی را از طریق اتخاذ سیاست‌هایی که حضور زنان را ترویج می‌کند (مانند سهمیه‌بندی جنسیتی) یا سیاست‌هایی که نشان‌دهنده موافقتی است که زنان به عنوان نویسنده با آن روبرو هستند (مانند الگوهای کاری انعطاف‌پذیر یا پشتیبانی اداری کافی) بازی می‌کنند (لابل و همکاران، ۲۰۱۹: ۲۳). به طور کلی نشریات دارای ساختاری متشکل از مدیر مسئول، سردبیر و شورای علمی (یا تحریریه) هستند که در مورد گزینش مقالات، چگونگی چاپ و خط‌مشی نشریه تصمیم می‌گیرند. سردبیر و مدیر مسئول به طور معمول در گزینش مقالات نشریه، بالاترین تأثیر را دارند (اعزازی، ۱۳۸۱: ۹۱). از اینرو یکی از شاخص‌های سنجش وضعیت حضور زنان در فعالیت‌های علمی، می‌تواند بررسی جایگاه آنها به عنوان سردبیر نشریات باشد. اگرچه در پژوهش‌های خارجی تا حدودی به مسأله حضور

1. Gutierrez et al

2. Lobl et al

زنان در ترکیب اعضای دبیران نشریات به ویژه در حوزه علوم پزشکی پرداخته شده است؛ اما پژوهش‌های داخلی اندکی به بررسی سهم زنان به عنوان سردبیر نشریات و همچنین به بررسی اهمیت توجه به زنان در ساختارهای مدیریتی حوزه‌های علم و فناوری پرداخته‌اند. مهم‌ترین منابع اطلاعات و پیشنهاد تحقیق حاضر شامل موارد مندرج در جدول ۱ می‌باشد.

جدول ۱. برخی از منابع مرتبط با پژوهش حاضر

نویسندگان	عنوان پژوهش	هدف	نتایج
بوشهری و همکاران (۱۳۹۹)	ارزیابی سیاست‌های علم و فناوری با رویکرد سیاست حمایت از محققین زن در بخش پژوهش و فناوری	ارزیابی سیاست حمایت از محققین زن حوزه پژوهش و فناوری	سیاست‌های مورد ارزیابی نیاز به اصلاح و بازنگری کلی دارد. همچنین این سیاست‌ها بدون مشارکت ذینفعان و یا در نظر گرفتن شرایط زمینه‌ای و پیش‌بینی سازوکارهای لازم، طراحی شده است.
پیروسی و شیرخانی (۱۳۹۸)	نقش زنان در تقویت قدرت نرم از دیدگاه امام خامنه‌ای (مدظله العالی) با تاکید بر مولفه‌های اجتماعی	بررسی نقش بانوان در تقویت قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی ایران	یکی از عناصر روانشناختی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در کنار استعدادهای بالای انسانی، جمعیت زنان تحصیل کرده، موفق و انقلابی است که هم‌پای مردان با حضور و نقش‌آفرینی در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و علمی ظرفیت قدرت‌آفرینی برای جمهوری اسلامی رقم زده‌اند.
نیکنامی (۱۳۹۸)	جایگاه دیپلماسی علم و فناوری در شکل‌دهی به قدرت نرم (مطالعه موردی: اتحادیه اروپا)	به بررسی این فرضیه که قدرت دیپلماسی به عنوان بخشی از قدرت نرم کشورها است، پرداخته است.	دیپلماسی علمی از راه تعمیق همکاری‌ها حتی در صورت بسته بودن کانال‌های رسمی، امکان ارتباط میان کشورها را فراهم می‌آورد و از آنجا که دولت‌ها با توسل به آن قادر به پیگیری منافع ملی خود از راه جاذبه خواهند بود، بخشی از قدرت نرم به شمار می‌آید.
تسلیمی و همکاران (۱۳۹۶)	جمهوری اسلامی ایران از منظر خبرگان و مسئولان علمی و دیپلماسی کشور	ارائه الگوی پارادایمی و نظام‌مند توسعه دیپلماسی علمی کشور، مبتنی بر مصاحبه‌های خبرگان و مسئولان دخیل در حوزه علمی و فناوری و دیپلماسی	توسعه دیپلماسی علمی کشور به عنوان یک امر مهم از نظر خبرگان و مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران تلقی می‌شود و باید با در نظر گرفتن شروط، موانع و ظرفیت‌ها به ترسیم معادلاتی برای نیل به این مهم پرداخت.

<p>مقیمی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان</p>	<p>توسعه دیپلماسی علم و فناوری در ایران و تأثیرات نظام آموزشی عالی بر آن</p>	<p>تبیین مولفه های توسعه دیپلماسی علم و فناوری در کشور</p>	<p>در این پژوهش زیرساخت ها و ارتقای توانمندی های بین المللی در میان دانشگاه ها و یافتن راه حلی برای چالش های مشترک به ویژه در میان کشورهای همسایه، برای آموزش عالی و سیاست خارجی پیشنهاد شده است. همچنین تعداد ۳ بعد و ۳۰ مؤلفه را برای توسعه دیپلماسی علم و فناوری در کشور و ۵ عامل و ۲۱ ملاک را برای افزایش میزان تأثیر نظام آموزش عالی در آن تبیین کرده اند.</p>
<p>رازقی و همکاران (۱۳۹۴)</p>	<p>سنجش سهم علمی زنان دانشگاهی رشته علوم اجتماعی (با تأکید بر عضویت در گروه های علمی و نشریات علمی-پژوهشی)</p>	<p>بررسی جایگاه و سهم زنان در گروه های علمی و نشریات علمی-پژوهشی علوم اجتماعی</p>	<p>نتایج نشان دهنده وجود نابرابری جنسیتی در گروه های علمی و نشریات علمی-پژوهشی رشته علوم اجتماعی و ناکافی بودن سیاست گذاری در درون نهاد علم در این حوزه است.</p>
<p>آقابور و همکاران (۱۳۸۸)</p>	<p>ارزیابی میزان انطباق وضعیت اجتماعی اساتید زن در دانشگاه ها با مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی</p>	<p>بررسی میزان انطباق نتایج مطالعات داخلی درباره وضعیت اجتماعی زنان دانشگاهی با مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی</p>	<p>نتایج این پژوهش نشان دهنده رشد تعداد زنان عضو هیات علمی، پایین بودن میزان مشارکت آنها در مدیریت ها، تصمیمات و سیاست های کلان در دانشگاه ها، همایش ها و سمینارها و وجود احساس تبعیض و اجرایی نشدن عدالت سازمانی در بین آنهاست.</p>
<p>البرزی و خیر (۱۳۸۷)</p>	<p>راهکارهای اجرایی حضور زنان در برنامه های کلان کشور از دیدگاه زنان توانمند دانشگاهی</p>	<p>بررسی و ارائه راهکارهایی جهت حضور هر چه بیشتر زنان در برنامه ریزی های کلان کشور از دیدگاه زنان اعضای هیات علمی دانشگاه ها</p>	<p>نتایج برگرفته از مصاحبه های انجام شده در این پژوهش در دو طبقه کلی راهکارهای فردی و راهکارهای اجرایی جمعی قرار گرفته است. راهکارهای فردی شامل رسیدن به خودباوری، حمایت از زنان دیگر، تلاش زنان برای مقابله با تصورات کلیشه ای و قالبی بودند. راهکارهای اجرایی جمعی شامل راهکارهای اجرای جمعی توسط زنان، برنامه ریزی بلندمدت جهت آموزش مهارت و افزایش توانمندی، تشکیل تشکلهای غیردولتی، فرهنگ سازی مناسب جهت تغییر نگرش مثبت نسبت به زنان، ارزش دادن به توانمندی های زنان، تجدیدنظر در قوانین و واگذاری تدریجی مسئولیت ها بودند.</p>

<p>جانعلی زاده چوب بستی و همکاران (۱۳۸۷)</p>	<p>تبیین جامعه شناختی جایگاه حرفه‌ای زنان دانشگاهی (مطالعه موردی: زنان هیات علمی دانشگاه اصفهان)</p>	<p>بررسی جایگاه زنان در علم در دانشگاه اصفهان</p>	<p>موقعیت زنان هیات علمی دانشگاه اصفهان تفاوت معنی داری با موقعیت علمی مردان هیات علمی این دانشگاه ندارد؛ اما به لحاظ موقعیت سازمانی اختلاف بارزی بین آنها وجود دارد؛ به طوری که زنان هیات علمی نسبت به مردان کمتر در پست‌های مدیریتی قرار گرفته‌اند و بیشتر در سطوح مدیریتی خرد و بعضاً میانه دارای موقعیت هستند. از مهم‌ترین عوامل موثر بر موقعیت سازمانی زنان هیات علمی از دیدگاه خود آنها تبعیض جنسیتی و تعارض نقشی است، در حالی که مردان عضو هیات علمی عامل تعارض نقشی را موثر بر موقعیت سازمانی زنان هیات علمی دانسته‌اند.</p>
<p>جانعلی زاده چوب بستی (۱۳۸۶)</p>	<p>تحلیلی بر جایگاه زنان در نهادهای علمی و تخصصی نخبه</p>	<p>بررسی جایگاه زنان در بنیاد جایزه نوبل طی سال‌های ۱۹۰۱ تا ۲۰۰۶ و ۲۰۰۶ فرهنگستان علوم در ۲۰ کشور جهان</p>	<p>سهم بسیار اندکی از دانشمندان در نهادهای علمی و تخصصی نخبه را زنان تشکیل می‌دهند. بطوریکه، طی سال‌های ۱۹۰۱ تا ۲۰۰۶، صرفاً ۴/۴ درصد برندگان جایزه نوبل و بطور متوسط حدود ۱۰ درصد اعضای پیوسته ۲۰ فرهنگستان علوم در ۲۰ کشور جهان در سال ۲۰۰۶ زن بودند.</p>
<p>مهاجری (۱۳۸۳)</p>	<p>بررسی جایگاه زنان در مدیریت مطبوعات کشور</p>	<p>جایگاه زنان در مدیریت مطبوعات</p>	<p>نتایج این مطالعه نشان‌دهنده سهم اندک زنان (۲۹/۶٪) در جایگاه مدیریت روزنامه‌های پر شمار کشور است.</p>
<p>اعزازی (۱۳۸۱)</p>	<p>موقعیت زنان در مجلات تخصصی جامعه‌شناسی</p>	<p>بررسی موقعیت زنان در مجلات تخصصی جامعه‌شناسی</p>	<p>در نشریات مورد بررسی، کلیه مدیران مسئول و همچنین سردبیران مرد بودند. نکته جالب اینکه حتی فصلنامه پژوهش زنان نیز که ناشر آن مرکز مطالعات و تحقیقات زنان دانشگاه تهران است، نیز دارای مدیر مسئول مرد است. انتخاب سردبیر از طرف مدیر مسئول صورت می‌گیرد و مدیر مسئول و سردبیر با توجه به مقررات و قواعد، تعدادی از اعضای هیات علمی را برای شورای علمی مجله (یا تحریریه) انتخاب می‌کنند که در مورد خط‌مشی نشریه و گزینش مقالات، تصمیم‌می‌گیرند.</p>

فینوگومز و همکاران ^۱ (۲۰۲۱)	حضور زنان در میان سردبیران نشریات پیشرو پزشکی	بررسی حضور زنان در هیات تحریریه نشریات حوزه پوست	زنان بخش اندکی از هیات تحریریه نشریات حوزه پوست را تشکیل می‌دهند؛ در نهایت نتایج حاکی از پیشرفت کم زنان به عنوان سردبیر نشریات است.
فاکس و همکاران ^۲ (۲۰۱۹)	تنوع و تفاوت های جنسیتی اعضای هیات تحریریه در فرایند داوری ۶ عنوان نشریه بوم شناسی	بررسی تنوع و تفاوت های جنسیتی اعضای هیات تحریریه در فرایند داوری ۶ عنوان نشریه بوم شناسی	بررسی تنوع و تفاوت های جنسیتی اعضای هیات تحریریه در نشریات مورد بررسی نشان داد که علیرغم اینکه زنان در بین دریافت کنندگان مدرک تحصیلات تکمیلی حضور خوبی داشته‌اند، اما در ترکیب هیات تحریریه نشریات حضور کمتری داشته‌اند.
گرینل و همکاران ^۳ (۲۰۱۹)	نسبت سردبیران مرد و زن در نشریات سلامت زنان: تحلیل و بررسی انتقادی شکاف جنسی	بررسی شکاف جنسیتی در سردبیران نشریات حوزه سلامت زنان	در نشریات سلامت زنان، که انتظار می‌رود میزان حضور زنان انطباق داشته یا بیشتر از مردان باشد، زنان فقط ۵۴ مورد از ۱۳۲ مورد (۴۱٪) سردبیری را در سال ۲۰۱۹ بر عهده داشته‌اند.
گالینز و همکاران ^۴ (۲۰۱۷)	مطالعه تعداد سردبیران زن در ۲۵ نشریه حوزه پوست در سمت سردبیری	بررسی حضور سردبیران زن در نشریات حوزه پوست	نتایج نشان داد کمتر از ۱۹ درصد سردبیران این نشریات زن بودند. هر چند با گذشت زمان، تعداد زنانی که این مناصب را در نشریات داشته‌اند افزایش یافته، اما هنوز برابری جنسیتی محقق نشده است.
تاپز و سن ^۵ (۲۰۱۶)	حضور جنسیتی در هیات تحریریه نشریات حوزه علوم ریاضی	بررسی تعادل جنسیتی در میان نویسندگان و ترکیب هیات تحریریه نشریه اسپانیایی زبان در حوزه علوم (بازه زمانی ۲۰۰۹-۱۹۹۹)	نتایج نشان داد حضور زنان هم در مقام نویسندگان و هم در جایگاه سردبیری نشریات کمتر از مردان است. همچنین یافته‌ها موید این نکته بودند که وجود سردبیر زن با حضور زنان در هیات تحریریه همستگی مثبتی دارد

1. Pinho-Gomes et al
2. Fox et al
3. Grinnell et al
4. Grinnell et al
5. Topaz & Sen

چو و همکاران ^۱ (۲۰۱۴)	حضور زنان در هیات تحریریه نشریات حوزه زیست‌شناسی محیطی و مدیریت منابع طبیعی	نتایج نشان داد که در بازه زمانی ۲۰۱۳-۱۹۸۵ فقط ۱۶٪ اعضای هیات تحریریه نشریات زن هستند؛ هر چند در گذر زمان، حضور زنان در ترکیب اعضای هیئت تحریریه نشریات به طور کلی افزایش یافته، اما برای اغلب نشریات درصد حضور زنان به ندرت از ۲۰٪ فراتر رفته است.
امرین و همکاران ^۲ (۲۰۱۱)	عدم حضور زنان در هیات تحریریه ۶۰ نشریه پزشکی	بررسی حضور زنان در هیات تحریریه ۶۰ نشریه پزشکی نتایج نشان داد که فقط ۱۵/۹٪ سردبیران زن بودند. همچنین در ۵ حوزه مراقبت‌های ویژه، بیهوشی، ارتوپدی، چشم‌پزشکی، رادیولوژی، پزشکی هسته‌ای و تصویربرداری پزشکی، حتی یک مورد سردبیر زن هم وجود نداشته و در مجموع کمتر از یک پنجم (۱۷/۵٪، ۷۱۹ از ۴۱۱۲) از اعضای هیات تحریریه زن بودند. همچنین بین گروه‌های موضوعی مورد بررسی، تفاوت معنی‌داری وجود داشت؛ به طوری که پزشکی عمومی و داخلی بیشترین درصد زنان سردبیر و مراقبت‌های ویژه و پس از آن ارتوپدی کمترین درصد زنان پست سردبیری را داشتند. در هر حوزه موضوعی، نسبت زنان به عنوان اعضای هیات تحریریه به طور قابل ملاحظه‌ای کمتر از مردان بوده است.

جمع‌بندی نتایج پژوهش‌ها در حالی مبین حضور اندک زنان در مقام سردبیری نشریات است که زنان همانند مردان از منابع با ارزش جامعه به شمار می‌روند و هم‌دوش آنان نقش عمده‌ای در توسعه پایدار دارند (فتحی، ۱۳۸۴: ۱۰). با وجود روند رو به رشد حضور زنان در عرصه‌های مختلف علمی و فعالیت‌های گوناگون آنان در حوزه‌های تخصصی، هنوز سیاست‌های مربوط به این حوزه و نقش زنان در عرصه‌های تصمیم‌گیری علمی نیازمند بررسی و ارزیابی است. اگرچه تاکنون پژوهش‌های مختلفی به بررسی و دسته‌بندی چالش‌ها و موانع پیش روی زنان

1. Cho et al

2. Amrein et al

در ساختارهای علمی پرداخته‌اند؛ اما توجه به حضور زنان از منظر قدرت نرم در ساختارهای علمی تأثیرگذار، همچون نشریات علمی در داخل کشور مغفول مانده است. بررسی پژوهش‌ها نشان می‌دهد علیرغم اینکه حضور زنان در ارکان مدیریتی نشریات می‌تواند مسیرهای روشنی را برای ایجاد تعادل، برابری و رفع تبعیض‌ها و در نتیجه توسعه بهتر و کاملتر جامعه زنان فراهم کند؛ اما تاکنون پژوهشی به بررسی حضور و میزان سهم زنان در ساختارهای تصمیم‌گیری نشریات علمی منتشر شده در ایران پرداخته است.

روش پژوهش

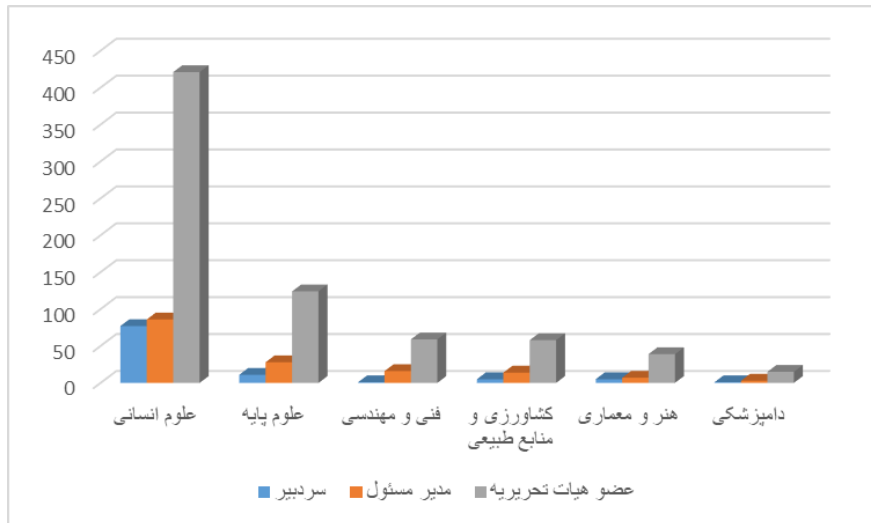
مطالعه حاضر به روش پیمایشی - توصیفی از نوع وب‌سنجی انجام شده است. جامعه پژوهش شامل ۱۲۹۸ عنوان نشریه منطبق با فهرست سال ۱۳۹۹ است که در پرتال نشریات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری رتبه‌بندی شده‌اند. جهت گردآوری داده‌ها، وبگاه نشریات در بازه زمانی شهریور و مهر ۱۴۰۰ بررسی و یک مدخل آماری برای جنسیت سردبیر، مدیر مسئول و عضو تحریریه هر نشریه تخصیص داده شد. در صورت در دسترس نبودن اطلاعات در وبگاه نشریه از صفحه شخصی افراد استفاده شد. لازم به توضیح است انجام این مطالعه با محدودیت‌هایی نیز همراه بود. الف) داده‌های گردآوری شده به اطلاعات موجود در وبسایت نشریات مورد بررسی متکی بود؛ که ممکن است روزآمد نبوده یا تغییری پس از زمان گردآوری داده‌ها ایجاد شده باشد. ب) این مطالعه یک تحلیل مقطعی است که روندها در طول زمان را در نظر نمی‌گیرد. به عبارتی هیچ اطلاعاتی از اسامی سردبیران زن گذشته در دسترس نبود.

یافته‌ها

مطابق با فهرست موجود در پرتال نشریات وزارت عتف تعداد ۱۲۹۸ نشریه در شش حوزه موضوعی سطح کلان شامل علوم انسانی، فنی و مهندسی، علوم پایه، هنر و معماری، دامپزشکی، کشاورزی و منابع طبیعی در سال ۱۳۹۹ دارای رتبه هستند. با مراجعه به وبسایت هر یک از نشریات و بررسی جنسیت سردبیر، مدیر مسئول و اعضای هیات تحریریه نشریه مشخص شد نسبت زنان به مردان در جایگاه سردبیری حدود ۱۰ درصد است. به عبارتی در مقابل حدود هر ۱۳ نفر سردبیر مرد، تنها ۱ سردبیر زن برای نشریات علمی وجود دارد. بر این اساس بررسی

مقایسه‌ای تعداد زنان سردبیر در برابر مردان سردبیر حاکی از آن است که زنان حضور کم‌رنگی در جایگاه سردبیری نشریات معتبر وزارت عتف دارند. همچنین میزان حضور زنان در جایگاه مدیر مسئول ۱۲ درصد و عضو هیات تحریریه ۸ درصد از کل می باشد.

همچنین سهم زنان به تفکیک شش دسته موضوعی سطح کلان حاکی از آنست که در برخی حوزه‌ها تنها یک نشریه به سردبیری زنان اداره می شود (نمودار ۱). هر چند سهم زنان در عضویت هیات تحریریه حوزه علوم انسانی بیشتر است اما این عامل به تعداد بیشتر نشریات موجود در این حوزه برمی گردد.



نمودار ۱. حضور زنان در ارکان نشریات به تفکیک حوزه‌های موضوعی نشریات

مسئله نابرابری بین زن و مرد در تصدی مناصب مدیریتی دارای ریشه‌های تاریخی است و این عدم تعادل در انتصاب زنان در سطوح بالای مدیریتی همچنان وجود دارد. این در حالی است که زنان در جایگاه‌های اجتماعی و مدیریتی هرچند اندک قابلیت‌ها و توان بالایی از خود نشان داده اند. طبق نتایج ارزیابی و رتبه‌بندی نشریات اعلام شده در پرتال نشریات وزارت عتف، از ۱۰۰ عنوان نشریه ای که با سردبیری زنان اداره می‌شوند ۴ عنوان دارای رتبه بین‌المللی، ۱۳ عنوان دارای رتبه الف، ۷۵ عنوان دارای رتبه ب، ۸ عنوان دارای رتبه ج هستند. به بیان دیگر ۹۲

درصد این نشریات دارای رتبه‌های بین‌المللی، الف و ب هستند و این امر نشان از توانایی زنان در اداره و مدیریت نشریات دارد.

نتیجه‌گیری

رشد کمی و کیفی نهادهای دانشگاهی، پیشرفت تولیدات علمی در مجلات بین‌المللی، مرزشکنی دانش، دستیابی به دانش و فناوریهای برترساز، پیشرفت در زمینه‌های مختلف علوم بر قدرت علمی ایران افزوده است. همکاری‌های علمی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران و نشر علم و فناوری در میان ملت‌های دیگر و کسب مقام‌های پی‌درپی در المپیادهای علمی جهان، بر تصویرسازی مثبت جهانیان از موقعیت علمی ایران افزوده است (جعفری و قربی، ۱۳۹۷: ۱۵۳). آنچه مسلم است این است که نیمی از مجموعه‌های انسانی جامعه، نزد زنان است و یکی از شاخص‌های مهم برای سنجش توسعه هر کشور وضعیت زنان و نوع مشارکت آنان می‌باشد؛ زیرا توسعه تنها در ارتباط با تولید ناخالص ملی و سطح درآمد سرانه سنجیده نمی‌شود، بلکه عواملی مانند وضع سیاسی، اجتماعی و مشارکت همگانی افراد، به خصوص زنان، نیز بر این فرایند موثر است (خسروی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰۲). از اینرو با توجه به ماهیت قدرت نرم و سطح تأثیرگذاری در دنیای کنونی از یکسو و نیز با توجه به جایگاه جمهوری اسلامی ایران از لحاظ آموزه‌های دینی و فرهنگی، تلاش برای تقویت درونی قدرت ملی نظام باید مورد توجه مردم و مسئولان قرار گیرد. همانگونه که اشاره شد بخشی از جامعه که باید در این عرصه با تمام توان وارد شوند، زنان هستند. زنان به عنوان نیمی از نیروی فعال جامعه و با ویژگی‌های جسمی و روحی خاص و کارکردها و نقش‌های متعددی که در جامعه دارند، در عرصه فعالیت برای تقویت قدرت نرم هم می‌توانند نقش‌های بسیار مهمی ایفا کنند (پیرویی و شیرخانی، ۱۳۹۸: ۶۹). اما رواج انواع تبعیض‌های شغلی به تدریج به یک مانع واقعی اما نامرئی برای پیشرفت زنان به مواضع بالاتر قدرت و مقام منتهی می‌شود. یک منبع اصلی تبعیض، ناشی از باورهایی است که راجع به رفتارها و توانایی‌های زنان انجام می‌گیرد. هر چند مدیریت در نظریه‌ها مفهومی خنثی و غیرجنسیتی است و بر مبنای اصول مدیریت مفهوم جنسیت نمی‌تواند نقش و معنای مؤثری در نظریه‌های مدیریت داشته باشد؛ اما فراسوی این واقعیت نظری، حقیقتی موجود است که ریشه در انگاره‌ها و باورهای اجتماعی-فرهنگی و تاریخی دارد. پیامد عدم باور به شایستگی زنان منجر

به تبعیض عمودی (مردان معمولاً مناصب تخصصی‌تر، با مسئولیت‌تر و پردرآمدتر را اشغال می‌کنند) و تبعیض افقی (مردان و زنان به شاخه‌های متفاوت شغلی و حرفه‌ای تقسیم می‌شوند و تراکم زنان در محدوده باریکی از حرفه‌ها است که مسئولیت کمتر و یا دستمزد پایین‌تری دارند) در سازمان‌ها می‌شود. طبق رویکرد سقف شیشه‌ای وقتی فرد از اطلاعات سازمانی آگاه بوده و دارای ارتباطات سازمانی بالایی با همکاران باشد، اعتماد مدیر و همکاران به قابلیت‌های او جلب می‌شود و این امر بر ارتقای جایگاه او در سطوح مدیریت نیز تأثیرگذار است. نگرش برابری جنسیتی در جامعه نمی‌تواند به طور مستقیم بر ارتقای جایگاه زنان در سطوح مدیریت تأثیر بگذارد؛ بلکه با فراهم شدن زمینه اختصاص عادلانه فرصت‌ها و محدودیت‌ها برای زنان و مردان در تمام حیطه‌ها امکان ارتقای زنان در سطوح مدیریت نیز میسر گردد (فیضی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۱۵).

در جامعه امروز ارتقای زنان به پست‌های مدیریت بیش از پیش حائز اهمیت است. اشتغال زنان به ویژه در سطوح بالای مدیریت دارای پیامدهای مثبتی از قبیل رشد شاخص‌های توسعه انسانی زنان به تبع افزایش دانش و مهارت آنان و همچنین رشد فرهنگ عمومی، افزایش شاخص‌های بهداشتی، بهبود پیشرفت تحصیلی فرزندان زنان تحصیل کرده و ایجاد و تقویت احساس امنیت می‌باشد. رابطه دوسویه بین میزان مشارکت زنان در صحنه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و میزان توسعه یافتگی کشورها مبین اهمیت پرداختن به موضوع ارتقای زنان به پست‌های مدیریت می‌باشد.

نتایج پژوهش حاضر با نتایج مطالعات پیشین هم‌راستا بوده و سهم کم زنان در مناصب مهم و اصلی نشریات را تأیید می‌کند. این نابرابری جنسیتی فاحش نشان از حضور ناکافی زنان در زمینه‌های مختلف علوم دارد. شواهدی وجود دارد که دلایل زیربنایی برای حضور کم‌رنگ زنان در دانشگاه، به‌طور کلی، و به‌عنوان سردبیر، به‌طور خاص، احتمالاً به این موارد برمی‌گردد:

- زنان کمتر از مردان برای سمت‌های مدیریتی نشریات دعوت می‌شوند؛ شاید به این دلیل که انتظار می‌رود سمت‌های مدیریتی را بیشتر مردان پوشش دهند.
- توزیع نابرابر مسئولیت‌های خانوادگی و اداری بین زنان و مردان؛ که ممکن است دسترسی زنان را برای تحقیقات و سایر نقش‌های رهبری محدود کند؛ چرا که زنان بسیار بیشتر از مردان به مراقبت‌های کودکان و کارهای خانه می‌پردازند. این سهم نامتعادل از کار ممکن است توانایی زنان را برای به‌عهده گرفتن نقش‌های رهبری مانند سردبیری

- محدود کند و در نهایت، پیشرفت شغلی آنها را به خطر انداخته یا مانع آن شود.
- زنان بیشتر از مردان با وقفه‌های شغلی مانند مرخصی زایمان مواجه هستند. اینگونه تداخلات شغلی و خانوادگی، همراه با دیدگاه‌های جنسیتی باعث می‌شود زنان بیشتر از مردان شرایط کاری نامطمئنی را تجربه کنند.
 - سوگیری جنسیتی؛ که ناخودآگاه ممکن است به دلیل ارزش‌گذاری کمتر دستاوردهای تحصیلی زنان باشد و این پیش‌فرض را تقویت کند که زنان برای نقش‌های رهبری ارشد، از جمله سردبیر، مناسب نیستند.
 - حضور کم‌رنگ زنان موفق به عنوان مربی و الگوی مناسب که به سایر زنان کمک کنند تا از نردبان ترقی شغلی بالا بروند.
 - گسترش فرهنگ مردانه در محیط‌های کاری از دیگر موانع ارتقای زنان است. انکار سوگیری جنسیتی توسط مردان، که هنوز اکثریت سمت‌های ارشد را در مؤسسات دانشگاهی اشغال می‌کنند؛ ممکن است عامل بازدارنده مهمی در اجرای سیاست‌ها جهت مقابله با موانع سیستمی باشد که نابرابری‌های جنسیتی را تداوم می‌بخشد.

در مجموع با تأکید بر یافته‌ها می‌توان استدلال کرد، برای رفع بی‌عدالتی جنسیتی و مشارکت بیشتر زنان در عرصه‌های علمی و بالتبع آن افزایش قدرت نرم، سیاست‌گذاری‌های کنونی در این حوزه ناکافی به نظر می‌رسد. به تعبیری، باید دانست که رشد و توسعه علوم جدید از طریق دگرگونی‌هایی که در ارزش‌های جامعه اتفاق می‌افتد، روی می‌دهد و باید بپذیریم زنان نیز، مانند مردان، می‌توانند نقش‌های مهمی در پیشرفت علم داشته باشند. ایران دارای منابع متعدد قدرت نرم است که باید این منابع را شناسایی و برای تبدیل آن به قدرت نرم تلاش کرد. یکی از این منابع ظرفیت زنان در افزایش قدرت علمی کشور که یکی از مصادیق قدرت نرم است، می‌باشد. چرا که یکی از زمینه‌هایی که می‌توان از ظرفیت‌های بالقوه جامعه زنان در راستای افزایش قدرت نرم استفاده کرد، عرصه علم و فناوری، تولیدات علمی و مشارکت‌های علمی است. اما برای استفاده از ظرفیت این سرمایه انسانی باید مقدمات و زیرساخت‌های لازم جهت مشارکت و حضور فعال‌تر آنها در زمینه‌های مختلف علمی و اجتماعی فراهم گردد. در این راستا بررسی کارشناسی دقیق برای شناسایی موانع و ارائه راهکار مورد نیاز است. در پیوند با

مطالعه حاضر می‌تواند به مواردی از جمله ایجاد زمینه‌های تعهد جدی برای جلوگیری از موضوع ریشه‌دار تعصب جنسیتی از سوی همه ذینفعان، مشتمل بر سردبیران، اعضای هیات تحریریه، ناشران، نویسندگان و مؤسسات دانشگاهی اشاره کرد. به عنوان مثال، ارائه آموزش به سردبیران و سایر کارکنان تحریریه در مورد گنجاندن نیروهای زن در هیات تحریریه و همچنین پرهیز از سوگیری جنسیتی می‌تواند به صورت ناخودآگاه یک استراتژی مؤثر باشد. سردبیران نشریات باید از سیاست‌هایی حمایت کنند که برابری جنسیتی را ترویج می‌کنند و ناشران را تشویق کنند تا داده‌ها، مقالات و کارکردها در خصوص آمار جنسیتی را بی‌درنگ منتشر و در همه سطوح در دسترس عموم قرار دهند. تلاش‌های اخیر جوامع توسعه یافته ثابت کرده است که دستیابی به توسعه پایدار، جز با مشارکت فعال زنان امکان‌پذیر نیست و لازم است با شناخت موانع، مشکلات و محدودیتهای مشارکت زنان در تولید علم به رفع آنها اقدام کرد. همچنین علیرغم اینکه مدیریت زنان در جایگاه‌های مختلف، دستاوردهای شایان توجهی داشته؛ ولی تمایل عمومی در بیشتر سازمان‌ها به برگزیدن مدیران مرد معطوف است. به نظر می‌رسد در این میان عامل جنسیت بیش از شایستگی و توانمندی مورد توجه است.

از دیگر نتایج مطالعات نشان می‌دهد که داشتن سردبیر زن با افزایش حضور زنان به عنوان هیات تحریریه و همچنین انتخاب داوران زن مرتبط است. از آنجا که سردبیران اغلب از اعضای هیات تحریریه انتخاب می‌شوند، به نظر می‌رسد حضور زنان به عنوان عضو هیات تحریریه به منظور تقویت برابری جنسیتی در سطح سردبیران نشریات علمی مؤثر است. این حضور فرصت‌هایی را برای رشد فکری و شبکه‌سازی فراهم می‌کند که می‌تواند کیفیت یک برنامه تحقیقاتی را بهبود بخشد یا فرصت‌های جدیدی را ایجاد کند. از طرفی عدم حضور زنان در میان دروازه‌بانان علمی نیز می‌تواند تنوع ایده‌ها، دیدگاه‌ها و ارزش‌ها را کاهش دهد. از اینرو افزایش تعداد زنان در جایگاه‌های بالای علمی برای مقابله با نابرابری‌ها در کل فرایند انتشارات علمی و دانشگاهی حایز اهمیت است.

برخی دیگر از راهکارهای اجرایی افزایش حضور زنان در برنامه‌های کشوری عبارتند از:

- رسیدن به خودباوری و ارزش دادن به توانمندی‌های زنان
- برنامه‌ریزی بلندمدت جهت آموزش مهارت و افزایش توانمندی‌ها
- حمایت زنان از طریق تشکل و سازمان‌های مردم نهاد

- تجدیدنظر در قوانین و ارائه سیاست‌هایی برای بهبود و توسعه موقعیت‌های استخدامی زنان و برابری جنسیتی
- انعطاف‌پذیری در محیط کار با توجه به مقاطع مختلف مانند بارداری، شیردهی و
- شرکت زنان در جلسات و سمینارهای ملی و بین‌المللی
- انتقال تجارب به مدیران زن در راستای واگذاری تدریجی مسئولیت‌ها

منابع

۱. آقاپور، مهدی؛ بازارگادی، مهنوش و آزادی احمدآبادی، قاسم (۱۳۸۸)، «ارزیابی میزا انطباق وضعیت اجتماعی اساتید زن در دانشگاه‌ها با مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی»، پژوهش زنان، دوره ۷، شماره ۳، صص ۲۶-۵.
۲. اعزازی، شهلا (۱۳۸۱)، «موقعیت زنان در مجلات تخصصی جامعه‌شناسی»، زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۱، شماره ۴، تابستان ۱۳۸۱، صص ۱۱۱-۸۶.
۳. البرزی، شهلا و خیر، محمد (۱۳۸۷)، «راهکارهای اجرایی حضور زنان در برنامه ریزی های کلان کشور از دیدگاه زنان توانمند». پژوهش زنان، دوره ۶، شماره ۱، صص ۲۷-۷.
۴. بوشهری، علیرضا؛ سنجقی، محمدابراهیم؛ جعفری، اصغر؛ باقری، ابوالفضل و امامی رضوی، رابعه (۱۳۹۹)، «ارزیابی سیاست های علم و فناوری با رویکرد سیاست حمایت از محققین زن در بخش پژوهش و فناوری»، مطالعات راهبردی بسیج، دوره ۲۳، شماره ۸۸، صص ۸۹-۱۲۲.
۵. بنیادی نائینی، علی و صدوق، محمود (۱۳۹۶)، «شناسایی عوامل مؤثر بر توسعه دیپلماسی علم و فناوری». مطالعات قدرت نرم. دوره ۷، شماره ۱۷، صص ۸۴-۶۰.
۶. پیروسی، معصومه و شیرخانی، علی (۱۳۹۸)، «نقش زنان در تقویت قدرت نرم از دیدگاه امام خامنه ای (مدظله العالی) با تأکید بر مؤلفه‌های اجتماعی»، آفاق امنیت، دوره ۱۲، شماره ۴۴، صص ۱۰۰-۶۷.
۷. پیشگاهی فرد، زهرا و اسدی راد، مریم (۱۳۸۲)، «بررسی رابطه میان آموزش عالی زنان در ایران و حضور آنان در عرصه های قانون گذاری»، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ۳، صص ۱۶۹-۱۵۹.

- دانشگاهی رشته علوم اجتماعی (با تاکید بر عضویت در گروه های علمی و نشریات علمی - پژوهشی)»، زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۳، شماره ۱، صص ۹۳-۱۱۲.
۱۹. زاهدی، شمس السادات (۱۳۸۱)، «تغییرات جایگاه شغلی زنان دانشگاهی در یک دهه، فصلنامه زن در توسعه و سیاست»، دوره ۱، شماره ۴، صص ۶۶-۵۳.
۲۰. زرقانی، هادی (۱۳۸۹)، «نقد و تحلیل مدل های سنجش قدرت ملی»، فصلنامه ژئوپلیتیک، دوره ۶، شماره ۱، صص ۱۸۰-۱۴۹.
۲۱. عزیزی، فیروزه (۱۳۸۹)، «نگرشی بر مشارکت زنان در عرصه علم و تکنولوژی در جهان»، پژوهشنامه زنان، سال ۱، شماره ۱، صص ۱۳۲-۱۰۷.
۲۲. عمادزاده، مصطفی (۱۳۸۲)، «اهمیت سرمایه گذاری در آموزش زنان»، پژوهش زنان، دوره ۱، شماره ۷، صص ۱۴۰-۱۱۵.
۲۳. عمادزاده، مصطفی و شهنازی، روح اله (۱۳۸۶)، «بررسی مبانی و شاخص های اقتصاد دانایی محور و جایگاه آن در کشورهای منتخب در مقایسه با ایران»، پژوهشنامه اقتصادی، دوره ۷، شماره ۲۷، صص ۱۷۵-۱۴۳.
۲۴. فتحی، لاله (۱۳۸۴). «زنان در عرصه مدیریت»، روزنامه همشهری، سال ۱۳، شماره ۳۸۰۳، ص ۱۰.
۲۵. فرهمند، مریم (۱۳۸۲)، «زن و تولید علم»، فصلنامه فرهنگ، شماره ۴۸، صص ۲۳۵-۲۲۱.
۲۶. فیضی، طاهره؛ موغلی، علیرضا؛ رفیعی، مجتبی و حسینی، سهیلا (۱۳۹۴)، «بررسی وضعیت شاخص های ارتقاء زنان به پست های مدیریتی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی»، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی ایلام، دوره ۲۳، شماره ۵، صص ۱۱۹-۱۱۱.
۲۷. گلشنی فومنی، رسول و مشهدی، ژیلا (۱۳۸۹)، «بررسی رابطه هویت شخصی زنان با مشارکت اجتماعی آنان»، دوره ۵، شماره ۱، صص ۱۳۷-۱۱۵.
۲۸. مبینی دهکردی، علی (۱۳۸۷)، طراحی الگو و راهبرد مرزشکنی دانش، تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
۲۹. متقی، ابراهیم (۱۳۸۷)، «قدرت هوشمند و استراتژی تغییر چهره آمریکا در دوران اوباما»، مطالعات بسیج، دوره ۱۱، شماره ۴۱، صص ۷۸-۵۶.
۳۰. مقیمی، طلیعه؛ آراسته، حمیدرضا و محمدخانی، کامران (۱۳۹۶)، «توسعه دیپلماسی علم

- و فناوری در ایران و تأثیرات نظام آموزش عالی بر آن»، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، دوره ۲۳، شماره ۳، صص ۲۰-۱.
۳۱. موسوی موحدی، علی اکبر و کیانی بختیاری، ابوالفضل (۱۳۹۱)، «دیپلماسی علم و فناوری»، نشاءالعلم، دوره ۲، شماره ۲، صص ۷۶-۷۱.
۳۲. مهاجری، ربابه (۱۳۸۳). «بررسی جایگاه زنان در مدیریت مطبوعات کشور، پژوهش های ارتباطی (پژوهش و سنجش سابق)»، شماره ۳۸، تابستان ۱۳۸۳، صص ۲۵۱-۲۷۲.
۳۳. نای، ژوزف (۲۰۰۳)، «قدرت نرم»، ترجمه محمد حسینی مقدم، نشریه راهبرد، دوره ۱۰، شماره ۲۹، صص ۳۸۰-۳۶۳.
۳۴. نای، ژوزف (۱۳۹۲)، آینده قدرت، ترجمه احمد عزیزی، تهران: نشر نی.
۳۵. نظیف کار، غزاله (۱۳۹۱)، «مرزهای جدید در دیپلماسی علم»، ترویج علم، شماره ۳، صص ۷۲-۶۷.
۳۶. نیکنامی، رکسانا (۱۳۹۸)، «جایگاه دیپلماسی علم و فناوری در شکل دهی به قدرت نرم (مطالعه موردی: اتحادیه اروپا)»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۹، شماره ۲، صص ۵۶۱-۵۸۵.
۳۷. ودیعه، ساسان؛ حضرتی صومعه، زهرا و عزیزآبادی فراهانی، زهرا (۱۳۹۶)، «بررسی جامعه شناختی نقش و جایگاه زنان در توسعه پایدار فضای زیستی کلان شهر تهران»، فصلنامه علوم محیطی، دوره ۱۵، شماره ۴، صص ۷۸-۶۵.
۳۸. هدائی، فاطمه و نورمحمدی، حمزه علی (۱۳۹۳)، «سهم زنان ایران در تولید و استنادهای علمی در حوزه های اولویت دار علم و فناوری جمهوری اسلامی ایران»، مطالعات اجتماعی روان شناختی زنان، سال ۱۲، شماره ۱، بهار ۱۳۹۳، صص ۶۶-۴۵.
۳۹. هومین فر، الهام. (۱۳۸۲)، «تحول جامعه پذیری جنسیتی»، پژوهش زنان. ۳ (۷). صص ۸۹-۱۱۳.
۴۰. یاسوشی، واتانابه و مک کانل، دیوید (۱۳۸۹)، قدرت نرم مطالعه موردی ژاپن و ایالات متحده، ترجمه محسن روحانی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
41. Amrein, K., Langmann, A., Fahrleitner-Pammer, A., Pieber, T. R., & Zollner Schwetz, I. (2011). Women Underrepresented on Editorial Boards of 60 Major Medical Journals. *Gender Medicine*, 8(6), 378-387.

42. Cho., A. H., Johnson, S. A., Schuman, C. E., Adler, J. M., Gonzalez, o., Graves, S. J., Hubner, J. R., & et al. (2014). Women Are Underrepresented on the Editorial Boards of Journals in Environmental Biology and Natural Eesource Management. *PeerJ*, 2 (e542).
43. Frietsch, R., Haller, I., Funken-Vrohlings, M. & Grupp, H. (2009). Gender Specific Patterns in Patenting and Publishing. *Research Policy*, 38 (4), 590-599.
44. Fox., C.W., Duffy, M. A., Fairbairn, D. J., & Meyer, j. A. (2019). Gender Diversity of Editorial Boards and Gender Differences in the Peer Review Process at Six Journals of Ecology and Evolution. *Ecology Evolution*, 9 (24) :13636-13649. doi:10.1002/ece3.5794.
45. Gluckman, P.D., Turekian, V., Grimes, R.W. and Kishi, T., 2017. Science Diplomacy: A Pragmatic Perspective from the Inside, *Science & Diplomacy*, 6(4), 1-13.
46. Gutierrez, M.L., Gonzalez, M. R., Corral-Symes, R. & Gonzalez-Santiago, O. (2017). Women as Editors-in-chief of Environmental Science Journals. *F1000Research*, 6 (1167), pp 1-2.
47. Grinnell. M., Higgins, SH., Yost, K., Ochuba, O., Lobl, M., Grimes, P., & Wysong, A. (2019). The Proportion of Male and Female Editors in Women's Health Journals: A Critical Analysis and Review of the Sex Gap. *International Journal of Womens Dermatology*, 6 (1), 7-12.
48. Gollins, C.E., Shipman, A. R., & Murrell, D. F. (2017). A Study of the Number of Female Editors-in-Chief of Dermatology Journals. *International Journal of Women Dermatology*, 3 (4), 185-188.
49. Hinz, F. (2010). *New Frontiers in Science Diplomacy*, London: The Royal Society
50. Nye, J S. (2010). *Soft Power and Higher Education*. Massachusetts: Harvard University Press.
51. Lobl, M., Grinnell, M., Higgins, SH., Yost, K., Grimes, P., & Wysong, A. (2019). Representation of Women as Editors in Dermatology

- Journals: A Comprehensive Review. *International Journal of Women's Dermatology*, 6(1), 20-24.
52. Mauleon, E., Hillan, L., Moreno, I., Gomez, I., & Bordons, M. (2013). Assessing Gender Balance Among Journal Authors and Editorial Board Members. *Scientometrics*, 95 (1), 87-114.
53. Mozaffarian, M., & Jamali, H.R. (2008). Iranian Women in Science: A Gender Study of Scientific. *Aslib Proceedings*, 60 (5), 463-473.
54. Nye, J. (2004). *Power in the Global Information Age: From Realism to Globalization*, New York: Routledge Press.
55. Pinho-Gomes, A.C., Vassallo, A., Thompson, K., Womersley, K., Norton, R., & Woodward, M. (2021). Representation of Women Among Editors in Chief of Leading Medical Journals. *JAMA Network Open*, 4 (9).
56. Settles, Isis H; Cortina, L, M.; Malley, Janet; Stewart, A. J. (2006). The Climate for Women in Academic Science: The Good, The Bad and The Changeable", *Psychology of Women Quarterly*, Vol 30, pp 47-58.
57. Topaz CM, Sen S. Gender representation on journal editorial boards in the mathematical sciences. *PLoS One*. 2016;11(8): e0161357. doi: 10.1371/journal.pone.0161357.

پیش‌رانه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در اندونزی

سید محمد موسوی^۱

چکیده

اندونزی به عنوان بزرگترین کشور اسلامی در عرصه بین‌الملل و نیز در میان کشورهای اسلامی از جایگاهی در خور اهمیت برخوردار است. تحقیق در مورد شیعه به عنوان یکی از فرقه‌های مهم اسلامی در اندونزی از یک سو و تاثیر گسترش تشیع در شکل‌گیری تأثیرات فرهنگی یا متنی در منطقه مالایی و اندونزی از سوی دیگر همواره موضوع جالبی برای تحقیق بوده است. هدف مقاله بازشناسی منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران به عنوان بزرگترین کشور شیعه در اندونزی است. نگارنده درصدد است با کاربست نظریه قدرت نرم به عنوان مبانی نظری و بهره‌گیری از روش تحقیق توصیفی تحلیلی، منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در اندونزی، احصاء و بازشناسی کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ظهور و گسترش ایدئولوژی سیاسی مذهبی تشیع در مجمع‌الجزایر علاوه بر احیاگرایی جهانی اسلامی نتیجه بازتاب نرم افزاری انقلاب اسلامی ایران است. در نتیجه، جمهوری اسلامی ایران در نفوذ خود در کشور اندونزی از ابزار فرهنگی و قدرت نرم استفاده کرده است. مذهب تشیع، رهبران شیعی، شبکه ارتباطی روحانیت و شبکه ارتباطی دانشگاهیان و روشنفکران مهمترین پیش‌رانه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در کشور اندونزی است. **واژگان کلیدی:** شیعیان اندونزی، جمهوری اسلامی ایران، قدرت نرم، مرکز اسلامی جاکارتا.

۱. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

s46mosavi@yahoo.com

مقدمه

اندونزی بزرگترین کشور مسلمان در جهان اسلام است. در عرصه بین الملل و همچنین در میان کشورهای اسلامی از جایگاهی در خور اهمیت برخوردار است. اصطلاح اندونزی یا جزایر هند شرقی بر کلیه مجمع الجزایر سرزمین هایی که امروزه قسمتی از جمهوری اندونزی را تشکیل می دهند، اطلاق می شود. کلمه اندونزی به معنای «مجمع الجزایر هند» است که از کلمه لاتین Indus به معنی هندی و کلمه یونانی nesos به معنی جزیره تشکیل شده است. در اصل نامی جغرافیایی بود که بر کلیه جزایر بین آسیا و استرالیا از جمله فیلیپین اطلاق می گردید و نهضت ملیون اندونزی این نام را پذیرفتند و انتخاب کردند (مظفر، ۱۳۷۴: ۱۵).

علیرغم اینکه، اسلام دیرتر از بسیاری کشورهای دیگر وارد اندونزی شد، به تدریج سراسر جزایر مسکونی آن را تحت پوشش قرار داد. نکته قابل توجه آن که ورود و گسترش اسلام نه از راه لشکر کشی، بلکه به گونه مسالمت آمیز و فرهنگی بوده است. این شیوه ورود و گسترش اسلام در حیات فرهنگی و تعامل مردم آن دیار با دین از سویی و روابط مذاهب اسلامی با یکدیگر از طرف دیگر، بی تأثیر نبوده است. به طوری که مردم اندونزی در سایه باور ژرف به اسلام و به کار بستن احکام آن توانستند هویت یابند. اندونزی که بزرگترین کشور اسلامی است، از نظر سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کشوری راهبردی می باشد.

باتوجه به اینکه اندونزی به عنوان بزرگترین کشور اسلامی، بیشترین جمعیت مسلمان را در خود جای داده است. تحقیق در مورد شیعه به عنوان یکی از فرقه های مهم اسلامی در اندونزی و بازشناسی منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در این کشور بسیار مهم است. زیرا از یکسو منابع ادبیاتی و اطلاعاتی کمی در مورد فرهنگ و قدرت شیعه در اندونزی موجود می باشد، از طرف دیگر، اکثریت جمعیت اندونزی مسلمان هستند. بنابراین، شیعه به عنوان یکی از مهمترین مذاهب جهان، باید ریشه های تاریخی خود را در منابع ردیابی کند تا درک درستی در خصوص گسترش اسلام شیعه در اندونزی حاصل گردد.

علاوه بر این، گسترش تشیع در شکل گیری تأثیرات فرهنگی یا متنی در منطقه مالایی و اندونزی از دوره اولیه تا دوران معاصر همواره موضوع جالبی برای تحقیق بوده است. دلیل بعدی اهمیت مطالعه شیعه در اندونزی، اثر انقلاب ۱۹۷۹ ایران است. تأثیرات سیستماتیک و بزرگ آن در توسعه و گسترش تعالیم شیعه در اندونزی بواسطه جنبش علمی جوانان اندونزیایی، از

طریق بورس های تحصیلی رایگان به ایران (قم) و افزایش کتابهای تاریخ شیعه از سال ۱۹۷۹ در اندونزی مشهود است (اسپوزیتو، ۱۳۸۶: ۲۴۴). از اینرو، مسئله اساسی پژوهش حاضر، شناخت و تبیین منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران به عنوان بزرگترین کشور شیعی در اندونزی است. پژوهش حاضر با کار بست نظریه قدرت نرم به عنوان مبانی نظری و با بهره گیری از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی در صدد تبیین و احصاء منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در کشور اندونزی است. یافته های پژوهش نشان می دهد که مذهب شیعه، شکل گیری جامعه شیعی، رهبری شیعیان، مناسک مذهبی، انتشار کتب و مجلات شیعی، شبکه ارتباطی مرجعیت و روحانیت شیعه و شبکه ارتباطی دانشگاهیان و روشنفکران شیعی اندونزی مهمترین پیش ران های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران را در کشور اندونزی تشکیل می دهند.

۱. پیشینه و ادبیات پژوهش

در خصوص قدرت نرم به معنای عام و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران به معنای خاص، کتاب ها و مقالات زیادی به رشته تحریر درآمده اند. اما در باب قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در کشور اندونزی آثار چندانی وجود ندارد و یا به صورت پراکنده و محدود هست. حضور تشیع در اوایل تاریخ اسلام در اندونزی همواره مورد بحث و جدال شدید مورخان و دانشمندان بوده است. این اختلاف نظر به دلیل دیدگاههای مختلف تاریخی و رویکردهای به کار رفته برای مشاهده روند فرایند اسلام گرایی در مجمع الجزایر، همراه با کمبود منابع اولیه ایجاد شده است. اینکه، کدام شاخه از اسلام برای اولین بار به اندونزی وارد شده است، تشیع یا اهل سنت؟ در بخشی از این بحث، دانشمندان دو نظریه متناقض را پایه گذاری کرده اند:

حمکا و ازیومردی آزا (Hamka, Azyumardi Azra, 1995, 4-19) بر این باور هستند که، تسنن ابتدا آمد و در معرفی اسلام در اندونزی نقش اساسی داشت. و تاکنون فرقه غالب بوده است. مانگاراچا اونگانگ پارلیندونگان (Mangaraja Onggang, 1964, 107)، یونس جمیل (Jamil, 1968, 1968-5)، سید قدرت الله فاطمی (Fatimi, 1963) و هاشمی (Hasymi, 1983)، گمانه زنی دوم را مطرح کرده اند. اینها معتقدند، تشیع در دوره اسلامی سازی اندونزی نقش عمده ای داشته است. شیعیان نه تنها در اوایل اسلام سازی وارد شدند بلکه از قدرت سیاسی قابل توجهی در مجمع الجزایر برخوردار بودند.

پارلیندونگان استدلال می‌کند که تشیع در حدود سال‌های ۱۱۲۸-۱۲۸۵ میلادی، در زمان سلطان شاه بندر دایا-پاسای در آچه، با حمایت فاطمیون شیعه مصر، در اندونزی به موفقیت و محبوبیت رسید. آخرین پادشاهی شیعه دایا-پاسای در سال ۱۲۸۵ توسط سلسله سنی، که جانشین فاطمیان در مصر شده بودند، سرنگون شد. همچنین در راستای نظر پارلیندونگان، یک محقق مالزیایی بنام فاطمی، معتقد است که تشیع قبل از اهل سنت به منطقه مالایی-اندونزی آمده و به تأثیرگذارترین قدرت در منطقه تبدیل شده است. تشیع در اواسط قرن هشتم توسط گروهی از شیعیان مسلمان از پادشاهی چامپا در جنوب تایلند به آسیای جنوب شرقی معرفی و شناسانده شده است. فاطمی به جزئیاتی در مورد نام پادشاهی اشاره نکرده است، اما دیدگاه وی توسط آنتونی رید (Anthony, 1988, 212)، که تشیع را در آیوتای در جنوب تایلند در دوره مربوطه شناسایی کرد، تأیید شده است. رید در تحلیل خود برخی از معامله‌گران شیعه را در منطقه کشف کرد و اظهار داشت که تعامل بین این تاجران مسلمان و مردم محلی نه تنها در بخش مالی محلی تأثیر داشته بلکه، درگفتمان اجتماعی-مذهبی منطقه نیز تأثیر گذاشته است. در آن دوره، شیعیان مسلمان تأثیر زیادی در پادشاهی محلی داشته‌اند، که توسط "پرادا تونگ" اداره می‌شد. در تجزیه و تحلیل مرتبط دیگری، ابراهیم محمد (Ibrahim Muhammad, 1972)، در کتاب خود "کشتی سلیمان" نیز بیان کرده است که این تاجران مسلمان به فرزند پادشاه پراداد تونگ به نام نارای، در سازماندهی و برگزاری مراسم سالانه امام حسین (علیه السلام) در ماه محرم کمک کردند.

هاشمی (Hasymi, 1983, 45-46)، ادعا می‌کند که اولین پادشاهی اسلامی که در مجمع الجزایر کراجان پیرلوک (پرلاک) بود، در سال ۸۴۰ میلادی توسط بازرگانان مسلمان فارس، عرب و گجرات که برای اولین بار به این منطقه آمده بودند تا مردم محلی را به اسلام دعوت کنند تأسیس و پایه‌گذاری شد. این پادشاهی شیعه حدود ۳۰۰ سال به طول انجامید. پادشاه اول سلطان سعید مولانا عبدالعزیز سیاح بود که از سال ۸۴۰ تا سال ۸۶۴ سلطنت کرد. بیشتر بازرگانان دارای جهت‌گیری سیاسی شیعه بودند و به واسطه قدرت سیاسی آنها، تشیع در سراسر منطقه گسترش یافت.

بارور و بارید (Baroroh Baried, 1976, 59-65)، استاد تاریخ دانشگاه گاجاه مادا، یوگیاکارتا، ۱۷ داستان مالایی را که شامل عناصر شیعه است، را مورد بررسی قرار داده است. وی در پایان بررسی‌های خود اعلام می‌دارد که علیرغم اطلاعات نادرست و تحریف شده موجود

که تنها بخشی از داستانهای مربوط به علی (علیه السلام) و خانواده وی را شامل می‌شوند، در موارد محدودی، این داستان‌ها به وضوح عناصر شیعه را نشان می‌دهند.

پروفیسور ادوین ویبرینگا (Wieringa, 1996, 93-111) از دانشگاه کلن تلاش کرده است تا به ردپای عناصر شیعی در ادبیات سنتی مالایی را با تمرکز بر داستانهایی درباره علی و همسرش، فاطمه، در حکایت محمد حنفیه یا حکایت بانجار دست یابد

ماریسون و میلر (Marrison, 1995, 52-69) پس از بررسی در مورد سجارا ملایو (تاریخ مالایی)، نشان داد که عقیده شیعی آمیخته با فرهنگ هندی، در منطقه به وضوح قابل تشخیص است. در حالی که جنبه‌های فرهنگی تشیع در قرنهای قبل از انقلاب ایران در سال ۱۹۷۹ در برخی از مناطق اندونزی وجود داشت، اما گسترش ایدئولوژی سیاسی مذهبی تشیع در مجمع الجزایر نتیجه بازتاب نرم افزاری انقلاب اسلامی ایران است. به هر ترتیب، ظهور تشیع اندونزی را علاوه بر احیاگرایی جهانی اسلامی، می‌توان مرهون انقلاب اسلامی ایران دانست. چنانچه اشاره شد، در این خصوص آثار قابل توجهی وجود ندارد. مقاله حاضر به ویژه در خصوص تاثیر انقلاب اسلامی ایران در اندونزی و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در این کشور، از خصلت نو و جدید بودن برخوردار است.

۲. مبانی نظری: قدرت نرم

مفهوم قدرت را می‌توان از دو جنبه موردبررسی قرارداد. بررسی‌ها نشان داده‌اند که تغییر الگو و روش از قدرت سخت به قدرت نرم وجود دارد (مهدوی و باب اناری، ۱۳۹۰: ۱۷۰). جوزف نای (۲۰۰۳) در پژوهشی با عنوان "قدرت و استراتژی ایالات متحده پس از عراق" به بررسی قدرت نرم پرداخته و عنوان کرده است که مقوله قدرت نرم نخستین بار در چارچوب نظریه‌ای مستقل توسط در باب تغییر ماهیت قدرت جهانی و بازبینی ماهیت و نتایج قدرت آمریکا مطرح شد. از نظر نای قدرت نرم چهره دوم قدرت است. قدرت نرم چیزی است که توسط آن می‌خواهیم که با جذب و اقتناع سایرین جهت احقاق اهداف خود کسب کنیم. بنابر گفته جوزف نای قدرت نرم توانایی دستیابی به اهداف و آمال مطلوب از طریق جلب افکار عمومی جامعه و نخبگان و اقتناع اذهان به جای اعمال فشار است.

جوزف نای در نظریه بدیع خود سه راه را برای تأثیرگذاری بر رفتار دیگران معرفی می‌کند:

تهدید، تشویق و جذب. وی استدلال می‌کند قدرت مبتنی بر تشویق و تنبیه بسته به اوضاع و احوال متغیر و احتمالاً زوال‌پذیر است؛ اما زمانی که شما معتقد به مشروعیت اهداف من باشید؛ من می‌توانم بدون تهدید و تشویق شما را به همراهی با خود ترغیب کنم (Nye, 2004: 12). در عصر اطلاعات منابع سنتی قدرت موفقیت‌آمیز نیست. پول، جمعیت، سرزمین، استعداد و توان جنگی که منابع ملموس و قابل‌سنجش هستند دیگر نمی‌توانند موفقیت در سیاست بین‌الملل را تعیین کند. همان‌گونه که امریکا در مقابل ویتنام از منابع سنتی قدرت بسیار قوی‌تری برخوردار بود؛ اما جنگ ویتنام را باخت؛ بنابراین قدرت از بعد صرفاً نظامی خارج شده و در موضوعات مختلف منابع قدرت تغییر کرده است. آنچه امروزه نیاز است تقویت سرمایه‌گذاری در قدرت نرم است که همان تشکیلات پیچیده وابستگی متقابل است و نه قدرت سخت. این برنامه‌ها برای فهم متقابل میان مردمان کشورهاست و از طریق دیپلماسی عمومی به اجرا درمی‌آید.

آنچه از محتوای کلمات اندیشمندان در توضیح واژه قدرت نرم بر می‌آید این است که قدرت نرم، محصول و برآیند تصویرسازی مثبت، ارائه چهره‌موجه از خود، کسب اعتبار در افکار عمومی داخلی و خارجی، قدرت تأثیرگذاری غیرمستقیم توأم با رضایت بردیگران، اراده دیگران را تابع اراده خویش ساختن و مؤلفه‌هایی از این‌سخت است. این قدرت معمولاً در مقابل قدرت نظامی و تسلیحاتی و در مواردی قدرت اقتصادی و به عبارتی قدرت سخت و خشن به کار می‌رود. بنابراین، قدرت نرم که بر اقناع و جذابیت استوار است، به شکل پذیرش تجلی می‌یابد (افتخاری، ۱۳۸۹: ۴۷) و البته، قدرت جذب کردن و پذیرش نمی‌تواند بدون توانایی نفوذ تحقق یابد و امکان‌پذیر گردد (Nye, 2004: 5-8).

بدون تردید، ظهور تشیع اندونزی علاوه بر احیاگرایی جهانی اسلامی، مرهون انقلاب اسلامی ایران است. جمهوری اسلامی ایران در نفوذ خود در کشور اندونزی از ابزار فرهنگی و قدرت نرم استفاده کرده است. بنابراین، نظریه قدرت نرم به عنوان چارچوب نظری از توانایی بالای برای تشریح منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در کشور اندونزی برخوردار است.

۳. منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در اندونزی

۳-۱. مذهب شیعه

اندونزی پرجمعیت‌ترین کشور اسلامی است. جمعیت آن حدود ۲۴۲ میلیون نفر است و ۹۰

درصد این جمعیت را مسلمانان، ۸ درصد مسیحی و ۲ درصد هندو و بودیسم تشکیل می‌دهند. اسلام از قرن ۴ قمری به این کشور وارد شد و در قرن ۶ به وسیله تجار هندی به شکل بسیار وسیع منتشر شده‌است. بیشتر مسلمانان این کشور سنی یا مذهب شافعی دارند و بقیه شیعه، حنفی، حنبلی، مالکی، زیدی و علوی هستند. درباره مسلمانان اندونزی باید یادآور شد که مذهب شافعی مذهب فراگیر در اندونزی است که این مذهب، نزدیکترین مذهب به شیعه در میان دیگر مذاهب اهل سنت است. این امر موجب می‌شود که تبلیغ تشیع در اندونزی بسیار آسان تر گردد. به نحوی که اکنون در بسیاری از شهرها و جزایر اندونزی روند رو به رشد گرایش اسلامی و شیعی مشاهده می‌شود (حسینی و برزگر، ۱۳۹۲: ۱۷۸).

حدود یک درصد از مسلمانان اندونزی را شیعیان تشکیل می‌دهند. تاریخ ورود شیعیان به اندونزی به زمان ورود اولین مبلغان مسلمان در قرن ۴ هجری قمری بازمی‌گردد که از نوادگان امام موسی بن جعفر (امام هفتم شیعیان) بودند که به این منطقه مهاجرت کردند و پس از سکونت، از اهالی این منطقه شدند. شیعیان اندونزی، به دو گروه تقسیم می‌شوند (ربانی، ۱۳۷۳: ۴۱). شیعیان قدیم که عمدتاً آنها را سادات می‌نامند و انتساب خود به اهل بیت پیامبر اسلام را موجب شرافت و افتخار خود می‌دانند و شیعیان جدید که پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و به وسیله آموزش‌های فارغ التحصیلان حوزه علمیه قم به مذهب شیعه روی آورده‌اند. منطقه آچه در شمال سوماترا مرکز شیعیان اندونزی به‌شمار می‌رود و حکومت اندونزی پس از استقلال این شهر را شهر شیعیان کوالا نامید (Anthoy, 1988: 212).

محمداسدشهاب نویسنده شیعی مذهب در کتاب تاریخ شیعه در اندونزی به ذکر مراحل سه‌گانه تاریخ شیعه در این کشور می‌پردازد. او معتقد است مرحله اول از تاریخ شیعه با ورود مبلغان شیعه به این سرزمین در سده سوم هجری شروع شد و با حضور استعمار هلند در اواخر قرن دهم هجری پایان یافت (شهاب، ۱۳۸۴: ۲۱). وی از این مرحله به عنوان دوران شکوه و عظمت شیعه در این سرزمین یاد می‌کند؛ دورانی که جامعه شیعه، جایگاه استوار و موجودیت پایداری داشت. به اعتقاد وی، مرحله دوم تاریخ شیعه در اندونزی از آغاز قرن یازدهم هجری، شروع می‌شود و اواخر دهه سوم قرن چهارم به پایان می‌رسد. استاد اسد شهاب در تشریح مرحله سوم تاریخ شیعه در اندونزی، براین باور است که این مرحله، از اوایل قرن چهاردهم ادامه یافت. این مرحله که چهارده سال قبل از وقوع جنگ جهانی اول و همزمان با نهضت اسلامی

سید جمال الدین اسدآبادی بود، روزنه تاریخی تازه ای برای تجدید حیات شیعه در کشور پدید آورد. بزرگانی از این مذهب، همانند سیدمحمدبن احمد بن محضار، علی بن احمدشهاب، ابو مرتضی بن شهاب، طه بن احمد حداد، احمد بن شهاب، محمد عیدید، سید بن حسین ابن سهل و شخصیت های دیگر توانستند با مراکز شیعی ارتباط برقرار کنند و از راه سخنرانی و نشر کتاب، در تجدید حیات مذهب شیعه همت گمارند (ربانی، ۱۳۷۳: ۷).

اندونزی در جایگاه یک کشور مسلمان در جنوب شرق آسیا، شمار زیادی از شیعیان را در خود جای داده است؛ به نحوی که امروزه شاهد گسترش روزافزون این موج هستیم. تاسیس سازمان ها و مراکز اسلامی و شیعی در این کشور، خود حاکی از فضای عظیم شیعی در این سرزمین است. امروزه مذهب شیعه در میان اندیشمندان، دانشگاهیان، تجار و اقشار مختلف این کشور، اعم از عرب و غیر عرب، سید و غیر سید، پیروانی دارد و اقلیت شیعه در اندونزی با بهره گیری از معارف اهل بیت و تکیه بر وحدت اسلامی توانسته اند زندگی مسالمت آمیزی با برادران شافعی مذهب خود در این کشور داشته باشند و از وجهه و اعتبار مناسبی نیز برخوردار گردند (ربانی، ۱۳۷۳: ۴۱).

۳-۱-۱. تشکیل جامعه شیعی

اسلام پیش از قن سیزدهم میلادی، در جزایر جاوه و سوماترا و دیگر نقاطی که امروز اندونزی نامیده می شود، رواج یافت. پرتغالیها از قرن پانزدهم میلادی سلطه خود را در این جزایر گستراندند، ولی هلندی ها توانستند در اواخر قرن هفدهم اندونزی را تصرف کنند و تا حدود سه قرن و نیم، بر استیلای استعماری خود ادامه دهند. هلندی ها در طول سلطه خود بر اندونزی، سعی داشتند بین فرهنگ اسلام و عادات و رسوم بومی، برای راه اندازی جنگ بین مسلمانان و اقوام دیگر تفرقه افکنی کنند؛ و این در حالی بود که همه تلاش های هلندی ها برای اشاعه مسیحیت برای دور کردن مردم از اسلام، بارها به شکست انجامیده بود.

ارتباط جامعه مسلمانان اندونزی با جهان اسلام که از نیمه دوم قرن هفدهم میلادی آغاز شده بود و در قرن نوزدهم با گسترش نهضت های اسلامی و تجدید حیات های دینی در کشورهای اسلامی شدت گرفت، زمینه پیدایش نهضت های اسلامی را در اندونزی فراهم آورد و در کنار موج اصلاح طلبی و ملی گرایی پیروی تمدن غرب در این کشور به وجود آمده بود، شکل

گیری جنبشی را برای احیای تفکر اسلامی نوین نوید می‌داد. اما با توجه به وضع جغرافیایی اندونزی که جزایر بزرگ و کوچکی بالغ بر ۱۳۶۰۰ جزیره تشکیل یافته است و عمده ترین آنها جزیره سوماترا، جاوه، برنئو، سلسب، گینه نو، سوندا و ملوک می باشد، شکل گیری هر نوع جنبش اسلامی، می توانست در راستای یکی از دو هدف زیر انجام بگیرد: یا به صورت محلی و با هدف تجزیه، و یا به طور یکپارچه و فراگیر به منظور طرد استعمار از سراسر اندونزی.

استعمار هلند، همانند سایر استعمارگران در کشورهای اسلامی، مردم و کشور اندونزی را در ضعف و عقب ماندگی نگه داشته بود و هر نوع حرکت منتهی به آگاهی مردم را خطری بزرگ برای حفظ منافع خود تلقی می کرد (زنجانی، ۱۳۶۷: ۳۰۴). با وجود این، شاهد شکل گیری جنبشهای استقلال طلبانه در اندونزی هستیم. در اوایل قرن نوزدهم، قیام «البدری» که نهضت علمای دین شهرت داشتف به رهبری یکی از علمای اندونزی به نام باندوژول آغاز شد و مسلمانان را به مقاومت در برابر استعمارگران دعوت نمود (زنجانی، ۱۳۶۷: ۳۰۵). در همین راستا جنبش دیگری به نام «سحابیون» به رهبری عالمی آگاه و مبارز، به نام شیخ مصطفی سحاب شکل گرفت و در اندک مدتی از نفو و محبوبیتی فراگیر برخوردار شد و در میان اقشار مختلف جامعه اسلامی اندونزی پایگاهی مردمی یافت (البلاذری، ۱۳۹۸: ۶۳).

حزب مسجومی یکی از قوی ترین سازمان های سیاسی اندونزی است که توسط مسلمانان تاسیس شد و در استقلال اندونزی نقش موثری ایفا نمود (ابن ماجه، ۱۹۷۵م: ۱۰۰). بر اثر انشعاب در این حزب، سازمان نهضت العلماء در سال ۱۹۲۶ شکل گرفت. از ویژگی های این جمعیت، غرب ستیزی و اصول گرایی متعبدانه بود. حزب دارالاسلام در سال ۱۹۳۹ با هدف کسب استقلال به وجود آمد. این حزب پس از استقلال اندونزی در سال ۱۹۴۵ نیز برای برپایی حکومت اسلامی مبارزه می کرد. حزب دارالاسلام از مهمترین احزاب سیاسی اندونزی است و در مبارزات ملت اندونزی برای کسب استقلال سیاسی نقش بسزایی داشته است (William, 1976: 5). با وجود احزاب اسلامی متعدد که هر کدام در اندونزی، جنبش اسلامی را به سهم خود گسترش بخشیدند، اما هیچکدام به اندازه سازمان سیاسی اجتماعی محمدیه نتوانست فراگیر و موفق و مداوم باشد (Tilly, 1981: 22).

باتحوالات اخیر در نهضت جهانی اسلام، به ویژه پس از تجربه بزرگ پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، گروه های فعال اندونزی، پرچم جنبش اسلامی را بردوش کشیدند و علی رغم

سیاست سرکوبگرانه رژیم سوهارتو و توطئه های آمریکا و عوامل سرسپرده آل سعود، برای اعاده استقلال کامل و استقرار حکومت اسلامی مبارزه می کنند که از آن جمله می توان گروه «جهاد» گروه «طومار» و گروه «طومار پنجاه» را نام برد (اقبال لاهوری، ۱۳۵۶: ۴۰۰۱).

در حوزه فعالیت های سیاسی شیعه نیز، جامعه نوظهور شیعه در اواسط دهه ۱۹۸۰ در میان طبقه متوسط شکل گرفت (Hefner, 1993, 35). فعالیت های خود را به شهرها و روستا ها گسترش داد. تخمین تعداد فعلی شیعه در اندونزی دشوار است، زیرا هیچ آمار موثقی در دست نیست. اما ارزیابی هایی وجود دارد که بصورت تخمینی ممکن است به آنها استناد شود. به عنوان مثال، محمد اندی آسگاف، رئیس یک بنیاد وابسته به شیعه در جاکارتا، تخمین زد که تعداد شیعیان به یک میلیون نفر رسیده است. در سال ۲۰۰۰، برآورد دیگر به نقل از رسانه های محلی تعداد این افراد را تقریباً سه میلیون نفر اعلام کرد. اخیراً، همین منبع به رقمی از پنج میلیون نفر اشاره کرده است (www.gatra.com, 2009). اطلاعات منتشر شده توسط دفتر دموکراسی، حقوق بشر و کار وزارت امور خارجه ایالات متحده در گزارش آزادی مذهبی بین المللی سال ۲۰۰۸، اظهار داشت که در بین اکثریت سنی در اندونزی، یک میلیون تا سه میلیون پیروان شیعه وجود داشته است. آمارهای غیر رسمی، حاکی از آن است که جمعیت شیعه در اندونزی، در حال حاضر بیش از ده میلیون نفر است که نیمی از آنها را شیعیان کاملاً اعتقادی تشکیل می دهند؛ یعنی از نظر اعتقادی مانند شیعه ایرانی هستند. به علاوه گرایش به شیعه روز به روز در حال افزایش است؛ تاجایی که نفوذ شیعه در بخش های اقتصادی و سیاسی کشور، کاملاً محسوس است (جهانتاب، ۱۳۸۲: ۱۲).

جامعه شیعه همچنین تعدادی از مساجد را در برخی از شهرهای اندونزی بنا کرد. برخی از مساجد برجسته مسجد المهدی، کرانگن، جاکارتا شرقی، مسجد الحسین، ساوانگان، دپوک، المنتظر، تنگرنگ و مسجد الفلاح، بندونگ هستند. این مساجد نه تنها از میان شیعه بلکه از جامعه اهل سنت عبادت کنندگان را به خود جلب می کنند.

۳-۱-۲. رهبری شیعیان اندونزی

با وجود فشارهای سیاسی رژیم سوهارتو، رهبران شیعه در اندونزی، چه از محیط دانشگاه و چه از گروه استاد، با سوابق فکری اسلامی و شیعی هدایت نهضت اسلامی را در اختیار

داشتند. حلقه پردیس، متشکل از دانشجویان جوان مسلمان با پیشینه یادگیری نهادی نوین، پس از انقلاب در سال ۱۹۷۹ به عقاید و آموزه های تشیع نزدیکتر شد. مهمترین ویژگی جنبش آنها کنار گذاشتن تعصبات مذهبی، توسعه و نگرش ابراز عقاید بدون محدودیت، غیر فرقه گرایی و تلاش برای کثرت گرایی مذهبی بود. همه این ویژگیها، ظرافت هایی از رهبری آنها را نشان می دهد. در مقابل، گروه استاد فارغ التحصیلان مراکز علمی خاورمیانه هستند. آنها قبل از بازگشت به اندونزی، سالها در مدارس علمیه قم آموزش دیدند. بر خلاف دایره پردیس، پیشینه تحصیلی آنها بر پایه آموزش سنتی و مدارس شبانه روزی بود. بنابراین، آنها در تبلیغ تشیع در جامعه، فقه اسلامی (فقه) را مطابق مکتب فکری جعفریه تأکید می کردند (Zulkifli, 2005: 299).

این تفاوت ها از نظر سوابق تحصیلی و جهت گیری، مقدمه ای برای درگیری داخلی رهبران جامعه شیعه در دهه های بعدی شد. اما پس از سقوط رژیم سوهارتو از سال ۱۹۹۸، این درگیری ها در فضای آزاد و دموکراتیک آشکار گشت. حلقه پردیس معتقد بود که یک رهبر بدون در نظر گرفتن پیشینه قومی و تبار خود باید به صورت دموکراتیک انتخاب شود. این گروه توسط رحمت حمایت می شد، که اصرار داشت که رهبری باید برای همه باز باشد. در عوض، گروه استاد استدلال می کنند که رهبر باید از فرزندان اهل بیت پیامبر (اهل بیت) باشد، همانطور که در حدیث و مطابق با قرآن تصریح شده است (Esposito, 2001: 4).

نابرابری در زمینه تحصیلی و وابستگی مذهبی منجر به تجزیه داخلی نخبگان شیعه در اندونزی شده است. این دو گروه نخبه نهادهای مختلفی را تاسیس کردند. اگرچه هر دوی این مؤسسات هدف مشترک تبلیغ تشیع را دارند، اما ویژگیها، استراتژیها و رویکردهای آنها متفاوت است.

الف) ایجابی (IJABI)

حلقه پردیس توسط دانشجویان جوان مسلمان از چندین دانشگاه سکولار در کشور تأسیس شده است که پس از الهام گرفتن از انقلاب ایران، شیعه را پذیرفتند. در سالهای بعد، آنها به عنوان رهبران جامعه شیعه ظاهر شدند. عقاید پیچیده آنها تحت تأثیر سوابق تحصیلی آنها بوده و با نگرش فرا فرقه ای مشخص شده است (Esposito, 2001: 8). ایجابی یک ساختار سازمانی شبیه به گروه های مذهبی محلی دارد. قابل توجه ترین ویژگی این سازمان، در مقایسه با مبانی شیعه، این است که کنگره را به عنوان عالی ترین نهاد معتبر خود قبول دارد. IJABI که بصورت رسمی

به عنوان یک سازمان توده ای ثبت شده است، در طیف گسترده ای از فعالیت ها و مناطق نقش مهمی را در جامعه بازی می کند. ویژگی دیگر IJABI این است که اهمیت اخلاق را نسبت به فقه دینی (فقه) در اولویت قرار می دهد. این ویژگی به عنوان بستر سازمان، همکاری با سایر گروه های مذهبی مسلمان و غیرمسلمان در کشور را جلب می کند. با انجام این کار، ایجابی تمایل دارد با ترویج کثرت گرایی از طریق گفتگوهای بین ادیان، فرهنگ های محلی و قومیت ها، به اهداف خود برسد (Zulkifli, 2005:30).

ب) استاد (ustadh)

گروه استاد، متشکل از فارغ التحصیلان مراکز آموزشی خاورمیانه، مدتی در مدارس علمیه قم در ایران آموزش دیده بودند. بر خلاف گروه دایره دانشگاه، پیشینه تحصیلی آنها بر پایه آموزش سنتی بنا شده بود که در مدارس شبانه روزی اسلامی ارائه می شد. بنابراین، مبانی گروه ustadh بر اجرای فقه جعفری تأکید می کند آنها (Baried, 1976:62). تفکرات ایرانی را با تأکید ویژه بر کاربرد مفهوم ولایت فقیه در ساختار سازمانی شان منعکس می کنند. بالاترین مقام معتبر در سازمان ساختاری پایه های گروه استاد، یک شورای ارشاد مذهبی است که به ریاست یک رهبر مذهبی یا یک روحانی تشکیل می شود. این دقیقاً منطبق با مفهوم ولایت فقیه است که توسط امام خمینی در دهه ۱۹۷۰ معرفی شد. علاوه بر موارد فوق، موسسات مذهبی شیعی یا اسامی گوناگون فعالیت دارند. از جمله این موسسات می توان موارد ذیل را نام برد:

- المهد الاسلامی؛ واقع در بانگیل (جاوه شرقی)، تحت سرپرستی آقای سید علیرضا الحبشی و آقا سید محمد بن علوی؛
- مدرسه الهادی: واقع در بکلالونگلان جاوه مرکزی، تحت سرپرستی آقای سید احمد بارقه؛
- موسسه مطهری: واقع در باندونگ، تحت سرپرستی دکتر جلال الدین رحمت
- مدرسه عالمیه مدینه العلم: واقع در جاکارتا، تحت سرپرستی سید عبدالرحمن العیدروس؛
- موسسه تزکیه: واقع در جاکارتا، تحت سرپرستی خانم یانتی سود آمونو باهمکاری دکتر جلال الدین رحمت؛

۳-۱-۳. مناسک شیعی

یکی از سنت های رایج در اندونزی که از قدیم در میان جامعه اندونزی وجود داشته است و از اندیشه های ایرانی و شیعی متأثر بوده، مراثی است که در نقاط مختلف این کشور، طی دهه اول ماه محرم، به ویژه روز عاشورا برپا می گردد. برخی دیگر از سنت ها، همانند مراسم مربوط به تولد بچه و یا برگزاری هفتم، چهلم و احترام به علما و بزرگان دین و مقدس شمردن قبور آنها، مراسم نیمه شعبان، همچنین وجود سلسله مراتب در میان رهبران مذهبی که فرد خود را سونان، کیانی و آلونگ (آخوند) می نامد، همه متأثر از فرهنگ و سنت های ایرانی است که یا مستقیماً توسط خود ایرانی ها و یا از طریق شیعیان جنوب هند، وارد این کشور شده است (ربانی، ۱۳۷۳: ۸۵).

از نظر هویت مذهبی، نمی توان هواداران شیعه را در اندونزی از نظر ظاهر فیزیکی به راحتی تشخیص داد. هویت شیعی در اندونزی با پیشینه قومی یا وضعیت اجتماعی مرتبط نمی باشد، به عنوان مثال، شیعه سوندی، جاوایی یا بالینایی وجود ندارد (Rakhmat, 1998, 433). این بزرگترین کشور مسلمان جهان دارای ۵۵۰ هزار مسجد است که مشهورترین مساجد شیعیان اندونزی مسجد الهدی در جاکارتا، مسجد شهر سمارنگ و مسجد الثقلین در شهر باغیل است. در اندونزی حسینییه ها کوچک تر از مساجدند و در اصل برای بانوان ساخته می شود تا فعالیتها و مراسمات مذهبی خود را بطور جداگانه انجام دهند. یکی دیگر از مراکز مهم شیعیان اندونزی موسسات است. هر مؤسسه دارای مدرسه علمیه یا دانشگاه است که طلاب علوم دینی در آنجا آموزش می بینند که از مهمترین مؤسسات اندونزی می توان به موسسه الهدی در جاکارتا و موسسه شهید مطهری که در باندوگ اشاره کرد. به عنوان بخش هایی از آموزه های مذهبی تشیع، آیین ها و اجتماعات عمومی از جمله فعالیت های اساسی است. محمدحسین طباطبائی در کتاب خود "شیعه" خاطرنشان می کند که برخی از آیین های دینی و آداب و رسوم اساسی، علاوه بر اینکه مختص شیعه هستند، برخی از این آیین ها ممکن است برای اهل سنت نیز آشنا باشد (Taba' Taba' I, 1981). دانشمندان دیگر مانند ولی رضا نصر و گراهام ا. فولر، این دیدگاه را به اشتراک می گذارند که آنچه پیروان شیعه را از همتای اهل سنت خود جدا می کند مراسم بزرگ عزاداری و سوگواری عاشورا است (Fuller, 1999). از سنت ها و مراسم رایج

و دیرپا در میان مسلمانان اندونزی که دارای ریشه های شیعی و ایرانی است، مراسمی است که در نقاط مختلف این کشور، طی دهه اول ماه محرم به ویژه روز عاشورا برپا می شود. ذکر شهادت و خاطره مظلومیت حضرت سید الشهداء در این مناطق، بابرپایی مراسمی در قالب نمادهایی چون «تابوت» براق یا ذوالجناح و همچنین پخش گونه های مختلف غذاست (سعیدی نسب، ۱۳۹۲: ۱۰).

در اندونزی، جامعه شیعه همه ساله سالگرد این رویداد را گرامی می دارند. به عنوان یک حادثه غم انگیز، آنها لباس های عزاداری می پوشند. از موسیقی امتناع می ورزند. زیرا این زمان برای غم و اندوه و تأمل درونی است. آنها عزاداری خود را با گریه و همچنین با گوش دادن به اشعاری در مورد فاجعه کربلا ابراز می کنند. تمام این فعالیت ها برای ارتباط آنها با رنج حسین و فداکاری های وی در زنده نگه داشتن اسلام است. برخی از سنت ها و فرهنگ ها مانند بابور سورا^۱ در جاوا و کونجی آشور^۲ در آچه، تابوت آدر بنگ کلو (حسن زاده، ۱۳۷۷: ۳۱)، در جنوب سوماترا، مشخصاً از مراسمات الهام گرفته از شیعه بوده اند. این سنت به طور کلی در سراسر اندونزی با پختن فرنی سوماترا گرامی داشته می شود. در منطقه ساحلی غربی به خصوص در بنگکلو و پاریمان، مردم محلی راه پیمایی تابوت را برگزار می کنند. این مراسم به منظور تکریم حسین، امام دوم شیعیان است (Snouck Hurgronje, 1906). این مراسم در اندونزی، مانند تعزیه^۳ در ایران، در اصل ناشی از سنت دینی است که منحصراً در تشیع یافت می شود. مقایسه مراسم تابوت که در اندونزی برگزار می گردد با مراسم های مذهبی سایر کشورها مانند پاکستان، لبنان و ایران، به وضوح نشان می دهد که هر دو مراسم ریشه های فرهنگی یکسانی دارند.

۳-۱-۴. انتشار کتب و مجلات شیعی

آزیومردی آزا ادعا می کند که یکی از مهمترین عوامل گسترش شیعه در اندونزی، گسترش ادبیات اسلامی در اندونزی بوده است (Azyumardi Azra, 2006, 186). گسترش و افزایش

1. Bubur Suro
2. Kanji Asuro
3. Tabuik
4. Ta'ziyeh

انتشارات مذهبی شامل ترجمه آثار بیشمار متفکران اسلامی مانند محمد اقبال، مودودی، فضلور رحمان و خمینی بود. انتشار کتاب‌هایی با جهت‌گیری شیعی، به شیعیان کمک کرد تا در دهه ۱۹۸۰ در اندونزی شکوفا شوند. میزان پرس در سال ۱۹۸۳ توسط چندین دانشجوی و فعال مسجد سلمان در بندونگ، یعنی حیدر باقر، زین العابدین شهاب و علی عبدالله، با حمایت مالی عبدالله توه و انیس هادی تأسیس شد. میزان پرس Mizan Press شروع به انتشار مجموعه‌ای از کتاب‌های ترجمه شده در مورد تشیع در اوایل دهه ۱۹۸۰ نمود (Tempo Magazine, 1993). تا سال ۲۰۰۲، حداقل ۵۹ شرکت انتشاراتی در اندونزی به طور فعال مشغول چاپ کتاب‌های شیعی بودند که به اندونزیایی ترجمه شده بودند. این تعداد به حدود ۳۷۳ کتاب رسیده بود.

علاوه بر رونق در نشریات شیعه، در دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ سلسله سمینارهایی برگزار شد که رشد تشیع در اندونزی را تسریع می‌کرد. از طریق این سمینارها، ضمن بحث در مورد تشیع و مقایسه آن با اهل سنت، یک فرایند دیالکتیکی پویا در بین دانشمندان و روشنفکران اسلامی رخ داد. این روند، شیعه را به یک گفتمان آکادمیک بسیار مهم تبدیل کرد. انقلاب اسلامی ایران همراه با نوشته‌های شهید مطهری، آیت‌الله جعفر سبحانی، علامه طباطبایی و دکتر علی شریعتی و دیگر اندیشمندان شیعی که به زبان اندونزیایی ترجمه شده است، به اجتماع راه یافت (فناپی، ۱۳۶۸: ۴)؛ به گونه‌ای که پس از سالهای طولانی انفعال نسبت به علما و روحانیون، آنان را از نو به علما و دانشمندان علوم اسلامی امیدوار ساخت. این پدیده را می‌توان در افزایش علاقه مندی مردم به فراگیری علوم اسلامی مشاهده کرد.

۳-۱-۵. حضور گسترده سادات در اندونزی

در دوران خلفای عباسی، هنگامی که عرصه بر شیعیان، به ویژه فرزندان و نوادگان اهل بیت تنگ شد و انواع ظلم‌ها و ستم‌ها بر آنها وارد گشت، بسیاری از سادات در جستجوی مکانی امن، به دیگر سرزمین‌ها مهاجرت کردند. در میان این گروه، برخی از نوادگان امام جعفر صادق به چشم می‌خورند که از مسیر هندوستان و از طریق کشتی وارد جزایر اندونزی شدند. اینان فرزندان محمد بن علی العریضی ابن امام صادق بودند که در راس آنها احمد بن عیسی، فرزند محمد بن علی العریضی بن جعفر ا لصادق قرار داشت؛ از این رو به احمد بن عیسی لقب مهاجر دادند و

به احمد بن عیسای مهاجر ملقب شد (شهاب، ۱۳۸۵: ۲۷).

فرزندان و نوادگان احمد مهاجر که نزد ساکنان اندونزی از جایگاه و منزلت بالایی برخوردار بودند، به نقاط مختلف اندونزی مهاجرت کردند و به تبلیغ و نشر اسلام پرداختند. از این رو، سادات هم درگذشته و هم در عصر حاضر، نقش فعالی در صحنه های فرهنگی و اجتماعی داشته اند. جامعه اعراب اندونزی، بر مبنای نسل خود به دو دسته سید و غیر سید تقسیم شدند. سیدها که از فرزندان احمد بن عیسی المهاجر بن محمد بن علی العریضی بن جعفر بن محمد الصادق بودند، به دلیل انتسابشان به پیامبر نزد جامعه اندونزی از شرافت و موقعیت بالایی برخوردار بودند (مصطفی، ۱۳۸۰: ۴۵). اعراب مهاجر به ویژه سادات اندونزی، در شکل گیری سازمان های بزرگ سیاسی و اجتماعی اندونزی، همانند نهضت العلماء و محمدیه که در اواخر قرن هیجده تاسیس شده است و هم اکنون نیز جزو دوسازمان اسلامی عمده اندونزی به شمار می آیند، نقش اساسی بر عهده داشتند (بوئر، ۱۳۷۷: ۵۷).

۳-۲. شبکه روحانیت شیعه

تاثیر گذاری روحانیان تحصیل کرده در قم در سراسر اندونزی، به حدی است که می توان ادعا کرد جایی در این کشور نیست که نور ولایت در آن ساطع نباشد و روحانی تحصیل کرده در قم، در آن حاضر نباشد. فارغ التحصیلان حوزه علمیه قم، در ترویج مذهب و تربیت و تدریس تعالیم اهل البیت به شیعیان نقش بسزایی داشته اند.

ظهور گروه استاد نتیجه تعامل طولانی و سنتی میان دانشمندان اسلامی در خاورمیانه و همتایان آنها در اندونزی بوده است. تعدادی از محققان، مانند آزیومردی آزرا، مونا آبازا و فرد آر. فون مهند، تحلیل های چشمگیری را در مورد این تعامل ها ارائه داده اند. تحلیل دانشمندان بیانگر این است که یکی از وجوه مهم این پیوندها، افزایش نفوذ اندیشه های خارجی در مجمع الجزایر است. دانشجویان این منطقه سالها در خاورمیانه زندگی می کردند تا دانش اسلامی را مطالعه کنند و پس از بازگشت به اندونزی، موعظه کنندگان پیشرو در این کشور شدند (Azyumardi, 2005, 3-21). طلاب و فارغ التحصیلان حوزه علمیه قم پس از سالها تحصیل در ایران، به مجمع الجزایر بازگشتند. بدین ترتیب ترویج کننده اصلی تشیع شدند و در عین حال همچنان به روابط خود با استادان خود ادامه دادند.

این شبکه به طرز قابل جالب توجهی پویا است. زیرا نه تنها در بردارنده رابطه استاد و شاگرد است، بلکه یک جامعه علمی جهانی را نیز تشکیل می‌دهد که به واسطه ارزش آموزه شیعه که در یک رابطه محکم تحت عنوان مرجعیت قرار گرفته است، با یکدیگر پیوند خورده‌اند. تعامل بین این دانشمندان و دانش‌آموزان از نقاط دوردست جهان اسلام منجر به گسترش بیشتر شبکه‌های بین‌المللی علمای شیعه، ساکن قم شد. در واقع، قم مهمترین مکان این شبکه‌های جهانی روحانی شیعه است (Syamsuri, 2002: 4-5). رابطه مدرسین حوزه علمیه قم با طلاب اندونزیایی پس از انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ شدت گرفت و در طول دهه ۱۹۸۰ نیز ادامه یافت (برزگر، ۱۳۹۱: ۳۹). علمای ایرانی با صدور انقلاب اسلامی به تدریج با جذب دانشجویان مسلمان برای تحصیل در ایران، روابط خود را با کشورهای مسلمان مانند اندونزی گسترش دادند. این ارتباط به انتشار شیعه در اندونزی کمک شایانی کرد.

ورود فارغ‌التحصیلان قم در اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ به تحکیم جنبش رو به رشد شیعه در اندونزی کمک کرد. آنها مستقیماً در مجامع غیر رسمی مانند مراسم شیعه و جلسات مذهبی (پنگاجیان) شرکت می‌کردند. علاوه بر این، فارغ‌التحصیلان قم نیز مرتباً آیین‌های شیعه (آیین‌های مجلس) را انجام می‌دادند، مانند دعای کمیل، عاشورا و غیره. به عنوان رویدادهای انفرادی، این اجتماعات به گسترش تشیع در کشور کمک کردند (Syamsur, 2002). حتی بیشتر آنها بعداً با ایجاد موسساتی همچون الجواد در بندونگ (تأسیس در ۱۹۹۰)، الهادی در پکالونگان (۱۹۸۹)، و ملاصدرا در بوگور (۱۹۹۳) چنین اجتماعات را گسترش دادند. گروه استاد به عنوان فارغ‌التحصیلان قم، هنوز روابط خوبی با معلمان سابق خود داشته و مؤسسات آنها از دفتر مرجعیت در ایران کمک می‌گیرند. این پشتیبانی روابط بین شبکه‌های بین‌المللی سازمان‌های شیعه را نشان می‌دهد.

۳-۳. شبکه دانشگاهیان و روشنفکران شیعی

اشاره شد که رهبری جامعه شیعی اندونزی به وسیله دو گروه از رهبران اداره می‌شود. این دوگانگی، پیامدهای قابل توجهی در ادراکات شخصی و مذهبی بوجود آورده است. به عنوان مثال، ظهور دایره دانشگاه از انقلاب ایران در سال ۱۹۷۹ و احیای اسلامی اواخر دهه ۱۹۷۰ الهام گرفته است. اعضای حلقه پردیس اکثراً فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های سکولار دولتی

بودند. اینان تمایل به پشتیبانی از یک درک مترقی در آموزه های دینی و علاقمند به تبلیغ کثرت گرایی در جامعه داشتند. در برقراری روابط با سایر گروه های مذهبی، از جمله گروه های مختلف مسلط، قدرت و سازگاری بالایی را نشان دادند. ظهور آنها به عنوان رهبران شیعه در طبقه متوسط جامعه اندونزی به عنوان بخشی از شکوفایی جنبش های جوانان مسلمان در دانشگاه های سراسر کشور در دهه ۱۹۸۰ بود. از مهمترین ویژگیهای حرکت آنها، کنار گذاشتن تعصب مذهبی، توسعه نگرش آزاد به مذاهب، عدم فرقه گرایی و تلاش برای کثرت گرایی مذهبی است (Hefner, 200, 123).

روحیه احیاگرایی این جریان، منجر به گسترش ظهور گروههای مختلف اسلامی، مانند حزب التحریر، تربیه اسلامی، جامعه تبلیغ و دارالارقام و شیعه گردید. این جنبش های اسلامی نفوذ خود را از طریق بحث های دانشگاهی در دانشگاه ها گسترش می دادند (Fox, 2004). آنها توجه خود را به سمت جذابیت های فرهنگی جلب کردند. مهمترین جلوه این دوره جدید، شکوفایی گفتمان روشنفکری اسلامی در بین روشنفکران نوظهور مسلمان بود. ویژگی بارز این دوره جدید، احیای علمی اسلامی و ایجاد نگرش آزاد بود (Feener, 1999, 118-120). همانند سایر جنبشهای اسلامی دیگر در کشور که در دهه ۱۹۷۰ در پردیس های دانشگاهی در اندونزی گسترش یافتند، شیعه نیز شکوفا شد و در مسیرهای مشابه گسترش یافت. بنابراین تکثیر اولیه تشیع در دانشگاه ها رخ داد. تأثیر تفکر شیعه در طیف گسترده ای از جریان های فکری در گفتمان اسلامی قابل مشاهده است. تشیع در سراسر کشور به عنوان نوعی جایگزین بی بدیل گفتمان اسلامی در اندونزی، مورد توجه دانشجویان قرار گرفته است (Bruinessen, 1999, 117-154).

همزمان با افزایش روزافزون تعداد پیروان شیعه در بین دانشجویان در سراسر کشور، برخی از دانشجویان برجسته در دانشگاه های پیشرو در تبلیغ مفاهیم و تفکرات شیعه پیشگام شدند. اعضای حلقه پردیس دانشگاه از سمینارهایی پیرامون دین و توسعه حمایت می کردند و مجلات و کتاب هایی را منتشر می کردند. سرانجام، جنبش دانشگاه برای شیعیان به فراتر از دانشگاه رسید و زندگی طبقه متوسط و بالای شهری را نیز تحت تاثیر قرار داد. برخی از آنها حتی اقدام به راه اندازی یک شرکت انتشاراتی کردند. این تجارت سودآور تا حد زیادی نقش حلقه دانشگاهی در حال ظهور را بعنوان رهبران شیعه مورد حمایت قرار می داد.

۳-۳-۱. جلال الدین رحمت

دانشجویان متمایل به تشیع، به طور فعالانه ایده های شیعه را برای افراد تحصیل کرده طبقه متوسط معرفی کردند. چهره اصلی این گروه جلال الدین رحمت، مدرس دانشگاه UNPAD^۱ و دانشگاه Pajajaran در بندونگ، جاوا غربی بود. در سال ۱۹۸۸، او و همکارانش، حیدر باقر، احمد تفسیر، آگوس افندی و احمد مهاجیر، بنیاد مطهری را در بندونگ برای ترویج دعا و فعالیت های انتشاراتی تأسیس کردند. در سال ۱۹۹۲، او فعالیت خود را برای راه اندازی دبیرستان ها گسترش داد. در حقیقت، رحمت به عنوان فعال ترین روشنفکر در تبلیغ تشیع در بین دانش آموزان پردیس ها و در بین تحصیل کرده ها شناخته می شد. او علاوه بر سخنرانی های خود، نوشتارهای زیادی نیز در مورد تشیع تولید کرد.

از جمله آثار رحمت، اسلام آترناتیو^۲ در سال ۱۹۸۶ است. این کتاب با ویرایش حیدر باقر، مجموعه ای از سخنرانی های وی در ITB است. این کتاب با داشتن پنج فصل، در هر فصل درباره موضوعات مختلف اسلامی بحث می کند. مضامین این کتاب، اسلام را به عنوان رحمتی برای جهانیان بیان کرده است این کتاب، نه تنها در مورد مسائل شخصی و آیینی بلکه مهمتر از همه در موضوعات اجتماعی و روشنفکری، روشی متفاوت برای دیدن اسلام به عنوان یک دین ارائه می دهد.

کتاب دیگر اسلام واقعی^۳: تأملات اجتماعی یک روشنفکر مسلمان، ۱۹۹۱، مجموعه ای از مقالات وی است که توسط برخی رسانه های ملی، مانند Panji, iikiran Rakyat, Tempo، Berita Buana, Masyarakat منتشر شده است. فاینر خاطر نشان کرد که رحمت در این کتاب تلاش می کند تا الگویی جدید و مؤثرتر از احیاگرایی اسلامی ایجاد کند و رویکردهایی از مطالعات رسمی وی در ارتباطات به تصویر بکشد (Feener, 1999, 122). این آثار رحمت به همراه سوابق تحصیلی وی باعث شده است که رحمت رهبر جامعه شیعه در اندونزی شود. شکل گیری فکری وی هم در علوم دینی و هم غیر علوم دینی به نوبه خود در نگرش صراحت و تسلط در رهبری وی تأثیر داشته است.

1. Universitas Pajajaran, Pajajaran University
2. Islam Alternative
3. islam Aktual: Refleksi Sosial Seorang Cendekiawan Muslim

۳-۲-۳. حسین اکلاف

حسین اکلاف متولد جاتیوانجی، در قسمت غربی جاوا، از یک خانواده سنی متعصب می باشد. پدر وی، محمد اکلاف، که از خانواده ای سید است، یک روحانی مورد احترام در جاوا بود. حسین اکلاف از مبارزات مردم ایران، به ویژه رهبر کاریزماتیک آن، امام خمینی، در دوران مدرسه ابتدایی خود و در سال ۱۹۸۰ تأثیر گرفت. اکلاف پس از اتمام دوره ابتدایی، تحصیلات خود را در مدرسه شبانه روزی یاپی در بنگل، شرق جاوا ادامه داد و در آنجا دانش بیشتری در مورد تشیع کسب کرد. در سال ۱۹۸۷ با توصیه استادش (حسین الحبسی) توانست تحصیلات خود را در حوزه قم ادامه دهد. همزمان با تحصیل در حوزه، اکلاف در محافلی که توسط محققان برجسته در قم برگزار می شد، شرکت کرد. مشارکت وی در این محافل باعث شد وی بتواند تحت هدایت علمای مشهور قم تحصیل کند. زندگی حوزوی و آشنایی وی با علمای سنتی شیعه تأثیر عمده ای در شکل گیری تفکرات وی داشته است. پس از بازگشت به اندونزی، اکلاف به عنوان رهبر بنیاد الجواد باندونگ، در غرب جاوا منصوب شد. این بنیاد فعالیت های گسترده ای را در زمینه آموزش، کتابخانه و نشریاتی از جمله تهیه بسته های مطالعاتی در فقه، کلام و فلسفه ترتیب داد. اکلاف به عنوان یک پیرو شیعه که موظف به انتخاب مرجع تقلید خود بود، در جهت های مذهبی خود از امام خمینی پیروی کرد (Feener, 1999: 153). پس از درگذشت امام خمینی، اکلاف به عنوان مرجع خود به سمت آیت الله خامنه ای گرایش یافت.

۴. آثار انقلاب اسلامی و فرهنگ ایرانی بر شیعیان اندونزی

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، همه مسلمانان اندونزی را واداشت به تحولی نوین درباره نحوه زندگی تفکر خود رو آورند. در میان طبقات مختلف جامعه این کشور، قشر تحصیلکره و دانشگاهی آن بیش از پیش از نعمت انقلاب بهره جسته اند. آنان چه در دانشگاه و چه در حوزه های علوم اسلامی، توانستند با معیار قرار دادن انقلاب اسلامی، اسلام راستین را از اسلام برساخته ابرقدرت ها باز شناسند و با ارزیابی خود هر کدام را جدا از هم مورد بررسی و کاوش قرار دهند (دایره المعارف تشیع، ۱۳۶۸: ۴۲۳). در ابتدا در اندونزی، انقلاب اسلامی هم ایدئولوژی و عقاید سیاسی اسلامی را برانگیخته و هم توانایی حکومت محلی را در توجیه نظارت و سرکوب جنبش های مخالفان اسلام گرا تقویت کرد. فعالان مسلمان در آسیای

جنوب شرقی همچون همگنان خود به انقلاب ۱۳۵۷ متوسل شدند و تهران را واداشتند پاسخ توجهات و احترامات آنها را به آیت الله خمینی بپردازد. انقلاب ایران همچون دیگر موقعیت های اسلامی، اثر مهمی بر عناصرگاه مذهبی داشت. این انقلاب، یک سلسله نیروهای دیگر را تقویت کرد که از احیای اسلام در این منطقه قوت می گرفتند (اسپوزیتو، ۱۳۸۶: ۲۷). اسلام سیاسی و قدرت ایدئولوژی آن پیامی بود که انقلاب اسلامی ایران برای مسلمانان ارائه کرد.

شیعیان اندونزی علاقه خاصی به امام خمینی و آیت الله خامنه ای دارند. نفوذ فرهنگی و ادبی ایران نیز در این کشور، بسیار گسترده است؛ چه اینکه اسلام در درجه اول به دست ایرانی ها به اندونزی راه یافته است؛ از این رو فرهنگ و ادب ایرانی نیز به همراه آیین اسلام در جاوه و سوماترا نفوذ و گسترش یافت (مطهری، ۱۳۵۷: ۳۲۳). انقلاب اسلامی تجربه ی خوبی بود که آن ها به هویت اسلامی خود برگردند. به اذعان بسیاری از اندیشمندان اندونزیایی، بازگشت به هویت اسلامی در اندونزی مدیون انقلاب اسلامی است. انقلاب اسلامی ایران تاثیر عمیقی در حیات فکری مسلمانان در جنوب شرقی آسیا و از جمله اندونزی بر جای گذاشته است. همزمان با تنزل و جبهه ی ایدئولوژی های سکولار و اوج بازگشت به ارزش های دینی و اصیل، انقلاب اسلامی ایران به عنوان نمادی از اسلام سیاسی جدید، نگرش سنتی مسلمانان در جنوب شرق آسیا از جمله کشور اندونزی نیز دستخوش دگرگونی شد. متفکران مسلمان از طرح ایدئولوژی اسلامی به عنوان جایگزین نسخه های غربی - مارکسیستی و لیبرالیستی - استقبال کرده و تلاش نمودند تا از طریق تفسیر مجدد مفاهیم اسلامی راه حل های جدیدی برای مسایل سیاسی و اقتصادی پیدا کنند، سهم متفکران ایرانی در این فرآیند غیر قابل انکار است؛ تاجایی که به تعبیر یکی از تحلیل گران اندونزیایی، مکتب قم (امام خمینی، شریعتی، مطهری، محمدباقر صدر و...) به تدریج جایگزین مکتب فرانکفورت شد و به عنوان منبعی جدید والهام بخش، تعریف جدیدی از آرمان های اجتماعی، مثل آزادی، عدالت، دفاع از محرومان و ... مبنی بر ارزش های اسلامی ارائه کرده است. به طور کلی ما با یک رنسانس فکری از طریق ترجمه و متفکران ایرانی به همراه آثار دیگر متفکران جهان اسلام مواجه هستیم که باعث تحریک مباحث جدید فکری و غنای گفتمان رایج اسلامی شده و این پدیده به نوبه ی خود باعث تسریع فرآیند احیای اسلام سیاسی در اندونزی گردیده است (محمدی، ۱۳۸۵: ۴۷۴). ترجمه و انتشار آثار امام خمینی و دیگر متفکران ایرانی مثل شریعتی و مطهری باعث تغییر تدریجی گفتمان رایج اسلامی در منطقه

شده است. بعد از انقلاب اسلامی بسیاری از زنان مسلمان اندونزی افتخار می‌کردند که پوشش اسلامی داشته باشند.

حوزه‌ی دیگر تاثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران، رهبری امام خمینی (ره) است. در اندونزی علما بودند که متوجه شدند، کارکردهایی که یک عالم دینی می‌تواند با تمسک به دین داشته باشد، بسیار زیاد است. بسیاری از عالمان بعد از پیروزی انقلاب به این نقش پی بردند و همه تاکید داشتند تحولی که در انقلاب اسلامی به رهبری شخصیت روحانی اتفاق افتاده، یک تجربه‌ی موفق است. روی هم رفته می‌توان گفت: پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، شیعه حیات مجدد یافته است و از لحاظ رشد فکری و سیاسی، در حال طی نمودن راه تعالی است. انقلاب ایران با وجود اینکه بیشترین تأثیر بر جنبش‌های شیعی منطقه‌ی خاورمیانه گذاشت ولی در جنوب شرق آسیا و طور خاص در کشور اندونزی بعد از گذشت چند دهه از انقلاب ایران، شاهد تأثیرپذیری شگرفی از مردم و احزاب این کشور از انقلاب ایران نبوده ایم. با توجه به آنچه که در بالا ذکر گردید، در مجموع می‌توان سه عامل عمده در اندونزی را مانع بازتاب انقلاب اسلامی ایران در این کشور دانست:

۱. ایدئولوژی شیعی انقلاب اسلامی ایران؛

۲. قدرت یابی نظامیان در اندونزی؛

۳. عدم وجود رهبران برجسته جهت سا زماندهی گروههای معترض در اندونزی.

نتیجه گیری

اندونزی بعنوان یک کشور مسلمان در جنوب شرقی آسیا، تعداد زیادی از شیعیان را در خود جای داده است؛ به گونه‌ای که امروزه شاهد گسترش و افزایش موج گرایش به تشیع در این کشور هستیم. تأسیس موسسات و مراکز اسلامی و شیعی در این کشور و ورود رهبران شیعی در عرصه‌های مختلف جامعه مسلمانان اندونزی خود حاکی از فضای عظیم شیعی در این سرزمین است. تحقیق در مورد شیعه به عنوان یکی از فرقه‌های مهم اسلامی در اندونزی و بازنمایی منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در این کشور از چند جهت بسیار مهم است. اول، اندک بودن منابع ادبیاتی و اطلاعاتی در مورد فرهنگ و قدرت شیعه در اندونزی، دوم، شیعه به عنوان یکی از مهمترین مذاهب جهان، باید ریشه‌های تاریخی خود را در منابع

ردیابی کند تا درک درستی در خصوص گسترش اسلام شیعه در اندونزی حاصل گردد. سوم، تاثیر انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ ایران است. تأثیرات سیستماتیک و بزرگ آن در توسعه و گسترش تعالیم شیعه در اندونزی بواسطه جنبش علمی جوانان اندونزیایی، از طریق بورس‌های تحصیلی رایگان به ایران (قم) و افزایش کتابهای تاریخ شیعه از سال ۱۹۷۹ در اندونزی مشهود است. انقلاب اسلامی ایران تأثیرات عمیقی در حیات فکری مسلمانان در جنوب شرقی آسیا و از جمله اندونزی به جا گذارده است. ترجمه و انتشار آثار حضرت امام خمینی (ره) و دیگر متفکران ایرانی مثل شهید مطهری (ره) باعث تغییر تدریجی گفتمان رایج اسلامی در منطقه شده است. در حال حاضر جنبش شیعه به واسطه انجام فعالیت‌های شیعیان در اندونزی با محوریت آموزه‌های شیعه نظیر اهل‌بیت، بداء، عاشورا، امامت، مرجعیت، رجاء، تقیه، تولی رنگ جدیدی در این کشور به خود گرفته است. جمهوری اسلامی ایران با بهره‌گیری توانان از دیپلماسی علمی و دیپلماسی عمومی منابع قدرت نرم خویش را در اندونزی بیش از پیش تحکیم و گسترش داده است. یافته‌های این مقاله نشان داد که نفوذ روز افزون آموزه‌های انقلاب اسلامی ایران در اندونزی به شیوه نرم افزاری قدرت بوده است. منابع قدرت نرم ایران در اندونزی هر یک به نوع خود حائز اهمیت بسیار است. در نهایت اینکه، مذهب شیعه، شکل‌گیری جامعه شیعی، رهبری شیعیان، مناسک مذهبی، انتشار کتب و مجلات شیعی، شبکه ارتباطی مرجعیت و روحانیت شیعه و شبکه ارتباطی دانشگاهیان و روشنفکران شیعی اندونزی مهمترین منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران را در کشور اندونزی تشکیل می‌دهند.

منابع

۱. اسپوزیتو، جان ال (۱۳۸۶). انقلاب ایران و با زتاب جهانی آن، مترجم محسن مدیر شانه چی، تهران: انتشارات باز.
۲. افتخاری، اصغر (۱۳۸۹). قدرت بدون خشونت، در قدرت نرم و عدم خشونت، تالیف جین شارب، ترجمه سیدرضا مرزانی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۳. اقبال لاهوری، محمد (۱۳۵۶). احیای فکر دینی در اسلام، ترجمه محمدآرام، تهران: اساطیر.
۴. برزگر، ابراهیم (۱۳۹۱). نظریه‌های با زتاب جهانی انقلاب اسلامی ایران، تهران: دانشگاه امام صادق.

۵. برزگر، ابراهیم و حسینی، سید محمد صادق (۱۳۹۲). «نظریه پخش و بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر عربستان سعودی»، فصلنامه مطالعات اسلامی، سال دهم، شماره ۳۳.
۶. البلاذری، ابی الحسن (۱۹۷۸م). فتوح البلدان، بیروت: دارالعلمیه.
۷. جهانتاب، مهدی (۱۳۸۲). گزارش کارشناسی سفر به کشورهای تایلند و اندونزی، تهران: مجمع جهانی اهل بیت.
۸. حسن زاده، مهدی (۱۳۷۷). «نگاهی به مراسم دهه محرم در جنوب اندونزی»، مجله زائر، شماره ۶۶.
۹. دایره المعارف تشیع (۱۳۶۸). به کوشش احمد صدرحاج سید جودای، کامران فانی و بهالالدین خرمشاهی، ج ۲، تهران: شرکت افست
۱۰. ربانی، محمدعلی (۱۳۷۳). «حضورتاریخی فرهنگ شیعی در اندونزی»، چشم انداز، شماره ۱.
۱۱. سعیدی نسب، تورج (۱۳۹۲). «راههای گسترش و نفوذ اسلام در اسناد عصر اموی»، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه آاد اسلامی واحد تهران مرکز، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
۱۲. شهاب، محمد اسد (۱۳۸۴). «صفحات من تاریخ الشیعه فی اندونسیا»، درس های از مکتب اسلام، شماره ۵.
۱۳. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۶۷). انقلاب اسلامی و ریشه های آن، تهران: کتاب سیاسی.
۱۴. فنایی، علی (۱۳۶۸). «اندونزی برسر دوراهی»، ترجمان سیاسی، شماره ۳۳.
۱۵. محمدی، منوچهر (۱۳۸۵). بازتاب های جهانی انقلاب اسلامی، چاپ اول، تهران: نشر سازمان فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۶. مصطفی، شاکر (۱۳۸۰ق). الاسلام فی الاشرق الاقصی، ترجمه قیصر مجول، ج ۳، بیروت: موسوعه دورالعالم الاسلامی و رجالها.
۱۷. مطهری، مرتضی (۱۳۵۷). خدمات متقابل اسلام و ایرن، تهران: صدرا.
۱۸. مظفر، محمد حسین (۱۳۶۸). تاریخ شیعه، ترجمه دکتر سید محمد باقر حجتی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۹. مهدوی، اصغر آقا و مهدی نادری بابا ناری (۱۳۹۰). «کاربرد قدرت نرم از ناحیه استکبار؛ رویکرد قرآنی»، فصلنامه دانش سیاسی، سال هفتم، پائیز و زمستان، شماره ۲، پیاپی ۱۴.
۲۰. نای، جوزف (۱۳۸۷). قدرت نرم، ترجمه سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)

۲۱. نوئر، ولیار (۱۳۷۷). نهضت‌های نوین اسلامی در اندونزی، ترجمه ایرج رزاقی، تهران: چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
22. Anthony, R. (1988), *Southeast Asia in the Age of Commerce, 1450-1680*, Chiang Mai, Silkworm Books,
23. Azyumardi, A.(2006), *Indonesia, Islam and Democracy: Dynamics in a Global Context* ,Jakarta: Solstice,
24. Azyumardi, A.,(2005) "Islamic Thought: Theory, Concept and Doctrine in the Context of Southeast Asian Islam" in *Islam in Southeast Asia: Political, Social and Strategic Challenges for the 21st Century*, ed. Nathan, K.S. (Singapore: Institute of Southeast Asian Studies, 2005), 3-21.
25. Baried, Baroroh (1976): "Shi'a Elements in Malay Literature", in *Profiles of Malay Culture, Historiography, Religion and Politics*, edited by Sartono Kartodirdjo, Jakarta: Departemen P & K.
26. Baried,B.(1979), "Shi'a Elements in Malay Literature" in *Profiles of Malay Culture, Historiography, Religion and Politics*,edited by Sartono Kartodirdjo ,Jakarta: Departemen P & K, pp. 59-65.
27. Berebut Pasar Dalam Dakwah,(1993) *Tempo Magazine*, 02 October 1993. <http://majalah.tempointeraktif.com/id/arsip/1993/10/02/BK/mbm.19931002.BK4530.id.html> (accessed on 5 September 2010)
28. Esposito, John L and John O. Voll (2001): *Makers of Contemporary Islam*, New York: Oxford University Press.
29. Fatimi,S, Q.(1963) ,*Islam comes to Malaysia* ,Kuala Lumpur: Malaysian Sociological Research Institute,
30. Graham E Fuller,E.G ; Francke,R,R.(1991), *The Arab Shi'ism: The Forgotten Muslims* ,Hampshire and London: Macmillan Press,
31. Hamka, *Antara Fakta dan Khayal*,(1979), 'Tuanku Rao' ,Jakarta: Bulan Bintang.
32. Hasymi, A.(1983), *Syi'ah dan Ahli Sunnah Saling Rebut Pengaruh dan Kekuasaan Sejak Awal Sejarah Islam di Kepulauan Nusantara* ,Surabaya: Bina Ilmu .

33. <http://www.gatra.com/cari.php?cari=ijabi&lingkup=all> (accessed 02 January 2009)
34. Ibrahim Muhammad Rabi ibn Muhammad, (1972), *The Ship of Sulaiman*, New York: Columbia University Press.
35. Jalaluddin Rakhmat, (1998), *Catatan Kang Jalal, Visi Media, Politik, Dan Pendidikan*, Bandung: Remaja Rosdakarya, pp. 433-460.
36. James J. Fox, (2004), "Currents in contemporary Islam in Indonesia", paper originally presented at the annual Asia Vision 21 conference and research forum in 2004, Cambridge, Massachusetts.
37. Jamil. M Yunus, (1968), *Tawarikh Raja-raja Kerajaan Aceh* „Banda Aceh: Iskandar Muda, as cited by Azyumardi Azra in "Syi'ah di Indonesia: Antara Mitos dan Realitas";
38. Mangaraja Onggang Parlindungan, (1964), *Tuanku Rao* ,Jakarta: Tanjung Harapan,
39. Martin van Bruinessen, (1990), "Indonesia's ulama and politics: caught between legitimising the status quo and searching for alternatives", *Prisma — The Indonesian Indicator* ,Jakarta, No. 49 , pp. 52-69.
40. Martin van Bruinessen, "Genealogies of Islamic Radicalism in post-Suharto Indonesia", *South East Asia Research*, vol. 10, no. 2, 117-154.
41. Micheal R. Feener, (1999), "Tabut: Muharram observances in the history of Bengkulu", *Studi Islamika*, 1999, 6 (2) 87-130.
42. Nye, J. S. (2004) *Soft Power and Higher Education*, Harvard University.
43. Nye, Joseph (2003). "U.S Power and Strategy after Iraq", *Foreign Affairs*, 82(4),
44. *Risalah Kucing Dari Yogya*”, *Tempo Magazine*, 22, October 1983. <http://majalah.tempointeraktif.com/id/arsip/1983/10/22/NAS/mbm.19831022.NAS44962.id.html> (accessed on 13 March 2010)
45. Robert W. Hefner, (1993), "Islam, State, and Civil Society: ICMI and the Struggle for the Indonesian middle class" *Indonesia*, No. 56, 1-35.

46. Robert W. Hefner, (2000), *Civil Islam: Muslims and Democratization in Indonesia*, New Jersey: Princeton University Press,
47. Saiful Mujani, (2003), "Religious Democrats: Democratic Culture and Muslim Political Participation in Post-Suharto Indonesia", PhD diss. the Ohio State University,
48. Seminar Mencerca Syiah", *Tempo Magazine*, 23 January 1988. <http://majalah.tempointeraktif.com/id/arsip/1988/01/23/AG/mbm.19880123.AG29010.id.html#> (accessed on 10 January 2010)
49. Snouck Hurgronje, (1906), *The Achehnese*, Volume I, translated by A.W.S. O'Sullivan, Leiden: E.J. Brill.
50. Syamsuri Ali, (2002), "Alumni Hawza Ilmiah Qum, Pewacanaan Intelektualitas dan Relasi Sosialnya Dalam Transmisi Syiah di Indonesia", PhD diss., the State Islamic institute of Syarif Hidayatullah, Jakarta, , 4-5. *Tempo Magazine*, 1993
51. Taba`Taba`i, S, M, H. (1981), *Shia*, Qom: Ansyarian Publication,
52. Teguran Buat Tamu, (194) *Tempo Magazine*, 29 October 1984. <http://majalah.tempointeraktif.com/id/arsip/1983/10/29/NAS/mbm.19831029.NAS46159.id.html> (accessed on 13 March 2010)
53. Terjun Bebas di Qum, (1991) *Tempo Magazine*, September 1991. <http://majalah.tempointeraktif.com/id/arsip/1991/09/07/NAS/mbm.19910907.NAS15057.id.html> (viewed on January 2010)
54. Tilly, C. (1978). *Theory of Islamic*, London: Fotana.
55. Wieringa, E. (1996), "Does Traditional Islamic Malay Literature contain Shi`itic Elements?: Ali and Fatima in Malay Hikayat Literature", *Studia Islamika*, 3.4, pp. 93-111.
56. William, R. (1976). *Keywords*, London: Fotana.
57. Zulkifly (2005): "Seeking Knowledge onto Qum: The Education of Indonesian Shi`I, Ustadhs," *IIAS News Letter*, September, No. 38,

پیشرفت‌های اجتماعی به عنوان ابزار قدرت نرم و چالش‌های آن در جمهوری اسلامی در اندیشه‌ی امام خمینی (ره)

محمود شرفی^۱

فروزان رضائی ورمزیار^۲

چکیده:

پیشرفت‌های اجتماعی و به موازات آن چالش‌های پیش‌رو در جمهوری اسلامی همواره در طی این سالها نکته‌ای بوده که مد نظر امامین انقلاب قرار گرفته است، به لحاظ اهمیت موضوع در مقاله حاضر با هدف استخراج شاخص‌ها و مؤلفه‌های پیشرفت اجتماعی به عنوان ابزار قدرت نرم و در ادامه با ترسیم چالش‌های آن در بُعد اجتماعی با تکیه به اندیشه امنیتی امام خمینی (ره) انجام گرفته است. به همین منظور مسئله اصلی این تحقیق شناخت اندیشه‌های اجتماعی حضرت امام (ره) است؛ زیرا با شناخت اندیشه‌های اجتماعی حضرت امام خمینی (ره) و پیشرفت‌ها و چالش‌های آن می‌توان درگاه بعدی به نظریه‌های در ابعاد مختلف آن دست‌یافت و در عمل از آن‌ها استفاده کرد. این تحقیق به لحاظ هدف کاربردی و از نوع توصیفی - تحلیلی است که برای تحلیل یافته‌ها از فن تحلیل محتوا استفاده شده است. در حوزه یافته‌های تحقیق با بررسی و ارکان اجتماعی اندیشه امام خمینی (ره) که عبارتند از حکومت اسلامی، مردم و دولت‌مردان پیشرفت‌های این حوزه تبیین گردید و چالش‌ها و ضعف‌ها هم بیان شد و در نهایت نتیجه‌گیری که مبتنی بر یافته‌های تحقیق انجام و یک مدل مفهومی در حوزه بُعد اجتماعی اندیشه امام خمینی (ره) ترسیم و تشریح گردید.

واژگان کلیدی: پیشرفت اجتماعی، قدرت نرم، چالش، اندیشه، امام خمینی (ره).

۱. دانش آموخته رشته مدیریت فرهنگی دانشکده شهید محلاتی، قم، ایران (نویسنده مسئول)
shaker6047@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری علوم قرآنی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران.

مقدمه

بدون تردید امام خمینی (س) را باید در زمره اندیشه‌ورزان دینی و مصلحان اجتماعی تلقی کرد که اندیشه‌های اجتماعی ایشان از منظر علوم اجتماعی از جامعیت خاصی در سطوح نظری و عملی جامعه برخوردار است. این مسئله نه فقط به دلیل جایگاه علمی، بلکه به جایگاه اجتماعی و پیروی آحاد مردم در جامعه از ایشان و تأثیر شگرفی که در تحولات دنیای جدید داشته و دارند نیز مرتبط است. رهبری انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران، بخش‌هایی از ژرف‌نگری امام (ره) را عینیت بخشیدند، اما همه آنچه از ایشان ظهور کرد، تمام ایده و ظرفیت حضرتش نبود و آنچه نیز در خارج تحقق پیدا کرد، از نظر تحلیل مبانی و خاستگاه اندیشگی ایشان، کاملاً روشن و درک نشده است.

به نظر می‌رسد موضوع پیشرفت در عرصه مقابله با شیوه‌های نفوذ دشمن در اجتماع مانند تبلیغات سیاسی، تهاجم فرهنگی، تخریب شخصیت‌های مؤثر انقلاب، به شهادت رساندن مسئولان و مردم عادی در کوچه و خیابان و دلسرد کردن مردم به وسیله تهاجم خبری و جریان یک‌سویه رسانه‌های غربی و حتی تهاجم گسترده نظامی و تحمیل هشت سال جنگ علیه انقلاب اسلامی، همچون سایر مفاهیم و موضوعات دیگر اجزایی از یک مجموعه فکری قاعده‌مند و منسجم هستند که بر محور تعالیم اسلامی و از نوع نگاه امام (س) به جامعه و مردم شکل می‌گیرند. تا نگاه کلان امام (س) یا مبانی فکری و فرائضی ایشان در طول نهضت اسلامی و شیوه‌های رهبری امام (ره) در جامعه، ترسیم شود.

علاوه به این، هشدارهای ایشان برای تقویت روحیه جمعی چه در عرصه نظامی و چه در عرصه اجتماعات، فرهنگ و رسانه که نوع استفاده امام از رسانه‌ها و هدایت جامعه در برابر دستگاه‌های سرکوبگر نظامی طاغوت و رسانه‌های رسمی شاه مانند رادیو و تلویزیون نیز تجربه‌های تازه و موثری را پیش روی انقلابین به نمایش گذاشت. مدیریت و رهبری حضرت امام در استفاده از رسانه‌های کوچک مانند نوارهای کاست در برابر رادیو-تلویزیون مقتدر شاهنشاهی و سپس هدایت و رهبری ایشان برای اصلاح مطبوعات و یدا و سیمای پس از انقلاب و همچنین برخوردهای آن حضرت با تبلیغات و سخن‌پراکنی‌های رسانه‌های غربی در جهات پیشبرد اهداف انقلاب در تمامی عرصه‌ها به‌ویژه حفظ امنیت و دفاع از حدود و ثغور جمهوری اسلامی ایران بسیار حائز اهمیت است. به همین منظور مسئله اصلی این تحقیق شناخت اندیشه‌های اجتماعی

حضرت امام (ره) است؛ زیرا با شناخت اندیشه‌های اجتماعی حضرت امام خمینی (ره) و پیشرفت‌ها و چالش‌های آن می‌توان درگاه بعدی به نظریه‌های در ابعاد مختلف آن دست‌یافت و در عمل از آن‌ها استفاده کرد.

مبانی نظری:

جامعه‌دراندیشه امام (ره)

امام خمینی (ره) برخلاف نحله‌های مارکسیستی و سوسیالیستی که انسان را اسیر جبر تاریخ و جامعه می‌دانند و نیز برخلاف مکاتب لیبرالی که غرایز طبیعی انسان را محور و بشر را اسیر خواست نفسانی می‌پندارند، جامعه را در طول نظام هستی توحیدی تفسیر نموده و تمام مفاهیم، نقش‌ها و ساختارهای جامعه‌شناسی سیاسی را با گزاره‌های دینی بازتولید می‌کند. (مقیمی، ۱۳۸۸: ۴۷) ایشان معتقد است که «مذهب اسلام از هنگام ظهورش متعرض نظام‌های حاکم در جامعه بوده و خود دارای سیستم و نظام خاص اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی است». (صحیفه امام ج ۵: ص ۴۱۰ و ۳۸۹)، امام با توجه به جهان‌بینی الهی خودش معیار و قوانین حاکم بر روابط جامعه را دستورالعمل‌های انبیای الهی می‌داند: «ما معتقدیم که قانون‌گذاری برای بشر، تنها در اختیار خدای تعالی است، همچنان که قوانین هستی و خلقت را نیز خداوند مقرر فرموده است و سعادت و کمال انسان و جوامع تنها در گرو اطاعت از قوانین الهی است که توسط انبیا به بشر ابلاغ شده است» (صحیفه امام ج ۵: ۳۸۸).

بنابراین، جامعه‌شناسی بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران در یک نظام منسجم، جامع و در طول هستی‌شناسی ایشان قابل تفسیر است. از آن‌رو که در هستی‌شناسی امام انبیا و معصومان علیهم‌السلام فرستادگان خداوند برای هدایت فرد و جامعه هستند، تدبیر سیاسی جامعه نیز در انحصار آنان است؛ چون: «سیاست این است که جامعه را هدایت کند، تمام مصالح جامعه را در نظر بگیرد و تمام ابعاد انسان و جامعه را در نظر بگیرد و این‌ها را هدایت کند. به طرف آن چیزی که صلاحشان هست، صلاح ملت هست، صلاح افراد هست و این مختص به انبیاست. دیگران این سیاست را نمی‌توانند اداره کنند.» (صحیفه امام، ۱۳: ۴۳۳)

برخلاف دیدگاه انسان تک‌ساحتی در مکاتب رایج در جوامع غربی و مادی‌گرا؛ امام خمینی (س) جامعه را همانند انسان دوبعدی می‌داند: یکی، بعد مادی، ساختاری، نهادی و

شکلی است که بیان‌کننده پیکره جسمانی و مکانیکی آن است و دومی، بعد روحانی، معنوی، عاطفی و ایمانی است که بیان‌کننده جنبه ارگانیکی جامعه می‌باشد و البته آنچه جامعه را هویت و معنا می‌بخشد بعد دوم وجودی جامعه است که مبتنی بر فرد است: «در دنیای امروز که گفته می‌شود دنیای صنعت است، رهبران فکری می‌خواهند جامعه بشری را نظیر یک کارخانه بزرگ صنعتی اداره کنند، درحالی‌که جامعه از انسان‌ها تشکیل شده است که دارای بعد معنوی و روح عرفانی است والسلام در کنار مقررات اجتماعی، اقتصادی و غیره به تربیت انسان بر اساس ایمان به خدا تکیه می‌کند و در هدایت جامعه از این بعد بیشتر برای هدایت انسان به طرف تعالی و سعادت عمل می‌کند». (صحیفه امام، ج ۵: ۴۱۰) بدین‌سان، اندیشه سیاسی امام روح‌الله (س) سیستمی و منظومه‌ای است که میان عقل نهادی و عقل ایمانی ارتباط منطقی و اندام‌واری ایجاد کرده و تعادل و تعامل منطقی آن‌دورا در گزاره‌های اسلامی جست‌وجو می‌کند. امام خمینی (ره) بر اساس دیدگاه منظومه‌ای خود، جامعه را همانند انسانی توصیف می‌کند که دارای عناصر و اعضای جسمی و روحی متعدد می‌باشد که باید با تربیت الهی، بین اجزا و عناصر آن تعادل ایجاد شود. در واقع امام خمینی به مکتب و نظریه کارکردگرایی و ساختار در جامعه عنایت دارند؛ زیرا ایشان معتقدند که جامعه از اجزای انسانی تشکیل می‌شود و این اجزاء از یک ساختار برخوردارند. همان‌گونه که غایت انسان‌شناسی امام (ره) انسان کامل است، غایت جامعه‌شناسی وی جامعه فاضله و کامله توحیدی است. امام (س) جامعه توحیدی را به تصویر کشید که تداعی‌کننده بعد اجتماعی یا به عبارتی، بازتولید جامعه‌شناسی اصل فلسفی، وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت باشد. در واقع، امام (ره) این نظریه را در پاسخ به نظریه جامعه بی‌طبقه توحیدی جریان‌های التقاطی، مطرح و بازتعریف نموده است. (توحیدی، ۶۹: ۱۳۷۸) بنابراین، مفاهیم کلیدی جامعه توحیدی از منظر امام (س) اصل وحدت در عین کثرت، تقسیم‌کار بین اجزاء و عناصر، سلسله مراتبی و ارگانیک بودن عناصر آن، مقصد و غایت الهی داشتن و ... می‌باشند که تحت کلمه توحید به توحید کلمه می‌رسند. («... جامعه توحیدی عبارت از جامعه‌ای است که با حفظ همه مراتب، یک نظر داشته باشند، کانه یک موجودند...»)، «همه با حفظ مراتبشان یک مقصد داشته باشند و آن یک مقصد الهی؛ کانه همان‌طوری که یک جامعه توحیدی در خون بدن انسان است. انسان به منزله جامعه توحیدی است؛ چشم، گوش، دست، این‌ها؛ اما هم فرمانفرما دارد، هم فرمان‌بردار. مغز فرمان می‌دهد، دست فرمان می‌برد،

اما همه یک‌راه دارند، همه برای این است که این کشور فردی (انسان) را اداره کنند.» (صحیفه نور، ج ۱۱: ۴۶۹)

امام خمینی (س) ضمن قبول ناسیونالیسم و ملیت به‌عنوان یک واقعیت اجتماعی، آن‌ها را به‌عنوان کثراتی می‌بیند که باید در ذیل مفهوم توحید به وحدت برسند. «اسلام درعین‌حالی که وطن را آنجایی که زادگاه است احترام می‌گذارد، لکن مقابل اسلام قرار نمی‌دهد. اساس اسلام است.» (صحیفه نور، ج ۱۳: ۱۶۸).

ارکان پیشرفت‌های اجتماعی در اندیشه امام خمینی (ره)

اندیشه اجتماعی حضرت امام ابعاد گوناگونی دارد و محققان نیز به برخی از این ابعاد توجه کرده‌اند که ما نیز بدان‌ها خواهیم پرداخت.

جامعه اسلامی

امام خمینی (ره) برخلاف جامعه‌شناسان غربی در اندیشه اجتماعی خود، مردم را در جامعه اسلامی در قالب «امت» دارای هویت اجتماعی می‌دانستند: اسلام آمده است تا تمام ملل دنیا را، عرب را، عجم را، ترک را، فارس را باهم متحد کند و یک امت بزرگ به نام «امت اسلام» در دنیا برقرار کند تا کسانی که می‌خواهند سلطه بر این دولت‌های اسلامی و مراکز پیدا نکنند، نتوانند؛ به‌واسطه اجتماع بزرگی که مسلمین از هر طایفه [دارند]. (صحیفه امام، ج ۱۴: ۴۴۳ - ۴۴۴).

آنچه مفهوم امت را از دیگر مفاهیمی چون: ملت، قبیله، قوم، شعب، طبقه، اجتماع، نژادفتوده، گروه، حزب، ایل و عشیره متمایز می‌کند.

حضرت امام در بررسی و بحث پیرامون ولایت فقیه (از موضوعاتی که در درس فقه حوزه علمیه مورد بحث واقع شد) در ماهیت و کیفیت قوانین به سه شاخص مهم در شکل‌گیری حکومت اسلامی اشاره می‌کنند:

۱. احکام مالی، مالیات‌هایی که اسلام مقرر داشته و طرح بودجه‌ای که ریخته‌نشان می‌دهد تنها برای سد رمق فقرا و سادات نیست، بلکه برای تشکیل حکومت و تامین مخارج ضروری یک دولت است. (کاشف الغطاء، ۱۳۵۶: ۲۹).

۲. احکام دفاع ملی، در این زمینه هم امام معتقدند برای حفظ نظام اسلام دفاع از تمامیت ارضی و استقلال امت اسلام، تشکیل حکومت الزامی است. ایشان می‌فرمایند: «مثلا این حکم: «واعدولهم استطعتم من قوه ومن رباط الخیل» که امر به تهیه و تدارک هر چه بیشتر نیروی مسلح و دفاعی به طور کلی است، و امر به آماده باش و مراقبت همیشگی در دوره صلح و آرامش. (کاشف الغطاء، ۱۳۵۶: ۳۳).

۳. احکام احقاق حقوق و احکام جزایی؛ سومین شاخص شکل‌گیری حکومت اسلامی تصویب قوانین اسلامی در جامعه و عمل بدان هاست. امام خمینی می‌فرمایند: «بسیاری از احکام از قبیل دیات که باید گرفته و به صاحبش داده شود، یا حدود و قصاصی که باید با نظر حاکم اسلامی اجرا شود، بدون برقراری یک تشکیلات حکومتی تحقق نمی‌یابد. همه این قوانین مربوط به سازمان دولت است و جز قدرت حکومتی از عهده انجام این امور مهم بر نمی‌آید» (کاشف الغطاء، ۱۳۵۶: ۳۴).

مردم

هر جامعه‌ای متشکل از مردمی است که در آن زندگی می‌کنند. حضرت امام برای آماده کردن مردم و دفاع از ارزش‌ها و آرمان‌های سلام و شکل‌گیری نهضت و انقلاب اسلامی دواصل مه را در نظر گرفتند اول افزایش آگاهی و بصیرت مردم نسبت به ظلم‌ها و هنجارشکنی‌های دولت طاغوت و دوم تجمیع مردم در تشکل‌های مذهبی، این اندیشه به انسجام مردم در قالب هیات‌های عزاداری و مجالس قرآنی کمک فراوان کرد. حضرت اما خمینی (ره) برای انجام تغییر در حکومت طاغوت با توکل به الطاف الهی قدرت اصلی جامعه را مردم می‌دانستند و در برابر رژیم تا دندان مسلح شاهنشاهی، به صحنه آمدن عموم مردم در جامعه راطراحی و رهبری کردند.

تقسیم بندی ارزشی

مهمترین تقسیم بندی که در آثار امام مشاهده می‌گردد تقسیم بندی ارزشی است بدین معنا که امام جامعه را به دو دسته مستضعف و مستکبر تقسیم می‌کند. مستکبرین در دیدگاه امام کسانی هستند که به نحوی خواهان ایجاد سلطه مادی، اقتصادی،

فرهنگی و یا سیاسی بوده و به بهره‌کشی از اقشار محروم جامعه می‌پردازند و این تنها دسته‌ای می‌باشد که امام آنها را از مردم مستثنی می‌کند و در قطب مخالف و دشمن قرار می‌دهد. در دیدگاه امام «سلامت و صلح جهان بسته به انقراض مستکبرین است و تا این سلطه‌طلبان بی‌فرهنگ در زمین هستند مستضعفین به ارث خود که خدای تعالی به آنها عنایت فرموده نمی‌رسند.» (انصاری، ۱۳۷۷: ۱۸۸)

تقسیم‌بندی کاربردی مردم در نگاه امام

دانسته شد که در اندیشه امام خمینی (ره) جامعه متشکل از مردم محرومی است که باید به آنها در گرفتن حششان کمک کرد و تقسیم‌بندی را اعم از ملیت، مذهب و... برای این قشر مستضعف قائل نبود؛ اما برای آنکه تمامی مردم را به این خودآگاهی و وحدت برساند که باید برای گرفتن حق خود قیام کنند و با توجه به حرفه و تخصص و یا جنسیت خود جایگاه و نقش خود را در نهضت بیابند جامعه را براساس کارکردشان به اقشار مختلف تقسیم‌بندی کرده و با هر قشر خاص به زبان خودش صحبت می‌نمود تا همگی اقشار جامعه راه چگونه سهیم شدن خود را در انقلاب بیابند. این بینش امام موجب می‌شد که اقشار مختلف جامعه جایگاه جدیدی در پیروزی و پیشبرد اهداف انقلاب برای خود یافته و در نتیجه برای تحقق آرمانهای انقلاب تمامی سعی و تلاش خود را بنمایند.

امام و ارزشمندی کارگران و کشاورزان

از نظر امام اساس استقلال جامعه کارگران و کشاورزان هستند که نیروی کاری و تولیدکننده نیازهای جامعه‌اند. امام گرچه از کارگران و کشاورزان بعنوان گروه مولد اصلی در جامعه با احترام و قدردانی یاد می‌کند و آنها را ولی نعمت جامعه می‌داند ولی در عین حال و برخلاف تز مارکسیست‌ها حاکمیت بر جامعه را تنها حق آنها ندانسته و در سخنانشان به نقش کارگران این چنین اشاره می‌کنند:

«کشاورزان و کارگران اساس استقلال کشورند. همانطور که سرحدات را قوای مسلح نگهداری می‌کنند شما متن کشور را از وابستگی حفظ می‌کنید آنها مجاهد فی سبیل الله هستند و شما هم مجاهد فی سبیل الله هستید.» (صحیفه امام، جلد ۱۴: ۳۲۹).

بازاریان و تجار در اندیشه امام

برخلاف مارکسیست‌ها که به این طبقه از جامعه با بدبینی نگاه کرده آنها را بعنوان بورژواهای کمپرادور نفی می‌کنند. امام تنها بازاریانی را نفی می‌کند که وابسته به همان طبقه مستکبرین هستند و همه جا بازاریان مؤمن و متعهد را یاور انقلاب معرفی کرده و در جهت تهذیب نفس و درست کاری آن‌ها می‌فرماید:

«تجار و کسبه کسب صحیح کنند، گرانفروشی نکنند، از قراری که گفته می‌شود اشخاصی خیلی گرانفروشی و بی‌انصافی می‌کنند می‌دانند اینها که ملت ما الان بسیاری از آنها ضعیف هستند بسیاری از آنها در این قضایا ضرر بردند بسیاری از آنها از پا درآمدند. اگر بنا باشد که کاسبها باز گرانفروشی راه بیندازند و بی‌انصافی بکنند ممکن است که این‌ها صدمه بخورند من خواهش می‌کنم از تمام اقشار ملت که انصاف را نصب العین خودشان قرار بدهند رضای خدا را نصب العین خودشان قرار بدهند» (سخنرانی امام در جمع پاسداران و اقشار مختلف مردم ۵۷/۱۲/۲۸).

زنان

امام خمینی (ره) زنان را که نیمی از جامعه را تشکیل داده و تا این زمان در جوامع اسلامی به آنها کم توجهی شده و از آنها انتظاری جز خانه داری و بچه داری نمی‌رفت به ناگهان به میدان کشاند و به آنها شخصیتی مضاعف داد. امام برای زنان دو رسالت اجتماعی قائل شد، اول آنکه خود بعنوان نیمی از نیروی خلاق جامعه وارد میدان مبارزه گردیده و دوش به دوش مردان در تظاهرات، اعتصابات و هم‌فعالیت‌های سیاسی مشارکت داشته باشند و علاوه بر آن بعنوان نیروی محرکه مردان در ترغیب و تشویق شوهران و فرزندان و برادران خود نقش فعالی داشته باشند و بدینسان ملاحظه می‌گردد که چه احترام فوق‌العاده‌ای برای مادران و همسران شهدا قائل است. بدین گونه است که امام نه تنها حقوق زنان را احیا می‌کند بلکه آن‌ها را در جایگاه اصلی خودشان، یعنی سازندگان جامعه، معرفی می‌فرماید. قشر دیگری که امام بدان‌ها توجه دارد، قشر دانشگاهی و روحانی است:

امام‌نیروهای مسلح

امام‌افرادنظامی را جزوی از جامعه می‌دانستند که می‌بایست با ترک حکومت طاعت به دامان جامعه برگردند و استقلال خود را حفظ کنند. از این رو استقلال نیروهای مسلح را باید یکی از مولفه‌های مهم دفاع در جامعه اسلامی دانست زیرا وابستگی نظامیان به گروه‌ها و دسته‌های سیاسی باعث کاهش قدرت نظامی و دفاعی آن‌ها خواهد شد:

«و من باید یک نصیحت به ارتش بکنم و یک تشکر از یکی از ارکان ارتش یک قشرهایی از ارتش؛ اما نصیحتی که می‌کنم این است که می‌خواهیم شما مستقل باشید...» (صحیفه امام، جلد ۶: ۱۷)

در اندیشه امام استقلال ارتشی‌ها زمانی محقق می‌شود که به وظایف دولتی ایشان که همان وظایف دفاع از جامعه اسلامی است؛ عمل کنند:

«اگر چنانچه ارتش، دولت، به وظایف ارتشی خودشان، به وظایف دولتی خودشان، به وظایف اسلامی عمل کنند محیط در یک کشور محیط محبت می‌شود، محیط آرامش روحی می‌شود و این هم برای ملت مفید است و هم برای دولت و هم برای ارتش.» (صحیفه امام، جلد ۸: ۸۶)

حکومت و دولتمردان

در اندیشه امام، حکومت اسلامی صرف نظر از تفاوت‌های ظاهری در هدف‌ها و آرمان‌ها، از نظر تشکیلات و ارکان نیز تفاوت‌های اساسی با نظام‌های سیاسی معاصر دارد در این نظریه اکثریت تنها بر مدار حق، مشروعیت می‌یابد و به تبع آن وجوب اعمال ولایت منوط به فراهم بودن شرایط آن و از آن جمله پذیرش عمومی مردم است که در جریان انتخاب طبیعی مستقیم و یا از طریق انتخاب خبرگان منتخب ملت جلوه‌گر می‌شود؛ بنابراین پیوند رهبری با مردم به طور طبیعی، پیوندی اعتقادی بنیادی و عمیق است و به همین سبب بود که امام یکی از مردمی‌ترین نوع حکومتها را پایه ریزی و رهبری کرد. در این حکومت برخلاف همه نظامهای سیاسی موجود جهان مردم پس از تعیین رهبری و برگزاری انتخابات از خود سلب مسئولیت نکرده و به خود و انهاده نمی‌شوند بلکه حضور آنان در صحنه اداره جامعه اسلامی و مشارکت در سرنوشت نظام اسلامی بعنوان یک تکلیف شرعی تضمین می‌شود.

از نظر امام حکومت اسلامی پایه اش بر عشق و اعتماد متقابل مردم و رهبری صالح و عادل است. این گونه نیست که فقیهی حکومت اسلامی را به سمت دیکتاتوری هدایت کند و مردم را

نادیده بگیرد و لذا می فرمود: «اگر فقیهی یک مورد دیکتاتوری بکند از ولایت می افتد». (صحیفه امام، جلد ۹، سخنرانی امام در جمع انجمن اسلامی به تاریخ ۵۸/۶/۳۰)

در مخالفت با دیکتاتوری و حذف مردم از صحنه، امام معتقد بودند:

«رهبر و رهبری در ادیان آسمانی و اسلامی بزرگ چیزی نیست که خود به خود ارزش داشته باشد و انسان را خدای ناخواسته به غرور و بزرگ اندیشی وادارد». (صحیفه امام، جلد ۱۸، صفحه؟)

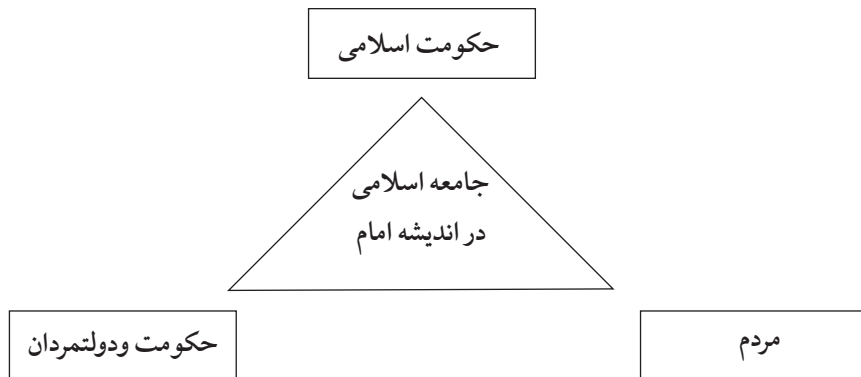
در نفی دیکتاتوری، امام خطاب به دولت هایی که خود را فرمانفرما و برتر از مردم می دانستند می فرمودند:

«دولت در حکومت اسلامی در خدمت ملت است باید خدمتگزار ملت باشد». (صحیفه امام، جلد ۶: ۴۶۳) بحث دیگری که امام در مورد مردم و رابطه اشان با حکومت مطرح می کردند حضور مردم در صحنه و مشارکت در امور جامعه بود:

«آگاهی مردم و مشارکت و نظارت و همگامی آنها با حکومت منتخب خودشان. خود بزرگترین ضمانت حفظ امنیت در جامعه می باشد» (صحیفه امام، جلد ۴: ۲۴۸).

مردم و حضورشان مایه و بنیان قدرت است. تفاوت این نظریه در باب حکومت و امنیت ملی و اجتماعی با نظریه ای که در دمکراتیک ترین نظامهای سیاسی، دولت و حکومت را تنها در پهنه «قدرت» و ابزار و لوازم آن تعریف می کند و بر همین مبنا مهم ترین رکن امنیت اجتماعی را در قوه قهریه می داند، آشکار است. از نظر امام قدرت از مردم سرچشمه می گیرد و هر قدرتی باید واجد پایگاه ملی باشد: «یک قدرت بزرگ وقتی پایگاه ملی ندارد این قدرت نمی تواند بایستد». (صحیفه امام، جلد ۷: ۵۱۱)

از تقسیم بندی حضرت امام، در همین مختصر می توانیم به نقش و اهمیت مردم در جامعه اسلامی پی ببریم. امام برای تنظیم امور و نظم در جامعه در مقاطع مختلف و برحسب نیاز دستور ایجاد یک نهاد مردمی را می دادند و مردم نیز برای بالا بردن قدرت دفاعی جامعه تحت رهبری امام در نهادهای تازه تاسیس حضور می یافتند. نهادسازی از جمله راهبردهای دفاعی امام در ابعاد اجتماعی است که باید بدان توجهی خاص ابراز داشت.



پیشرفت‌های اجتماعی از منظر امام خمینی (ره) آزادی

از نظر حضرت امام (ره)، آزادی برای افراد جامعه بسیار مفید است. شخص آزاد می‌تواند به درجات بالایی از انسانیت نایل آید. اجتماع آزاد دارای پیشرفت‌های علمی، صنعتی و اخلاقی بیشتری است تا اجتماعی، که هرگونه عمل فرد از طرف حکومت کنترل می‌شود. خدای تبارک و تعالی به ما حق نداده است. پیامبر اسلام به ما حق نداده است که به ملتمان یک چیزی را تحمیل کنیم. بلی، ممکن است گاهی وقت‌ها ما یک تقاضایی از آنها بکنیم، تقاضای متواضعانه، تقاضاهایی که خادم یک ملت از ملت می‌کند. (صحیفه امام، ج ۱۱: ۳۴)

وجود آزادی‌های سازنده

همگی (مردم) اعلام کرده‌اند که خواستار استقرار جمهوری اسلامی هستند که متکی بر آراء ملت باشد و با معیارها و قواعد اسلامی تکوین یابد و عمل کند و اینچنین حکومتی جز با دادن بیشترین آزادی‌های سازنده اخلاق، امکان‌پذیر نیست. (همان، ج ۴: ۱۶۴)

آزادی انتخاب

احدی در سرتاسر ایران الزام نکرده است کسی را که به این رأی بده یا به آن رأی بده. الزام به رأی دادن هم نکرده است، لکن تکلیف شرعی گفته است. (همان، ج ۱۷: ۲۷۱)

آزادی انتقاد

اگر - خدای نخواستہ یک کسی پیدا شد که یک کار خلاف کرد، اعتراض کنند مردم؛ مردم همه به او اعتراض کنند که آقا چرا این کار را می‌کنی؟ (همان، ج ۷: ۳۶)

آزادی احزاب

هرگونه اجتماعات و احزاب از طرف مردم، در صورتی که مصالح مردم را به خطر نیندازد آزادند و اسلام در تمام این شئون حدّ و مرز آن را تعیین کرده است. (همان، ج ۲: ۲۸۰)

حضرت امام آزادی را در جامعه اسلامی محدود به قانون می‌دانستند.

آزادی زنان

یکی از مقوله‌هایی که حضرت امام درباره آن، فرمایش‌های خودشان را به طور صریح و شفاف بیان کرده‌اند آزادی زنان است. «آزادی زنان» به معنای رهایی آنان از قید و بند سنت‌های قومی و مردسالارانه نیست؛ یعنی زن انسانی مستقل است و می‌تواند خود انتخابگر باشد. اسلام هیچ‌گاه مخالف آزادی آنها نبوده است و اسلام با مفهوم «زن» به عنوان شیء مخالفت کرده است. زن مساوی مرد است و مانند مرد آزاد است که سرنوشت و فعالیت‌های خود را انتخاب کند. حضرت امام درباره آزادی زنان می‌فرمایند: ما می‌خواهیم زنان را از فسادی که آنان را تهدید می‌کند، آزاد سازیم. (همان، ج ۳: ۳۷۰)

عدالت

یکی از مفاهیم مهمی است که امام خمینی (ره) همواره بر آن تأکید داشتند و محوری‌ترین جهت‌گیری سیاسی - اجتماعی نظام سیاسی از دیدگاه ایشان محسوب می‌شود. دلایل اهمیت جایگاه مفهوم «عدالت» در اندیشه امام خمینی (ره) عبارتند از:

الف. برقراری عدالت؛ هدف ارسال پیامبران:

خدای تبارک و تعالی می‌فرماید که انبیا را ما فرستادیم، بیّنات به آنها دادیم، آیات به آنها دادیم، میزان بر ایشان دادیم و فرستادیم... که مردم قیام به قسط بکنند، عدالت اجتماعی در بین مردم باشد. (همان، ج ۱۵: ۲۱۳)

پیغمبر اسلام تشکیل حکومت داد؛ مثل سایر حکومت‌های جهان، لکن با انگیزه بسط عدالت اجتماعی... و حکومت علی بن ابی طالب نیز با همان انگیزه به طور وسیع‌تر و گسترده‌تر، از واضحات تاریخ است. (همان، ج ۲۱: ۴۰۶)

ب. عدالت؛ از امور فطری و عقلانی:

از دیدگاه امام خمینی (ره) عدالت و قسط ریشه در وجود و ذات انسان دارد؛ یعنی انسان طبعاً موجودی است که تمایل و گرایش فطری به حرکت به سوی عدالت و برقراری قسط در جامعه دارد و از بی‌عدالتی و تبعیض رویگردان است.

از فطرت‌های الهیه، که در ذات بشر مصحح است، حبّ عدل و خصم در مقابل آن است و بغض ظلم و عدم انقیاد در پیش آن است. (همان، ج ۱۷: ۲۷۱)

ج. عدالت؛ صفتی الهی است و ابتدای احکام اسلام بر آن:

امام راحل عدالت را به عنوان برجسته‌ترین صفت پروردگار و شامل جمیع کمالات معرفی نموده و آن را ویژگی تمام افعال الهی ذکر کردند. (شرح جنود عقل و جهل، ۱۴۷)

به گفته ایشان، اسم اعظم الهی با دو اسم «حاکم» و «عادل» تجلی می‌نماید (مصباح الهدایه الی الحلاقة و الولاية ۱۳۶۰ ص ۸۴) در این جنبه، امام خمینی قدس سره عالم را تجلی حق تعالی دانسته و برقراری سنت‌های آن را بر اساس موازین و اصول عدل عنوان نموده‌اند. اسلام، خدایش عادل است، پیامبرش هم عادل است و معصوم، امامش هم عادل و معصوم است، قاضی‌اش هم بهتر است که عادل باشد، فقیهش هم بهتر است که عادل باشد، امام جمعه‌اش هم باید عادل باشد - از ذات مقدّس کبریایی گرفته تا آخر... زمامدار هم باید عادل باشد، ولات هم باید عادل باشند. (همان، ج ۳: ۳۰۴)

د. عدالت؛ ارزشی برتر و تغییرناپذیر و شاخص حکومت اسلامی:

امام خمینی (ره) برقراری و تحقق عدالت در جامعه را در ردیف اصول و پایه‌هایی همچون «توحید» قرار داده‌اند:

ارزش‌ها در عالم دو قسم است: يك قسم ارزش‌های معنوی، از قبیل ارزش توحید و جهاد

مربوط به الوهیت و از قبیل عدالت اجتماعی، حکومت عدل و رفتار عادلانه حکومت‌ها با ملت‌ها و بسط عدالت اجتماعی در بین ملت‌ها و امثال اینها که قابل تغییر نیست؛ و قسم دیگر اموری است مادی که به مقتضای زمان فرق می‌کند. (همان، ج ۱۱: ۱)

و. اجرای عدالت؛ تکلیفی انسانی و دینی:

امام خمینی (ره) تحقق عدالت و قسط را چه در نفس و وجود فرد و چه در درون جامعه بشری يك تکلیف فطری و الهی انسانی می‌داند که هر فردی از افراد جامعه، نسبت به انجام آن مسئول است.

از نظر امام این مسئولیت خاص، مهم، ولی در مورد آگاهان جامعه شدیدتر و بیشتر است. آنها وظیفه و تکلیف سنگین‌تری را نسبت به سایر افراد جامعه بر دوش دارند: ائمه و فقهای عادل موظفند از نظام و تشکیلات حکومتی برای اجرای احکام الهی و برقراری نظام عادلانه اسلام و خدمت به مردم استفاده کنند. (همان)

عدم اختلاف و برادری

امام راحل در نامه مورخ ۱۰ آبان ماه ۱۳۶۷ خطاب به محمدعلی انصاری، اختلاف را به اختلاف «روا» و «ناروا» تقسیم کردند و در مواردی اختلاف را ضروری و در مواردی ناروا شمرند: آن‌گاه از پنج اصل یاد کردند و اختلاف در غیر آنها را طبیعی شمرند. ایشان معتقد بودند که اختلاف در غیر این موارد، تهدیدی متوجه انقلاب نمی‌کند. آن اصول و مبانی عبارتند از:

۱. اسلام؛ ۲. قرآن؛ ۳. انقلاب اسلامی؛ ۴. استقلال در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، علمی و فرهنگی؛ ۵. رفاه عمومی و برچیدن ستم اقتصادی.

بیداری مردم

اگر اقدامات رهبر، منطقی، قانونمند، حکیمانه هم باشد و به عبارتی در اوج بیداری باشد؛ ولی ملت، مؤلفه‌هایی چون بیداری، هشیاری، ترسی را نداشته باشند، آن نهضت دچار مشکل خواهد شد؛ بنابراین لازمه قیام و مقاومت، بیداری و استمرار آن در همه مردم و در طول زندگی خواهد بود. این مؤلفه دفاعی یکی از آن موارد بسیار مهمی است که دشمنان خواستند که مغفول

باشد: «در طول تاریخ، در این سده‌های آخر کوشش شده است که ملت‌های جهان سوم خواب باشند، غافل باشند و توجهشان به شخصیت خودشان نباشد و شخصیت خودشان را اصلاً وابسته به غیر بدانند». (همان، ج ۱۳: ۵۳۱).

بیداری جامعه باعث می‌شود تا دست دشمن را بخوانند و از نقشه‌های تهاجمی و ظالمانه آن‌ها با خبر شوند:

«اگر ما بیدار بشویم و نگذاریم این‌هایی که در خارج هستند، آن برنامه‌هایی که دیکته شده است و به آن‌ها داده [شده] است پیاده بشود و اگر... در مقابل آن‌ها ایستادگی کنید، حق پیروز می‌شود». (همان: ۱۶۴).

الگو داشتن

امام خمینی در مناسبت‌های مختلف، مردم را به این مهم توجه می‌دهند که باید از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه هدی علیهم السلام که در طول مدتشان، یا با کفار در جنگ بودند و یا در حبس بودند، سرمشق بگیرند و به آن‌ها اقتدا کنند. بنابراین اگر قیام با سختی و مشقت‌هایی همراه شد، نهراسیم و همانند ائمه علیهم السلام عمل کنیم؛ زیرا ما حق هستیم و حق بر باطل پیروز خواهد شد؛ و با توجه به این مطلب فرمودند: مردم انقلاب کردند، باید پای زحماتش هم بنشینند. مردم، پیغمبران و پیغمبر اسلام را و ابراهیم را در نظر بگیرند، ببینند که با آن‌ها چه مخالفت‌ها شد، ولی دست از هدفشان نکشیدند. اگر ما مسلمانی، باید دنباله روی آن‌ها باشیم. دنباله روی از آنان که فقط روزه و نماز و مسجد نیست. دنباله روی از آنان مبارزه برای حفظ اساس اسلام است. باید برای حفظ اساس اسلام تا آخر ایستاد و پیشروی کرد (همان، ج ۱۹: ۵۶).

وحدت حوزه و دانشگاه

از مقولاتی که به آمیختگی دین و سیاست ارتباط دارد مقوله وحدت حوزه و دانشگاه است که امام راحل بارها بر وحدت این دو قشر تأکید می‌کردند و نقش عوامل گوناگون را در جدایی این دو قشر دخیل می‌دانستند. ایشان در بخشی از سخنانشان می‌فرمودند:

از نقشه‌های شیطانی قدرت‌های بزرگ استعمار و استثمارگر، که سال‌های طولانی در دست

اجراست و در کشور ایران در زمان رضاخان اوج گرفت و در زمان محمدرضا با روش‌های مختلف دنباله‌گیری شد، به انزوا کشاندن روحانیت است که در زمان رضاخان با فشار و سرکوبی و خلع لباس و حبس و تبعید و هتک حرمت و اعدام و امثال آن و در زمان محمدرضا با نقشه و روش‌های دیگر، که یکی از آنها ایجاد عداوت بین دانشگاهیان و روحانیان بود که تبلیغات وسیعی در این زمینه شد و مع‌الاسف به واسطه بی‌خبری هر دو قشر از توطئه شیطانی ابرقدرت‌ها، نتیجه چشم‌گیری گرفته شد. (همان، ج ۲۱: ۴۱۳)

علما و دانشمندان این دو مرکز لازم است کوشش کنند در پیوند دادن این دو قشر عزیز. نه دانشگاهی بدون روحانی می‌تواند به استقلال برسد و نه روحانی بدون دانشگاهی (همان، ج ۱۰: ۸۲-۸۳)

امام خمینی (ره) از یک سو، در مقابل قشر دانشگاهی شعار «اسلام منهای روحانی» را زیر سؤال بردند و فرمودند:

اسلام منهای روحانی به مثابه طب منهای طبیب، در واقع نفی اسلام است و به نسل جوان توصیه می‌کنم که خود را در هیچ شرایطی بی‌نیاز از هدایت و همکاری روحانیون ندانند (همان، ج ۷: ۳۷۶)

ولایت مطلقه فقیه

امام خمینی (ره) از آغاز اندیشه سیاسی تا پایان عمر شریفشان، به ولایت مطلقه فقیه اعتقاد داشتند و اگرچه «ولایت فقیه» دیدگاه ابتکاری و انحصاری معظم‌له به شمار نمی‌رود و فقها در تمام ادوار فقهی به آن توجه داشته‌اند، ولی امتیاز ایشان در طرح این مسئله، ابتنای حکومت اسلامی بر مبنای ولایت فقیه است.

حضرت امام خمینی (ره) تنها فقیهی به شمار می‌روند که علاوه بر بحث در این زمینه مثل سایر فقیهان، به تناسب مسائل گوناگون، ولایت فقیه را در تصدی امر حکومت با همان معنای جامع و شامل، برای اولین بار با روشنی و تأکید و تصریح، به تفصیل مورد بررسی و اثبات قرار دارند و - چنان‌که اشاره شد - مبحث «ولایت فقیه» را یک بار به صورت شفاهی طی ۱۳ جلسه در نجف اشرف تدریس نمودند و بار دیگر مبحث آن را در جلد دوم - از مجموعه پنج جلدی کتاب البیع با همان سبک نوشتند.

ایشان در ادامه، برای احراز امر حکومت در دوره غیبت، با توجه به اینکه شخص معینی

نصب نشده است، می‌فرمایند:

اکنون که شخص معینی از طرف خدای تبارک و تعالی برای احراز امر حکومت در دوره غیبت تعیین نشده است، تکلیف چیست؟ آیا باید اسلام را رها کنید؟... یا اینکه اسلام تکلیف را معین کرده است، ولی تکلیف حکومتی نداریم؟ معنای نداشتن حکومت این است که تمام حدود و ثغور مسلمین از دست برود... آیا باید این طور باشد؟ یا اینکه حکومت لازم است؟ و اگر خدا شخص معینی را برای حکومت در دوره غیبت تعیین نکرده است، لکن آن خاصیت حکومتی را که از صدر اسلام تا زمان حضرت صاحب موجود بود برای بعد از غیبت هم قرار داده است؟ این خاصیت، که عبارت از علم به قانون و عدالت باشد، در عده بی‌شماری از فقهای ما موجود است. اگر با هم اجتماع کنند، می‌توانند حکومت عدل عمومی در عالم تشکیل دهند. (همان: ۳۹)

فقیه همان ولایتی را داراست که حضرت رسول اکرم در امر اراده جامعه داشت. اگر فرد لایقی که دارای این دو ویژگی (علم به قانون و عدالت) باشد بپا خاست و حکومت تشکیل داد، همان ولایتی را دارد که حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در امر اداره جامعه داشت و بر همه مردم لازم است از او اطاعت کنند. این توهم، که اختیارات حکومتی حضرت رسول اکرم بیشتر از حضرت امیر بود، یا اختیارات حکومتی حضرت امیر بیشتر از فقیه است، باطل و غلط است. البته فضایل حضرت رسول اکرم بیش از همه عالم است و بعد از ایشان، فضایل حضرت امیر بیشتر است؛ لکن زیادی فضایل معنوی اختیارات حکومتی را افزایش نمی‌دهد. (همان: ۴۰)

امام راحل با تأکید بر این مطلب که حکومت اسلامی عبارت است از: حاکمیت قوانین الهی بر مردم، دایره قوانین اسلام را اعم از احکام حکومتی و احکام فرعی شمرده، می‌نویسند: شبهه‌ای که برخی در باب «ولایت فقیه» طرح می‌کنند این است که ولایت فقیه مستلزم استبداد است و یا اینکه جامعه را به استبداد دینی می‌کشاند. این شبهه نیز مورد توجه امام راحل قرار گرفته و فرموده‌اند:

این حرف‌هایی که می‌زنند که خیر، اگر چنانچه ولایت فقیه درست بشود دیکتاتوری می‌شود، از باب این است که اینها ولایت فقیه را نمی‌فهمند چیست... ولایت فقیه می‌خواهد جلوی دیکتاتوری را بگیرد، نه اینکه می‌خواهد دیکتاتوری بکند... اگر رئیس جمهوری باید با تصویب فقیه باشد، با تصویب یک نفری که اسلام را بداند چیست، درد برای اسلام داشته باشد،

اگر درست بشود نمی‌گذارد این رئیس‌جمهور يك كار خطا بکنند؛ و اینها این را نمی‌خواهند (همان، ج ۱۰، ص ۳۵۲).

ایشان در تبیین جایگاه دینی و مشروعیت الهی حکومت و ولایت فقیه می‌فرمایند:

قانون‌گرایی

امام خمینی (ره) بر همه ارکان قانونمندی و قانون‌گرایی تأکید داشتند:

الف. اهتمام به اجرای قانون:

در اسلام، آن چیزی که حکومت می‌کند يك چیز است و آن قانون الهی [است]. [پیغمبر اکرم هم به همان عمل می‌کرده است، خلفای او هم به همان عمل می‌کردند، حالا هم ما موظفیم که به همان عمل کنیم. قانون حکومت می‌کند، شخص هیچ حکومتی ندارد. آن شخص، ولو رسول خدا باشد، ولو خلیفه رسول خدا باشد، شخص مطرح نیست در اسلام. در اسلام قانون است، همه تابع قانونند (همان، ج ۹: ۴۲۵)

ب. برابری همه در برابر قانون:

فرقی بین اشخاص نیست در قانون اسلام، فرقی بین گروه‌ها نیست (همان، ج ۹: ۴۲۵). همه باید مقید به این باشید که قانون را بپذیرید، ولو بر خلاف رأی شما باشد. باید بپذیرید؛ برای اینکه میزان اکثریت است (همان، ج ۱۴: ۳۷۷).

ج. احترام به نهادهای قانونگذار:

من تکرار می‌کنم: مجلس بالاترین مقام است در این مملکت. مجلس اگر رأی داد و شورای نگهبان هم آن را پذیرفت، هیچ‌کس حق ندارد يك کلمه راجع به این بگوید (همان، ج ۱۴: ۳۷۰). من با نهاد شورای نگهبان صد درصد موافقم و عقیده‌ام هست که باید قوی و همیشگی باشد

چالش‌های اجتماعی در اندیشه امام خمینی (ره)

چالش‌های اجتماعی در اندیشه امام (ره) شامل:

چالش خودباختگی و عدم خودباوری

امام خمینی (ره) خودباختگی در مشرق زمین و بخصوص بین مسلمانان را معلول علل گوناگونی می‌دانستند که عبارتند از:

الف. تصور پیشرفت غرب در همه علوم به خاطر پیشرفت در علوم مادی:

کسی که منطق الشفاء و حکمت الاشراف و «حکمت متعالیه» صدرای شیرازی دارد، به منطق و حکمت اروپاییان، که باز در کلاس تهیه است، چه احتیاج دارد؟! اینها گمان کرده‌اند که اگر مملکتی در سیر طبیعی پیشرفت کرد، در سیر حکمت الهی نیز پیش قدم است و این از اشتباهات بزرگ ماست و [این را] یکی از تبه‌کاری‌های نویسندگان مشرق اسلامی باید دانست (کشف اسرار امام: ۳۴).

ب. تصور مصونیت اجنبی از خطا و اشتباه:

همین که نام يك مستشار آمریکایی روی کسی آمد، دیگر برای او، این زمام‌داران بیهوش و خودسر ما، خطا و اشتباه یا خیانت و دزدی قایل نمی‌شوند (همان: ۱۸۲).

ج. مرعوب شدن در مقابل پیشرفت‌های غرب:

وقتی کشورهای استعمارگر با پیشرفت علمی و صنعتی، یا به حساب استعمار و غارت ملل آسیا و آفریقا، ثروت و تجملاتی فراهم آوردند، اینها خود را باختند، فکر کردند راه پیشرفت صنعتی این است که قوانین و عقاید خود را کنار بگذارند. (ولایت فقیه: ۱۴-۱۳)

د. تصور ترقی به خاطر گرایش به غرب و شرق:

در سال‌های طولانی، تبلیغات دامنه‌دار دولت‌های شرق و غرب موجب این شد که ملت‌های مسلمان از آنها یاری بخواهند و گمان کنند که ترقیات این کشورهای ضعیف، در گرایش به یکی از این دو ابرقدرت است، لکن به هر طرف که تمایل پیدا کردند، بعد از مدتی فهمیدند که آنها جز اسیر کردن آنها و بردن خزائن و غارت کردن مخازن آنها کار دیگری نمی‌کنند (همان ج

ه. القائات غرب؛ موجب غرب زدگی و خودباختگی:

امام خمینی (ره) معتقد بودند: راه مقابله با خودباختگی و ایجاد خودباوری این است که به خود بیاییم و از غرب نهراسیم. ایشان می فرمودند:

نقطه اول این است که خود انسان متحوّل بشود، خود انسان از غرب زدگی بیرون بیاید. اگر فرهنگ ما متحوّل شود فرهنگ انگلی متوقف می گردد (همان ج ۶: ۳۹۵).

چالش اخلاق اجتماعی

زمینه های مسئله اخلاق اجتماعی مربوط به عوامل و شرایط مختلف موجود در جامعه، تغییرات ناهماهنگ و ترکیب نامتوازن ارکان و مؤلفه های درونی و بیرونی جامعه می باشد. وجود خشونت های خانوادگی؛ رفتار ناهنجار افراد و گروه های اجتماعی زمینه را برای گسترش مسائل اخلاقی در جامعه تقویت می کند.

بسترهای چالش اجتماعی

بی شک عوامل مختلفی در تحقق این مسائل در اجتماع نقش دارد. ولی در این میان برخی عوامل، نقش بارزتری در رابطه با مشکل دارند که در اینجا به برخی از این عوامل، اشاره می شود:

الف) عوامل اقتصادی؛ نقش اساسی در شکل گیری مسائل اخلاقی اجتماعی دارد؛ این

عوامل بستر را برای شکل گیری مسائل اجتماعی هموار می گرداند.

ب) عوامل اجتماعی؛ بعنوان مؤثرترین عناصر در بروز پیدایش مسئله و آسیب های

اجتماعی نقش اساسی دارند. فرد، خانواده و جامعه مثلی را تشکیل می دهند که اختلالات رفتاری در هر یک از آن ها سبب ایجاد آسیب ها و پیدایش مسئله بسیاری در جامعه می گردد.

ج) عوامل فرهنگی؛ از پایدارترین مسبب های شکل گیری مسائل اجتماعی می باشند.

اگر بخش های مختلف فرهنگی نتوانند در کنار سایر جنبه های زندگی اجتماعی رشد کنند، شکاف فرهنگی در جامعه به وجود خواهد آمد. در این صورت توازن فرهنگی در اجتماع به هم خورده و به دنبال آن، گسست فرهنگی در جامعه شکل گرفته، افکار و اهداف افراد در جامعه به هم می ریزد.

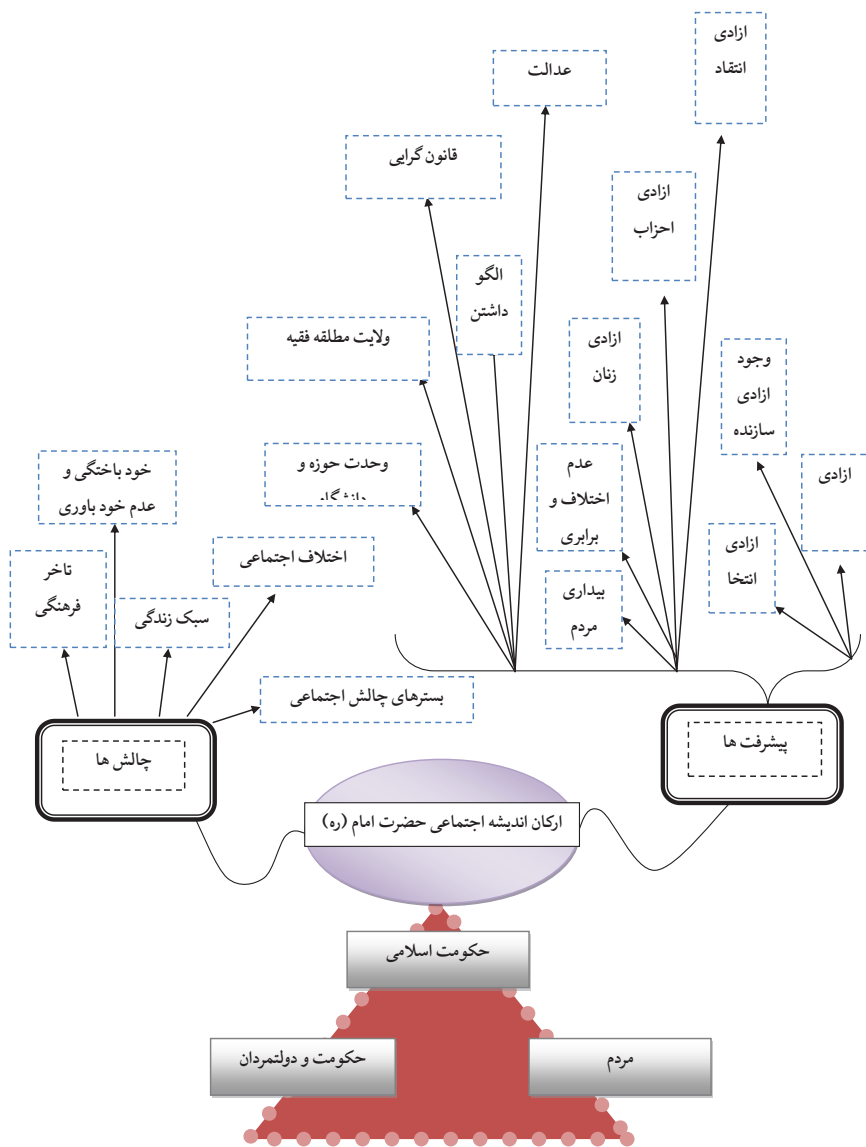
د) عوامل فناوری: تمایز اجزای مادی و غیر مادی یک فرهنگ از نظر آهنگ حرکت آنان یا همان تاخر فرهنگی، به عدم تعادل فرهنگی منجر خواهد شد. بعضی از عناصر فرهنگ (مادی یا غیر مادی) از یکدیگر جدا و گاه بیگانه می‌شود، هرکدام بصورت موازی و بدون ارتباط با هم مسیر جداگانه‌ای را طی می‌کنند. در این صورت ممکن است این عناصر بجای این که هم افزایی داشته باشند به موانعی جهت پیشرفت همدیگر تبدیل گردند.

چالش تاخر فرهنگی اجتماعی

در هر فرهنگ دو زمینه جدا از هم وجود دارد. یکی بخش مادی فرهنگ (کلیه دستاوردهای مادی یا فناوری هر جامعه) و دیگری بخش غیر مادی یا معنوی فرهنگ (موضوعاتی کیفی و غیر قابل مقایسه و اندازه گیری) مانند آثار ادبی، هنری، فکری، آداب و رسوم و... به طور کلی سرمایه معنوی یک جامعه جزء فرهنگ معنوی جامعه به شمار می‌رود.^۵ گسست فرهنگی معنوی از فناوری در هر جامعه‌ای تاخر فرهنگی نامیده می‌شود. فرهنگ معنوی ریشه دارتر، عمیق تر و گسترده تر است و نمی‌تواند با سرعت و شدت ورود فناوری جدید تغییر کند. بنا بر اصل «مقاومت فرهنگی متفاوت» پذیرفتن تغییر مقاومت در برابر آن در تمام اجزا و قسمت‌ها و عناصر فرهنگی به یک شکل و اندازه نیست.^۵

نتیجه گیری

بر اساس یافته‌های تحقیق ارکان اندیشه اجتماعی امام خمینی (ره) عبارتند از حکومت اسلامی، مردم، حکومت و دولت مردان که پیشرفتهای اجتماعی بر اساس این ارکان عبارتند از: آزادی، وجود آزادی سازنده، آزادی انتخاب، آزادی انتقاد، آزادی احزاب، آزادی زنان، عدالت، عدم اختلاف و برادری، بیداری مردم، الگو داشتن، وحدت حوزه و دانشگاه، ولایت مطلقه فقیه و قانون گرایی است. در کنار این پیشرفت‌ها چالش‌های خود باختگی و عدم خود باوری، اخلاق اجتماعی، بستر چالش‌های اجتماعی، چالش‌های تاخر فرهنگی اجتماعی و چالش سبک زندگی مورد توجه قرار گرفته که در آخر مدل مفهومی مورد نظر ارائه گردید.



راهکارها و پیشنهادات

با توجه به نتایج حاصله از تحقیق، راهکارهای زیر پیشنهاد میشود:

پیشنادهای پژوهشی

- تحقیق و پژوهش پیرامون ابعاد فرهنگی، سیاسی و اقتصادی اندیشه دفاعی حضرت امام خمینی (ره).
- انجام پژوهش درباره اندیشه‌های امام در بعد اجتماعی.
- افزایش ظرفیت‌های تحقیقاتی، آموزشی، علمی و فناوری در حوزه اندیشه‌های امام خمینی (ره) در مراکز آموزشی (مراکزی چون دانشگاه، حوزه، مدارس)
- انجام پژوهش‌های در زمینه چگونگی صدور تاثیر گذار اندیشه امام در بین جوامع مختلف جهانی.

پیشنادهای راهبردی

- ایجاد مراکز مطالعاتی و مستندسازی بر پایه نظام اندیشه دفاعی حضرت امام خمینی (ره) جهت بازنگری متون محتوا و برنامه‌های آموزشی جهت آشنایی دانش آموزان و بکارگیری اندیشه امام.
- هماهنگی هر چه بیشتر تصمیم گیران در سطح کلان برنامه‌های آموزشی کشور برای ارایه یک طرح جامعه آموزشی و اجرای آن در تمامی سطوح تحصیلی مبتنی بر اندیشه اجتماعی امام (ره) جهت تربیت نسل جدید برای آماده سازی جامعه در شرایط دفاع و جهاد.
- حضور فعال و تاثیر گذار در شبکه‌های مجازی و حمایت از بخش‌های دولتی و غیر دولتی در زمینه تولید و عرضه اطلاعات و خدمات ضروری و مفید با تاکید بر ترویج فرهنگ و اندیشه اجتماعی امام (ره).
- ایجاد پایگاه اجتماعی از طریق شبکه‌های داخلی و شبکه‌های اجتماعی جهت اشتراک دانش پاسخ به شبهات در ابعاد مختلف این اندیشه بدون مواجهه چهره به چهره به کمک ابزارهای مجازی و اتاق گفت و گو.

منابع:

۱. امام خمینی (بی تا). کشف اسرار بی جا، بی نا.
۲. امام خمینی (۱۳۷۶). رساله الاجتهاد و التقليد تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۳. امام خمینی (۱۳۶۰). مصباح الهدایه الی الحلافة و الولاية، ترجمه احمد فهري، تهران: پیام آزادی.
۴. امام خمینی (۱۳۸۰). چهل حدیث اربعین حدیث، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ بیست و چهارم.
۵. امام خمینی، سیدروح الله (۱۳۷۶). ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۶. امام خمینی، روح الله (۱۳۷۸). جنگ و دفاع در اندیشه‌ی امام خمینی (ره)، تبیان، دفتر بیست و چهارم، تهران: مؤسسه‌ی نشر و تنظیم آثار امام خمینی.
۷. امام خمینی، سید روح الله، موسوی (۱۳۷۶). ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۸. انصاری، حمید (۱۲۷۷). آئین انقلاب اسلامی: گزیده‌ای از اندیشه و آراء امام خمینی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۹. آزادی، افشین؛ ترابی، محمد و حیدرپور، ماشاءالله (۱۳۹۹). «جمهوری اسلامی ایران و فضای مجازی؛ راهکارهایی برای حل چالش‌ها»، فصلنامه علمی مطالعات دفاع مقدس، ۶(۳)، صص ۱۴۷-۱۷۸.
۱۰. تبیان (۱۳۷۷). جوانان از دیدگاه امام خمینی (تبیان، دفتر شانزدهم)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله با همکاری دبیرخانه شورای عالی جوانان.
۱۱. توحیدی، علی اصغر (۱۳۷۸). قرائت امام خمینی از سیاست، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی.
۱۲. خوب پور، محمد جواد و مکرمی پور، محمدباقر (۱۴۰۰). «بررسی نقش مولفه‌های مردم سالاری دینی انقلاب اسلامی در افزایش مشارکت سیاسی (شناسایی حقوق مردم و حاکمیت قانون)»، فصلنامه علمی جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، ۲(۲)، صص ۲۹-۵۰.
۱۳. سبحانی فر، علی (۱۴۰۰). «ارائه الگو دفاع نرم سیاسی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر

- گفتمان امام خامنه‌ای (مدظله العالی)، فصلنامه علمی مطالعات دفاع مقدس، ۷(۳)، صص ۶۹-۸۹.
۱۴. شریعتی، علی (۱۳۵۷). امت و امامت، تهران: حسینیه ارشاد.
۱۵. عیسی‌نیا، رضا (۱۳۸۶). انقلاب و مقاومت اسلامی در سیره امام خمینی، تهران: عروج موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
۱۶. کاشف الغطاء، موسوی (۱۳۵۶). نامه‌ای از امام موسوی، بی‌جا.
۱۷. کتابی، امیرعلی (۱۴۰۰). «نسبت سنجی عدالت اجتماعی با الگوهای توسعه دولت‌های پس از انقلاب اسلامی»، فصلنامه علمی جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، ۲(۴)، صص ۲۹-۵۲.
۱۸. فلاح‌نژاد، علی (۱۴۰۰). «گفتمان انقلاب اسلامی و طبقه متوسط»، فصلنامه علمی جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، ۲(۳)، صص ۷-۲۴.
۱۹. مرادی‌جو، علی‌جان (۱۳۹۹). «تحولات و چالش‌های سیاسی طبقه متوسط جدید در جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه علمی جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، ۱(۳)، صص ۳۵-۶۹.
۲۰. مقیمی، غلامحسین (۱۳۸۸). «مبادی و مبانی اندیشه سیاسی امام خمینی قدس سره»، معرفت شماره ۱۳۸، خرداد.
۲۱. مهریزی، مهدی (۱۳۸۵). اندیشه‌های اجتماعی امام خمینی، چاپ دوم، تهران: چاپ و نشر عروج وابسته به موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۲۲. موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۷۶). ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۲۳. نباتیان، محمد اسماعیل و بیرامی اوغول بیگ، میلاد (۱۴۰۰). «ارزیابی استقلال فرهنگی در برنامه ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه علمی جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، ۲(۴)، صص ۱۲۳-۱۴۲.

۲۰۸

فصلنامه علمی

مطالعات

قدرت نرم

سال دوازدهم، شماره یک (پیاپی ۲۸)، بهار ۱۴۰۱

واکاوی ابعاد و مولفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در اسناد بالادستی

علی صادقی^۱

چکیده

جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از بازیگران نظام بین‌الملل، برای ساماندهی فعالیت‌های خود در داخل، تعامل با سایر بازیگران سیاسی و به طور کلی برای بقا و تعاملات خود ناگزیر به کسب سطحی از قدرت است. اکنون که بسیاری از قواعد و معادلات حاکم بر روابط داخلی و بین‌الملل دستخوش تحولات گسترده‌ای شده است، دستیابی به این اهداف را نمی‌توان تنها با تکیه بر قدرت سخت دنبال کرد؛ بلکه نیاز به نوع دیگری از قدرت است که بتوان با کمترین هزینه به بیشترین اثرگذاری دست یافت. این شکل از قدرت همان «قدرت نرم» است. ج.ا.ایران که با اتکاء بر دو اصل دین و وحدت مردمی شکل گرفت، با تکیه بر همین قدرت که از مبانی و اصول اساسی در اسناد بالادستی الهام گرفته است، ضمن پایه‌گذاری انقلابی فرهنگی، توانست مسیر توسعه و شکوفایی داخلی را به خوبی طی کرده، تاب‌آوری اجتماعی و داخلی را افزایش داده و با گسترش دایره نفوذ معنوی خود در منطقه غرب آسیا و جهان، نوعی گفتمان مقاومت را در برابر گفتمان‌های مدیریت سلطه و زور در دنیا به وجود آورد. پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی تحلیلی تلاش کرده است مولفه‌های قدرت نرم را در اسناد بالادستی شامل دین اسلام، گفتمان امام خمینی، اندیشه‌های رهبری، فرهنگ و تمدن، قانون اساسی، سند چشم‌انداز ۲۰ ساله و بیانیه گام دوم انقلاب مورد بررسی و واکاوی قرار دهد. نتایج نشان داد هرچند در برخی منابع فوق به طور مستقیم از قدرت نرم صحبت نشده است، اما در تمام این منابع، بر بهره‌گیری از قدرت نرم در پیشبرد اهداف انقلاب تأکید شده است.

واژگان کلیدی: قدرت نرم، ج.ا.ایران، اسناد بالادستی، بیانیه گام دوم انقلاب.

۱. استادیار گروه علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

a.sadeghi@cfu.ac.ir

مقدمه

کشورها به عنوان یک سازمان سیاسی متشکل از جامعه‌ای انسانی که پدیده‌های محیطی و انسان ساخت متعددی را در خود جای داده اند، برای بقا در نظام سیاسی جهانی و نیل به اهداف مختلفی مانند امنیت، رشد و توسعه، عدالت و مساوات، استقلال، رفاه، آسایش و مصرف، اهداف معنوی، اخلاقی و انسانی، کسب مقبولیت، رضایت و مشروعیت، نیازمند کسب سطحی از قدرت در بُعد داخلی و بین‌المللی هستند. بدون تردید نمی‌توان به تمام این اهداف از طریق قدرت سخت، اجبار و یا زور دست یافت. بنابراین نیاز به نوع دیگری از قدرت است که بتوان با کمترین هزینه و به بهترین شکل به آنها دست یافت. این شکل از قدرت همان «قدرت نرم» است که فرد به دلیل رضایت، آن را می‌پذیرد، در برابر آن مقاومت نمی‌کند، و حتی در زمین ما و مطابق با قواعد ما بازی می‌کند. قدرت نرم ظاهری آرام و مخملین و باطنی استوار و آهنین دارد و از آنجا که هدف اصلی آن، جذب قلوب و اذهان است (در صورت موفقیت) تأثیرگذاری بسیار عمیق‌تر از قدرت سخت دارد، چرا که قدرت نرم با باور، ایمان، نوع نگاه، ارزش‌ها، فهم دیگران، تعریف خود و ... طرف مقابل (مردم خودی یا ملت/ دولت دیگر) سرو کار دارد (صادقی، ۱۳۹۸: ۱۲).

جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان یکی از بازیگران نظام بین‌الملل، برای پیشبرد امور و ساماندهی فعالیت‌های خود در داخل و تعامل با سایر بازیگران واجد منابعی از قدرت بوده و برای بقا و تعاملات خود ناگزیر به کسب سطحی از قدرت است. از طرف دیگر ج.ا.ایران با پیشینه و ظرفیت مناسبی که در عناصر و مولفه‌های قدرت نرم خود دارد، می‌تواند دستیابی به اهداف ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی خود را با بهره‌گیری مناسب از این ظرفیت‌ها پیگیری کرده و دست یابد. بنابراین می‌توان قدرت فرهنگی ایران را شکلی از قدرت این کشور ذکر کرد تاکنون نیز با تکیه بر همین قدرت، مسیر توسعه و شکوفایی داخلی را به خوبی طی کرده، تاب‌آوری اجتماعی و داخلی را افزایش داده و با گسترش دایره نفوذ معنوی خود در منطقه غرب آسیا و جهان، نوعی گفتمان مقاومت را در برابر گفتمان‌های مدیریت سلطه و زور در دنیا به وجود آورده است. به طوریکه گفتمان مقاومت نشأت گرفته از مبانی دینی، اسلامی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران توانست ضمن تشکیل نیروهای مسلح انقلابی و متعهد که یک ساختار مردمی، فرهنگی و چند وجهی را به همراه دارد، به سرعت مورد اقبال آزادی خواهان و دولت‌های آزاده قرار

گرفته و در سراسر منطقه و جهان گسترش یابد و زمینه‌ساز تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شگرفی در منطقه غرب آسیا، جهان اسلام و برخی کشورهای همسور در جهان گردد (اقتباس از صادقی، ۱۳۹۸: ۱۶).

این مبانی نشأت گرفته و منطبق بر اصول و مفاهیمی است که به عنوان اسناد بالادستی در نظام جمهوری اسلامی ایران قرار دارند و نقشه راه، چشم‌انداز و دورنمای فعالیت‌های داخلی و خارجی را ترسیم می‌کنند. از این رو بازخوانی و واکاوی این اسناد اهمیت زیادی دارند، چرا که می‌توان جنبه‌های مختلف آن را مطابق با جریان‌ها و حوادث روز بررسی کرده و در جهت برنامه‌ریزی‌های کلان فرهنگی کشور از آن بهره گرفت.

از سوی دیگر جمهوری اسلامی ایران همواره در طول حیات سیاسی خود ناملایمات و تهدیدات مختلف سخت و نرم را پشت سر گذاشته و اکنون نیز انقلاب بزرگ اسلامی، چهلمین سال پیروزی خود - که به زعم برخی نمی‌توانست بدان دست یابد - را پشت سر گذاشته، همراهان بسیاری در جهان پیدا کرده و با قدرت به سوی گام دوم انقلاب خود پیش می‌رود، شناخت، معرفی و تقویت ابعاد مختلف قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، نزد مسئولان، برنامه‌ریزان، کارشناسان، پژوهشگران و علاقه‌مندان انقلاب اسلامی از اهمیت مضاعفی برخوردار است.

پیشینه پژوهش

مفهوم قدرت و قدرت نرم در نظریه‌ها و مبانی نظری علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و جغرافیای سیاسی مطرح و مورد توجه بوده است. امروزه نیز دانشمندان علوم مختلف قدرت را به دو نوع «قدرت سخت» و «قدرت نرم» تقسیم‌بندی کرده‌اند و هر کدام به نوعی سعی در تبیین و تشریح آن دارند.

آلن چونگ (۲۰۰۷)، در کتاب «قدرت نرم در سیاست خارجی با تأکید بر فضای جهانی اطلاعات»، از تغییر محیط سیاست خارجی صحبت کرده است. وی اشاره می‌کند جهانی‌سازی، فرآیندهایی است که در حال وقوع است. بنابراین در سیاست خارجی، جهانی شدن اهمیت ویژه‌ای یافته و اطلاعات به منزله قدرت سیاسی در این فضای جدید محسوب می‌شود. بازیگران متعددی را در قدرت نرم - هم در سیاست خارجی و هم در سیاست داخلی - مؤثر می‌داند و فناوری‌های ارتباطی و فضای مجازی را عامل مؤثر در قدرت نرم معرفی می‌کند که هم در جهت

فرهنگی و هم اقتصادی بسیار اثرگذار می‌باشند.

میشل کاکس^۱ (۲۰۱۰) کتابی با عنوان «قدرت نرم و سیاست خارجی امریکا، دیدگاه‌های نظری، تاریخی و جدید» گردآوری و تألیف کرده است. در این کتاب ۱۳ مقاله به مفاهیم قدرت نرم، سرچشمه‌های قدرت نرم، جایگاه قدرت نرم در سیاست خارجی امریکا، قدرت نرم و دانشجویان خارجی در دانشگاه‌های امریکا و مطالبی از این دست می‌پردازد.

جین شارپ (۱۳۸۹) کتابی با عنوان «قدرت نرم و عدم خشونت» نوشته است. این کتاب در فصل اول به ریشه‌های اجتماعی قدرت سیاسی، منابع قدرت، دلایل فرمانبرداری و همکاری مردم و نقش رضایت در آن می‌پردازد. سپس در مبحث اقدام بدون خشونت، ضمن ارائه مثال‌های تاریخی از عهد باستان، تأکید را بر نقش گاندی و اقدام او می‌گذارد. در ادامه از قیام در برابر رژیم‌های کمونیست و منازعات حقوق مدنی در امریکا نیز مباحثی به میان آمده است.

«جمهوری اسلامی ایران و قدرت نرم»، عنوان کتابی است که گلشن‌پژوه (۱۳۸۹) تألیف کرده است. وی ضمن ارائه تعاریفی از قدرت نرم، مؤلفه‌های قدرت نرم در برخی کشورها مانند ایالات متحده امریکا، چین، ترکیه و ... را به تصویر می‌کشد. در بخش پایانی این کتاب مهمترین منابع قدرت نرم ج.ا. ایران از دیدگاه ایشان آمده است.

افتخاری و همکاران (۱۳۸۹)، مجموعه مقالات قدرت نرم که در «همایش بسیج و قدرت نرم» ارائه شده است را تألیف و گردآوری کرده‌اند. این کتاب در شش بخش مقالات گوناگونی را گردآوری کرده است. مقالاتی در خصوص مبانی و شناخت قدرت نرم، بررسی تطبیقی قدرت نرم، قدرت نرم و جنگ‌های رایانه‌ای و نقش بسیج به مثابه سرمایه اجتماعی از مهمترین مباحث این کتاب است.

«نقش قدرت نرم در سیاست خارجی امریکا در قبال ایران» تألیف علی‌پور (۱۳۹۱) است. این کتاب پس از تعریف قدرت نرم، به سیاست خارجی امریکا در دوره «پسا جنگ سردی» می‌پردازد. این کتاب به ارائه مباحثی از نرم‌افزارگرایی کلینتون تا سخت‌افزارگرایی بوش پرداخته است. نویسنده، قدرت نرم را توان تحمیل اراده خود بر طبیعت، دیگران و خود می‌داند و معتقد است همه افراد در خانواده، محل کار و ... از قدرت استفاده می‌کنند. آنچه با اقتناع طرف مقابل

1. Michael Cox

انجام می‌شود را قدرت نرم می‌داند.

افتخاری و کمالی (۱۳۹۴) در «ساختار قدرت نرم در گفتمان اسلامی» پس از شرح انتقادی از قدرت نرم در گفتمان غربی، با استفاده از روش تفسیر موضوعی قرآن کریم، ساحت‌های این مفهوم را در گفتمان اسلامی استنباط و با رویکرد سکولار غرب مقایسه کرده و به این نتیجه رسیدند که قدرت نرم در گفتمان غربی تک بعدی و مادی نگر است در حالیکه در گفتمان اسلامی علاوه بر منابع قدرت، به خاستگاه، مدیریت و استحکام قدرت نرم توجه شده است. افضل‌ی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله «مولفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران و ظرفیت‌های آن در عرصه بین‌الملل از دیدگاه کارشناسان» شاخص‌های قدرت نرم را با بررسی میزان اثرگذاری بر قدرت ملی ایران در شانزده مورد عنوان می‌کنند که در بُعد فرهنگی، موقعیت فرهنگی ایران، در بُعد اقتصادی: مزیت نسبی در تولید کالای خاص و در بُعد سیاسی وحدت و اعتماد ملی بالاترین ضریب اثرگذاری را دارند.

هر چند پژوهش‌هایی در خصوص قدرت نرم صورت گرفته است اما اغلب تأکید بر نظریه نای و ابعاد فرهنگی، سیاست خارجی و ارزشهای سیاسی داشته‌اند؛ در حالیکه پژوهش حاضر در پی آن است که به بررسی منابع و ظرفیت‌های شکل‌گیری قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران منطبق بر اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران پردازد و مشخص نماید که مهمترین مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی چیست؟ بر این اساس می‌توان موضوع پژوهش را متفاوت از پژوهش‌ها و مکتوبات پیشین دانست به طوری‌که این مقوله دامنه بسیار گسترده‌تری را در بر می‌گیرد و می‌تواند مورد توجه سایر پژوهشگران و اندیشمندان در تحقیقات بعدی نیز قرار گیرد.

مبانی نظری

قدرت نرم

بررسی انتقادی مفهوم قدرت نرم از نظر جوزف نای - که به عنوان آغازگر این مبحث در کتب و مسائل مربوط به قدرت نرم معرفی می‌شود- اهمیت دارد چرا که هنوز بسیاری از تحلیل‌های موجود در خصوص قدرت نرم به نوعی از دل رهیافت «نای» بر می‌خیزند. به گفته نای: «قدرت نرم توانایی بدست آوردن خواسته شما از طریق جذابیت است نه به واسطه زور یا پول»، در واقع

توانایی به دست آوردن نتایج مطلوب است زیرا دیگران نیز آنچه را شما می‌خواهید، می‌خواهند (لی، ۱۳۹۰: ۳۵). او همچنین عقیده دارد، هنگامی که سیاست‌های ما در چشم دیگران مشروع جلوه کند، قدرت نرم ما افزایش می‌یابد (موسوی، ۱۳۹۹: ۲۸۵). سپس تأکید می‌کند که قدرت نرم یک کشور سه منبع اصلی دارد: فرهنگ (در مکانی که برای دیگران جذابیت دارد)، ارزش‌های سیاسی (زمانی که در داخل و خارج به این ارزش‌ها وفادار هستید و بر اساس آن عمل می‌کنید و سیاست خارجی (زمانی که مشروع تلقی می‌شوند و دارای اقتدار اخلاقی هستند) (Nye, 2008: 11 و دهشیری، ۱۳۹۷: ۴۳).

نای تمایز روشنی میان چگونگی استفاده از قدرت نرم و سخت قائل می‌شود. قدرت سخت در اعمال تهدید، اجبار، مجازات، پرداخت پول و تشویق تجلی می‌یابد؛ در حالی که قدرت نرم در جذابیت، اقتناع‌گرایی و پذیرفتن نشان داده می‌شود. قدرت نرم تا جای ممکن برای همگان قابل ترجیح است. «وقتی می‌توانی دیگران را وادار کنی ایده‌آل‌های شما را تحسین کنند و آنچه را که تو می‌خواهی، بخواهند آن وقت مجبور نیستی هویج و چماق زیادی را صرف کنی تا آنها را به مسیر خود بیاوری (لی، پیشین: ۳۵).

نای قدرت سخت را از قدرت نرم جدا می‌کند، هر چند شاید بتوان قدرت سخت را جزئی از نرم دانست. چرا که قدرت سخت نیز می‌تواند در شرایط مشخص جذابیت، گیرایی و جلب نظر سایرین را به دنبال داشته باشد و یا منابع سنتی قدرت سخت می‌توانند منبعی برای قدرت نرم باشند. شاید بتوان با کمک «رهیافت رفتاری» چستی قدرت نرم را بهتر بیان کرد.

«رهیافت استفاده نرم از قدرت»: این رهیافت بر این نکته اذعان دارد که منابع قدرت چگونه مورد استفاده قرار می‌گیرند (اعم از اینکه آنها را منابع سخت یا نرم قدرت بدانیم). به عبارت دیگر: قدرت نرم بر استفاده نرم از قدرت و منابع آن تأکید می‌کند تا بتواند جذابیت، اقتناع و پذیرش یک بازیگر یا رفتار را توسط سایرین افزایش دهد. اگر بازیگری (کشوری) برای رفاه، آسایش و رضایت اجتماعی، اقتصادی و ... اتباع خویش از منابع متعدد فرهنگی، اقتصادی و سیاسی قدرت به نحو مطلوب و مناسب استفاده کند، نه تنها در داخل، بلکه پذیرش دیگر کشورها را به دنبال خواهد داشت. یا اگر کشوری در روابط خویش با کشورهای دیگر از منابع قدرت‌اش از یک رهیافت (استراتژی) سنجیده، محتاط و عاقلانه استفاده کند و نقش مهمی در تأمین کالاهای عمومی همگانی ایفا نماید، مسلماً احترام، دوستی و روابط متقابل مثبت

کشورهای دیگر را به همراه خواهد داشت.

جدول ۱: انواع قدرت از نظر منبع تولید، روش، ابزار و نوع اثرگذاری

نوع قدرت	منبع تولید	تولیدکننده و هدایت کننده	روش	ابزار	اثر
قدرت سخت	توان نظامی و اقتصادی و سیاسی	دولتها	تحمیل از طریق تطبیح و تهدید، تشویق و مجازات	حمله نظامی؛ تحریم؛ انزوای سیاسی؛ دیپلماسی رسمی	کوتاهمدت و نسبی
قدرت نرم	فرهنگ و نظام ارزشی	مردم؛ سازمانهای مردم نهاده، نهادهای بین‌الدولی؛ دولتها.	اتفاق و جلب رضایت از هر طریق ممکن	رسانه‌ها؛ سازمانهای مدنی؛ سازمانهای حقوق بشری؛ دیپلماسی عمومی	بلندمدت و بنیادین

(نگارنده: بر اساس یافته‌های تحقیق)

قدرت نرم در رویکرد جمهوری اسلامی ایران

ایران به عنوان کشوری با حکومت اسلامی که مبتنی بر جهان بینی اسلامی است، گونه‌ای از قدرت فرهنگی است که جایگاه و رسالت تازه‌ای را برای دولت تعریف می‌کند و همین امر ماهیت قدرت را معنا و مفهومی تازه می‌بخشد. دولت به مثابه نهادی بشری که برای سامان دهی به حیات سیاسی - اجتماعی انسان پدید آمده، از منظر اسلامی به حکم و خواست الهی می‌باشد. از این رو، برخلاف آنچه در جهان غرب وجود دارد و موضوع اصلی سیاست، حفظ و اعمال قدرت برای دنیاداری است؛ در اسلام قدرت جزئی از حوزه کار سیاست بوده و هدف سیاست، هدایت بشر به سوی کمال و تعالی، ایجاد نظم و عدالت و جلوگیری از ظلم و ستم است (قبادی، ۱۳۷۸: ۱۰۷).

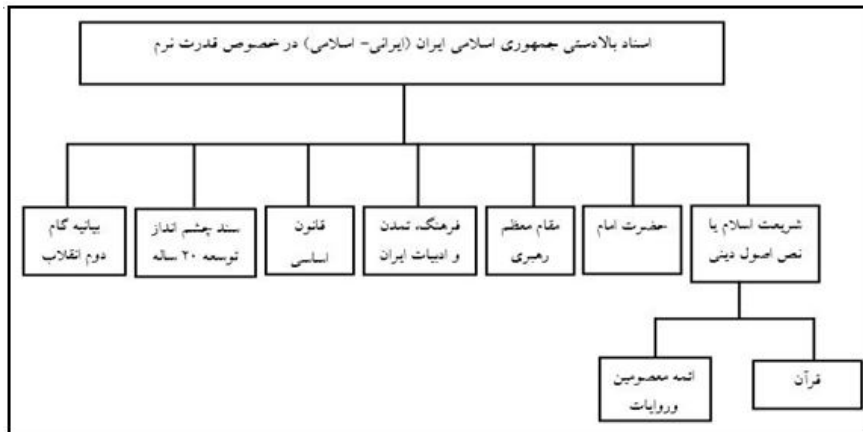
در همین رابطه، امام خمینی (ره) به صراحت اظهار داشتند، بنیاد قدرت سیاسی در نظام اسلامی، بر دورکن دین و مردم استوار است و همین امر آن را از مکاتب بشر بنیادی که به صورت افراطی به یکی از این دو منبع اتکا دارد، متمایز می‌سازد. این ملاحظه يك تغییر صوری نبوده و به دلیل تحول مبانی فلسفی و شناختی قدرت، به شکل گیری گفتمانی متفاوت از گفتمان غربی منجر می‌شود که می‌توان از آن به «گفتمان اسلامی قدرت و قدرت نرم» تعبیر کرد.

بنابراین، ایران اسلامی با توجه به الهام گرفتن اصول و مبانی دینی، عقیدتی، سیاسی،

اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود از مکتب غنی اسلام، در تبیین، تعریف و ارائه رهیافت‌های مختلف مربوط به قدرت، تنها به جنبه‌های مادی (سخت قدرت) توجه ندارد بلکه با وجود گزاره‌های بسیار غنی همچون: سعادت، مشروعیت الهی، کرامت انسانی و ... نگاه نرم‌افزاری ویژه‌ای به حوزه قدرت دارد و همین نگاه ویژه به منابع نرم‌افزاری قدرت سبب شده است تعاریفی که از این مفهوم سیاسی ارائه می‌شود و منابع و شاخص‌های مرتبط با آن با تعاریف و شاخص‌های ارائه شده از سوی متفکران غربی آن متفاوت و بعضاً در تعارض قرار گیرد. در این راستا، بازآفرینی فرهنگ بومی و دینی، نیازمند «هسته گفتمانی» و همچنین دال برتر است. ساختارهای متزلزل تنها در شرایطی بقا می‌یابند که قالب‌های معنایی و مفهومی، هویت و معنای خود را حفظ و باز تولید کنند. پس گفتمان اسلامی زمانی ظهور یافت که دال برتر از قابلیت و توانمندی لازم برای «ساخت یابی» برخوردار شد (تراپی، ۱۳۸۷: ۸۷).

از آنجا که قدرت نرم مقوله‌ای فرهنگی و اجتماعی است و شناخت مفهومی و مصداقی آن بدون توجه به ساخت اجتماعی جامعه هدف (ایران) ممکن نمی‌باشد، ضرورت دارد تا اسناد بالادستی و حاکم بر جامعه ایران معرفی و مقوله قدرت نرم در این اسناد بازخوانی و بازشناسی گردند تا بتوان شاخص‌ها و اثرات قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران را به شکل مدلی جامع ارائه نمود.

شکل ۱: اسناد بالادستی واجد ظرفیت و منبع تولید قدرت نرم در ج.ا. ایران (نگارنده)



روش تحقیق

پژوهش حاضر که از نظر هدف کاربردی است، به روش توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر اسناد و متون کتابخانه‌ای انجام شده است. منظور از این اسناد، تمام مواد نوشتاری، صوتی و تصویری است که بسته به موضوع پژوهش، مطالبی از آن استخراج شده است. به همین جهت ضمن بررسی متون مربوط به مبانی و آموزه‌های اسلامی، تلاش کردیم اسناد بالادستی نظام ج.ا.ایران شامل: بیانات، فرمایشات و مکتوبات حضرت امام، مقام معظم رهبری، قانون اساسی، متون فرهنگی و تمدنی، سند چشم انداز و بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته و مولفه‌ها و واحدهای معنایی مندرج در این اسناد به روش تحلیل محتوا به تفکیک استخراج و معرفی شوند. سپس این مولفه‌ها در اختیار ۲۰ نفر از استادان و نخبگان فعال حوزه قدرت نرم که به شیوه هدفمند و در دسترس انتخاب شدند، قرار گرفت و مبتنی بر نظرات ایشان در چهار بُعد: فرهنگی-اجتماعی، سیاست خارجی، ارزش‌های سیاسی و بُعد اقتصادی دسته‌بندی و ارایه گردید.

یافته‌های پژوهش

با توجه به معرفی اسناد بالادستی جمهوری اسلامی در ۷ مقوله شامل: آموزه‌های اسلامی، اندیشه‌های بنیانگذار انقلاب اسلامی، مقام معظم رهبری، فرهنگ و تمدن، قانون اساسی، سند چشم‌انداز ۲۰ و بیانیه گام دوم انقلاب، به بررسی یافته‌های در این منابع می‌پردازیم.

دین اسلام شامل: الف- قرآن کریم: قرآن به عنوان مهمترین دستورالعمل اسلامی که به تمامی جنبه‌های زندگی بشری توجهی جامع و کامل داشته است؛ در ارائه ارزش‌هایی بدیع و اثرگذار که در جذب و جلب افراد و قلوب انسانی به صورت مشروع اثرگذار هستند، منحصر به فرد می‌باشد. در این خصوص مهمترین نصوص قرآنی و روایی و تاریخ اسلام را می‌توان اینگونه ارائه نمود. قرآن کریم در سوره بقره آیه ۵۶ (لا إكراهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرِّشْدُ مِنَ الْغَيِّ)، با صراحت اجبار در پذیرش دین را نفی می‌کند. همانگونه که در این آیه شریفه سه مفهوم اجبار، ارشاد و اغوا به توالی آورده شده است، اصل پذیرش عقیده و انتخاب مسیر آزاد است و اسلام کسی را با اجبار و از روی اکراه و اغوا ملزم به پذیرش چیزی نمی‌کند. در دعوت به اسلام اصیل روش‌های حکمت (برهان و استدلال) و موعظه حسنه (أدعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ

و جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ...^۱، و انتخاب احسن پس از شنیدن سخن‌های گوناگون و تأمل و تفکر در مورد آنها (فَبَشِّرْ عِبَادِيَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ...)^۲ توصیه شده است.

البته عدم اجبار در دین ملازم با امکان تبیین رشد از غی است. به این معنا که در چنین جوامعی باید مرزهای بین اغوا و ارشاد مشخص باشد و در این صورت است که توده‌ها و عموم مردم با عنایت به فطرت پاک و بصیرتی که در نتیجه تبیین به دست می‌آورند، راه هدایت را از گمراهی تمیز می‌دهند. بنابراین با توجه به این آیات از قرآن کریم می‌توان از دو نوع قدرت نرم نام برد: قدرت نرم مبتنی بر اغوا که قدرت‌های شیطنانی و استکباری از آن برای فریب و تسلط بر توده‌ها استفاده می‌کنند و قدرت نرم مبتنی بر ارشاد که قدرت‌های الهی متجلی در حکومت انبیاء، معصومین و صالحین از آن برای هدایت مردم استفاده می‌کنند (هرسیج، ۱۳۹۰: ۱۴۲). و صد البته قدرت نرمی پایدار است که با فطرت انسان‌ها سازگار بوده و دوام و بقای بیشتری دارد. ب- ائمه معصومین (ع) و روایات: علاقه و محبت زمامدار، عامل بزرگی است برای ثبات و ادامه حیات حکومت. پس سیره و روش زمامداران و حاکمان می‌تواند عامل مهمی در شکل‌گیری قدرت نرم محسوب شود. تاریخ اسلام نشان می‌دهد که از بدو ظهور اسلام توجه به قدرت نرم کانون توجه اولیای دین بوده است. محبت رمز نفوذ پیامبر (ص) در میان مردم و گسترش اسلام بوده است. خداوند در قرآن می‌فرماید: ای پیغمبر نیروی بزرگی برای نفوذ در دل مردم و اداره اجتماع داری، «به موجب لطف و رحمت الهی، تو بر ایشان نرم دل شدی و اگر این خُلق و خوی تو نبود (اگر به جای این اخلاق نرم و ملایم) و اخلاق خشن و درشتی داشتی از دور تو پراکنده می‌شدند» (وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا لَفُتِنُوا مِنَ حَوْلِكَ)^۳.

بنابراین، در زمینه هستی‌شناسی، گفتمان اسلام بر سه اصل توحید، نبوت و معاد (هدایت) متکی است. بر این اساس جهان هستی مخلوق خدای یگانه است و خداوند دارای صفاتی از جمله خالقیت و ربوبیت است. در گفتمان غربی، اعتقاد به ماتریالیسم به معنای نادیده انگاشتن بُعد الهی جهان هستی است.

۱. سوره نحل، آیه ۱۲۵

۲. سوره زمر آیات ۱۷ و ۱۸

۳. سوره آل عمران، آیه ۱۵۲

در حوزه معرفت‌شناسی، ملاک و معیار شناخت، درک و فهم حقیقت و محک درستی و نادرستی گزینه‌ها با منابع سه‌گانه وحی (محک و ملاک اصلی)، عقل و تجربه است که قرآن، حدیث، سنت و اجماع در این زمره‌اند.

در حوزه انسان‌شناسی نیز مفاهیمی چون کرامت، هدایت، سعادت و ... مطرح می‌شوند؛ به گونه‌ای که در زمره اهداف اصلی این منظومه محسوب می‌شوند. این نوع نگرش به انسان موجب می‌شود زاویه دید گفتمان اسلامی به مثابه مجموعه‌ای از جوامع بشری تلق شده و انسان یکی از محورهای اصلی نظریه‌پردازی در این زمینه محسوب شود (همان). به این ترتیب، توجه به ابعاد مادی و معنوی قدرت، وجود حوزه‌های متعدد قدرت که قدرت نرم و حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی و ... در این حوزه گنجانده می‌شوند؛ منشأ الهی - انسانی قدرت، هدف متعالی از کسب قدرت و غایت الهی قدرت در رویکرد اسلامی مشخص و از موارد ایجابی قدرت در اسلام می‌باشند.

جدول ۲: مقایسه مؤلفه‌های قدرت از دیدگاه اسلام و غرب

اسلام	غرب	دیدگاه مؤلفه
معنوی (الهی)	مادی	تعریف قدرت
غایت‌گرا	منفعت‌گرا	ماهیت قدرت
وظیفه‌گرا و متصل	ابزارگرا و منقطع	کاربست قدرت
ذات باریتعالی	اراده مردم	منشأ قدرت
ذات خداوند و فعلیت به واسطه مردم	اراده مردم	مشروعیت قدرت
عدالت، ظلم‌ستیزی، امنیت، تأمین نیازهای مادی و معنوی ایجاد نظم در راستای کمال و تعالی بشر	لیبرالیسم، دموکراسی، حقوق بشر، امنیت، ایجاد نظم، تأمین نیازهای مادی	هدف قدرت

نگارنده با اقتباس از: صالحی و همکار، ۱۳۹۲: ۱۳۴

امام خمینی «ره» (بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران)

با رهبری امام خمینی (ره) و سیره و گفتار ایشان گزاره‌های جدیدی به عنوان گفتمان انقلاب اسلامی شکل گرفت. در جهان‌بینی امام خمینی (ره)، قدرت از آن خداست، موجودات به خودی خود نه دارای شیئیتی هستند و نه وجودی تا چه رسد به کمالات وجود مانند علم و

قدرت. همه در جات قدرت و حیثیات کمال ذات و ظهور اسماء و صفات خداوند هستند (موسوی خمینی، ۱۳۷۴: ۱۱۳). نگاه توحیدی و غایت‌محورانه امام باعث شد توجه ایشان بیش از قدرت سخت افزاری معطوف به قدرت نرم باشد. اگر چه ایشان هیچ کجا مشخصاً از واژه قدرت نرم استفاده نکردند؛ اما از بررسی آثار نوشتاری، سخنرانی‌ها و پیام‌های ایشان می‌توان به مفاهیمی دست یافت که عیناً همان قدرت نرم می‌باشد. آنجا که امام خمینی از قدرت الهی، قدرت ملت، قدرت اسلام، قدرت قرآن و ... سخن می‌گوید، در واقع به منابع نرم قدرت و تأثیر شگرف آنها بر رفتارهای اجتماعی و تعاملات سیاسی و بین‌المللی اشاره دارد.

جدول ۳: ارکان معنایی منابع قدرت نرم ج.ا.ایران در اندیشه‌های حضرت امام (ره)

ردیف	مصادیق	رکن معنایی	توضیحات
1	باید حکومت‌های ظالمانه دیکتاتوری از جهان برداشته شود و به جای آن حکومت عادلانه خرمندانانه نهاده شود. مسلمانان هنگامی می‌توانند در امنیت و آسایش به سر برده ایمان و اخلاق فاضله خود را حفظ کنند که در پناه حکومت عدل و قانون قرار گیرند. طرز حکومتی که ما پیشهاد می‌کنیم حکومت جمهوری اسلامی است و اساس بر آزادی و استقلال کشور و عدل و تعدیل تمام دستگاه‌های دولتی است	عدالت	کشف‌الاسرار (231) - کتاب ولایت فقیه صفحه ۲۰۳ - ندای حق ص ۶۳
2	باید استعمار خواب‌های خیلی عمیق برای شما دیدند. شما فقط در سایه نهذب، پرهیز و نظم و ترتیب صحیح می‌توانید نقشه‌های استعماری آنان را خنثی کنید	نهذب	کتاب جهاد اکبر صفحه ۷۶
3	باید استعمار می‌خواهند تمام حیثیت اسلام را از بین ببرد و شما باید در مقابل استیلاگری کنید - شما آقایان محترم در هر مقامی که هستید با کمال متانت و استقامت، دو مقابل کارهای خلاف شرع و قانون این دستگاه باشید	مقاومت	کتاب جهاد اکبر: 77 - نهضت امام خمینی ص ۲۸۹
4	ما معتقد به ولایت هشیم و باید کوشش کنیم که دستگاه اجرایی احکام و اداره امور برقرار شود	ولایت	کتاب ولایت فقیه: 20
5	شما قوانین اسلام و آثار اجتماعی و فزاید آن را بنویسید و نشر کنید - اسلام آمده تا به جامعه نظم بدهد، اعمالت اعتباری و حکومت برای تنظیم امور جامعه است	اسلام	کتاب ولایت فقیه: 20 - 85
6	توجه داشته باشید که شما وظیفه دارید حکومت اسلامی تأسیس کنید - بدون تشکیل حکومت همه جریان‌ها و فعالیت‌های افراد را از طریق اجرای احکام تحت نظام عادلانه درآورد هرج و مرج و به وجود می‌آید و فساد اجتماعی و اخلاقی پدید می‌آید - طرز حکومتی که ما پیشنهاد می‌کنیم حکومت جمهوری اسلامی است و اساس بر آزادی و استقلال کشور و عدل و تعدیل تمام دستگاه‌های دولتی است	حکومت اسلامی	کتاب ولایت فقیه: 21 - 29 - ندای حق ص ۶۳
7	ما وظیفه داریم مردم مظلوم و محروم را نجات دهیم و پشتیبان مظلومین و دشمن ظالمین باشیم	حمایت از مظلوم	کتاب ولایت فقیه ص ۴۴
8	خوبه‌های بی‌باید به فکر باشند و خود را مجهز به تشکولات و لوازم و قدرتی کنند که بتوانند اسلام را به تمام معنی نگهداری کنند. البته مسائل برای ما باید یاد بدهد اما مهم مسائل سیاسی اسلام است، مسائل اقتصادی و حقوقی اسلام است اینها محور کار بوده و باید باشد. دانشجویان چشمتان باز است. شما مطمئن باشید اگر این مکتب را عرضه نماید و حکومت اسلامی را چنان که هست به دانشگاهیان معرفی کنید دانشجویان از آن استقبال خواهند کرد - حوزه و روحانیت محل تدریس و تعلیم و تبلیغ و رهبری مسلمانان است.	وحدت و تلاش حوزه و دانشگاه	کتاب ولایت فقیه ص ۵۰ - 173 - 199
9	حاکم در حقیقت قانون است. همه در امان قانون اند در پناه قانون اسلام اند	حاکمیت قانون	کتاب ولایت فقیه ص ۹۴
10	آمر به معروف و ناهی از منکر دعوت به اسلام و رد مظلوم و مخالفت با ظالم می‌کند. اگر قیام شد پشتیبانش هم الله است شما برای خدا نهضت گردید برای خدا برای رفع ظلم قیام گردید و هدای تبارک و تعالی هم با شماست	مخالفت با ظلم و قیام	کتاب ولایت فقیه ص ۱۶۲ - کلام امام، دفتر دهم، ص ۱۵۲ -
11	اسلام را عرضه بنادید و در عرضه آن به مردم نظیر عاشورا به وجود یآوردید. اسلام را که مکتب جهاد و دین مبارزه است در اختیار مردم قرار دهید تا عقاید و اخلاق خودشان را از روی آن تصحیح کنند و دستگاه سیاسی استعماری را سرنگون کنند - آنها اسلام و روحانیت را برای اجرای مفاهیم خود مفسر و مبالغ می‌دانند. اکنون که ماه محرم است چون ششمیری الهی در دست سربازان اسلام است	انگاه به اسلام و عاشورا	کتاب ولایت فقیه صفحه ۱۸۱ - نهضت امام خمینی ص ۳۱۶ - کلام امام، دفتر دهم ص ۲۲۴
12	وحدت مذهبی لازم است، اگر حاله به استقلال ایران دارید و وحدت مذهبی داشته باشید، امید است با وحدت کلمه علمای اسلام و مراجع و کثر الله اسما و هم حفظ استقلال مملکت و قطع دست اجنب را نموده و از حریم اسلام و قرآن کریم دفاع کنند - بی‌تردید رمز بقای انقلاب اسلامی همان رمز پیروزی است - که در رکن اصلی آن انگیزه الهی و مقصد عالی حکومت اسلامی و اجتماع ملت در سراسر کلمه با وحدت کلمه برای همان انگیزه و مقصد است - در آستانه به هم نزدیک شدن جمیع مسلمانان جهان و تقاعیم همه مذاهب اسلامی با رمز وحدت کلمه و اتکال به هدای بزرگ و اجتماع در زیر پرچم اسلامی و توحید عمل کنید	اتحاد	نهضت امام خمینی ص ۳۷۲ - وصیتنامه: 8 - پیام به زائران بیت‌الله الحرام (۱۳/۱/۶۲) ۵۹
13	هدف ما برقراری جمهوری اسلامی و برنامه ما تحصیل آزادی و استقلال و سوردن اداره کشور به کارشناسان امین است	استقلال و آزادی	ندای حق ص ۴۵
14	انقلاب اسلامی بر مبنای اصل توحید استوار است که محتوای این اصل در همه شئون جامعه سایه می‌افکند. شما می‌دانید که این انقلاب بهترین انقلاب‌هاست و بزرگترین انقلاب‌ها بوده است از حیث محتوا، محتوای این انقلاب اسلام و اخلاق اسلامی است	توحید و خدمات‌جویی	مصاحبه‌های امام ص ۸۱ - روزنامه اطلاعات ۵۹/۱/۱۸
15	نظام آینده مملکت بر اساس عقیده اکثریت ملت استوار خواهد بود. این از خصوصیات نهضت ایران اسلامی است که همه قشرها در خدمت صادقه‌اند. در رژیم اسلام در رأس برنامه‌اش هم این تقاعیم ما بین دولت و ملت باید باشد	انگاه به ملت	روزنامه کیهان ۵۷/۱/۱۶ - کلام امام، دفتر دهم، ص 173 - روزنامه کیهان ۱۳/۵۸/۴
16	شما می‌دانید که این نهضت با قدرت اسلامی و با قوت ایمان پیشبرد و گریه ما در مقابل آنها چیزی ندانستیم - رمز پیروزی ما توجه به هدای تبارک و تعالی او و پاسداری از اسلام بود	ایمان	کلام امام، دفتر دهم ص ۱۴۱ - کلمات قصار کتاب و حکمت امام خمینی 99

17	ویژگی‌های انقلاب اسلامی الهی، اسلامی، مکتبی، مردمی، رهبری، نه شرقی نه غربی، فاطمی و سازش است. اگر از این راه مستقیم رفتیم که نه شرقی است و نه غربی از اینجا بی نهایت سعادتمندی و ملای را سعادتمند کرده‌ایم - من اکنون به ملت‌های شریف ستم‌دیده و به ملت عزیز ایران توصیه می‌کنم که از این راه مستقیم الهی که نه به شرق ملحد و نه به غرب ستمگر کافر وابسته است ... پایبند باشند	شکاک به خود	ندای حق ص ۴۷ - کلام امام دفتر دهم ص ۲۴۴ - وصیانه: 5
18	ما برزخ علمی برای جولان زنده کردن روح جستجو و کشف واقعیت‌ها و حقیقت‌هاست و اما مبارزه عملی آنان در بهترین صحنه‌های زندگی و جهاد و شهادت شکل گرفته است	جهاد، شهادت و جوانان	بسج در اندیشه امام خمینی: 137

منبع: یافته‌های پژوهش

رهبری انقلاب اسلامی

در نگاه رهبری انقلاب اسلامی، مفهوم قدرت و تمامی شئون آن یعنی ابزارهای کسب و افزایش قدرت، حفظ و نمایش آن، مشروعیت، منشأ و غایت این مفهوم بدون لحاظ بُعد معنوی آن فاقد اصالت و اعتبار است. در نگاه ایشان قدرت به واسطه نوع نگاه و عمل اعمال‌کننده آن، منشأ و غایت آن، قدرت خیر یا شر و به تعبیر آیت‌الله خامنه‌ای نعمت و یا نعمت می‌شود. از نگاه رهبر انقلاب اسلامی قدرت نرم مبتنی بر اصول اسلام است و ایشان فلسفه سیاسی اسلام را مهندسی سیاسی اجتماعی بشریت می‌دانند.

مقام معظم رهبری بر این اعتقادند که سیاست اسلامی بر مبنای فلسفه اسلامی استوار است و بریده از فلسفه الهام گرفته از قرآن نیست (بیانات ۱۳۶۰/۱۰/۱۷). مقام معظم رهبری مانند امام خمینی (ره)، که به صراحت قدرت معنوی را برتر از قدرت‌های اقتصادی و نظامی می‌دانند (صحیفه امام، ج ۱۳: ۳۸)؛ از قدرت نرم با عناوینی همچون «قدرت ماندگار» و «قدرت سرنوشت‌ساز» یاد می‌کنند و چنین می‌گویند: «اما یک دسته هم عوامل معنوی قدرت‌اند: یعنی ایمان، پاکی و پارسایی، راستی و حقانیت، ارزش‌های دینی و الهی همراه با مجاهدت، این قدرت قدرت ماندگار است، قدرتی که از این راه حاصل می‌شود... قدرت ماندگار تاریخی است، قدرت سرنوشت‌ساز است (بیانات، ۱۳۷۸/۸/۲۹). اگر چه در گفتار و آثار رهبری انقلاب اسلامی نیز واژه قدرت نرم کمتر مشاهده می‌شود؛ اما واژگانی همچون قدرت الهی، قدرت ایمان، قدرت پروردگار همگی نشانی از توجه ایشان به جنبه قدرت‌افزایی قدرت را آشکار می‌سازد.

جدول ۴: منابع قدرت نرم ج.ا. ایران در اندیشه‌های مقام معظم رهبری

ردیف	مصادیق	حسه	توضیحات
1	اساس نظام اسلامی بر اطاعت از خداوند است؛ ... نظام اسلامی بر اساس توحید است. پایه‌ی اصلی، توحید است	توحید و خدام جمهوری	(1388/12/06)
2	اسلام همچنان لب و محضرا و ماده‌ی اصلی حرکت نظام ماست - مسئله‌ی جمهوری اسلامی، مسئله‌ی بازتولید معارف بالای اسلامی است. تا مسلمانها احساس هويت کنند، احساس شخصیت اسلامی کنند، با تعالیم اسلام که نتایجش بشریت است، آشنا شوند، انقلاب آنها را به پاد لست اسلامی آورد - جمهوری اسلامی یک واحدی است که داری دو بعد است: اسلامی بودن و مردمی بودن - یکی از نقاط قوت بزرگ ملت ایران، ایمان و دین‌باوری، معرکت دینی و مذهبی و علاقه‌ی شدید به مسائل الهی و معنوی است.	فرهنگ اسلامی	(1390/12/18) - (1389/8/03) - (1388/7/2) - 1373/1/24

3	جمهوری اسلامی یک تلبیهای سیاسی نوینی به نام مردم‌سالاری دینی را به دنیا عرضه کرده است- جمهوری اسلامی یعنی نظامی که در آن، مردم‌سالاری از اسلام گرفته شده است و با ارزشهای اسلامی همراه است- جمهوری اسلامی راه خودش را - راه عزت، امنیت، عدالت و مردم‌سالاری در سایه‌ی اسلام و برخاسته از اندیشه‌ی اسلامی - ادامه خواهد داد و بدون هیچ تردیدی، بدون هیچ سستی‌ای پیش خواهد رفت و سنلهای آینده، قضاوت خواهند کرد	مردم‌سالاری دینی (1390/8/011) و 1390/7/24 (1388/11/19)
4	استبداد جمهوری اسلامی، مظفر عدالت‌خواهی انبرالمؤمنین است. ... موفقیت در «استادگی» است - ما امروز دولت مقاومت، ایم. دولت مقاومت نه اهل تجاوز است، نه اهل سلفه‌طلبی و دست‌اندازی به ملتها و کشورها است، نه اهل فرود رفتن در لاک دفاعی و موضع افعال است- هیچ‌کدام از اینها نیست	مقاومت (1386/5/6) - (1396/2/20)
5	جمهوری اسلامی با ظلم متعاقب است، با ظلم مبارزه می‌کند، در مقابل زورگویی و زیادخواهی ظالمان و مستکبران هم با همه‌ی وجود می‌ایستد و عقب‌نشینی نمی‌کند- نظام جمهوری اسلامی، یک جمهوری مملی بقیه‌ی دولتها و جمهوری‌ها و غیر جمهوری‌های دنیا نیست؛ یک نظام دارای پیام است. ... اینجا مسئله، مسئله‌ی ارزشهاست؛ مسئله‌ی انسانیت است؛ مسئله‌ی نجات ملتها از گزند قدرتهای مداخله‌گر و سلفه‌طلب است	مبارزه با ظلم (1390/7/23) - (1389/3/3)
6	جمهوری اسلامی راه خودش را - راه عزت، امنیت، عدالت و مردم‌سالاری در سایه‌ی اسلام و برخاسته از تلبیهای اسلامی - ادامه خواهد داد و بدون هیچ تردیدی، بدون هیچ سستی‌ای پیش خواهد رفت و سنلهای آینده قضاوت خواهند کرد	عدالت‌محوری (1388/11/19)
7	دولت مقاومت نه اهل تجاوز است، نه اهل سلفه‌طلبی و دست‌اندازی به ملتها و کشورها است، نه اهل فرود رفتن در لاک دفاعی و موضع افعال است؛ هیچ‌کدام از اینها نیست- نگاه جمهوری اسلامی و نگاه ملی که به این جمهوری و به این اسلام دل سپرده و در راه او حرکت کرده، فقط همین است که می‌خواهد زیر بار زور و سلفه و توهمین دیگران به شخصیت خودش نرود	سلفه‌ناپذیری (1396/2/20) - (1388/11/30)
8	جمهوری اسلامی در جایگاهی قرار می‌گیرد که دارای قدرت بازدارندگی است؛ دارای اقتدار بازدارنده است؛ می‌خواهد این اقتدار نباشد	اقتدار (1396/2/20)
9	جمهوری اسلامی برای هیچ کشوری تعهدی نیست؛ ما برای همسایه‌های خودمان هم هیچ وقت تعهدی نبودیم، چه برسد به جاهای دورست؛ این را تاریخ نزدیک ما به‌طور واضح نشان می‌دهد- جمهوری اسلامی دنیا را نمان نمی‌کند، منفعه را هم نمان نمی‌کند، حتی محیط همسایگان را هم نمان نمی‌کند، حتی در موارد زیادی بدرفتاری‌های برخی از همسایگان را هم با بزرگواری تحمل می‌کند	عدم تعهد (1394/1/30)
10	باید تاانشمان این باشد که اسلام ناب را مطرح کنیم، اسلام طرف‌دار مظلوم و ضد ظالم را در دنیا مطرح کنیم- نظام جمهوری اسلامی، یک جمهوری مملی بقیه‌ی دولتها و جمهوری‌ها و غیر جمهوری‌های دنیا نیست؛ یک نظام دارای پیام است. ... اینجا مسئله، مسئله‌ی ارزشهاست؛ مسئله‌ی انسانیت است؛ مسئله‌ی نجات ملتها از گزند قدرتهای مداخله‌گر و سلفه‌طلب است	حمایت از مظلومان (1393/12/21) - (1389/3/3)
11	مطمنان بقیه‌ی جمهوری اسلامی ایران به برکت همه‌های بلند، به برکت ایمانهای قوی، به برکت انسانهای خوب و مؤمن و با اخلاصی که بجدالله در کشور ما فرامان وجود دارند، خواهد توانست قلعه‌ها را یکی پس از دیگری فتح کند- این کشور با عزم و اراده‌ی مستحکم شما که از ایمان دینی برخاسته باشد، می‌تواند روزی به‌روز مقدراتش شود	حاکمیت ایمان (1390/2/14) - (1388/8/12)
12	چون جمهوری اسلامی موضع حق را تصاحب می‌کند، حریفان را صریح می‌زند، همه‌ی حملات تبلیغاتی را برمیگرداند به طرف نظام جمهوری اسلامی	حق‌محوری (1390/2/3)
13	نظام جمهوری اسلامی، یک جمهوری مملی بقیه‌ی دولتها و جمهوری‌ها و غیر جمهوری‌های دنیا نیست؛ یک نظام دارای پیام است. ... اینجا مسئله، مسئله‌ی ارزشهاست؛ مسئله‌ی انسانیت است؛ مسئله‌ی نجات ملتها از گزند قدرتهای مداخله‌گر و سلفه‌طلب است	ارزش‌های انسانی (1389/3/3)
14	حقیقت این است که در کشور ما حکومت مردمی وجود ندارد - همه یکی اند - مسئولین حکومت، از شخص خنجر این بنده گرفته تا دیگران، هر کدام فقط رعایای همین در قیاس‌نوس عظیم این ملت- جمهوری اسلامی یک واحدی است که داری دو بعد است: اسلامی بودن و مردمی بودن- انسانیت و جمهوریت دو عنصر جدا نیستند که به یکدیگر وصل شده باشند و یک حقیقت را به وجود آورده باشند در دل انسانیت، جمهوریت هست. در دل آنکه به حکم الهی، تکیه ی به مردم و احترام به خواست و رأی مردم هست- بنای جمهوری اسلامی بر اعتماد به مردم و انعقاد به مشارکت مردم است- سلسله‌های متعددی در این کشور آمده‌اند و رفته‌اند اما در هیچ‌کدام از این نقل و انتقال‌ها مردم هیچ دخالتی نداشته‌اند. امروز شیعه است که در ایران اسلامی، پرچم عزت و اقتدار اسلامی را بلند کرده و بر روی دست گرفته است و استکبار احساس عجز می‌کند	مردمی بودن (1388/10/19) - (1388/7/2) - (1388/5/12) (1387/9/24) - (1387/9/24) (1387/9/24)
15	امروز شیعه است که در ایران اسلامی، پرچم عزت و اقتدار اسلامی را بلند کرده و بر روی دست گرفته است و استکبار احساس عجز می‌کند	مذهب شیعه (1388/9/15)
16	جمهوری اسلامی ازین نندان معتقد به اتحاد اسلامی است؛ اتحاد اسلامی به معنای معنایی ملتها و همکاری دولت‌هاست- دعوت جمهوری اسلامی این است که مشارکات میان مذاهب اسلامی برجسته شود و دیوارهای ساخته‌ی دست دشمنان اسلام و عنادها و کینه‌ورزی‌ها برداشته شود	وحدت (1387/2/19) - (1387/1/1)

<https://www.leader.ir> و <http://farsi.khamenei.ir>

فرهنگ، تمدن و ادبیات ایران

تمدن ایران کهن، بیش از ده هزار سال پیش در بلخ، سیستان، گیلان، کاشان، کردستان و خوزستان پا گرفت. سرزمین ایران که بنیان‌گذار بسیاری از علوم و فلسفه علمی بوده است؛ در طول تاریخ به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی و فرهنگی همواره مورد هجوم فرهنگ‌ها، نگرش‌ها و بدخواهی‌های مختلف قرار گرفته و بارها ویران و دوباره بازسازی شده است. به عبارتی، هر چند بخش سخت‌افزاری آن (تمدن و ثروت‌های مادی) صدمات بسیاری دید اما بخش نرم‌افزاری آن (باورها و فرهنگ و ادبیات ایرانی) لطمات چندانی ندید و دوباره با هضم

مهاجمان موجبات سرفرازی ایرانیان و جذب اقوام بیگانه را فراهم آورد (گلشن‌پژوه، ۱۳۸۷: ۲۹۴).

جدول ۵: مهم‌ترین اصول و مفاهیم نرم‌افزاری قدرت (منابع قدرت نرم) در فرهنگ، تمدن و ادبیات ایران

ردیف	اصول و مفاهیم مبتنی بر قدرت نرم	ردیف	اصول و مفاهیم مبتنی بر قدرت نرم
1	ابتنا بر اصول و مفاهیم فرهنگ اسلامی	2	خدایمحوری و یکتاپرستی
3	عبادت و نماز خواندن	4	عدالت
5	دفاع از مظلوم و ظلم‌ستیزی	6	افکار، گفتار و اعمال نیک
7	میهن دوستی	8	شهادت (و فرهنگ عاشورایی)
9	آزادی	10	تساهل و مدارا
11	ادبیات پهلوانی و شجاعت	12	اسطوره‌ها و نمادها

منبع: یافته‌های پژوهش

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

به دلیل تبیین خطوط اصلی و چارچوب‌های کلان حاکم بر اداره کشور، مطالعه قانون اساسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و در تحلیل و بررسی موضوعات مختلف، به عنوان مرجعی رسمی قابل استناد و استدلال است. افزون بر این، قانون اساسی بهترین و گویاترین سند شناسایی هر نظام سیاسی و دربردارنده هدف‌ها، آرمان‌ها، اصول و ارزش‌های حاکم بر آن است. قانون اساسی کشور ما در یک مقدمه و ۱۴ فصل و یکصد و هفتاد و هفت اصل تدوین و تصویب شده است. در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است:

«قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران بر اساس اصول و ضوابط اسلامی است که انعکاس خواست قلبی امت اسلامی می‌باشد. در قانون اساسی و مقدمه آن چندین اصل و مبنای موجد قدرت نرم آورده شده است که به صورت ذیل فهرست می‌شوند:

جدول ۶: ارکان معنایی منابع قدرت نرم ج.ا.ایران از منظر قانون اساسی

ردیف	مصادیق	رکن معنایی	توضیحات
1	پویزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی در جهت رفاه و رفیع فقر و کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی و ... باید بر اساس موازین اسلامی باشد.	ابتهاء بر اصول و مبانی اسلامی	اصل سوم و چهارم
2	مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش	حضور مردم	اصل سوم
3	حکومت ایران جمهوری اسلامی است که ملت ایران بر اساس اعتقاد دیرینه‌اش حق و عدل قرآن، در پی انقلاب اسلامی پیرومندانه خود به رهبری مرجع عالیقدر تقلید آیت‌الله العظمی امام خمینی (قدس سره) ... به آن رای مثبت داد. جمهوری اسلامی نظامی است بر پایه ایمان به: خدای یکتا (لا اله الا الله) و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر امر او- حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است.	حق محوری و حاکمیت خداوند	اصل اول- اصل دوم- پنجاه و ششم
4	حکومت ایران جمهوری اسلامی است که ملت ایران بر اساس اعتقاد دیرینه‌اش حق و عدل قرآن، در پی انقلاب اسلامی پیرومندانه خود به رهبری مرجع عالیقدر تقلید آیت‌الله العظمی امام خمینی (قدس سره) ... به آن رای مثبت داد. امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلامی	رهبری امام خمینی	اصل دوم
5	کسب و عدل و استئصال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی که همبستگی ملی را تأمین می‌کند. توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم	وحدت و همبستگی ملی	اصل دوم و سوم
6	تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون- پیروان سایر مذاهب در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان آزادند.	آزادی	اصل سوم
7	تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون- همه افراد ملت اعم از زن و مرد در حمایت قانون قرار دارند و ... مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود.	قانون محوری	اصل سوم- اصل نوزدهم و بیستم
8	تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی دریغ از مستضعفان جهان- جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استئصال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. بنابراین در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند.	حمایت از مستضعفان	اصل سوم- اصل یکصد و پنجاه و چهارم
9	جمهوری اسلامی نظامی است بر پایه ایمان به: کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت در برابر خدا و ...	حاکمیت اخلاق اسلامی	اصل دوم
10	از آنجا که خاندانه واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قدسات آن و استوار و روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.	ارزش و جایگاه خانواده	اصل دهم
11	دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موافقت نسبت به افراد غیرمسلمان با اخلاق حسنه و کسب و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند- جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استئصال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد.	تفکر و فرهنگ انقلابی	اصل چهاردهم- یکصد و پنجاه و چهارم
12	طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب، محور هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی- سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیرمحراب استوار است.	استکبار ستیزی	اصل سوم- یکصد و پنجاه و دوم
13	مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود.	توجه به مبانی هویت ملی	اصل سوم- نوزدهم و بیستم
14	تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون- در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به آرای عمومی اداره شود ...	رضایت عمومی	اصل سوم- اصل ششم- ششم
15	در زمان غیبت حضرت ولی عصر (عج) در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت است بر عهده فقیه عادل و با تقوا، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است که طبق اصل یکصد و هفتم عهده‌دار آن می‌گردد	ولایت فقیه	اصل پنجم
16	تلاش دولت برای ایجاد محیط مساعد برای رشد فضائل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی	مبارزه با فساد	اصل سوم
17	سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیرمحراب استوار است- قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضاییه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت است بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند.	استقلال	اصل یکصد و پنجاه و دوم- اصل پنجاه و هفتم
18	حکومت ایران، جمهوری اسلامی است که ملت ایران بر اساس اعتقاد دیرینه‌اش به حکومت حق و عدل قرآن، در پی انقلاب اسلامی پیرومند خود به رهبری مرجع عالیقدر تقلید آیت‌الله العظمی امام خمینی، ... به آن رای مثبت داد	مردم سالاری دینی	اصل یکم
19	دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موافقت نسبت به افراد غیرمسلمان با اخلاق حسنه و کسب و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند- جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استئصال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. بنابراین در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند.	توجه ویژه به مستضعفین	اصل چهاردهم- یکصد و پنجاه و چهارم

19	دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان مؤمنند نسبت به افراد غیرمسلمان یا اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند- جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شمارد. بنابراین در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند	توجه ویژه به مستضعفین	اصل چهاردهم- یکصد و پنجاه و چهارم
20	سباست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول فرم‌حارب استوار است	تعامل با جهان	اصل یکصد و پنجاه و دوم
21	ارتش جمهوری اسلامی ایران باید ارتشی اسلامی باشد که ارتشی مکتبی و مردمی است و باید افرادی شایسته را به خدمت پذیرد که به اهداف انقلاب اسلامی مؤمن و در راه تحقق آن فداکار باشند.	وجود ارتش و نیروی نظامی مکتبی	اصل یکصد و چهل و چهارم.
22	قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضاییه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت است بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند	کارآمدی نظام اجرایی	اصل پنجاه و هفتم
23	حکم افراد ملت اهم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و ... دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید.	نقش برجسته زنان	اصل بیستم- بیست و یکم
24	تقویت کامل بنیه دفاع ملی از طریق آموزش نظامی عمومی برای استقلال و تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور	توان دفاعی	اصل سوم

منبع: یافته‌های پژوهش

سند چشم‌انداز توسعه ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران

«سند چشم‌انداز» را می‌توان منشوری راهبردی در سطح ملی ارزیابی کرد که بر پایه دانش جمعی و مشارکت حداکثری افراد و نهادهای مختلف تهیه و پس از فرآیند متعارف و قانونی در تاریخ ۱۳۸۲/۸/۱۳ از سوی رهبر انقلاب برای اجرا ابلاغ شده است. متن سند از این قرار است: با اتکال به قدرت لایزال الهی و در پرتو ایمان و عزم ملی و کوشش برنامه‌ریزی شده و مدبرانه‌ی جمعی و در مسیر تحقق آرمان‌ها و اصول قانون اساسی، در چشم‌انداز بیست‌ساله: ایران کشوری است توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل.

جامعه‌ی ایرانی در افق این چشم‌انداز چنین ویژگی‌هایی خواهد داشت:

- ✓ توسعه‌یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود و متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی با تأکید بر: مردم‌سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادی‌های مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسانها و بهره‌مند از امنیت اجتماعی و قضایی.
- ✓ برخوردار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فناوری، متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی.
- ✓ امن، مستقل و مقتدر با سامان دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه‌جانبه و پیوستگی مردم

و حکومت.

✓ برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده به دور از فقر، فساد، تبعیض و بهره‌مند از محیط زیست مطلوب.

✓ فعال، مسئولیت‌پذیر، ایثارگر، مؤمن، رضایت‌مند، برخوردار از وجدان‌کاری، انضباط روحیه‌ی تعاون و سازگاری اجتماعی، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی و شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن.

✓ دست یافته به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه‌ی آسیای جنوب غربی (شامل آسیای میانه، قفقاز، خاور میانه و کشورهای همسایه) با تأکید بر جنبش نرم‌افزاری تولید علم، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقاء نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل.

✓ الهام‌بخش، فعال و مؤثر در جهان اسلام با تحکیم الگوی مردم‌سالاری دینی، توسعه‌ی کارآمد، جامعه اخلاقی، نواندیشی و پویایی فکری و اجتماعی، تأثیرگذار بر همگرایی اسلامی و منطقه‌ای براساس تعالیم اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی (ره).

✓ دارای تعامل سازنده و مؤثر با جهان براساس اصول عزت، حکمت و مصلحت اصول و ارکان معنایی، مفاهیم اساسی هستند که سند چشم‌انداز بر پایه آنها بوجود آمده است. تحلیل این مفاهیم حاکی از غلبه نگرش نرم‌افزاری در سند است. این ارکان معنایی در جدول زیر فهرست شده‌اند:

جدول ۷: ارکان معنایی قدرت نرم در سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران

ردیف	رکن معنایی	ردیف	رکن معنایی	ردیف	رکن معنایی
۱	قدرت الهی	۲	ایمان	۳	توجه به فرهنگ
۴	تلاش برنامه‌ریزی شده و جمعی	۵	عزم ملی	۶	هویت اسلامی و انقلابی
۷	آرمان‌های قانون اساسی	۸	جایگاه اول اقتصادی منطقه	۹	الهام بخش در جهان اسلام
۱۰	تعامل سازنده در روابط	۱۱	جایگاه اول علمی و فناوری	۱۲	اصول اخلاقی

۱۳	ارزش‌های اسلامی و انقلابی	۱۴	ارزش‌های ملی	۱۵	مردم‌سالاری دینی
۱۶	عدالت اجتماعی	۱۷	آزادی مشروع	۱۸	کرامت انسانی
۱۹	امنیت اجتماعی	۲۰	امنیت قضایی	۲۱	استقلال
۲۲	اقتدار دفاعی	۲۳	فرصت‌های برابر	۲۴	مسئولیت‌پذیری
۲۵	مؤمن و ایثارگر	۲۶	وجدان کاری	۲۷	روحیه تعاون
۲۸	رشد اقتصادی و درآمد سرانه	۲۹	همگرایی براساس تعالیم اسلامی و اندیشه امام(ره)	۳۰	توجه به حکمت و مصلحت

منبع: یافته‌های پژوهش

بیانیه گام دوم انقلاب

در بیست و دوم بهمن‌ماه ۱۳۹۷ کلیدواژه گام دوم انقلاب توسط رهبر معظم انقلاب اسلامی با صدور بیانیه‌ای راهبردی به عنوان زمینه‌ساز تمدن نوین اسلامی در کشور مطرح و ارایه گردید. در این بیانیه، به مناسبت چهلمین سالروز پیروزی انقلاب اسلامی، به تبیین ویژگی‌های مسیر پرافتخار پیموده شده در چهل سال گذشته و توفیقات انقلاب اسلامی در رساندن ج.ا.ایران به جایگاه شایسته ملت پرداختند و با تأکید بر امید واقع‌بینانه به آینده و نقش بی‌بدیل جوانان در برداشتن گام دوم به سمت آرمان‌ها، خطاب به جوانان و آینده‌سازان ج.ا.ایران، الزامات این جهاد بزرگ را در هفت سرفصل اساسی شامل: علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن و سبک زندگی، معرفی کردند. اصول و ارکان معنایی که حاکی از توجه به قدرت نرم در این بیانیه است، در جدول زیر فهرست شده است:

جدول ۸: ارکان معنایی قدرت نرم در بیانیه گام دوم انقلاب

ردیف	رکن معنایی	ردیف	رکن معنایی	ردیف	رکن معنایی
۱	انقلاب مردمی	۲	مقاومت	۳	کرامت
۴	تمدن‌ساز	۵	نهضت دینی	۶	پایبندی به آرمان‌ها
۷	آزادی	۸	اخلاق	۹	معنویت (ایمان)
۱۰	عدالت	۱۱	استقلال	۱۲	عزت ملی

عقلانیت	۱۳	استکبارستیزی	۱۴	ارزش‌های دینی	۱۵
نظام انقلابی	۱۶	جوانان مؤمن و باانگیزه	۱۷	انقلاب مهربانی	۱۸
مقتدر	۱۹	دفاع از مظلومان	۲۰	صداقت	۲۱
تجربه چهل ساله	۲۲	تمدن نوین اسلامی	۲۳	ترکیب جمهوریت و اسلامیت	۲۴
رهبری امام خمینی	۲۵	مدیریت جهادی	۲۶	توانمندی داخلی	۲۷
امنیت	۲۸	علم و فناوری پیشرفته	۲۹	قدرت اقتصادی	۳۰
نیروی انسانی کارآمد	۳۱	فرصت‌ها و منابع مادی غنی	۳۲	مبارزه با فساد	۳۳
روابط خارجی	۳۴	مرزبندی با دشمن	۳۵	سبک زندگی	۳۶

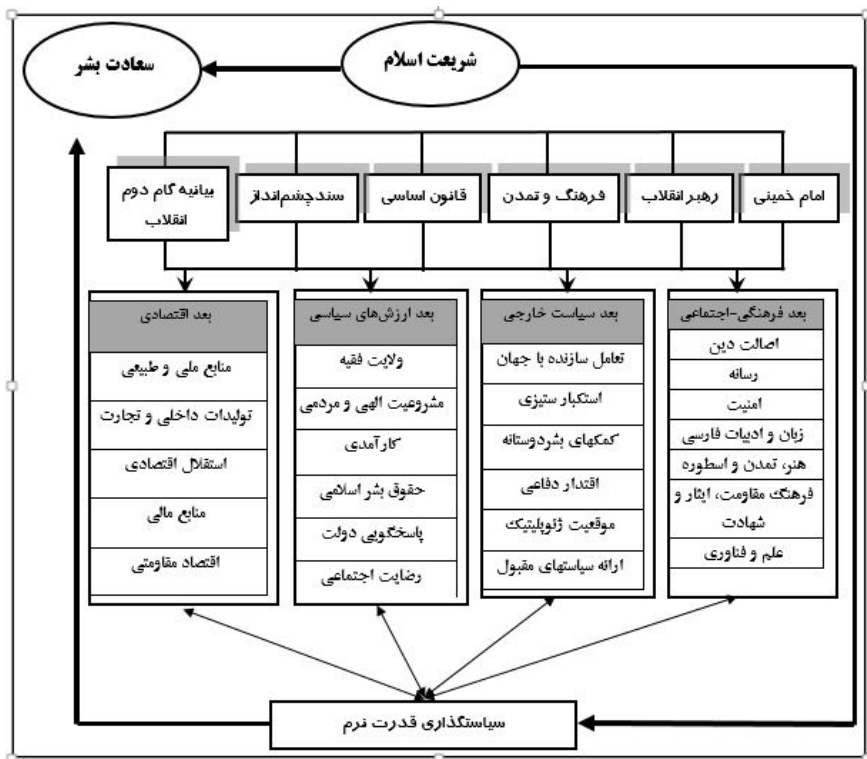
بحث و نتیجه‌گیری

واقعیت‌های جهانی مبین آن است که اغلب کشورها درصددند قدرت سخت را به قدرت نرم، زور را به قانون و قدرت را به اقتدار مشروع تبدیل کنند. بنابراین مشخص است که حرکت به سوی بُعد نرم‌افزاری قدرت در دستور کار اغلب کشورها قرار دارد. قدرت نرم ظاهری آرام و مخملین و باطنی استوار و آهنین دارد و از آنجا که هدف اصلی آن، جذب قلوب و اذهان است (در صورت موفقیت) تأثیرگذاری بسیار عمیق‌تر از قدرت سخت دارد، چرا که قدرت نرم با باور، ایمان، نوع نگاه، ارزش‌ها، فهم دیگران، تعریف خود و ... طرف مقابل (مردم خودی یا ملت/ دولت دیگر) سر و کار دارد.

از بررسی مؤلفه‌های بیان شده برای قدرت نرم جمهوری اسلامی، تأکید بر جنبه نرم‌افزاری قدرت آشکار است. بنابراین با توجه به ماهیت اسلامی بودن نظام جمهوری اسلامی می‌توان گفت؛ در اسلام قدرت جزئی از حوزه کار سیاست بوده و هدف سیاست، هدایت بشر به سوی کمال و تعالی، ایجاد نظم و عدالت و جلوگیری از ظلم و ستم است. ماهیت قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران فرهنگی است و همانگونه که در پیروزی انقلاب اسلامی هر چند مبارزات سخت‌افزاری اتفاق افتاد اما، انقلاب اسلامی با اتکاء به فرهنگ شکل گرفت بنابراین پیروزی آن نیز مبتنی بر یک فرهنگ و قدرت نرم اتفاق افتاد و نه به اتکاء به قدرت سخت. انقلاب اسلامی ایران توانست با تکیه بر فرهنگ و تمدن غنی خود که با الهام گرفتن از آموزه‌های دینی، اعتقادی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و تمدنی خود و مبتنی بر مکتب غنی اسلام انجام گرفت، در تبیین، تعریف و ارائه رهیافت‌های مختلف مربوط به قدرت تنها به جنبه‌های مادی (سخت قدرت) توجه

نداشته باشد و با اتکاء به همین مبانی فرهنگی، نگاه نرم‌افزاری ویژه‌ای به حوزه قدرت ننماید.

شکل ۲: ابعاد و منابع قدرت نرم در گفتمان جمهوری اسلامی (ایرانی - اسلامی)



(ترسیم: نگارنده بر اساس یافته‌های پژوهش)

از این رو کاربست قدرت در اندیشه اسلامی وظیفه‌گرا و متصل است؛ به این مفهوم که تلاش برای کسب و اعمال قدرت توجیه و ارزش ذاتی ندارد؛ بلکه در راستای وظیفه مسلمانان برای برپایی حکومت اسلامی و انجام اهداف الهی است. همچنین این وظیفه‌گرایی در کاربست مفهوم قدرت در نگاه اسلامی از مفهوم اتصال به قدرت الهی برخوردار است (در مقابل مفهوم قدرت انقطاعی که در دیدگاه غربی مطرح است). با توجه به ویژگی‌ها و عناصر فرهنگی آموزه‌های اسلامی، مشروعیت و هدف نهایی از کسب قدرت نیز آنگونه که در جدول ذیل آمده است؛ با

یکدیگر تفاوت اساسی دارند:

جدول ۸: مقایسه مؤلفه‌های قدرت از دیدگاه اسلام و غرب

اسلام	غرب	دیدگاه مؤلفه
معنوی (الهی)	مادی	تعریف قدرت
غایت‌گرا	منفعت‌گرا	ماهیت قدرت
وظیفه‌گرا و متصل	ابزارگرا و منقطع	کاربست قدرت
ذات باری تعالی	اراده مردم	منشأ قدرت
ذات خداوند و فعلیت به واسطه مردم	اراده مردم	مشروعیت قدرت
عدالت، ظلم‌ستیزی، امنیت، تأمین نیازهای مادی و معنوی ایجاد نظم در راستای کمال و تعالی بشر	لیبرالیسم، دموکراسی، حقوق بشر، امنیت، ایجاد نظم، تأمین نیازهای مادی	هدف قدرت

(ترسیم: نگارنده با اقتباس از صالحی و همکار، ۱۳۹۲: ۱۳۴)

بنابراین و با توجه به اسناد، متون و شواهد مختلف (که به تفصیل گذشت)، ماهیت قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران فرهنگی است و همانگونه که در پیروزی انقلاب اسلامی هر چند مبارزات سخت‌افزاری اتفاق افتاد اما، انقلاب اسلامی با اتکاء به فرهنگ شکل گرفت و پیروزی آن نیز مبتنی بر یک فرهنگ و قدرت نرم اتفاق افتاد و نه به اتکاء به قدرت سخت. بنابراین ظرفیت‌ها و منابع قدرت نرم ج.ا. ایران را باید در مبانی فرهنگ این کشور دید. ضمن آنکه با همین قدرت، مسیر توسعه و شکوفایی داخلی را تاکنون به خوبی طی کرده، تاب‌آوری اجتماعی و داخلی را افزایش داده و با گسترش دایره نفوذ معنوی خود در منطقه غرب آسیا و جهان، نوعی گفتمان مقاومت را در برابر گفتمان‌های مدیریت سلطه و زور در دنیا به وجود آورده است و زمینه‌ساز تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شگرفی در منطقه غرب آسیا و برخی کشورهای همسود در جهان گردیده و مبتنی بر همین مؤلفه‌های قدرت نرم، قدرتمند و عزتمند گام در دوره دوم انقلاب خود گذاشته است.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۷): اداره کل قوانین و مقررات کشور.
۳. سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی ایران.
۴. افتخاری، علی اصغر و دیگران (۱۳۸۹). قدرت نرم و سرمایه اجتماعی، تهران: دانشگاه امام صادق(ع) - دانشگاه امام حسین و پژوهشکده پیامبر اعظم، چاپ دوم.
۵. افضل‌ی، رسول؛ ذکی، یاشار؛ دشتی، محمدحسین (۱۳۹۷). «مؤلفه‌های قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی ایران و ظرفیت‌های آن در عرصه بین‌الملل از دید کارشناسان»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال ۸، شماره ۲، تابستان.
۶. افتخاری، اصغر؛ کمالی، علی (۱۳۹۴). «ساختار قدرت نرم در گفتمان اسلامی»، دوفصلنامه مطالعات قدرت نرم، دوره ۵ شماره ۱۲.
۷. انعامی‌علمداری، سهراب (۱۳۸۷). «تهدیدات نرم الگوی تقابل استراتژیک ایالات متحده در برابر ایران». گزارش جمهور. مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری. فصلنامه تخصصی نامه دولت اسلامی. شماره ۲۷-۲۶ فروردین.
۸. ترابی، طاهر (۱۳۸۷). «بازخوانی قدرت نرم با تأکید بر فرهنگ ایرانی-اسلامی». مجموعه مقالات برگزیده همایش بسیج و قدرت نرم، پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج و دانشگاه امام صادق (ع)، جلد اول.
۹. جانباز، دیان؛ رحمانی، محسن و عالی بیگی، کاظم (۱۳۹۹). «انقلاب اسلامی ایران، ظهور ژئوپلیتیک شیعه، تغییر موازنه قدرت»، فصلنامه علمی جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، سال ۱، شماره ۳.
۱۰. حجازی، سید حسین (۱۳۸۷). «ظرفیت‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در مقابله با تهدیدات نرم آمریکا». گزارش جمهور. مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری. فصلنامه تخصصی نامه دولت اسلامی. شماره ۲۷-۲۶ فروردین.
۱۱. حسینی پناه، رمضان؛ ابراهیمیان، حجت‌الله و جوان آراسته، حسین (۱۴۰۰). «آمادگی دفاعی با رویکرد اصل ۱۵۱ قانون اساسی با تأکید بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه علمی جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، سال ۲، شماره ۳.

۱۲. دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۷). «افول قدرت نرم آمریکا، دلایل و پیامدها»، دوفصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال هشتم، شماره ۱۹ پاییز و زمستان.
۱۳. سردارنیا، خلیل اله و بدری، کوروش (۱۴۰۰). «سنجش و تحلیل رابطه بین هویت و اعتماد سیاسی: مطالعه موردی کرمانشاه»، فصلنامه راهبرد سیاسی، سال ۵، شماره ۴.
۱۴. شارپ، جین (۱۳۸۹). قدرت نرم و عدم خشونت. ترجمه سیدرضا مرزانی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۱۵. صادقی، علی (۱۳۹۸). تبیین ماهیت، ابعاد و اثرات قدرت نرم ج.ا.ایران و معرفی روش‌های هجومی علیه دشمنان و نقش راهبردی نیروهای مسلح در این عرصه، طرح پژوهشی خاتمه یافته در پژوهشکده امنیت ملی، دانشگاه عالی دفاع ملی.
۱۶. صالحی، سیدجواد؛ مشتاقی، الله‌کرم (۱۳۹۲). بررسی تطبیقی مبادی و مبانی قدرت در اندیشه اسلام و غرب. پژوهشنامه علوم سیاسی، سال هشتم شماره چهارم، پاییز.
۱۷. صبوری، ضیاءالدین (۱۳۹۰). قدرت نرم آمریکا در حوزه سیاست خارجی و امنیتی مبانی، تحولات و پیامدها، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۱۸. علی‌پور، جواد (۱۳۹۰). نقش قدرت نرم در سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۱۹. قبادی، محسن (۱۳۸۷). قرآن و روابط بین‌الملل. تهران: انتشارات گنج معرفت.
۲۰. گلشن‌پژوه، محمدرضا (۱۳۸۷). جمهوری اسلامی ایران و قدرت نرم (نگاهی به قدرت نرم افزاری جمهوری اسلامی ایران)، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی. دفتر گسترش تولید علم. چاپ اول.
۲۱. لی، مینگ جینگ (۱۳۹۰). قدرت نرم چین (استراتژی چین در حال ظهور در سیاست بین‌الملل)، ترجمه عسگر قهرمانپور، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۲۲. موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۵۸). ندای حق مجموعه‌ای از پیام‌ها و مصاحبه‌ها و سخنرانی‌های امام خمینی از تاریخ (جلد ۱)، تهران: ناشر کمیل.
۲۳. موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۶۱). صحیفه نور. تهران: مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
۲۴. موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۸۳). وصیت‌نامه سیاسی- الهی، تدوین علیرضا اسماعیلی. تهران: موسسه چاپ و نشر عروج.

۲۵. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۹۰). بسیج در اندیشه امام خمینی، تدوین مهدی مرندی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).

۲۶. موسوی، سیدصدرالدین (۱۳۹۹). «قدرت هوشمند در اندیشه سیاسی امام خمینی: کاربست نظریه جوزف نای»، دوفصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال دهم شماره ۱. بهار و تابستان.

۲۷. نای، جوزف (۱۳۸۳). «کاربرد قدرت نرم»، ترجمه سیدرضا میرطاهر، فصلنامه راهبرد دفاعی، شماره ۶، زمستان.

۲۸. نای، جوزف (۱۳۸۹). قدرت نرم (ابزارهای موفقیت در سیاست بین‌الملل)، ترجمه سیدمحسن روحانی - مهدی ذوالفقاری، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ سوم.

۲۹. ندائی، علی اکبر (۱۴۰۰). «روش‌های یادگیری در سیاست گذاری عمومی»، فصلنامه راهبرد سیاسی، سال ۵، شماره ۴.

۳۰. هرسیج، حسین (۱۳۹۰). «تجزیه و تحلیل ویژگی‌ها، مبانی و مولفه‌های قدرت نرم ج.ا.ایران»، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، پیش شماره سوم، پاییز.

31. Chong. Alen (2007) Foreign Policy in Global Informarion space cetualization Soft Power.

32. Cox, Michael(2010) Soft Power and Us Foreign Policy. Theoretical, Historical and Contemporary. United States of America

33. Nye, joseph.s. (2004). Soft power: The means to success in World Politics Public Affairs. 1st Edition (Cambrige MA: presueus publishing).

34. Nye, joseph.s. (2004) The Benefits of Soft power.

35. Nye, joseph.s.(2003). Propaganda Isn't the Way: Soft Power. The International Herald Tribune.

36. Richard Rosecrance (1999). The Rise of the uritual state: Wealth and Power in the coming century.

37. Roopa Desai Trilokekar (2010). International education as soft power. Springer pp 131-147.

38. [www. Soft power, Wikipedia, The free Encyclopedia](http://www.Soft power, Wikipedia, The free Encyclopedia).
39. <http://khamenei.ir>
40. <https://www.leader.ir>
41. <http://kayhan.ir>
42. <https://www.ettelaat.com>

بررسی وضعیت آستانه تحمل و تاب آوری جامعه از نظر شهروندان ساروی و راهکارهای افزایش تاب آوری در شرایط بحرانی

هادی ابراهیمی کیایی^۱

چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناسایی وضعیت تحمل و تاب آوری از نظر شهروندان ساروی و راهکارهای افزایش تاب آوری در شرایط بحرانی انجام شده است. روش فراتحلیل برای این پژوهش استفاده شده است. تحلیل براساس نظرسنجی که سال ۹۸ در مرکز تحقیقات صدا و سیما اجرا شد انجام گرفت. جامعه آماری پژوهش، شهروندان ۱۸ سال به بالای شهر ساری بودند. نمونه شامل ۴۰۰ نفر از شهروندان ۱۸ سال به بالای شهر ساری انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌های پژوهش از پرسشنامه استاندارد تاب آوری استفاده شده است. تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش با استفاده از ضریب تی تست و تحلیل واریانس رگرسیون صورت گرفت. یافته‌های پژوهش نشان داد که سن تاثیر معنی داری بر میزان تاب آوری نداشته است. میانگین نگرش به تاب آوری در بین مردان بیشتر بوده است. بین تحصیلات و میزان تاب آوری از نظر پاسخگویان رابطه معنی داری وجود نداشته است. بین هزینه ماهانه زندگی خانوار با تاب آوری رابطه معنی داری وجود نداشته است. میانگین تاب آوری بر حسب شغل یکسان بوده است. میانگین تاب آوری بر حسب وضعیت تاهل یکسان بوده است. میزان مدارا بر میزان تاب آوری از نظر پاسخگویان تاثیر معنی داری داشته است. از نظر پاسخگویان میزان فرهنگ مدارا در جامعه در حد متوسط به پایین می باشد. از نظر پاسخگویان میزان فرهنگ مدارا در جامعه در حد پایین است. میزان سازگاری در مواجهه با بی پولی در بین پاسخگویان بالا است. میزان دلسردی در مواجهه با شکست در حد بالاست. میزان عدم کنترل احساسات غم، ترس و خشم در جامعه از نظر شهروندان ساروی در حد پایین است. از نظر پاسخگویان میزان خشم و عصبانیت در موقعیت های مختلف در جامعه در حد پایینی می باشد. وضعیت تاب آوری در جامعه از نظر پاسخگویان در حد متوسط به بالا می باشد.

کلمات کلیدی: تاب آوری، آستانه تحمل، شرایط بحرانی، شهروندان ساروی.

۱. دانشیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه صدا و سیما، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

Ebrahimih56@yahoo.com

مقدمه

یکی از مفاهیم بسیار مهم در مجامع علمی امروز که نقش بسیار مهمی در به حداقل رساندن تأثیرات مخرب درد و سایر عوامل تأثیرگذار بر کیفیت زندگی دارد مفهوم تاب آوری است. تاب آوری در روانشناسی عبارتست از استعداد و ظرفیت مثبت افراد جهت غلبه بر استرس، حوادث و فجایع، همچنین این واژه برای مقاومت و تحمل پذیری افراد در برابر وقایع منفی آینده نیز بکار می رود (دیوید سون، ۲۰۰۰).

تغییر و تحول ناشی از پیشرفت سریع فناوری و اینترنت در همه ابعاد زندگی شغلی افراد، گسترش زندگی ماشینی و توجه کمتر به نیروی انسانی، لزوم یادگیری دانش و تکنولوژی جدید و کنار گذاشتن دانش، مهارت و اطلاعات قدیمی، فقدان امنیت شغلی و اقتصادی در جهان امروز، کم رنگ شدن صداقت، وفاداری و تعهد در گستره شغلی و خانوادگی، منجر به بی امنی و ناپایداری در زندگی افراد گردیده است و جامعه امروز همچنین با توجه به سرعت تغییر سبک های زندگی و مساله شکاف نسلی در معرض خطر هستند قطعاً افرادی که کمتر تحت تأثیر جریانات منفی فوق قرار می گیرند که از تاب آوری بالایی برخوردارند. افرادی که از تاب آوری پایین یا ضعیفی برخوردارند و به جای اینکه به دنبال راه حل های منطقی باشند با انکار و اجتناب از کنار آن موقعیتهای می گذرند، بی تردید دچار اینگونه اغتشاشات شغلی، خانوادگی، اقتصادی و شخصی می شوند اما افرادی که از تاب آوری بالایی برخوردارند گرچه شرایط فوق را به عنوان شرایط تهدید کننده در نظر می گیرند، اما تلاش می کنند با اتخاذ راه حل های منطقی شرایط استرس زا را به فرصت های طلایی تبدیل کنند در نتیجه از شرایط موجود به نحو احسن در جهت خواسته های خود استفاده می کنند (بانانو، ۲۰۰۴)

بنابراین نظر به اهمیت این موضوع در جامعه و با توجه به مطالب ذکر شده، در این پژوهش در پی شناسایی وضعیت تاب آوری و تحمل جامعه از نظر شهروندان ساروی و راهکارهای افزایش تاب آوری در شرایط بحرانی است. تاب آوری در این پژوهش عبارت است از وضعیت تاب آوری جامعه از نظر شهروندان ساروی بر حسب مشخصات (سن، جنس، تحصیلات، هزینه ماهانه زندگی، نوع شغل، وضعیت تاهل)، وضعیت تاب آوری جامعه از نظر پاسخگویان (تأثیر و میزان فرهنگ مدارا بر تاب آوری، وضعیت دعوا، درگیری و زد و خورد در جامعه، سازگاری در مواجهه با بی پولی، دلسردی در مواجهه با شکست، عدم کنترل احساسات ناخوشایندی چون

غم، ترس و خشم، میزان خشم و عصبانیت در موقعیت های مختلف و وضعیت تاب آوری جامعه از نظر شهروندان ساوری مورد بررسی قرار گرفته است. بدین منظور پس از مروری بر مبانی نظری پژوهش، معیارها و شاخصهای تاب آوری استخراج گردیده و در ادامه این شاخصها مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته اند. در پایان این پژوهش راهکارهایی برای افزایش تاب آوری ارائه می شود.

پیشینه تحقیق

رحیمی و همکاران (۱۳۹۰)، پژوهشی را با عنوان «عوامل مؤثر بر تاب آوری در افراد مواجه شده با ضربه روانی» انجام دادند. این پژوهش با هدف بررسی نقش عاطفه مثبت، عاطفه منفی و خوش بینی در پیش بینی تاب آوری، در دانشگاه شیراز صورت گرفت. داده های حاصل با استفاده از تحلیل رگرسیون به روش همزمانی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. تجزیه و تحلیل نتایج نشان داد که عاطفه مثبت، عاطفه منفی و خوش بینی با تاب آوری رابطه معنی داری دارند و می توانند تغییرات آن را تبیین کنند. رابطه معنی دار بین جنسیت و وضعیت تأهل با تاب آوری مشاهده نشد. این تحقیق نشان گر اهمیت مثبت و خوش بینی در افزایش توان مقابله افراد هنگام رویارویی با مشکلات سخت زندگی است. علاوه بر این نتایج ممکن است بیانگر این حقیقت باشند که افراد تاب آور، خوش بین تر هستند.

سامانی و همکاران (۱۳۸۷)، در پژوهشی با عنوان تاب آوری، رضایت از زندگی و سلامتایران نشان دادند که کاهش مشکلات هیجانی از عوامل مؤثر به افزایش سطح رضایت از زندگی بود. دکتر صادقی (۱۳۹۷)، در پژوهشی به تاثیر درمان رفتاری شناختی بر تاب آوری پرداخته است. پژوهشها نشان می دهد که افراد با تاب آوری پایین آسیب پذیرند و فاقد جسارت، انگیزه تشویق و راهبردهای لازم برای تغییر شرایط فشارزا به فرصتها می باشند و همیشه درگیر مشغله های ذهنی بوده و مشکلات خود را به صورت مبالغه آمیز بزرگ کرده و خود را قربانی حوادث می دانند و از شرایط موجود ناله و شکوه دارند، خود را کم توان و ضعیف جلوه می دهند و از تلاش برای حل شرایط تنش زا اجتناب می کنند. نحوه برخورد آنها خشک و انعطاف ناپذیر است و نسبت به آینده احساس نگرانی می کنند و به مرور این نگرانی تبدیل به ترس می شود و به جای داشتن احساس مسئولیت و راهکارای خلاق و نوآور برای حل مشکلات خود را سردرگم و ناتوان

احساس می‌کنند و بر عکس افرادی که تاب‌آوری بالایی دارند حس قوی برای پیشرفت دارند و اعتماد به نفس و خودباوری آنها بالاست.

در پژوهش دیگری خوب (۲۰۰۶)، به بررسی تاثیر تاب‌آوری بر شادکامی افراد مسن پرداخته است و او به این نتیجه رسید که آموزش تاب‌آوری باعث ایجاد سطح بالای شادکامی می‌شود.

آنتونوسکی^۱ (۱۹۸۷) و لازاروس (۲۰۰۴)، به این نتیجه رسیده اند که کاهش میزان تاب‌آوری در برابر رویدادهای زندگی در فرد، با نوعی احساس فشار روانی، اضطراب و یا افسردگی همراه است و همسو با یافته‌های باسو^۲ (۲۰۰۴) و هامارات^۳ و همکاران (۲۰۰۱) است که ناخرسندی درباره زندگی را به دنبال این احساس‌ها در فرد گزارش کرده اند.

کامپفر^۴ (۱۹۹۹)، نقش پیش‌آیندی متغیر تاب‌آوری را بر پیامدهای سازگارانۀ تایید می‌کند. به این صورت که، تاثیر ارتقاء توانمندی‌های فرد در زمینه تاب‌آوری به صورت کاهش مشکلات روانی - هیجانی و افزایش میزان سلامت روانی و همچنین افزایش میزان رضایتمندی افراد از زندگی بود.

شک^۵ (۲۰۰۴)، در پژوهشی نشان داد که اعتقادات و سیستم‌های باور افراد در ارتباط با شرایط ناگوار و استرس‌زای زندگی با رضایت از زندگی، تاب‌آوری بیشتر، سازگاری بهتر و مشکلات رفتاری کمتر، رابطه دارد.

از نظر استنبرگ^۶ و بری^۷ (۱۹۹۴)، با آموزش مهارت‌هایی همانند مهارت‌های ارتباطی، مقابله، جرات‌دهی، ابراز خود می‌توان توان تاب‌آوری و به دنبال آن سطح سلامت افراد را افزایش داد.

کمپل - سلیس^۸ و همکاران (۲۰۰۶)، آموزش مهارت‌های خاصی چون مهارت حل مسئله را

1. Antonovsky
2. Basso
3. Hamarat
4. Kumpfer
5. Sheek
6. Stenberg
7. Bry
8. Campbell-Sills

می‌توان به عنوان یکی از مولفه‌های اصلی برنامه‌های تقویت تاب آوری در نظر گرفت. در برنامه افزایش تاب آوری، مربوط به دانشگاه پنسیلوانیا و یچوشا (۲۰۰۲) چند مهارت که مستقیماً با تاب آوری در ارتباط هستند را مورد تأکید قرار داده اند که از جمله این مهارت‌هایی توان به تنظیم هیجانی، کنترل تکانه‌ها، تحلیل علل مشکل و سبک‌های تفکر، حفظ خوشبینی واقع بینانه، خودکارآمدی و همدلی با دیگران اشاره کرد. همچنین فریدمن (۲۰۰۳) در برنامه دیگری که مربوط به افزایش تاب آوری است موضوعاتی را محور مداخله خود قرار داده است که عبارتند از: آموزش در زمینه تاب آوری و درک تاب آوری مثبت و منفی، آموزش مهارت‌های هوش هیجانی، آموزش خودکارآمدی، درک ارزش حمایت‌های اجتماعی و کسب آن، آموزش مهارت‌های مدیریت استرس، درک ارزش خوش بینی و کسب مهارت‌هایی برای افزایش آن و کسب مهارت‌هایی برای افزایش شادکامی.

مطالعات ریولی، ساویکی (۲۰۰۳)؛ به نقل از فرایبورگ و همکاران^۱، (۲۰۰۵)، ارتباط تاب آوری با عوامل شخصیت را با نمره در بعد پایداری عاطفی، برون‌گرایی، گشودگی و وظیفه‌شناسی نشان داده است.

در تحقیقی که توسط فرایبورگ و همکاران (۲۰۰۵) انجام شد تاب آوری در ارتباط با ویژگی‌های شخصیت مورد بررسی قرار گرفت. نتایج به دست آمده نشان داد که بین دو بعد تاب آوری (شایستگی فردی، شایستگی اجتماعی و ساختار فردی) با پنج عامل شخصیت ارتباط ضعیف‌تری وجود دارد. در این مطالعه سه بعد شخصیت (روان رنجور خوبی، برون‌گرایی و وظیفه‌مداری) ارتباط قوی با تاب آوری نشان داد.

مبانی نظری

رویکردهای نظری مرتبط با تاب آوری

تاب آوری معادل واژه Resilience است. در فرهنگ لغت، این کلمه، خاصیت کشسانی، بازگشت پذیری و ارتجالی معنا شده است، ولی در متون بهداشت روانی تاب آوری معادل گویاتری است.

1. Friborg and et al.

گارمزی^۱ و ماستن (۲۰۰۶) تاب آوری را «یک فرایند توانایی، یا پیامد سازگاری موفقیت آمیز علی رغم شرایط تهدید کننده» تعریف نموده اند که نقش مهمی در مقابله با تنیدگی ها و تهدیدهای زندگی و آثار نامطلوب آن دارد.

کامپفر^۲ (۱۹۹۹) معتقد است که تاب آوری نقش مهمی در بازگشت به تعادل اولیه یا رسیدن به تعادل سطح بالاتر دارد و از این رو، سازگاری مثبت و موفق را در زندگی فراهم می کند (به نقل از کیخاونی و همکاران، ۱۳۹۱).

تاب آوری صرف مقاومت منفعل در برابر آسیب ها یا شرایط تهدید کننده نیست، بلکه فرد تاب آور، مشارکت کننده فعال^۳ و سازنده محیطی پیرامونی خود است. تاب آوری قابلیت فرد در برقراری تعادل زیستی- روانی- روحی، در مقابل شرایط مخاطره آمیز می باشد (کانر و دیویدسون، ۲۰۰۳)؛ نوعی ترمیم خود که با پیامدهای مثبت هیجانی، عاطفی و شناختی همراه است (گارمزی، ۱۹۹۱؛ ماستن، ۲۰۰۱؛ راتر، ۱۹۹۹). از این رو نمی توان آن را معادل بهبودی^۴ دانست چون در بهبودی فرد پیامدهای منفی و مشکلات هیجانی و عاطفی را تجربه می کند (به نقل از با نانو، ۲۰۰۴).

راتر^۵ (۱۹۸۵) در یک تعریف نسبتاً جامع و مقبول، تاب آوری را به عنوان فرایندی پویا توصیف کرده است که شامل تعامل میان عوامل خطر زا و عوامل محافظتی درونی و بیرونی، برای بهبود نشانه های رویدادهای ناگوار زندگی می باشد (به نقل از حسام پور، ۱۳۸۸).

جانستون^۶ و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهشی به بررسی بیماری جسمانی و تاب آوری پرداختند. هدف آنها از انجام این پژوهش این بود که دامنه ای از تعاریف تاب آوری بیماری جسمانی را ارائه دهند. آنها چند تعریف از تاب آوری که در اکثر مطالعات مشترک بود را ارائه دادند:

1. Garmezy, N.M
2. Kumpfer, K. L
3. Active participant
4. Recovery
5. Bonanno
6. Rutter, M
7. Johnston, M. C

۱. یک سختی می‌بایست به منظور نشان دادن تاب آوری تجربه شود.
۲. تاب آوری توانایی حفظ سطح سالم عملکرد در طول زمان با وجود سختی است یا برگشتن به عملکرد طبیعی بعد سختی است.
۳. تاب آوری یک مفهوم پویا است نه یک ویژگی ثابت شخصیتی. بنابراین بهتر است در تبیین تاب آوری به این نکات توجه کنیم:
 - تاب آوری روندی پویا است.
 - تاب آوری وابسته به اوضاع است. یعنی یک رفتار سازگارانه در یک موقعیت، ممکن است در موقعیت‌های دیگر ناسازگار باشد.
 - تاب آوری محصول تعامل ویژگی‌های شخصیتی با عوامل محیطی است.
 - تاب آوری در شرایط پرمخاطره، دشوارتر می‌شود.
 - تاب آوری قابل یادگیری است.

رویکرد آدلر و دلگرم سازی

بنا بر نظر آدلر، هر هیجانی در فرد مبتنی بر باور و شناخت اوست و سیستم اعتقادی هیجان‌ها و رفتار فرد را تحت تاثیر قرار می‌دهد. نظریه‌های آدلر و آلیس که همگرایی بسیاری دارند. الیس (۱۹۷۰، ۱۹۷۱) ابراز می‌کند که روانشناسی عقلانی - هیجانی او موازی نظریه آدلر است. در واقع چیزی که آدلر اشتباه‌های اساسی می‌داند؛ الیس از آنها به عنوان باورها و نگرش‌های غیر منطقی یاد می‌کند. هر دو قبول دارند که عواطف در واقع شکلی از نحوه‌ی فکر کردن هستند که مردم آنها را با طرز فکرشان، کنترل یا خلق می‌کنند. هر دو معتقدند که ما قربانی عواطف خود نیستیم، بلکه آنها را می‌سازیم. به دیگر سخن؛ تاب آوری در مفهوم «غایت‌نگری خیالی^۱» یا جایی که باورها ساخته می‌شوند، دیده می‌شود. آدلر در زمینه غایت‌نگری خیالی تحت تاثیر دیدگاه وینگر^۲ قرار داشت که معتقد بود افراد با خیال‌ها و اعتقاد به اینکه دنیا چگونه باید باشد زندگی می‌کنند. از مفاهیم نزدیک به موضوع تاب آوری در نظریه آدلر، می‌توان به علاقه اجتماعی اشاره کرد. یکی از عوامل حفاظتی و افزایش دهنده‌ی تاب آوری، علاقه اجتماعی

1. Final Fictionalism

2. Vaihinger

است. علاقه اجتماعی یکی از مفاهیم مهم نظریه آدلر است. آدلر علاقه اجتماعی را با احساس همانندسازی با دیگران برابر می‌داند: «دیدن با چشم دیگران، شنیدن با گوش های دیگران، یا احساس کردن با قلب دیگران». در روان‌شناسی فردی نگر آدلر، علاقه اجتماعی شاخصه اصلی سلامت روانی است. افراد برخوردار از علاقه اجتماعی، تلاش خود را به سمت جنبه سالم و از لحاظ اجتماعی سودمند هدایت می‌کنند. از دیدگاه وی، با پرورش علاقه اجتماعی، احساس کهنتری و بیگانگی کاهش می‌یابد. (آنسباخر^۱، ۱۹۷۹ به نقل از علیزاده، ۱۳۹۲). آدلر معتقد بود که همه مشکلات و شکست‌هایی که افراد در زندگی با آن مواجه می‌شوند، ناشی از فقدان علاقه اجتماعی است. این‌سازه همبستگی مثبت با مولفه‌ها و شاخص‌های تاب‌آوری مانند اعتماد به نفس، خودکارآمدی، رضایت از زندگی و بهزیستی روانی، اعتماد کردن و مورد علاقه بودن، شادمانی و حس شوخ‌طبعی دارد و با درماندگی، خودشیفتگی، افسردگی و اضطراب که از شاخصه‌های آسیب‌پذیری هستند، رابطه منفی دارد (علیزاده، ۱۳۹۲).

رویکرد شناختی اجتماعی بندورا

بر طبق نظر هاروی دلفابرو^۲ (۲۰۰۴)، لایتسی (۲۰۰۶) و گیلسپی (۲۰۰۷) یکی از نظریات مرتبط با تاب‌آوری، نظریه شناختی اجتماعی بندورا است. اینرویکرد رفتار انسان را بر حسب تعامل بین شناخت، رفتار و عوامل محیطی تبیین می‌کند و بر تشریح مساعی بین رفتار، انسان و شناخت، رفتار و عوامل محیطی تأکید می‌کند همچنین تأکید می‌کند سازگاری، بستگی به عواطف، اهداف، صلاحیت‌ها و تجارب فرد دارد. براساس این نظریه، تاب‌آوری از تعامل بین عوامل محیطی، رفتاری و فردی بوجود می‌آید. مقابل دیدگاه شناختی اجتماعی، انسان‌ها موجودات فعالی در نظر گرفته می‌شوند که قادر به خودنظم‌دهی و تنظیم رفتارشان هستند، نه موجودات منفعلی که توسط نیروهای ناشناخته محیطی یا تکان‌های درونی کنترل شوند. آنها به طور فعال در تحول خویش‌ترستن شرکت می‌کنند و می‌توانند با رفتارشان وقایع و رویدادها را کنترل نمایند. اعمال و افکار افراد، محصول تعامل بین سه نیروی محیط، شخص و رفتار

1. Ansbacher

2. Delfabbro

است. بندورا (۱۹۹۷) بیان نموده است که افراد با باورهای خودکارآمدی^۱ بالا وقتی با مشکلات برخورد می کنند زمان بیشتری مقاومت نشان می دهند؛ به باور بندورا خودکارآمدی باعث ترغیب انگیزش و منابع شناختی فرد می گردد و عاملی برای اعمال کنترل بر روی یک رویداد معین است (علیزاده، ۱۳۹۲).

رویکرد شناختی الیس

از بین نظریه های شناختی، یکی از نظریه های مرتبط با تاب آوری نظریه الیس است. آلبرت الیس بنیان گذار یکی از روش های درمانی به نام رفتار درمانی عقلانی - هیجانی^۲ است. اساس نظریه او مدل A - B - C تشکیل می دهد که در شناخت و تغییر شخصیت به کار می رود. اصولاً این مدل می گوید که رویداد های فعال کننده (A)^۳ پیامد های رفتاری و هیجانی (C)^۴ دارند. اما پیامد های رفتاری و هیجانی معلول رویداد فعال کننده نیستند، بلکه عمدتاً نظام باور های (B)^۵ فرد هستند. به عبارتی این محرکه ها یا رویداد های بر انگیزاننده نیستند که اهمیت دارند، بلکه برداشت فردی و تعبیر های افراد از این رویداد ها، مهم هستند. وقتی رویداد فعال کننده خوشایندند، باور های مورد استناد احتمالاً بی ضرر خواهند بود. ولی وقتی این رویداد ها نا خوشایندند، باور های نامعقولی (ib)^۶ به میان می آیند که معمولاً پیامد های رفتاری عقلانی هیجانی مشکل سازی دارند. از این چشم انداز، بک و سایر نظریه پردازان شناختی تاب آوری تحت تاثیر ادراک فرد از موقعیت، باورها و تجارب یادگیری قبلی فرد قرار می گیرد و خطاهای شناختی یکی از عوامل ایجادکننده ی بیماری ها و آسیب های روانی هستند. از ویژگی های افراد تاب آور این است که شجاعت ناکامل بودن دارند و به جای فاجعه سازی رویداد های ناخوشایند سعی می کنند به گونه ای منطقی با آنها مواجه شوند. الیس تاکید دارد که سرزنش کردن، محور اغلب آشفتگی های هیجانی است. بنابراین برای اینکه از اختلال های روان رنجوری رهایی

1. self - efficacy
2. Rational – Emotivve Behavioral Therapy (REBT)
3. activating events
4. emotional and behavioral consequence
5. beliefs system
6. irrational beliefs

یابیم، بهتر است سرزنش کردن خود و دیگران را متوقف کنیم. به جای آن ضرورت دارد یاد بگیریم خود را به رغم نقایصی که داریم بپذیریم (علیزاده، ۱۳۹۲).

رویکرد شناختی بک

به گفته ی لایتسی (۲۰۰۶)، نظریه دیگری مرتبط با مفهوم تاب آوری، نظریه شناختی بک است. بک این مسئله را مورد تایید قرار داده است که داشتن باورها و طرحواره های منفی باعث تشدید استرس می شوند و طرحواره های مثبت به عنوان مانعی در برابر تاثیر استرس عمل می کنند یا استرس را کاهش می دهند. آرون بک مبدع شناخت درمانی است. در شناخت درمانی این فرض اساس است که هیجانانگیز و رفتار افراد تحت تاثیر ادراک و شیوه ی تعبیر آنها از موقعیت فرد قرار می گیرد. بک نیز مانند الیس معتقد بود که برای تغییر احساسات و رفتار افراد باید بر عوامل شناختی و نظام باورهای فرد تمرکز کرد. گیلسی (۲۰۰۷) بر این باور است که مفهوم تاب آوری ریشه در نظریه شناختی بک دارد. نظریه های شناختی از این ایده حمایت می کنند که خلق و خو و رفتار به وسیله روشی که افراد از نظر شناختی دنیا را مورد تعبیر و تفسیر قرار می دهند، تعیین می شود. پس به طور کلی به این دلیل که به باور بک، تعبیری که هر رویداد برای فرد دارد از خود آن رویداد مهمتر است، پس تاب آوری تحت تاثیر شناخت ها، نگرش ها و باورهای فرد قرار می گیرد. نظام باورها هنگام رویارویی با شرایط ناگوار در فرد، احساس امید و خوش بینی و در زندگی احساس معنا ایجاد می کند؛ که این عوامل اساس و مبنای تاب آوری را تشکیل می دهند (علیزاده، ۱۳۹۲).

روش تحقیق

تحلیل پژوهش حاضر، از داده های نظرسنجی که سال ۹۸ در مرکز تحقیقات صدا و سیما اجرا شده است، انجام شده است. روش مورد استفاده برای تحلیل، فرا تحلیل بوده است. جامعه آماری این پژوهش ۴۰۰ نفر از شهروندان ۱۸ سال به بالای شهر ساری است. افراد نمونه این پژوهش با استفاده از روش محله ای - میدانی انتخاب شده اند. در این روش پرسشگران در مکان هایی شامل میادین، خیابان ها، کوچه ها و... که به طور تصادفی از سطح شهر انتخاب شده مستقر می شوند. سپس پرسشگران در ۲ نوبت در مکان های مشخص شده مستقر می شوند و

هر ۱۰ دقیقه یک بار با اولین فرد ۱۸ سال و بالاتری که از این محل‌ها تردد می‌کنند مصاحبه صورت می‌گیرد. تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش با استفاده از ضریب تی تست و تحلیل واریانس رگرسیون نرم افزار spss نسخه ۲۴ صورت گرفت.

یافته‌های تحقیق

بررسی وضعیت تاب آوری جامعه برحسب مشخصات پاسخگویان

تاثیر سن بر میزان تاب آوری از نظر شهروندان ساوری

نتایج به دست آمده از آزمون رگرسیون حاکی از آن است که ضریب رگرسیون با سطح معنی داری $\alpha=0/759$ برابر با $R=0/15$ محاسبه شده است. از آنجا که این سطح معنی داری از سطح معنی داری مورد نظر ما $\alpha=0/05$ بیشتر است در نتیجه از نظر شهروندان ساوری سن بر میزان تاب آوری تاثیر مثبتی دارد.

جدول ۱: ضریب آزمون رگرسیون پیرامون تاثیر سن بر میزان تاب آوری پاسخگویان

sig	t	beta	SE	B	
.000	39.428	.015	.040	1.594	مقدار ثابت
.759	.307		.001	.000	سن

میزان تاب آوری از نظر شهروندان ساوری برحسب جنسیت

میزان تاب آوری پاسخگویان بر حسب جنسیت متفاوت می باشد. نتایج آزمون تی تست حاکی از آن است میزان تاب آوری بر حسب جنسیت متفاوت می باشد زیرا سطح معنی داری بدست آمده $0/009$ کمتر از $0/05$ می باشد بنابراین نتیجه می گیریم که میانگین نگرش زنان نسبت به مردان به لحاظ تاب آوری متفاوت بوده است.

جدول ۲: نتایج آزمون تی تست پیرامون میزان تاب آوری پاسخگویان بر حسب جنسیت

سطح معنی داری	درجه آزادی	عدد تی
.009	398	2.620

میزان تاب آوری از نظر شهروندان ساروی بر حسب تحصیلات

بین تحصیلات و میزان تاب آوری رابطه معنی داری وجود دارد. نتایج به دست آمده از آزمون ضریب همبستگی بین این دو متغیر حاکی از آن است که در بین ۴۰۰ پاسخگوی مورد مطالعه ضریب همبستگی با سطح معنی داری $\alpha=0/334$ برابر با $R=-0/048$ محاسبه شده است. از آنجا که این سطح معنی داری از سطح معنی داری مورد نظر ما $\alpha=0/05$ بزرگتر است.

جدول ۳: آزمون ضریب همبستگی پیرسون رابطه تحصیلات باتاب آوری

ضریب همبستگی	-048
سطح معنی داری	334
تعداد پاسخگویان	400

رابطه میزان هزینه ماهانه زندگی خانوار باتاب آوری از نظر شهروندان ساروی

بین هزینه ماهانه زندگی خانوار و میزان تاب آوری از نظر شهروندان ساروی رابطه معنی داری وجود دارد. نتایج به دست آمده از آزمون ضریب همبستگی بین این دو متغیر حاکی از آن است که در بین پاسخگویان مورد مطالعه ضریب همبستگی با سطح معنی داری $\alpha=0/695$ برابر با $R=-0/020$ محاسبه شده است.

باتاب آوری جدول ۴: آزمون ضریب همبستگی پیرسون رابطه میزان هزینه ماهانه زندگی خانوار

ضریب همبستگی	-020
سطح معنی داری	695
تعداد پاسخگویان	400

میزان تاب آوری بر حسب نوع شغل از نظر شهروندان ساروی

میزان تاب آوری از نظر پاسخگویان بر حسب نوع شغل متفاوت می باشد. نتایج آزمون تحلیل واریانس حاکی از آن است میزان تاب آوری بر حسب شغل یکسان می باشد زیرا سطح معنی داری بدست آمده $0/807$ بیشتر از $0/05$ می باشد بنابراین نتیجه می گیریم که میانگین تاب

آوری بر حسب شغل متفاوت بوده است .

جدول ۵: نتایج آزمون تحلیل واریانس پیرامون میزان تاب آوری بر حسب نوع شغل

سطح معنی داری	f	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	
.807	.537	.042	7	.292	بین گروهی
		.078	392	30.445	درون گروهی
			399	30.736	کل

میزان تاب آوری بر حسب وضعیت تاهل از نظر شهروندان ساوری

میزان تاب آوری از نظر پاسخگویان بر حسب وضعیت تاهل متفاوت می باشد. نتایج آزمون تحلیل واریانس حاکی از آن است میزان تاب آوری بر حسب وضعیت تاهل یکسان می باشد زیرا سطح معنی داری بدست آمده $0/807$ بیشتر از $0/05$ می باشد بنابراین نتیجه می گیریم که میانگین تاب آوری بر حسب شغل متفاوت بوده است .

جدول ۶: نتایج آزمون تحلیل واریانس پیرامون میزان تاب آوری بر حسب وضعیت تاهل

سطح معنی داری	f	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	
.982	.018	.001	2	.003	بین گروهی
		.077	397	30.733	درون گروهی
			399	30.736	کل

نگرش پاسخگویان به وضعیت تاب آوری در جامعه

-تاثیر فرهنگ مدارا بر تاب آوری از نظر پاسخگویان در جامعه

نتایج نشان داد که مدارا بر میزان تاب آوری از نظر پاسخگویان تاثیر مثبتی دارد. نتایج به دست آمده از آزمون رگرسیون حاکی از آن است که ضریب رگرسیون با سطح معنی داری $\alpha=0/799$ برابر با $R=0/013$ محاسبه شده است. از آنجا که این سطح معنی داری از سطح معنی داری مورد نظر ما $\alpha=0/05$ بیشتر است مدرک کافی برای رد فرض صفر خود نداریم، در نتیجه فرضیه صفر ما تائید و فرضیه اصلی ما رد می شود.

جدول ۷: ضریب آزمون رگرسیون پیرامون تاثیر فرهنگ مدارا بر میزان تاب آوری از نظر پاسخگویان

sig	t	beta	SE	B	
.000	21.879	.013	.073	1.587	مقدار ثابت
.799	.254		.029	.007	مدارا

فرهنگ مدارا بر میزان تاب آوری از نظر پاسخگویان در جامعه

بررسی نتایج ارائه شده در جدول حاکی از آن است که میانگین نگرش به فرهنگ مدارا از نظر پاسخگویان متوسط به پایین می باشد زیرا میانگین به دست آمده ۲/۴۷ کمتر از میانگین فرضی یعنی عدد (۳) به دست آمده است. از نظر شهروندان ساووی میزان فرهنگ مدارا در جامعه در حد پایین می باشد

جدول ۸: آزمون t تک نمونه ای پیرامون فرهنگ مدارا در بین پاسخگویان

Test Value = 3						شاخص آماري مدل
فاصله اطمینان ۹۵ درصد		تفاوت میانگین	معنی داری	درجه آزادی	T	
کران بالا	کران پایین					
2.5200	2.4250	2.47250	.000	399	102.386	

وضعیت دعوا، درگیری و زد و خورد از نظر پاسخگویان در جامعه

بررسی نتایج ارائه شده در جدول حاکی از آن است که در جامعه وضعیت دعوا، درگیری و زد و خورد متوسط به پایین می باشد زیرا میانگین به دست آمده ۲/۶۶ کمتر از میانگین فرضی یعنی عدد (۳) به دست آمده است.

جدول ۹: آزمون t تک نمونه ای پیرامون نگرش به وضعیت دعوا، درگیری و زد و خورد در بین پاسخگویان

Test Value = 3						شاخص آماري مدل
فاصله اطمینان ۹۵ درصد		تفاوت میانگین	معنی داری	درجه آزادی	T	
کران بالا	کران پایین					
2.8207	2.5143	2.66750	.000	399	34.238	

سازگاری در مواجهه با بی پولی از نظر پاسخگویان در جامعه

بررسی نتایج ارائه شده در جدول حاکی از آن است که میانگین نگرش به سازگاری در مواجهه با بی پولی در جامعه متوسط به بالایی باشد زیرا میانگین به دست آمده $3/78$ بیشتر از میانگین فرضی یعنی عدد (۳) به دست آمده است.

جدول ۱۰: آزمون t تک نمونه‌ای پیرامون نگرش به سازگاری در مواجهه با بی پولی در بین پاسخگویان در جامعه

Test Value = 3						شاخص آماري مدل
فاصله اطمینان ۹۵ درصد		تفاوت میانگین	معنی داری	درجه آزادی	T	
کران بالا	کران پایین					
3.8943	3.6707	3.78250	.000	399	66.518	سازگاری در مواجهه با بی پولی

دلسردی در مواجهه با شکست از نظر پاسخگویان در جامعه

بررسی نتایج ارائه شده در جدول حاکی از آن است که میانگین دلسردی در مواجهه با شکست متوسط به بالایی باشد زیرا میانگین به دست آمده $3/28$ بیشتر از میانگین فرضی یعنی عدد (۳) به دست آمده است.

جدول ۱۱: آزمون t تک نمونه‌ای پیرامون نگرش به دلسردی در مواجهه با شکست از نظر پاسخگویان

Test Value = 3						شاخص آماري مدل
فاصله اطمینان ۹۵ درصد		تفاوت میانگین	معنی داری	درجه آزادی	T	
کران بالا	کران پایین					
3.4152	3.1448	3.28000	.000	399	47.700	دلسردی در مواجهه با شکست

عدم کنترل احساسات ناخوشایندی چون غم، ترسو و خشم از نظر پاسخگویان در جامعه بررسی نتایج ارائه شده در جدول حاکی از آن است که میانگین عدم کنترل احساسات ناخوشایندی چون غم، ترسو و خشم متوسط به پایین می باشد زیرا میانگین به دست آمده $2/84$

کمتر از میانگین فرضی یعنی عدد (۳) به دست آمده است.

جدول ۱۲: آزمون t تک نمونه ای پیرامون نگرش به عدم کنترل احساسات ناخوشایندی چون غم، ترسو و خشم در بین پاسخگویان

Test Value = 3						شاخص آماري	مدل
فاصله اطمینان ۹۵ درصد		تفاوت میانگین	معنی داری	درجه آزادی	T		
کران بالا	کران پایین						
2.9645	2.7205	2.84250	.000	399	45.788	عدم کنترل احساسات ناخوشایندی چون غم، ترسو و خشم	

-میزان خشم و عصبانیت در موقعیت های مختلف از نظر پاسخگویان در جامعه بررسی نتایج ارائه شده در جدول حاکی از آن است که میانگین میزان خشم و عصبانیت در موقعیت های مختلف در حد متوسط به پایین می باشد زیرا میانگین به دست آمده ۲/۲۷ کمتر از میانگین فرضی یعنی عدد (۳) به دست آمده است.

جدول ۱۳: آزمون t تک نمونه ای پیرامون میزان خشم و عصبانیت در موقعیت های مختلف در بین پاسخگویان

Test Value = 3						شاخص آماري	مدل
فاصله اطمینان ۹۵ درصد		تفاوت میانگین	معنی داری	درجه آزادی	T		
کران بالا	کران پایین						
2.3459	2.1971	2.27150	.000	399	60.046	خشم و عصبانیت در موقعیت های مختلف	

وضعیت تاب آوری از نظر پاسخگویان در جامعه

بررسی نتایج ارائه شده در جدول حاکی از آن است که وضعیت تاب آوری در جامعه از نظر

پاسخگویان متوسط به بالامی باشد زیرا میانگین به دست آمده ۲۸/۳ بیشتر از میانگین فرضی یعنی عدد (۳) به دست آمده است. بنابراین از نظر شهروندان ساوری میزان تاب آوری در جوامع شهری در حدمتوسط به بالامی باشد.

جدول ۱۴: آزمون t تک نمونه ای پیرامون نگرش به پایین بودن تاب آوری جامعه از نظر پاسخگویان

Test Value = 3						شاخص آماري
فاصله اطمینان ۹۵ درصد		تفاوت میانگین	معنی داری	درجه آزادی	T	
کران بالا	کران پایین					
3.3866	3.1784	3.28250	.000	399	62.020	پایین بودن تاب آوری

نتیجه گیری

بررسی وضعیت تاب آوری برحسب مشخصات پاسخگویان از نظر شهروندان ساوری نتایج نشان داد سن بر میزان تاب آوری پاسخگویان تاثیر مثبتی ندارد. نتایج به دست آمده از آزمون رگرسیون نشان داد که ضریب رگرسیون با سطح معنی داری $\alpha = 0/759$ برابر با $R = 0/015$ محاسبه شده است. از آنجا که این سطح معنی داری از سطح معنی داری مورد نظر ما $\alpha = 0/05$ بیشتر است بنابراین نتیجه می گیریم که سن بر میزان تاب آوری از نظر شهروندان مازندران تاثیر معنی داری نداشته است

میزان تاب آوری پاسخگویان بر حسب جنسیت متفاوت می باشد. نتایج آزمون تی تست حاکی از آن است میزان تاب آوری بر حسب جنسیت متفاوت می باشد زیرا سطح معنی داری بدست آمده $0/009$ کمتر از $0/05$ می باشد بنابراین نتیجه می گیریم که میانگین نگرش زنان نسبت به مردان به لحاظ تاب آوری متفاوت بوده است.

بین تحصیلات و میزان تاب آوری پاسخگویان رابطه معنی داری وجود دارد. نتایج به دست آمده از آزمون ضریب همبستگی نشان داد که در بین 400 پاسخگویی مورد مطالعه ضریب همبستگی با سطح معنی داری $\alpha = 0/334$ برابر با $R = -0/048$ محاسبه شده است. از آنجا که این سطح معنی داری از سطح معنی داری مورد نظر ما $\alpha = 0/05$ بزرگتر است.

بین هزینه ماهانه زندگی خانوار و میزان تاب آوری پاسخگویان رابطه معنی داری وجود دارد. نتایج به دست آمده از آزمون ضریب همبستگی نشان داد که در بین پاسخگویان مورد مطالعه

ضریب همبستگی با سطح معنی داری $\alpha = 0/695$ برابر با $R = -0/020$ محاسبه شده است. از آنجا که این سطح معنی داری از سطح معنی داری مورد نظر ما $\alpha = 0/05$ بزرگتر است مدرک کافی برای رد فرض صفر خود نداریم.

میزان تاب آوری پاسخگویان برحسب نوع شغل متفاوت می باشد. نتایج آزمون تحلیل واریانس حاکی از آن است میزان تاب آوری برحسب شغل یکسان می باشد زیرا سطح معنی داری بدست آمده $0/807$ بیشتر از $0/05$ می باشد بنابراین نتیجه می گیریم که میانگین تاب آوری بر حسب شغل یکسان بوده است.

میزان تاب آوری پاسخگویان برحسب وضعیت تاهل متفاوت می باشد. نتایج آزمون تحلیل واریانس حاکی نشان داد میزان تاب آوری برحسب وضعیت تاهل یکسان می باشد زیرا سطح معنی داری بدست آمده $0/982$ بیشتر از $0/05$ می باشد بنابراین نتیجه می گیریم که میانگین تاب آوری بر حسب وضعیت تاهل یکسان بوده است.

نگرش پاسخگویان به وضعیت تاب آوری در جامعه

نتایج نشان داد که مدارا بر میزان تاب آوری پاسخگویان تاثیر مثبتی دارد. نتایج به دست آمده از آزمون رگرسیون حاکی از آن است که ضریب رگرسیون با سطح معنی داری $\alpha = 0/799$ برابر با $R = 0/013$ محاسبه شده است. از آنجا که این سطح معنی داری از سطح معنی داری مورد نظر ما $\alpha = 0/05$ بیشتر است مدرک کافی برای رد فرض صفر خود نداریم، در نتیجه فرضیه صفر ما تأیید و فرضیه اصلی ما رد می شود.

یافته های پژوهش از نظر پاسخگویان نشان می دهد که، نگرش فرهنگ مدارا در جامعه در حد پایینی می باشد. بررسی نتایج حاکی از آن است که در خصوص نگرش به فرهنگ مدارا تفاوت معناداری بین میانگین نمونه و میانگین فرضی جامعه در سطح معناداری $0/01$ وجود دارد ($t = 38/102$). نتایج حاکی از آن است که میانگین میزان فرهنگ مدارا متوسط به پایین می باشد زیرا میانگین به دست آمده $2/47$ کمتر از میانگین فرضی یعنی عدد (3) به دست آمده است. در تبیین این یافته می توان اظهار نظر کرد که مدارای اجتماعی با توجه به حضور انسان هایی با فرهنگ، هویت، تفکر و ارزش های متفاوت در عرصه های مختلف اجتماعی می تواند عاملی اثرگذار در افزایش تعامل و ارتباط اجتماعی افراد جامعه باشد. مطالعه مدارای اجتماعی

در کاهش تنش ها و افزایش درک متقابل، انسجام و تعامل اجتماعی تأثیر بسزائی دارد. جامعه قوی جامعه مداراگر و مدارا با اندیشه ورزشی قرین است.

یافته های دیگر پژوهش، از نظر پاسخگویان میزان وضعیت دعوا، درگیری و زد و خورد در جامعه در حد پایین می باشد. بررسی نتایج ارائه شده در جدول حاکی از آن است که در خصوص وضعیت دعوا، درگیری و زد و خورد تفاوت معناداری بین میانگین نمونه و میانگین فرضی جامعه در سطح معناداری ۰/۰۱ وجود دارد ($t=۳۴/۲۳$). نتایج حاکی از آن است که وضعیت دعوا، درگیری و زد و خورد متوسط به پایین می باشد زیرا میانگین به دست آمده ۲/۶۶ کمتر از میانگین فرضی یعنی عدد (۳) به دست آمده است.

از دیگر یافته های پژوهش میزان سازگاری در مواجهه با بی پولی در جامعه در حد بالایی می باشد. بررسی نتایج حاکی از آن است که در خصوص نگرش به سازگاری در مواجهه با بی پولی تفاوت معناداری بین میانگین نمونه و میانگین فرضی جامعه در سطح معناداری ۰/۰۱ وجود دارد ($t=۶۶/۵۱$). نتایج حاکی از آن است که میانگین نگرش به سازگاری در مواجهه با بی پولی متوسط به بالا می باشد زیرا میانگین به دست آمده ۳/۷۸ بیشتر از میانگین فرضی یعنی عدد (۳) به دست آمده است.

نتایج بدست آمده نشان می دهد که میزان دلسردی در مواجهه با شکست در جامعه در حد بالایی می باشد. بررسی نتایج حاکی از آن است که در خصوص دلسردی در مواجهه با شکست تفاوت معناداری بین میانگین نمونه و میانگین فرضی جامعه در سطح معناداری ۰/۰۱ وجود دارد ($t=۴۷/۷۰$). نتایج حاکی از آن است که میانگین دلسردی در مواجهه با شکست متوسط به بالا می باشد زیرا میانگین به دست آمده ۳/۲۸ بیشتر از میانگین فرضی یعنی عدد (۳) به دست آمده است. بنابراین نتیجه می گیریم که میزان دلسردی در مواجهه با شکست در حد متوسط به بالا بوده است.

از دیگر یافته های پژوهش این است که میزان عدم کنترل احساسات ناخوشایندی چون غم، ترس و خشم جامعه در حد پایینی می باشد. بررسی نتایج حاکی از آن است که در خصوص عدم کنترل احساسات ناخوشایندی چون غم، ترس و خشم تفاوت معناداری بین میانگین نمونه و میانگین فرضی جامعه در سطح معناداری ۰/۰۱ وجود دارد ($t=۴۵/۷۸$). نتایج حاکی از آن است که میانگین عدم کنترل احساسات ناخوشایندی چون غم، ترس و خشم در جامعه متوسط

به پایین می باشد زیرا میانگین به دست آمده $۲/۸۴$ کمتر از میانگین فرضی یعنی عدد (۳) به دست آمده است. خودکارآمدی بالا از مولفه های است که در نظریه بندورا آورده شده است که افراد وقتی به مشکلی برخورد می کنند با داشتن خودکارآمدی بالا، زمان بیشتری برای مقاومت نشان می دهند و باعث ترغیب انگیزش منابع شناختی فرد می شود. بندورا معتقد است ایجاد تاب آوری از تعامل بین عوامل محیطی، رفتاری و فردی بوجود می آید و انسان موجود فعالی است که می تواند با رفتارشان وقایع و رویدادها را کنترل نمایند. یافته دیگر پژوهش میزان خشم و عصبانیت در موقعیت های مختلف در جامعه در حد متوسط به پایین می باشد بررسی نتایج ارائه شده در جدول حاکی از آن است که در خصوص میزان خشم و عصبانیت در موقعیت های مختلف تفاوت معناداری بین میانگین نمونه و میانگین فرضی جامعه در سطح معناداری $۰/۰۱$ وجود دارد ($t=۶۰/۰۴$). نتایج حاکی از آن است که میانگین عدم میزان خشم و عصبانیت در موقعیت های مختلف در حد متوسط به پایین می باشد زیرا میانگین به دست آمده $۲/۲۷$ کمتر از میانگین فرضی یعنی عدد (۳) به دست آمده است.

عصبانیت و خشم یکی از قوی ترین هیجانات زندگی انسان است. در صورتی که انسان نتواند خشم و عصبانیت خود را کنترل کند. در آن صورت ممکن است، با پی آمدهای ناگوار آن مواجه شود. بنابراین لازم است، که انسان آگاهی کافی و لازم به خشم و عصبانیت داشته باشد، و آن را مدیریت و کنترل نماید. با وجود این که خشم و عصبانیت در وجود انسان امری طبیعی است. ولی رفتارها و برخوردهای که بعد از آن خود را بروز می دهد، پی آمدهای ناگوار می تواند داشته باشد.

از یافته های دیگر پژوهش حاضر، وضعیت تاب آوری در جوامع شهری از نظر پاسخگویان در حد متوسط به بالا می باشد. بررسی نتایج ارائه شده در خصوص وضعیت تاب آوری در جوامع شهری تفاوت معناداری بین میانگین نمونه و میانگین فرضی جامعه در سطح معناداری $۰/۰۱$ وجود دارد ($t=۶۲/۰۲$). نتایج حاکی از آن است که وضعیت تاب آوری در جوامع شهری از نظر پاسخگویان متوسط به بالا می باشد زیرا میانگین به دست آمده $۳/۲۸$ بیشتر از میانگین فرضی یعنی عدد (۳) به دست آمده است بنابراین از نظر پاسخگویان تاب آوری در جوامع شهری در حد متوسط به بالا است. در تبیین این یافته می توان اظهار کرد براساس رویکرد آدلر، مفهوم علاقه اجتماعی را به تاب آوری پیوند می دهد و معتقد است که علاقه اجتماعی

باعث افزایش تاب آوری است. علاقه اجتماعی از نظر آدلر، دیدن با چشم دیگران، شنیدن با گوش دیگران و احساس کردن با قلب دیگران است. علاقه اجتماعی شاخص اصلی سلامت روان است و معتقد است همه مشکلات و شکست هایی که افراد در زندگی با آن مواجهه می شوند، ناشی از فقدان علاقه اجتماعی است. از نظر آدلر برای اینکه علاقه اجتماعی شکل بگیرد باید هیجانانگیز بود مبتنی بر باور و شناخت باشد و عواطف و هیجانانگیز، براساس طرز فکر افراد، کنترل یا خلق کنند.

نظریه دیگری مرتبط با مفهوم تاب آوری، نظریه شناختی بک است. بک این مسئله را مورد تایید قرار داده است که داشتن باورها و طرحواره های منفی باعث تشدید استرس می شوند و طرحواره های مثبت به عنوان مانعی در برابر تاثیر استرس عمل می کنند یا استرس را کاهش می دهند. پس تاب آوری تحت تاثیر شناخت ها، نگرش ها و باورهای فرد قرار می گیرد. نظام باورها هنگام رویارویی با شرایط ناگوار در فرد، احساس امید و خوش بینی و در زندگی احساس معنا ایجاد می کند؛ که این عوامل اساس و مبنای تاب آوری را تشکیل می دهند.

از نگاه محققان حوزه تاب آوری جوامع شهری، پایه و اساس اصلی تاب آوری و پایداری کلیت یک جامعه در برابر بحران ها، فشارها و حوادث غیر مترقبه، در میزان تاب آوری اجتماعی آن جامعه نهفته است. به عبارتی دیگر تاب آور بودن یک جامعه به لحاظ ابعاد و مؤلفه های اجتماعی است که می تواند آن جامعه را به سوی تاب آوری در سایر ابعاد رهنمون ساخته و مسیر تحقق آن را هموار نماید. در همین زمینه تاب آوری اجتماعی به عنوان توانایی جوامع انسانی برای تحمل حوادث غیر مترقبه خارجی یا نابسامانی های موجود در زیرساخت های آن نظیر تغییرات محیطی، یا دگرگونی های شدید اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و همچنین توانایی این جوامع برای بازیابی و بازتوانی از چنین نابسامانی هایی تعریف می شود. به عبارت دیگر تاب آوری اجتماعی ظرفیت جامعه برای انطباق با تغییرات یا دگرگونی ها و حفظ رفتار سازگارانه بوده و زیربنای تاب آوری در ابعاد فرهنگی، مدیریتی، محیطی و کالبدی، سیاسی و اقتصادی است. پیشنهادها و راهکارهای افزایش تاب آوری در شرایط بحرانی پژوهش حاضر براساس نتایج تحقیقات پیشین

۱. خوش بین و مثبت نگر باشند. براساس پژوهش رحیمی و همکاران، اهمیت مثبت و منفی بودن عاطفه با تاب آوری رابطه معنی داری وجود دارد و باعث می شود افراد در هنگام

رویاریویی با مشکلات سخت زندگی توان مقابله داشته باشند. وهمچنین نشان داد که افراد تاب آور خوش بین تر هستند.

۲. بالا بردن اعتماد به نفس و خود باوری در افراد جامعه. افراد برای اینکه تاب آوری بالایی داشته باشند باید اعتماد به نفس و خود باوری را افزایش بدهند و افراد با تاب آوری پایین فاقد جسارت که مشکلات خود را مبالغه آمیز بزرگ کرده و خود را قربانی حوادث می دانند و از شرایط موجود شکوه دارند و نسبت به آینده احساس نگرانی می کنند (صادقی، ۱۳۹۷).

۳. افزایش شادی و نشاط در افراد جامعه. براساس نتایج وجوب (۲۰۰۶)، افراد با تاب آوری بالا در سطح بالایی شادکامی قرار دارند.

۴. افزایش توانمندی افراد جامعه. براساس نتایج کامپفر (۱۹۹۹)، ارتقای توانمندی فرد در زمینه تاب آوری باعث افزایش سلامت روانی و همچنین افزایش میزان رضایتمندی افراد از زندگی است.

۵. افزایش مهارت های ارتباطی افراد جامعه. از نظر اشتنبرگ وبری (۱۹۹۴) باید مهارت های ارتباطی، مقابله، جرات دهی، ابراز خود در افراد افزایش یابد که باعث می شود سطح سلامت افراد افزایش یابد. افراد برای اینکه در برابر مشکلات و موانع تحمل داشته باشند، باید ارتباطات محکم اجتماعی داشته باشند و این ارتباطات به افراد کمک می کند. این ارتباطات به افراد کمک می کند درباره نگرانی ها و چالش های خود با کسی صحبت کنند، از مشورت، همدلی و همراهی آنها بهره مند شوند، راه حل جدیدی کشف کنند و در مجموع از لحاظ روان احساس قدرت و آرامش کنند.

۶. آموزش مهارت حل مسئله به افراد جامعه. یکی از مولفه های اصلی تقویت تاب آوری، مهارت حل مسئله است (کمپل - سلیس^۱ و همکاران (۲۰۰۶)

منابع

۱. علیزاده، حمید (۱۳۹۲). تاب آوری شناختی (بهزیستی روانی و اختلال های رفتاری)، تهران: انتشارات ارسباران.
۲. کیخاونی، ستار؛ محمدزاده، جهانشاه؛ محمدی، جلال؛ نصراللهی، عباس؛ پیراحمدوند، مهرداد؛ رضایی، راحله؛ و رضایی، کبری (۱۳۹۱). «رابطه تاب آوری و سلامت روان با آسیب پذیری در برابر مواد مخدر در دانش آموزان مقطع متوسطه شهر ایلام در سال تحصیلی ۹۰-۸۹»، فصلنامه تاریخ پزشکی، سال چهارم، شماره ۱۳، صص ۸۴-۶۷.
۳. حسام پور، مریم (۱۳۸۸). نقش واسطه ای سبک های هویت در میان روابط اجتماعی و تاب آوری در دانشجویان دانشگاه شیراز، پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه شیراز.
۴. صادقی، مسعود (۱۳۹۷). تاثیر درمان رفتاری شناختی بر تاب آوری، گروه روانشناسی، دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران.
5. Conner, K. M., Davidson, J. R. T. (2003). Development of a new resilience scale: the Conner-Davidson resilience scale (Cd- Risc). *Depression and Anxiety*; 18: 76- 82.
6. Davidson, R. J. (2000). "Affective style, psychopathology, and resilience: Brain mechanisms and plasticity. *American Psychologist*, 55, 1196-1214.
7. Bonanno, G. A. (2004). Loss. Trauma, and human resilience. *Americanpsychologist*, 59, 20-28.

شناسایی مؤلفه‌های قدرت نرم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال ایالات متحده آمریکا

محمد رجبی^۱

چکیده

شکل و ماهیت مناسبات میان جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا در طول مدتی که از انقلاب اسلامی گذشته است، ماهیتی منازعه‌آمیز داشته و از رویارویی سخت تا شیوه‌های نرم را در بر گرفته است. بدین معنا، در مناسبات میان دو کشور ابتدا جنبه‌های سخت‌افزاری از اهمیت برخوردار بوده ولیکن باگذشت زمان و ناکارآمدی این ابزارها، بهره‌گیری از ابزارهای نرم‌افزارانه اهمیت یافته است. بر این اساس، هر دو کشور با آگاهی از این معادله سعی در افزایش و بهره‌وری بیشتر از ظرفیت‌های قدرت نرم خود نموده و درصدد برآمده‌اند تا برای دستیابی به اهداف سیاست خارجی و حفظ منافع خود از طریق بهره‌گیری از ابزارهای قدرت نرم اقدام نمایند. پژوهش حاضر با طرح این پرسش که «قدرت نرم سیاست خارجی ایران در قبال ایالات متحده آمریکا بر چه مبانی و مؤلفه‌هایی استوار بوده است؟»، این فرضیه را مطرح می‌نماید که «جمهوری اسلامی ایران با بهره‌گیری از پتانسیل‌های ایدئولوژی اسلامی - شیعی، رهبری و مردم‌توان بازدارندگی خود را افزایش داده و از این طریق، با تهدیدات نرم آمریکا مقابله نموده است». روش مورد استفاده در این پژوهش، کیفی از نوع توصیفی و تحلیلی است و برای گردآوری مطالب از فیش‌برداری استفاده شده است. واژگان کلیدی: قدرت نرم، سیاست خارجی، ایران، آمریکا، انقلاب اسلامی.

۱. استادیار علوم سیاسی، گروه امنیتی و اجتماعی، پژوهشکده امنیتی، انتظامی و اجتماعی، پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
m52.rajabi@gmail.com

مقدمه

یکی از انواع قدرت، قدرت نرم افزاری است که به توانایی شکل دهی به اولویت های دیگران بدون زور و اجبار اشاره دارد و از طریق جذابیت های فکری و ارزشی، دیگران را راضی به همکاری می کند. در عرصه روابط بین الملل هم با توجه به اهمیت افکار عمومی در تصمیم سازی و اجرای سیاست کشورها، استفاده از قدرت نرم می تواند با هزینه کمتری تأثیرگذاری بیشتری را برای رسیدن به اهداف مورد نظر داشته باشد و اگر کشوری بتواند در ابعاد مختلف سیاسی و فرهنگی برای دیگران جذاب باشد، این جذابیت عامل مهمی جهت موافقت و همکاری دیگران برای رسیدن به اهداف خود خواهد بود. در سال های اخیر با توجه به اهمیت قدرت نرم در دستیابی به اهداف سیاست خارجی، هر دو کشور با آگاهی از این معادله، سعی در افزایش و بهره‌وری بیشتر، از ظرفیت های قدرت نرم خود در راستای اهداف استراتژیکشان می باشند. در یک چشم انداز تبارشناسانه سیاست های خصمانه آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران، به پیروزی انقلاب اسلامی باز می گردد. با تأسیس حکومت اسلامی نه تنها آمریکا یکی از متحدان راهبردی خود در منطقه را از دست داد؛ بلکه نظام نوپای جمهوری اسلامی در منطقه و موج بیداری حاصل از این حرکت در میان ملل دیگر کشورهای اسلامی، منافع و سیاست های آمریکا را در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا با خطر جدی مواجه ساخت. از این رو دولت مردان آمریکا بر آن شدند با طراحی و اجرای برنامه های مختلف با این انقلاب مقابله و آن را به انفعال و شکست بکشانند؛ بنابراین، وقوع انقلاب اسلامی ایران در چنین عصری که زمینه ساز نظام سازی و مطلوب و متناسب با آرمان های فرهنگ اسلامی شده است، تعبیر و تفاسیر خاصی را برای دولت آمریکا و متحدان استراتژیک آن ایجاد کرده است. (جعفری، ۱۳۸۹: ۶-۹) از این رو، در صدد مقابله با آن برآمدند که تهدید نظامی ایران در مقاطع مختلف از جانب آمریکا، کودتای نوژه، عملیات منجر به توفان صحرای طبس، حمایت مستقیم و غیرمستقیم از جنگ عراق علیه ایران و کمک های فراوان نظامی و اطلاعاتی به عراق، حمله به هواپیمای مسافربری ایرباس ایران، کمک در عملیات ترور و خرابکاری علیه جمهوری اسلامی ایران نمونه هایی از آن است. ایالات متحده آمریکا در کنار بهره گیری از روش های سخت افزاری در جهت تغییر نظام های سیاسی و ایجاد نظام مطلوب در پنجاه سال اخیر در چارچوب راهبرد امنیت ملی خود همواره از دو الگوی، «تغییرات تدریجی - فروپاشی» و «فروپاشی - تغییرات تدریجی» بهره برده است.

بدین معنا، بعد از به نتیجه نرسیدن در اهداف خود از طریق موارد مذکور، عمده مواجهات و برخورد ایران و آمریکا، حول مجادلات فرهنگی نرم و رویارویی‌های ایدئولوژیک و غیر خشونت‌آمیز طراحی شده است و مداخله غیرمستقیم و جنبه نرم‌افزاری مداخله در دستور کار حاکمان ایالات متحده قرار گرفته است. نمونه این موارد را می‌توان بدین شرح مورد اشاره قرار داد: مداخله در انتخابات سال ۱۳۸۸، پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران و نظایر آن. از زمان روی کار آمدن دموکرات‌ها در آمریکا و ریاست جمهوری کلینتون و از سوی دیگر با ناکامی آمریکا در برنامه‌های از پیش طراحی شده برای مقابله با نظام جمهوری اسلامی ایران، طرح براندازی خاموش و نافرمانی مدنی موسوم به «جنگ نرم» در برنامه‌ریزی راهبردی آمریکا نسبت به ایران قوت گرفت و جنبه نرم‌افزاری تهدید تقویت شد. جنگ نرم عموماً در مقابل جنگ سخت قرار می‌گیرد و اساساً موصوف نرم‌تغییرات مهمی را در عناصر اصلی تهدید به‌جای می‌گذارد که درگذر زمان ایجاد شده است. به‌عنوان مثال در جنگ نرم، ابزار تحدید از سخت به نرم تغییر می‌یابد و نیز عنصر هدف و قلمرو از سخت به نرم جابجا می‌شود. به‌عبارت دیگر، تغییر و تحول در ماهیت هدف، ماهیت و جنس تهدید را تعیین کرده و آن را به دو دسته نرم یا سخت تبدیل می‌کند. در جنگ نرم، عامل تهدید به دنبال فراهم کردن الگوهای اقتاعی است و تلاش می‌کند که مخاطب را به‌گونه‌ای تحت تأثیر قرار دهد که ترجیحات و اولویت‌های خود را مطابق خواسته‌های عامل تهدید، فهم و درک نماید. یک بخش تأثیرگذاری بر افکار از طریق الگوپردازی است و بخش دیگر آن را باورسازی و مسخ الگوهای رایج شکل می‌دهد؛ بنابراین، می‌توان گفت جنگ نرم عبارت است از هرگونه اقدام غیر خشونت‌آمیز که ارزش‌ها و هنجارها را مورد هجوم قرار داده و در حد نهایی منجر به تغییر در الگوهای رفتاری و خلق الگوهای جدید می‌شود که با الگوهای رفتاری نظام حاکم تعارض داشته باشد. به این منظور مهم‌ترین ابزار کسب اعتماد، ارتباطات است که در سطوح عمومی، راهبردی و سیاست‌گذاری مورد توجه قرار گرفته و به طرق مختلف و توسط ابزارهای گوناگون از جمله رسانه راه را برای دستیابی به پیروزی در این جنگ هموار می‌کند در این پژوهش نگارنده به بررسی و ارائه منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در مقابله با آمریکا پرداخته است.

۱. چارچوب نظری

قدرت نرم: ریشه‌های نظری بحث قدرت نرم را می‌توان در نظریه «آنتونی گرامشی» واضح اصطلاح «هژمونی» و «چهره سوم قدرت» «استیون لوکس» جستجو کرد. (قهرمان پور، ۱۳۸۵: ۱۹۱) لوکس، قدرت نرم را در معنای توانایی اعمال نفوذ، تغییر نگرش‌ها یا رفتار افراد و گروه‌ها به کار برده و بر این نظر است که قدرت نرم با ابتناء بر رابطه‌ای اجتماعی است که فرد می‌تواند از آن طریق اراده و نظر خود را به دیگران - حتی اگر آنها نظر مخالفی داشته باشند - بقبولاند. (عترت دوست، ۱۴۰۰: ۲۲۴) «آنتونیو گرامشی» نیز با کمک گرفتن از این واژه درصد نشان دادن چهره واقعی نظام سرمایه‌داری نهان در پس پرده جاذبه‌های ظاهری آن بود. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق و پایان جنگ سرد، نظریه پردازان برجسته در حوزه سیاست بین‌الملل، همچون «ساموئل هانتینگتون»، «ویلیام کریستول»، «رابرت کیگان» و «فرانسوا فوکویاما» کوشیدند که با طرح دیدگاه‌های تازه‌ای شرایط راستین حاکم بر سامانه بین‌الملل را بررسی کنند. یکی از اندیشمندانی که در این راه گام برداشت پرفسور «جوزف نای» - استاد روابط بین‌الملل مدرسه حکومتی «جان اف کندی» دانشگاه هاروارد - بود که مقوله قدرت نرم را نخستین بار در چارچوب نظریه‌ای مستقل در باب بازبینی ماهیت و نتایج قدرت آمریکا مطرح کرد. (نای، ۱۳۸۵: ۶۹) نای، قدرت نرم را این‌طور توصیف می‌کند: «توانایی یک کشور در واداشتن کشورهای دیگر به اینکه همان چیزی را بخواهند که او می‌خواهد و آن‌هم از راه جاذبه‌های فرهنگی و ایدئولوژیک که خود در اختیار دارد. به سخن دیگر؛ قدرت نرم به آن گروه از توانمندی‌ها و توانایی‌های یک کشور گفته می‌شود که با به‌کارگیری ابزارهایی هم چون فرهنگ، آرمان یا ارزش‌های اخلاقی به‌صورت غیر مستقیم بر منافع یا رفتار دیگر کشورها اثر می‌گذارد». (حسن خانی، ۱۳۸۴: ۱۶۸) این قابلیت‌های مادی، دارایی‌های محسوس هستند که توانایی نظامی یک ملت خاص را مشخص و معین می‌سازد. «روبرت گیلپین» در اثر خود با عنوان «جنگ و تغییر در سیاست جهان» قدرت را بر اساس توانایی‌های نظامی، اقتصادی و فناوری دولت‌ها تعریف می‌نماید. وی بر این باور است که تأثیرگذاری ملی در تحلیل نهایی به مجموعه نظامی - صنعتی بستگی دارد که می‌تواند به‌عنوان تهدید یا نیروی تبلیغی مورد استفاده قرار گیرد؛ بنابراین، بیشترین تأکید بر قدرت محسوسی قرار می‌گیرد که ظرفیت‌های یک ملت را برای به‌کارگیری قدرت در راستای دست‌یابی به اهدافش معین می‌سازد. (جعفری، ۱۳۵۲:

۲۹) در حالی که واقع‌گرایان به‌طور سنتی تأثیر یک ملت بر جهان را به‌عنوان کارکرد منابع قهری و محسوس قدرت دولت‌ها می‌دانند، جوزف نای «نفوذی» را برجسته ساخته است که از منابع نامحسوس سرچشمه می‌گیرد. در واقع یک تصویر مثبت و ایجابی در مسائل جهان که ملت‌ها را نسبت به یکدیگر قابل احترام می‌سازد. این تصویر ایجابی از منابعی چون سیاست‌های داخلی یا خارجی که ملت‌ها پیگیری می‌کنند، کُنش‌هایی که آن‌ها بروز می‌دهند و ویژگی‌های ملی که مستقل از سیاست‌ها و کُنش‌های ویژه (مانند فرهنگ) هستند برمی‌آید. (جعفری، ۱۳۵۲: ۱۶۳)

۲. منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران

در مطالعه و تحلیل قدرت، معمولاً عناصر محسوس قدرت (قدرت سخت) را به‌عنوان ارکان اصلی قدرت یک کشور در نظر می‌گیرند. باین‌وجود، تحولات جریان‌ساز عرصه جهانی پس از پایان جنگ سرد سبب کاهش رواج ابزارهای سخت‌افزاری قدرت و اقبال روزافزون بازیگران کوچک و بزرگ به کاربرد قدرت نرم جهت تحمیل اراده به یکدیگر شده است. به‌عبارت‌دیگر تحولات شگرف محیط بین‌الملل طی دهه‌های اخیر سبب بروز دگرگونی عمیقی در شیوه‌های اعمال قدرت میان بازیگران شده است. به‌گونه‌ای که ظرف جهان کنونی برای کاربرد ابزارهای سخت‌افزاری قدرت در مقیاس وسیع مضیق گشته و جهانیان، دیگر شعله‌ور نمودن پیاپی آتش جنگ‌های خونین را همچون گذشته بر نمی‌تابند، از این‌رو کاربرد قدرت نرم از جنبه‌های گوناگون بر قدرت سخت چربش و برتری یافته است تا آنجا که حتی ابرقدرت جهانی را نیز از توجه جدی به شیوه‌های نوین تحمیل اراده در عصر ارتباطات و اطلاعات نظیر فرهنگ، گریزی نیست.

در این مفهوم، مهم‌ترین مسئله، تنظیم دستورالعملی برای جذب دیگران است؛ بنابراین، قدرت نرم، کسب اهداف موردنظر، از طریق جذب کردن است، نه از طریق اجبار، زور و پاداش. (نای، ۱۳۸۵: ۴۷) از نظر جوزف نای، منابع قدرت نرم در بردارنده سه مؤلفه‌ی فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و مطلوب‌های سیاست خارجی است. امروزه فرهنگ، هویت و روح روابط بین‌الملل را تشکیل می‌دهد. (پوراحمدی، ۱۳۸۵: ۳۱۵) البته باید توجه داشت که مفهوم‌بندی رایج از قدرت نرم به دلیل آنکه منحصر در مولفه‌های مادی، این جهانی و سکولار است نمی‌تواند نفوذ و محبوبیت معنوی را با اتکاء بر مولفه‌های غیر مادی، دینی و آن جهانی را به خوبی تبیین نمایند. (شکوهی، ۱۴۰۰: ۵۳)

به هر حال، نظام جمهوری اسلامی ایران از ابتدای تأسیس، دارای مؤلفه‌ها و ویژگی‌های فرهنگی

و اسلامی بوده و این موضوع موجب شده است به دنبال اعمال قدرت فرهنگی در سیاست جهانی باشد. امروزه بیشترین مقاومت در جهان اسلام، از ناحیه فرهنگ صورت می‌گیرد و این باعث شده است فرهنگ و تمدن غرب احساس خطر کند. هانتینگتون از نظریه پردازان مشهور غربی اذعان می‌دارد، اقتصاد و تسلیحات قوی در کشورهای اسلامی ما را به چالش نکشیده، بلکه فرهنگ آن‌ها به گونه‌ای است که در مقابل ما ایستاده‌اند و تمدن ما را تهدید می‌کنند. (بیلیس، ۱۳۸۶: ۱) همچنین، جوزف نای بیان می‌دارد کشوری مانند جمهوری اسلامی ایران، با توجه به بافت فرهنگی اش - که اساس آن اسلام و تشیع است - با قدرت سخت قابل شکست نیست. (نای، ۱۳۸۵: ۸۳).

انقلاب اسلامی ایران به بروز دو تحول بزرگ منتهی شده است؛ از یک سو، منابع قدرت ایران را از سخت افزاری به نرم افزاری تبدیل نموده است و از سوی دیگر، بنیاد نرم افزاری را در ایران بر اسلام و فرهنگ متعالی اسلامی گذارده است. بررسی نتایج حاصل آمده از چند پروژه جهانی در موضوع جایگاه کشورهای مختلف در چشم انداز جهانی و میزان اعمال نفوذ قدرت نرم آن‌ها و وضعیت افکار عمومی جهانی در قبال کشورهایی چون آمریکا، ایران و یا کشورهای اروپایی که با مشارکت شهروندانی از ۳۲ کشور جهان به انجام رسیده است، دلالت بر آن دارد که جمهوری اسلامی ایران به واسطه ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل نرم افزاری توانسته معادلات و سلسله مراتب متعارف بین‌المللی را نقد و در نتیجه به بازیگری مطرح در این زمینه تبدیل شود.

منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در سه سطح فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و سیاست خارجی به شرح ذیل است:

۱-۳. فرهنگ

در دیدگاه نظریه پردازان، فرهنگ یکی از منابع اصلی قدرت نرم به شمار می‌رود. (Ohnesorge, 2019: 95) فرهنگ ایران دارای شاخص‌هایی است که برخی از مهم‌ترین آنها را می‌توان به شرح ذیل برشمرد:

• زبان و ادبیات فارسی

یکی از مهم‌ترین راه‌های گفتگو، جذب و اقتناع دیگران - به‌عنوان اساس قدرت نرم - بهره‌گیری از زبان مشترک است که زبان فارسی فرصت‌های فراوانی را از این جهت برای جمهوری اسلامی

ایران فراهم کرده است. شعر فارسی عنصر اصلی فرهنگ ایرانی است و ادبیات فارسی نیز ارمغانی گران‌بها و کالایی پُر مشتری است. زبان فارسی به‌عنوان زبان ملی و آداب و سنن ملی، یکی از عوامل هویت‌بخش فرهنگی ایرانیان بوده است و هویت فرهنگی مردم در طول تاریخ ایران همواره از راه زبان و ادب فارسی حفظ شده است. همچنین شعر فارسی نیز یکی از عوامل هویت‌بخش فرهنگ ایران است و می‌تواند موجب تقویت ظرفیت‌های فرهنگی هویت ایران شود (کوشکی، حسینی و قاری، ۱۳۹۳: ۸۸) و در حال حاضر یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های شناسایی ایران و ایرانی در عرصه بین‌الملل، ادیبان، ادبیات و آثار تاریخی این مرزوبوم است که با اندکی سرمایه‌گذاری و توجه قابلیت بهره‌برداری به‌عنوان بزرگ‌ترین برگ برنده در حوزه قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران را دارا است.

• آیین‌ها و آداب و رسوم

سنت‌ها و آداب و رسوم تاریخی نیز مظهری از قدرت نرم است که می‌توان از آن برای جذب دیگران بهره‌برد. بارزترین مصداق در این زمینه، جشن نوروز است. نوروز از جشن‌های باستانی ایرانیان است که امروزه در محدوده جغرافیایی ایران باستان یعنی در کشورهای ایران، آذربایجان، افغانستان، تاجیکستان، ترکمنستان، ازبکستان، قرقیزستان، قزاقستان و بخش‌های گردنشین کشورهای عراق، ترکیه و سوریه در روز یکم فرودین ماه هر سال برگزار می‌شود، اما خاستگاه اصلی آن کشور ایران است. (گلشن پژوه، ۱۳۸۷: ۹۷) جشن نوروز در ۳۰ دسامبر ۲۰۰۹ میلادی توسط سازمان آموزش علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) در فهرست «میراث فرهنگی غیر ملموس بشری» به ثبت رسید. یونسکو نوروز را یک سنت فرهنگی و یک جشن باستانی می‌داند که نماد اولین روز بهار و تجدید حیات طبیعت است و موجب تقویت ارزش‌های صلح و همبستگی میان نسل‌ها و درون خانواده‌ها و نیز آشتی و حُسن هم‌جواری می‌شود و از این رو، به تنوع فرهنگی و دوستی میان مردمان جوامع مختلف یاری می‌رساند و از جمله مهم‌ترین آیین‌هایی است که برای برنامه‌ریزی در جهت تقویت وجهه ایرانی و قدرت نرم در جهان مناسب است. (داداندیش و احدی، ۱۳۹۰: ۱۵۴) علاوه بر نوروز، ایران دارای آداب، سنن، هنر و دیگر ویژگی‌های ملی است که می‌توان با تقویت و هدایت آن‌ها و وجهه ملی و فرهنگی ایران را تقویت کرد.

• هنرها

آثار و صنایع فرهنگی-هنری کشورها به شرط داشتن جاذبه برای مخاطبان خارجی، منبع قدرت نرم هستند. چنان که بخش عظیمی از ذخیره قدرت نرم ایالات متحده آمریکا مرهون وجود آثار هنری تولید هالیوود است. جمهوری اسلامی ایران هم در این زمینه ظرفیت‌های چشم‌گیری دارد که در صورت سرمایه‌گذاری مناسب می‌توانند در راستای بالا بردن قدرت نرم آن به کار گرفته شوند. صنایع دستی ایران را که حاصل ذوق و چیره‌دستی هنرمندان این سرزمین است، مردمان جوامع مختلف جهان می‌شناسند. فرش وقالی ایرانی، سرآمد این صنایع است که همواره مشتاقان بسیاری در فراسوی قلمرو کشور دارند. موسیقی اصیل ایرانی نیز برخوردار از آوازه جهانی است و هر ساله چندین کنسرت با هنرمندی خوانندگان و نوازندگان برجسته ایران در کشورهای خارجی برگزار می‌شود. همچنین سینمای ایران-پس از پیروزی انقلاب اسلامی- جهش قابل توجهی داشته و خود را در سطح جهانی مطرح کرده است، به طوری که فیلم‌های سینمایی کارگردانان ایرانی طی سال‌های اخیر در جشنواره‌های متعدد خارجی به نمایش درآمده و جوایز متعددی را از جمله جایزه اسکار کسب کرده‌اند و برخی سریال‌های ایرانی مانند «یوسف پیامبر» یا «مختار» هم توانسته‌اند با جذب مخاطبان پُرشمار در کشورهای همسایه به موفقیت‌های بزرگی دست یابند.

۲-۳. توانایی‌های رسانه‌ای

رسانه‌ها با قدرت و نفوذ فوق‌العاده خود در جوامع گوناگون قادرند تصویری مثبت و منفی از یک کشور را در جهان ایجاد کنند. همین امر باعث شده است تا مدیریت رسانه‌ها مورد توجه خاص دولت‌ها قرار گیرد. رسانه‌ها این امکان را به وجود می‌آورند که بتوان به صورت مستقیم با مخاطبان در سراسر جهان ارتباط برقرار کرد. تعدد شبکه‌های تلویزیونی، سایت‌های اینترنتی، روزنامه‌ها، مجلات و دیگر وسایل ارتباطی به حدی است که علاوه بر کسب اطلاعات در کوتاه‌ترین زمان، امکان مقایسه اطلاعات را نیز دارند. بر این اساس، رسانه‌هایی موفق‌ترند که دارای ابزارهای قدرتمند فنی و زبانی باشند و علاوه بر آن شناخت بالایی نسبت به روحیه مخاطبان خود داشته باشند. (قدسی، ۱۳۹۰: ۷۸) در ایران تمرکز فعالیت‌های رسانه‌ای در سازمان صدا و سیماست که علاوه بر هفت شبکه سراسری و ۳۲ شبکه استانی که برنامه‌های آن

به زبان فارسی در ایران و بخش‌هایی از دنیا قابل دریافت هستند، در بُعد برون‌مرزی نیز دارای پنج شبکه جهانی است. آغاز به کار شبکه «پرس تی‌وی» این امید را به وجود می‌آورد که ایران بتواند از طریق یک رسانه حرفه‌ای ملی پیام خود را به مخاطبان بین‌المللی منتقل کند. مسئولان این شبکه هدف از راه‌اندازی پرس تی‌وی را «شکستن سلطه غرب بر رسانه‌های جهانی» اعلام کردند و اظهار امیدواری نمودند که این شبکه بتواند با شبکه‌های تلویزیونی انگلیس زبان رقابت کند. (داداندیش و احدی، ۱۳۹۰: ۱۵۹) همچنین شش روزنامه به زبان‌های انگلیسی و عربی به منظور انعکاس اخبار و آشنایی شهروندان دیگر کشورها و یا افراد مقیم در ایران با فرهنگ و سیاست‌های داخلی و بین‌المللی ایران انتشار می‌یابد. (هرسیج و تویسرکانی، ۱۳۸۸: ۸۴) همچنین، رادیوهای برون‌مرزی جمهوری اسلامی ایران به ۳۲ زبان و گویش مختلف اخبار و برنامه‌های متنوع و ویژه‌ای را به وقت کشورهای غرب آسیا، آسیا-پاسیفیک، اوراسیای مرکزی، اروپا، آفریقا، آمریکای شمالی و آمریکای لاتین پخش می‌کنند و در این راستا تلاش می‌کنند با مخاطبان خارجی نیز ارتباط برقرار کنند (هرسیج و تویسرکانی، ۱۳۸۸: ۸۷) و این امید را به وجود می‌آورد که ایران بتواند از این طریق، پیام خود را به مخاطبان بین‌المللی منتقل کند. (سمیعی اصفهانی، ۱۳۹۱: ۱۶۷)

۳-۳. آثار باستانی

ایران دارای یک قدمت تمدنی بسیار طولانی است. بر این اساس، از میراث فرهنگی و تاریخی عظیمی برخوردار است. در معرض قرار دادن این میراث تاریخی و فرهنگی که بیانگر نمادهای تمدنی ایرانیان است، نقش بسزایی در افزایش تصویری عزتمند از جمهوری اسلامی دارد. (خسروی و جباری ثانی، ۱۳۹۰: ۱۰۷) موجودیت تاریخی ایران سبب شده که این سرزمین یادگارهای باارزشی از دوره‌های مختلف تاریخی در دل خود داشته باشد. وجود بیش از یک میلیون اثر تاریخی و باستانی در این کشور گواه غیرقابل انکاری برای شایستگی عنوان «ایران موزه همیشه زنده دنیا» است. در ایران بیش از هفتاد هزار تپه باستانی، بیش از یک میلیون و دویست هزار اثر تاریخی و معماری و هزاران یادگار دوره‌های دوردست وجود دارد که برخی از آن‌ها در زمره برترین‌های جهان جای گرفته‌اند. (گلشن پژوه، ۱۳۸۷: ۱۰۷)

وجود این آثار علاوه بر عواید مادی که برای صنعت گردشگری کشور دارند، می‌تواند زمینه

جذب مردم جوامع خارجی، تأثیرگذاری بر آنان و قرار دادنشان در معرض واقعیات جامعه ایرانی را فراهم سازد. در واقع، در شرایطی که بسیاری از افکار عمومی جهان بر اثر القانات رسانه‌های بیگانه، ایران را کشوری عقب‌مانده و غیر متمدن می‌انگارند، آثار باستانی موجود در جای جای سرزمین ایران را باید به چشم منابع فرهنگی جذابی نگریست که به‌منظور اصلاح تصویر برون‌مرزی ایران و ارتقاء وجهه آن نزد مردمان سایر کشورها قابل بهره‌برداری هستند.

۳-۴. قدرت علمی

پیشرفت علمی زمینه‌ساز توسعه اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است. امروزه برخلاف گذشته، کشوری قدرتمندتر است که از لحاظ علمی قوی‌تر باشد و صرف داشتن منابع اولیه، جمعیت و مساحت سرزمینی باعث قدرتمندی یک کشور نمی‌شود. امروزه سلاح اصلی کشورها و زبان رقابت آن‌ها، دانش است که در هیچ محدوده‌ی جغرافیایی محدود نمی‌شود. در نتیجه، دانش و تولید علم، بیانگر قدرت نرم‌افزاری یک کشور است. شاخص‌های سنجش قدرت علمی شامل مواردی مانند تولید علم و دانش، مقالات، تربیت نیروی انسانی ماهر در حوزه‌های علمی، میزان جذب دانشجو و... است. (رفیع و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۸) قدرت و توانمندی علمی باعث افزایش قدرت نرم‌افزاری می‌شود و از این طریق، تولید جذابیت می‌کند. توانمندی علمی وابستگی را کاهش می‌دهد و استقلال را تضمین می‌کند و باعث ارتقاء جایگاه کشور می‌شود و می‌تواند به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر دیپلماسی کشورها عمل کند.

ایران بعد از انقلاب اسلامی، به‌ویژه بعد از جنگ تحمیلی، مانند دیگر کشورهای دنیا برای توسعه و بقای خود، وارد رقابت علمی شد و از نیروی بالقوه جوانان بهره جست. جوانانی که هم از نظر بهره‌هوشی در سطح بالایی قرار دارند و هم به لحاظ برخورداری از آموزه‌های دینی، اهمیت زیادی به تعلیم و تعلم می‌دهند، پرچم‌دار علم و دانش در عرصه‌های علمی هستند. ایران گام‌های علم و دانش را به دلیل وجود برخی مشکلات، در قبل از انقلاب و اوایل تشکیل نظام، دیر اما پرشتاب برداشته است و آن را همچنانکه رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله‌العالی) در چارچوب توصیه‌های هفت‌گانه‌ی بیانیه‌ی گام دوم انقلاب برشمرده است، ادامه می‌دهد. به‌گونه‌ای که هم‌اکنون شاهد رشد چشمگیر تولید علم به‌صورت کمی و کیفی در کشور هستیم، به‌نحوی که جایگاه ایران پس از انقلاب اسلامی، به لحاظ تعداد دانشجو، بیست و دومین

کشور جهان شد و در رشته‌های فنی در جهان چهاردهم و در غرب آسیا بعد از مصر قرار دارد. همچنین، ایران به لحاظ پیشرفت پزشکی و هسته‌ای در جهان، جزء ده کشور اول و در غرب آسیا، مقام نخست را دارد و رشد ۱۸ درصدی تولید مقاله از دیگر مواردی است که جایگاه علمی ایران را ارتقا داده است. (ایزدی، ۱۳۸۷: ۱۸۸) علاوه بر این جمهوری اسلامی ایران، تاکنون همکاری‌های دوجانبه دانشگاهی گسترده‌ای با برخی کشورهای جهان از جمله شش کشور غرب آسیا برقرار کرده است. همچنین، در چهار کشور منطقه، واحدهای دانشگاهی تابعه وزارت علوم و تحقیقات و فناوری و یا دانشگاه آزاد اسلامی تأسیس شده است. (هرسیج و توپسرکانی، ۱۳۸۸: ۹۳)

۵-۳. فرهنگ اسلامی

اسلام دینی جهانی است و مقیاس‌های آن، کلی و انسانی -نه قومی، نژادی و ملی- می‌باشد و علت گرایش ملت‌های مختلف به اسلام نیز به همین دلیل است. نمونه‌ی برجسته‌ی این گرایش، ایرانیان هستند که به سرعت جذب این آیین توحیدی شدند. (رجبی و عساری، ۱۴۰۰: ۱۰۸) بدین ترتیب، فرهنگ اسلامی در کنار فرهنگ ایرانی قوام‌بخش هویت ملت ایران محسوب می‌شود و به‌عنوان منبع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران تلقی می‌شود. بر این اساس، لازم است تا عناصر جاذبه‌آفرین در این فرهنگ را شناسایی کنیم که علاوه بر مسلمانان ایرانی مورد استقبال و توجه مسلمانان آن‌سوی مرزها نیز قرار داشته باشد تا جمهوری اسلامی ایران بتواند به پشتوانه آن‌ها بر مردم جوامع خارجی اعمال نفوذ کند. فرهنگ اسلامی ایران دارای شاخص‌های زیر است:

- نفوذ مرجعیت شیعه
- فرهنگ مقاومت و شهادت
- عدالت و برابری

اسلام داعیه جهانی دارد، بنابراین خاص یک مملکت و یا گروه خاصی از مسلمانان نیست و برای کل بشر آمده است. حضرت امام خمینی^(ع) -بنیانگذار جمهوری اسلامی- هدف غایی انقلاب اسلامی را برقراری عدالت می‌داند. عدالتی که در آن هیچ ظلمی نباشد؛ بنابراین، جمهوری اسلامی ایران در مقام نظامی الهی که سرچشمه و مبنای قدرت و حاکمیت خود را

منتسب به خدا می‌داند، برای عدالت نقش مهمی قائل است. حتی اگر در عمل، عدالت به طور کامل اجرا نشده و یا با کاستی مواجه بوده است، اما پایه‌های نظام بر عدالت استوار شده و لاف‌گرا در اساسی‌ترین نظریه‌ها و قوانین بر آن تأکید شده است. بر این اساس، ایرانیان با سابقه درخشان خود در زمینه عدالت‌گستری می‌توانند الگوی موفق در این زمینه در جهان باشند و محبوبیتی که از این طریق نصیب ایران خواهد شد، بزرگ‌ترین سرمایه قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران خواهد بود. (هرسیج و تویسرکانی، ۱۳۸۸: ۱۱۹)

۳-۶. ارزش‌های انقلاب اسلامی

با استقرار نظام اسلام سیاسی و الگوی حکومت اسلامی در ایران، روزه‌های امید در دل مسلمانان به وجود آمد. مدل موفق حکومت اسلامی در ایران، بعد از ۳۷ سال و بعد از گذراندن روزهای سخت، امروزه در سطح جهان به‌عنوان یک مدل حکومتی مطرح است. امروزه در هر کشور مسلمانی که انقلاب می‌شود و یا حکومتی ساقط می‌شود، اولین گزینه برای تشکیل نظام، حکومت مبتنی بر اسلام است. این امر بدون تأثیر از انقلاب اسلامی ایران نبوده و از این رو، با توجه به جنبش‌ها و انقلاب‌هایی که در منطقه رُخ داده است، خود کشورهای غربی اذعان دارند که خاستگاه این انقلاب‌ها، اسلام است و انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، اسلام را بین مردم زنده نموده است. برخی از ارزش‌های انقلاب اسلامی را می‌توان به شرح ذیل برشمرد:

۱-۳-۶. عدالت، عقلانیت و معنویت

«در طرح اندیشه‌ی حکومت اسلامی، توافق و همراهی عقل و شرع را می‌توان با در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی به خوبی تبیین کرد. در اندیشه‌ی آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، حکومت اسلامی با سه‌گانه‌ی عدالت، عقلانیت و معنویت معنا و محقق می‌شود. این سه اصل از یکدیگر غیرقابل انفکاکند. عقلانیت از پایه‌های اصلی جامعه اسلامی و در عرض ایمان، مجاهدت و عزت است. معنویت روح کار، عقلانیت مهم‌ترین ابزار کار و عدالت جهت‌دهنده و ارزش‌گذار کارها در نظام اسلامی است. ارکان تفکر و تمدن اسلامی، نوگرایی، سماحت و عقلانیت است. [...] مفهوم عقلانیت در اندیشه رهبر معظم انقلاب اسلامی را می‌توان در چند مولفه خلاصه نمود: اول، داشتن رویکرد منطقی و حساب‌گر. دوم، نگاه انقلابی و به دور از محافظه‌کاری.

سوم، توجه به واقعیات و وضعیت موجود». (عباس تبار مقری و اختری، ۱۴۰۰: ۹۲-۹۱)

۲-۶-۳. استقلال طلبی و استکبارستیزی

استقلال طلبی و استکبارستیزی در زمره ارزش‌های بنیادی انقلاب اسلامی به شمار می‌آید که با ارزش‌های دیگری مانند آزادی، عدالت، جهاد، ایثار و شهادت منظومه‌ی کامل گفتمانی انقلاب را هویت و معنا می‌بخشد. امام خمینی^(ره) نیز به‌عنوان یک رهبر دینی و سیاسی شیعه، این ارزش‌ها را ارکان اصلی نهضت خود قرار داد و انقلاب اسلامی را بر شالوده‌ی آن پایه‌گذاری کرد. استقلال و مقاومت که انقلاب اسلامی به‌عنوان یک ارزش سیاسی به جهان عرضه کرد، مورد علاقه و احترام بسیاری از ملت‌های آزادی‌خواه و ضد امپریالیست در سراسر جهان قرار دارد و جذابیت ذاتی این ارزش‌ها در نظر بسیاری از مردم جهان، این ارزش‌ها را به منابعی برای اعمال قدرت نرم تبدیل می‌کند. (سعیدی و مقدم‌فر، ۱۳۹۳: ۱۱۵)

۳-۶-۳. ضدیت با نظام سلطه

راهبرد ضدیت با نظام سلطه را باید انعکاس ارزش استقلال و مقاومت در رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دانست. یعنی، از آنجایی که در گفتمان انقلاب اسلامی اتخاذ موضع مستقل و ایستادگی در برابر ابرقدرت‌های جهانی به‌مثابه‌ی یک ارزش تلقی می‌شود، بالطبع جمهوری اسلامی ایران نیز مسیر حرکت خود در محیط بین‌المللی را بر همین اساس ترسیم کرده است. نفی ستمگری و طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب که در قانون اساسی ایران مورد تأکید قرار گرفته است، موجب جذابیت برای بسیاری از افراد و گروه‌های منتقد ساختار ظالمانه و ناعادلانه سیاست بین‌الملل در نقاط مختلف جهان شده و موجب دل‌بستگی آنان به دولت و ملت ایران می‌شود که می‌توان از این ظرفیت در راستای اعمال قدرت نرم استفاده کرد. (سعیدی و مقدم‌فر، ۱۳۹۳: ۳۱۳)

۴-۶-۳. حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش

یکی از رسالت‌هایی که انقلاب اسلامی برای خود ترسیم نموده است، حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش در سرتاسر جهان است. اهمیت این وظیفه و رسالت تا جایی است که حتی به‌عنوان

یک اصل در قانون اساسی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار گرفته است. پیامد نهادینه شدن ارزش حمایت از مظلومان و مستضعفان در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران این است که پشتیبانی معنوی و حتی حمایت مادی از نهضت‌های آزادی‌بخش به‌عنوان یکی از تعهدات برون‌مرزی کشور تلقی می‌شود.

رویکرد حمایتی جمهوری اسلامی به گروه‌های مبارز و نهضت‌های آزادی‌بخش خصوصاً در کشورهایی مانند لبنان، فلسطین و عراق سبب ارتقاء وجهه و جایگاه ایران در میان این گروه‌ها و حامیان مردمی‌شان شده است تا جایی که آن‌ها ایران را به چشم یک الگو و هدایتگر می‌نگرند و در بسیاری موارد، تابع رهنمودهای رهبران و مقامات ایرانی هستند. از این حیث سیاست حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش را نیز می‌توان در زمره منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران قلمداد کرد. (سعیدی و مقدم‌فر، ۱۳۹۳: ۳۱۹)

۴. قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران نسبت به ایالات متحده آمریکا

اقدامات ایران در راستای تقویت قدرت نرم خویش در قبال کشورهای همسایه، افزایش متحدان منطقه‌ای و گسترش جبهه‌بندی‌های در بُعد منطقه‌ای است که تاکنون -به‌طور عمده- مبتنی بر بهره‌گیری و تأکید بر اشتراکات مذهبی، تاریخی و فرهنگی بوده است. ایران از این طریق در صدد است تا با بهره‌گیری از اشتراکات، متحدان خویش را به خصوص در منطقه‌ی غرب آسیا افزایش دهد. (Eisentadt, 2013: 2) در این مسیر، ایالات متحده با دست‌مایه قرار دادن بهانه‌ی مقابله با نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی، نقشی محوری را برای عربستان سعودی -به‌ویژه پس از انتصاب «محمد بن سلمان» به ولیعهدی و برخی تحولات دیگر- تعریف نموده است که در این چارچوب، ریاض مأموریت می‌یابد که ناتویی عربی را علیه ایران تشکیل دهد. (دوست‌محمدی و رجبی، ۱۳۹۷: ۹۴۵).

به‌هرحال، یکی از اقدامات ایران در عرصه‌ی منطقه‌ای، مخالفت با رژیم غاصب صهیونیستی و حمایت از جنبش‌های فلسطینی است که سبب شد تا پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بلافاصله روابط ایران با صهیونیست‌ها قطع شده و سفارت سابق این رژیم در اختیار فلسطینی‌ها (سازمان آزادی‌بخش فلسطین) قرار گیرد. این اقدام ناشی از اهداف انقلابیون ایران بود که یکی از آرمان‌های اصلی آن‌ها را حمایت از مسلمانان جهان -به‌ویژه مردم فلسطین- تشکیل

می‌داد. بنابراین، سیاست خارجی منطقه‌ای ایران نیز براساس مخالفت جدی با موجودیت رژیم صهیونیستی پایه‌گذاری شد. در سال‌های اخیر نیز این خصومت افزایش یافته است و رژیم صهیونیستی به دو دلیل در پی انزوای ایران است؛ رفتار ایران در مخالفت با موجودیت این رژیم، از یک سو و کمک به نیروها و جنبش‌های مخالف صهیونیست‌ها در منطقه همچون حزب‌الله لبنان یا جهاد اسلامی و حماس فلسطین، از سوی دیگر از جمله‌ی این دلایل است. (Levitt, ۲۰۱۱: ۲۱)

۱-۴. نفوذ در مجامع بین‌المللی

جمهوری اسلامی ایران در صدد است با حضور در سازمان‌های بین‌المللی به ارائه نظرات و طرح‌های خود پردازد و افکار عمومی جهان را با خود همراه سازد. ایران معتقد است با ائتلاف با کشورها خصوصاً کشورهای مسلمان می‌تواند جلوی قطعنامه‌ها و قوانینی که بر ضد ایران تصویب می‌شود را بگیرد. به‌عنوان مثال می‌توان به طرح «برگزاری همه‌پرسی ملی در سرزمین فلسطین» برای حل یکی از قدیمی‌ترین مسائلی که جهان با آن مواجه است - یعنی، مسئله‌ی فلسطین - اشاره نمود که بر مبنای ایده‌ی حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) - رهبر معظم انقلاب اسلامی - توسط سفیر دائم جمهوری اسلامی در سازمان ملل به ثبت رسیده است. این طرح، در نقطه‌ی مقابل طرح آمریکایی‌ها قرار می‌گیرد که از آن با عنوان «معامله‌ی قرن» یاد می‌شود. (رجبی، ۱۴۰۰: ۲۶)

۲-۴. دیپلماسی عمومی

امروزه یکی از مناسب‌ترین و جدیدترین رهیافت‌های مورد توجه اندیشمندان، صاحب‌نظران و کارگزاران حوزه سیاست خارجی، دیپلماسی عمومی است به‌گونه‌ای که آثار و کارکردهای مهمی در جهان سیاست امروز از خود نشان داده است. این نوع دیپلماسی به دلیل تحول در ساختار قدرت جهان و جابجایی منابع قدرت از سخت به نرم، از یک سو و افزایش نقش افکار عمومی در مناسبات بین‌المللی، تأثیرگذاری فرهنگ بر روابط بین‌المللی، تأثیرگذاری فرهنگ بر روابط بین‌المللی، تأثیرگذاری فرهنگ بر روابط بین‌الملل و تأثیرگذاری مردم در تعیین سیاست‌های داخلی و خارجی، از سوی دیگر جایگاه بسیار ممتازی را در راهبردهای سیاسی، اجتماعی و حتی، امنیتی کشورها پیدا کرده است.

هسته‌ی اصلی دیپلماسی عمومی، ارتباط هدایت‌شده با افراد خارجی به منظور تأثیر گذاشتن بر افکار آن‌ها و سرانجام تأثیر گذاشتن بر دولت‌های آن‌هاست. در همین چارچوب، دیپلماسی عمومی فعالیت‌هایی در زمینه‌ی تبادل اطلاعات، آموزش و فرهنگ با هدف تأثیرگذاری بر دولتی خارجی از طریق تأثیر گذاردن بر شهروندان آن است. (همایون و ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۱۷)

۳-۴. فرهنگ و ادب پارسی

این حوزه سیاست‌گذاری همواره متوجه کشورهای فارسی‌زبان منطقه بوده است. مهم‌ترین کشوری به صورت گسترده به چنین فعالیت‌هایی دست زده است، تاجیکستان است. اولین مرحله‌ی تعمیق و گسترش این علقه، تقویت فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی در این کشور بوده است. ایران کوشیده است با ایجاد ارتباط میان فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی ایران و همتای آن در تاجیکستان به توسعه‌ی این نقطه مشترک همت کند. حمایت از نویسندگان تاجیک، انتشار کتب این نویسندگان و مواردی نظیر آن، در این راستا صورت پذیرفته‌اند. همچنین، ایران در افغانستان نیز به اقدامات مشابهی دست زده است؛ یعنی این‌که ضمن حمایت از جریان‌های ادبی در این کشور، به توسعه نشر در آن عنایت خاصی داشته است که نشر کتاب‌های درسی را نیز شامل می‌شده است.

۴-۴. مراکز تبلیغ شیعی

ایران برای گسترش تشیع، یا خود اقدام به ایجاد مراکز تبلیغی کرده و یا از این مراکز حمایت به عمل آورده است. یکی از حوزه‌های تبلیغی، پاکستان بوده است. همچنین پس از فروپاشی شوروی و ظهور جمهوری‌های مسلمان تازه استقلال‌یافته، ایران تلاش کرد که به تأسیس مراکز تبلیغی شیعی در این جمهوری‌ها پردازد تا بتواند از این رهگذر، ایدئولوژی اسلامی مطلوب خود را در منطقه‌ی مذکور گسترش دهد. همچنین، ایران در عراق و لبنان نیز به حمایت از حوزه‌های علمی پرداخته است. حتی سعی کرده است تا بسیاری از نیازهای این حوزه‌ها را با کمک‌های مالی تأمین کند. این مسئله از این نظر که این حوزه‌ها همیشه محل استقرار علمای ایرانی و فرهنگ شیعی بوده‌اند، برای این کشور حائز اهمیت بوده است. (معنوی، ۱۳۹۴: ۳)

نتیجه‌گیری

منابع قدرت نرم هر کشور، بر پایه مؤلفه‌های داخلی آن و به‌مثابه‌ی توانایی‌های یک کشور محسوب می‌شود. آمریکا پس از ناتوانی در مبارزه سخت با انقلاب اسلامی و نرسیدن به اهداف مورد نظر خود، جنگ نرم را در دستور کار قرار داده است. جنگی که در آن از طریق ابزارهایی نظیر فرهنگ، ابزارهای رسانه‌ای، ایران‌هراسی سعی در به‌انزوا کشیدن و تغییر رفتار جمهوری اسلامی دارد. بعد از مطرح‌شدن نظریه‌های قدرت نرم در عرصه‌ی بین‌المللی که عمدتاً از سوی آمریکا و در جهت بازبینی راه‌های رسیدن به منافع آن کشور در عرصه بین‌المللی صورت پذیرفت، یکی از کشورهای که آمریکایی‌ها همواره در راستای تغییر رویکرد آن در عرصه جهانی تلاش نموده‌اند، ایران است. چراکه، به‌گفته آمریکایی‌ها حداقل بعد از جنگ عراق دیگر نمی‌توان از طریق رویارویی سخت و مستقیم، باعث تغییر رفتار جمهوری اسلامی ایران شد.

از سوی دیگر، به‌زعم برخی از پژوهشگران، استفاده از منابع محوری قدرت نرم در جمهوری اسلامی باعث شده است تا پرچم استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی در این کشور، در اهتزاز باشد. این امر، نفوذ و تأثیرگذاری ایران را در منطقه و جهان افزایش داده، زمینه را برای مقابله با تهدیدات آمریکا فراهم نموده است.

بنابراین، مناسبات ایران و ایالات متحده - بعد از استقرار جمهوری اسلامی ایران - همواره با ستیز و چالش روبه‌رو بوده است. قطع روابط پیلما تیک و سیاسی میان دو کشور نیز بر دامنه و گستره این تعارض‌ها افزوده است. از نظر ایالات متحده، ایران همواره کشوری است که در تعارض با منافع آمریکا در منطقه‌ی غرب آسیا و شمال آفریقا قرار دارد و تغییر در کادر رهبری ایالات متحده و روی کار آمدن حزب جمهوری خواه یا دموکرات تغییری در جهت‌گیری کلی و سیاست خارجی این کشور در قبال ایران ایجاد نکرده، بلکه تنها شیوه‌های مقابله را تغییر داده است. با توجه به امر، ایالات متحده برای مهار و تغییر رفتار ایران در مقطع زمانی مورد بحث در این مقاله، استفاده از قدرت نرم را در کانون توجه خویش قرار داده است. از سوی دیگر، جمهوری اسلامی ایران نیز با انجام اقداماتی همچون حمایت از جنبش‌های منطقه‌ای از جمله حزب الله لبنان، تولید فیلم‌هایی در راستای ترویج فرهنگ ایرانی اسلامی، استفاده از مهاجرین ایرانی در سایر کشورها و نظایر آن درصدد برآمده است تا با استفاده از قدرت نرم، متحدان

منطقه‌ای خویش را در غرب آسیا و شمال آفریقا افزایش داده و از این طریق، در مواقع بحرانی حمایت و همراهی کشورهای منطقه را کسب نموده، قدرت مانور خود را در مقابل ایالات متحده افزایش دهد.

در پایان راهکارهای ذیل برای به حداکثر رساندن بهره‌گیری از منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در قبال آمریکا مطرح می‌شود:

- تلاش برای حداکثرسازی خودکفایی و حمایت از تولیدات داخلی - به ویژه برای بی‌اثرسازی تحریم‌ها که به بهانه‌های واہی وضع شده‌اند؛
- تلاش برای عملی کردن فضای باز سیاسی و آزادی اندیشه به منظور اعتمادسازی داخلی و گرایش بیشتر جامعه به سمت رسانه‌های داخلی و فرهنگ ایرانی اسلامی؛
- استفاده از ظرفیت‌های بین‌المللی و توانمندی‌های سیاست خارجی؛
- عملی کردن شفافیت مالی و اقتصادی که به اعتمادسازی و در نتیجه ارتقای قدرت نرم خواهد انجامید؛
- استفاده از ظرفیت سازمان‌های مرتبط.

منابع

۱. ایزدی، حجت‌الله (۱۳۸۷). «مبانی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات بسیج، شماره ۱۱(۴۰)، صص ۳۰-۸.
۲. بیلیس، جان و استیو اسمیت (۱۳۸۳). جهانی‌شدن سیاست، ترجمه ابوالقاسم راه چمنی و دیگران. تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
۳. پوراحمدی، حسین (۱۳۸۹). قدرت نرم و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، قم: نشر مؤسسه بوستان کتاب.
۴. جعفری، علی‌اکبر (۱۳۸۹). منافع استراتژیک مشترک و اتحاد آمریکا و اسرائیل، تهران: انتشارات مرکز پژوهش‌های پژوهش‌های مطالعات راهبردی.
۵. خانی، محمدحسن (۱۳۸۴). «دیپلماسی فرهنگی و جایگاه آن در سیاست خارجی کشورها»، فصلنامه دانش سیاسی، سال ۱، شماره ۲.
۶. خسروی، محمدعلی و علی جباری ثانی (۱۳۹۰). «ظرفیت‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در دیپلماسی عمومی»، فصلنامه مطالعات سیاسی، شماره ۱۱(۳)، صص ۱۱۶-۸۳.
۷. داداندیش، پروین و افسانه احدی (۱۳۹۰). «جایگاه دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی»، فصلنامه روابط خارجی، شماره ۳(۱)، ۱۷۳-۱۴۳.
۸. دوست‌محمدی، احمد و محمد رجبی (۱۳۹۷). «عربستان سعودی و تهدید امنیتی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست، دوره‌ی چهل‌وهشت، شماره ۴، صص ۹۴۵-۹۶۰.
۹. رجبی، محمد و احمدرضا عصار (۱۴۰۰). «منابع، اهداف و ابزارهای دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال یازدهم، شماره ۲(پیاپی ۲۵)، صص ۱۲۳-۱۰۵.
۱۰. رجبی، محمد (۱۴۰۰). «بررسی مقایسه‌ای طرح‌های ایران و آمریکا در قبال مسئله‌ی فلسطین: مورد مطالعه طرح برگزاری همه‌پرسی ملی در سرزمین فلسطین و طرح معامله‌ی قرن»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال یازدهم، شماره ۲، صص ۴۹-۲۵.
۱۱. رفیع، حسین؛ دانش، حسین و محمدجواد قربی (۱۳۹۳). «منابع فرهنگی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران مطالعه موردی سند چشم‌انداز ۱۴۰۴»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۱۱(۳۸)، صص ۲۴-۹.

۱۲. سعیدی، روح‌الامین و حمیدرضا مقدم‌فر (۱۳۹۳). «منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، شماره ۴(۱۵)، صص ۱۲۶-۱۰۸.
۱۳. شکوهی، سعید (۱۴۰۰). «قدرت انگاره‌ای به‌مثابه قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال یازدهم، شماره ۳(پیاپی ۲۶)، صص ۷۶-۵۳.
۱۴. عباس تبار مقری، رحمت و عباداله اختری (۱۴۰۰). «عقلانیت انقلابی در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی)»، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال یازدهم، شماره ۳(پیاپی ۲۶)، صص ۹۴-۷۷.
۱۵. عترت دوست، محمد (۱۴۰۰). «گونه‌شناسی و منبع‌یابی قدرت نرم مبتنی بر تحلیل محتوای آیات قرآن کریم»، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال یازدهم، شماره ۴(پیاپی ۲۷)، صص ۲۴۲-۲۱۹.
۱۶. قدسی، امیر (۱۳۹۰). «نقش رسانه ملی در ایجاد قدرت نرم و مقابله با جنگ نرم با تأکید بر بازتولید سرمایه اجتماعی»، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، شماره ۸، صص ۱۰۳-۷۶.
۱۷. قهرمان‌پور، رحمان (۱۳۸۹). «تقدم الهان بخشی بر قدرت نرم در سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام»، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال ۸، شماره ۲۸.
۱۸. گلشن پژوه، محمودرضا (۱۳۸۷). جمهوری اسلامی ایران و قدرت نرم، ج ۳. تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی، دفتر گسترش تولید علم.
۱۹. معنوی، احسان (۱۳۹۴). توسعه قدرت نرم ایران در گرو دیپلماسی پویای فرهنگی. سایت رصد.
۲۰. نای، جوزف (۱۳۸۹). قدرت نرم؛ ابزارهای موفقیت در سیاست بین‌الملل. ترجمه سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری. تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
۲۱. هرسیج، حسین و مجتبی تویسرکانی (۱۳۸۸). «مقایسه میزان قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا در خاورمیانه»، فصلنامه دانش سیاسی، شماره ۵(۱)، صص ۲۰۳-۱۶۹.
۲۲. همایون، محمدهادی و خدایار ابراهیمی (۱۳۹۲). «سلطه فرهنگی آمریکا به‌مثابه غربی‌سازی جهان با تأکید بر رهیافت‌ها و ابزارهای ارتباطی»، فصلنامه پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی، شماره ۳(۷)، صص ۷۷-۵۲.

23. Levitt, Matthew. (2011). *Iranian state sponsorship of terror*. House of Representatives.
24. Nye, Joseph. (2002). The Information Revolution and American Soft Power. *Asia Pacific Review*, Vol. 9, Number 1.
25. Nye, Joseph. (2004). *Soft Power: The Means to Success in World Politics*. New York: Public Affairs Policy.
26. Ohnesorge, Hendrik. (2019). *Soft Power: The Forces of Attraction in International Relations*. U.S.A: Springer Nature.

طراحی الگوی سبک زندگی اسلامی ایرانی در راستای بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی (با تأکید بر قدرت نرم)

علیرضا حیدر نژاد^۱

مهدی مقیمی^۲

چکیده:

برابر بیانات مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب «تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی با اعمال حربه‌های مدنظر در قدرت نرم در ایران، زیان‌های بی‌جبران اخلاقی، اقتصادی، دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده است». بنابراین هدف این پژوهش دستیابی به الگوی مطلوب سبک زندگی اسلامی ایرانی در راستای بیانیه گام دوم انقلاب و با تأکید بر قدرت نرم می‌باشد. این تحقیق از نظر هدف اکتشافی از نوع توسعه‌ای و از لحاظ ماهیت تحقیق کیفی است، یعنی استخراج داده‌ها، ابعاد و مؤلفه‌ها با روش نظریه داده‌بنیاد استخراج گردید. ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه است. یافته‌های پژوهش نشان داد الگوی مستخرج که در مقابل ترویج سبک زندگی غربی به عنوان یک حربه قدرت نرم محسوب می‌شود، شامل چهار بعد یا مضمون فراگیر سبک اسلامی در ارتباط با خود، در ارتباط با خدا، فعالیت‌های فراغتی و سبک سازمانی جهادی و عمل انقلابی است. با توجه به فلسفه و اهداف الگو، برای پیاده‌سازی آن باید راهبردهای لازم برای افزایش سبک زندگی جهادی انقلابی شهروندان در تراز انقلاب اسلامی و مقابله با ناتوی فرهنگی غربی و امریکایی پیش‌بینی گردد که لازم آن کاربست راهکارهای قانونی، آموزشی، ساختاری و فرهنگی می‌باشد تا از این طریق بتوان فاصله بین وضع موجود و مطلوب را از بین برد.

واژگان کلیدی: سبک زندگی، اسلامی ایرانی، قدرت نرم، بیانیه گام دوم انقلاب.

۱. استادیار رشته جامعه‌شناسی و عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی، تهران، ایران.
(نویسنده مسئول) alirezahaydarnejad@gmail.com

۲. دانشیار حقوق و جزا و جرم‌شناسی و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران.

مقدمه

پس از پیروزی انقلاب اسلامی دشمنانی که سال‌ها برای جلوگیری از گسترش فرهنگ اسلامی تلاش کرده بودند، به ناگاه با اقلابی عظیم با هویت اسلامی روبرو شدند و از تمام ظرفیت‌های خود برای براندازی نظام مقدس جمهوری اسلامی استفاده کردند. حمایت از جریان‌های جدایی طلبانه، تقویت همه‌جانبه مخالفین و منافقین داخلی، تحمیل قدرت، تحریم‌های اقتصادی از جمله این اقدامات بوده است. اما از آنجا که این رویکرد نتوانست برای آن‌ها فایده‌ای داشته باشد، به ناچار استراتژی خود را تغییر دادند. در شرایط کنونی، یکی از استراتژی‌های سیاست خارجی آمریکا برای مقابله با جمهوری اسلامی؛ تغییر هویت اسلامی - ایرانی و سبک زندگی اسلامی مبتنی بر اقدامات غیرنظامی و نرم در کنار تهدید به اقدام نظامی است. همان‌گونه که مقام معظم رهبری در سفری که در سال ۱۳۸۵ به استان سمنان داشتند در دیدار اساتید و دانشجویان با تذکر در مورد ناتوی فرهنگی، فرمودند: «من پری‌روز در روزنامه - البته سه چهار ماه قبل از این، مقاله‌اش را دیده بودم - گزارشی از تشکیل «ناتوی فرهنگی» را خواندم. این بسیار چیز خطرناکی است.. البته حالا هم نیست، سال‌هاست که این اتفاق افتاده است...» (معاونت سیاسی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها: ۳). از طرفی محققان ما اگر پیشرفت همه‌جانبه را به معنای تمدن‌سازی نوین اسلامی در تراز انقلاب اسلامی بگیریم. این تمدن نوین دو بخش دارد: یک بخش، بخش ابزاری است که عبارت است از همین ارزش‌هایی که ما امروز به عنوان پیشرفت کشور، مطرح می‌کنیم. مانند علم، اختراع، صنعت و سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ بخش ابزارهای تبلیغ؛ این‌ها همه ابزاری تمدن است؛ وسیله است؛ یک بخش دیگر، بخش متنی و اصلی و اساسی است. اما بخش حقیقی، آن چیزهایی است؛ که متن زندگی ما را تشکیل می‌دهد که همان سبک زندگی است. این، بخش حقیقی و اصلی، تمدن است؛ مثل مسئله خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات، رفتار ما در کار، رفتار ما در دانشگاه، رفتار ما در مدرسه، رفتار ما با پدر و مادر، رفتار ما با همسر، رفتار ما با فرزندان، رفتار ما با رئیس، رفتار ما با مأمور، رفتار ما با پلیس و ...؛ این‌ها بخش‌های اصلی تمدن اسلامی در تراز انقلاب اسلامی است، که متن زندگی انسان است (مقام معظم رهبری، ۹۱/۷/۲۳). پس سبک زندگی اسلامی ایرانی آغاز و مقدمه‌ای برای تمدن‌سازی نوین اسلامی و در نهایت تحقق پیشرفت و توسعه ایرانی - اسلامی است. یکی از

مهمترین دلایل نیاز به تمدن نوین اسلامی، تهاجم فرهنگی غرب و تحمیل سبک زندگی غربی در راستای قدرت نرم است. سبک زندگی با وجود آن که یک بحث فرهنگی محسوب می‌شود، نقش و جایگاه مهمی در تمدن‌سازی دارد و باید برای طراحی بنای چنین تمدنی برنامه‌ریزی نمود، بسیاری از مشکلات و مسائل فرهنگی جامعه ناشی از نبود الگو، مبانی نظری و فلسفی و تئوریک در زمینه سبک و سلوک زندگی و تمدن‌سازی دینی در جامعه است.

بیان مسأله: سال‌هاست که سبک زندگی غربی به عنوان یکی از اثرپذیرترین حوزه‌های قدرت نرم، مهم‌ترین ارزش‌های اسلامی را نشانه گرفته است و برابر بیانات مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب «تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی با اعمال حربه‌های مدنظر در قدرت نرم در ایران، زیان‌های بی‌جبران اخلاقی، اقتصادی، دینی و سیاسی به کشور و ملت و علی‌الخصوص به خانواده‌های ما زده است» (مقام معظم رهبری، ۹۷/۱۱/۲۲). ما باید به دنبال رهبری سبک زندگی باشیم و با ریشه‌یابی در فرهنگ اسلام، ارزش‌های اجتماعی و تکاملی انسان را ارائه بدهیم. مطابق با دستورات خداوند سبک زندگی اسلامی را طراحی کرده و اگر نیاز به نرم‌افزار و دانش بود؛ خودمان تولید کنیم؛ نه اینکه از غرب پیروی کنیم. ما باید با پررنگ کردن نقش خانواده در جامعه، ظرفیت‌های موجود در خانواده را شناسایی کنیم (بخشی، ۱۳۹۶: ۵۷). از آنجای که در این تحقیق ما به دنبال شناسایی الگوی مطلوب سبک زندگی اسلامی ایرانی در راستای بیانیه گام دوم انقلاب و با تأکید بر قدرت نرم هستیم، بنابراین منظور ما از سبک زندگی، سبک زندگی اسلامی ایرانی است. به طور کلی، در سبک زندگی اسلامی باید در نظر داشت که یک زندگی در تراز انقلاب اسلامی، زمانی خوب می‌باشد که به گفته قران و پیامبر (ص)، شامل مجموعه‌ای از مکارم اخلاقی باشد. سبک زندگی اسلامی مجموعه‌ای ترکیب یافته از آداب است. بر این اساس، چون در سال‌های اخیر تهدیدات فراوانی مانند برنامه‌های ماهوارها، اینترنت، شبکه‌های اجتماعی مجازی و...، سبک زندگی اسلامی ایرانی را مورد هدف قرار داده است و از سویی دیگر سبک زندگی در تراز انقلاب اسلامی، تقریباً تمامی آن چه شهروندان دارند، محسوب می‌شود، بنابراین بسیار مهم خواهد بود که در ابتدا از هویت سبک زندگی در تراز انقلاب اسلامی دفاع نموده و در وهله بعدی جایگاه مفاهیم، شاخص‌ها و ابعاد اساسی این سبک در بین شهروندان طراحی نماییم.

همچنین مسأله تاثیرپذیری سبک زندگی شهروندان که در نتیجه تبادل فرهنگی با جهان و با

استفاده از ابزارهای فناوری اطلاعات و ارتباطات مثل اینترنت، ماهواره و تلویزیون و ... می باشد و همچنین تأثیرگذاری آن بر سبک زندگی جزو دغدغه اصلی محسوب می شود. در سبک زندگی اسلامی ایرانی، مسائلی مورد نظر است که اسلام در آنجا اتفاق نظر دارد؛ یعنی موضوعهایی که مورد قبول، مورد انتقاد، طرد و یا نفی اسلام است. ارزش های اسلامی مطلق و دائمی است، نه تاریخی و مربوط به زمانی خاص؛ بلکه باید همیشه این ارزش ها رعایت شوند (سعیدی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۰۳). اهمیت و ضرورت این تحقیق را می توان در چند قسمت عنوان نمود. اول این که با توجه به تأکید رهبر معظم انقلاب در باره اهمیت سبک زندگی اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب و ترویج سبک زندگی غربی با اعمال حربه های مدنظر در قدرت نرم و تلاش بیشتر پژوهش گران در جهت بررسی ابعاد مختلف آن و نیاز روزافزون شهروندان به داشتن سبک زندگی متناسب با تراز انقلاب اسلامی بر آن شدم تا پژوهشی در این زمینه انجام دهیم. دوم آن که در راستای مدیریت مناسب بر نهادهای سازی اهداف و کارکردهای بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی و با توجه به تأکید مقام معظم رهبری به عنوان مطالبات هفت گانه و پیاده سازی اهداف بیانیه و محورهای اجرایی تعیین شده در محیط جامعه مورد تأکید است. سوم این که برای یافتن بهترین نوع سبک زندگی اسلامی ایرانی در تراز انقلاب اسلامی و مقابله با قدرت نرم دشمن، الگویی لازم است که همه مؤلفه های شناختی و رفتاری شهروندان را به بهترین شکل در نظر بگیرد. چهارم آن که با توجه به این که یکی از الزامات تغییر و هدایت نیروهای انقلابی و ارزشی جامعه از جمله شهروندان به سوی سبک زندگی اسلامی ایرانی، استفاده از الگو و پیشرو بودن نیروهای تأثیرگذار است و نخبگان از عوامل تأثیرگذار در تربیت نیروهای ارزشی هستند؛ از این رو تبیین الگوی سبک زندگی اسلامی ایرانی شهروندان در راستای بیانیه گام دوم انقلاب با تأکید بر قدرت نرم از نیازهای ضروری است.

طراحی الگوی سبک زندگی اسلامی ایرانی در راستای بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی (با تأکید بر قدرت نرم) به دلایل زیر مورد هدف محقق واقع خواهد شد:

اول این که حفظ و توسعه سبک زندگی اسلامی ایرانی در تراز انقلاب اسلامی و کیفیت آن مطابق الگوی فرهنگی و بومی کشور در آینده از دغدغه هایی است که می بایست مورد توجه مسئولان و مدیران قرار گرفته و تأثیر رشد علم و توسعه فناوری های ارتباطی و اطلاعاتی در تغییر و تحول الگوهای سبک زندگی خانواده های ایرانی لحاظ گردد. امروزه موج وسیع تغییرات

محیطی ناشی از ورود فناوریهای نوین و اقدامات هدایت شده به منظور ترویج و اشاعه سبک‌های غیربومی در خانواده جامعه ایرانی، انکارناپذیر بوده و نیازمند اتخاذ تدابیر لازم و پیش‌دبستانه با هدف بهره‌گیری از فرصت‌های در حال ظهور برای بهبود و طراحی الگوی سبک زندگی اسلامی ایرانی شهروندان و مدیریت و کاهش آسیب‌ها و تهدیدهاست. پس با توجه به دلایل بالا سعی ما بر این است که با بررسی نظریات صاحب‌نظرانی چون مقام معظم رهبری به‌عنوان سک‌اندار این گفتمان مهم در کشور که دقیق‌ترین و عالمانه‌ترین تعابیر درباره اهمیت سبک زندگی در بیانیه گام دوم انقلاب و نقش آن در خودسازی و جامعه‌سازی و حرکت تمدنی را بیان کرده‌اند، به الگویی از سبک زندگی اسلامی ایرانی در تراز انقلاب اسلامی برسیم. همچنین با توجه به اینکه در زمینه سبک زندگی اسلامی ایرانی در حوزه بیانیه گام دوم انقلاب با تأکید بر قدرت نرم انجام نشده است، بنابراین سؤال اصلی این پژوهش این است، که الگوی مطلوب سبک زندگی اسلامی ایرانی در راستای بیانیه گام دوم انقلاب با تأکید بر قدرت نرم چگونه است؟

مبانی نظری تحقیق

در این تحقیق نظریه‌ها سبک زندگی از دیدگاه غرب‌گرایان مبتنی بر جنگ نرم و از دیدگاه بزرگان دین اسلام و آیات و روایات مطرح می‌شود. به نظر ویلن، بر اساس نظریه ویلن بیشتر مسئله قدرت نرم را در باید در پدیده مصرف‌نمایشی به عنوان یکی از ابعاد سبک زندگی جستجو کرد. (کوزر، ۱۳۸۹: ۳۶۲). ماکس وبر^۱ با طرح نظریه قشربندی گروه‌های منزلتی را بر اساس اصول حاکم بر مصرف کالا و سبک زندگی ناشی از آن طرح می‌کند. آثار نظری مارکس و وبر از این جهت دارای اهمیت اند که آثار بعدی درباره مصرف، بازتاب نظریات این نظریه‌پردازان اولیه است. این متون کلاسیک هنوز ارتباط خود را تحولات بعدی از دست نداده‌اند. زمیل^۲ توجه خاصی به این مفهوم نداشت اما به بررسی ماهیت پول می‌پردازد که در نهایت به سازمان اجتماعی مصرف کالاها و به خصوص عامل مد می‌انجامد. وی معتقد است که منزلت و پیروی از مدهای گوناگون، بیش از وجوه اقتصادی صرف، در ایجاد فاصله

1. Max Weber

2. Zemel

میان افراد جامعه نقش ایفا می‌کند (کمالی، ۱۳۸۹: ۱۰۷). گیدنز^۱ بر مصرف‌گرایی، فراغت، رفتار منزلت‌جویانه، اشکال‌منتخبی (خود-انتخابی) از مصرف‌گرایی به عنوان ابعاد سبک زندگی تأکید داشت (گیدنز، ۱۳۸۷: ۱۰۳). به اعتقاد بوردیو^۲ شکل‌گیری سبک‌های زندگی متناسب با ساخت اجتماعی صورت می‌گیرد. سبک‌های زندگی حالتی از انباشت‌گی سرمایه‌ها در فضای اجتماعی است که با توجه به منش فردی بوجود می‌آید. همچنین افراد در فضای اجتماعی، فعالیت‌ها و کنش‌های غایت‌مندی را براساس علایق‌شان انجام می‌دهند و از راه‌ها مختلفی برای دستیابی و ارضای علایق استفاده می‌کنند؛ مثل سرگرمی‌ها، بازی و ورزش، روابط اجتماعی، فرهنگ و... رسیدن به این علایق می‌تواند هم در حوزه عمومی باشد هم خصوصی. از آنجا که انسان هم محصول اجتماع است و هم سازنده آن، در ارتباط با دیگران می‌تواند جهت‌های متفاوتی را در علایق خود پی‌ریزی کند. این عامل هم می‌تواند جزء سبک زندگی فرد تلقی شود. با توجه به این نکته، مکان دیگران و همچنین انواع فعالیت‌هایی که توسط افراد در زمینه و فضای خاص اجتماعی انتخاب می‌شود، می‌تواند سبک زندگی را تشکیل دهد (بوردیو، ۲۰۰۲: ۲۸۲). در مدلی که کاکرهام^۳ برای سبک زندگی سلامت ترسیم می‌کند، "جماعت‌ها" و "شبکه‌های اجتماعی"^۴ از جمله دیگر عوامل ساختاری موثر در سبک زندگی سلامت موثر است (خیرالله، ۱۳۹۰: ۷۳).

رهبر معظم انقلاب حضرت ایت الله العظمی خامنه‌ای، سبک زندگی در تمدن اسلامی را به عنوان متن زندگی می‌داند و مؤلفه‌هایی مثل خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات، خط، مسئله زبان، مسئله کسب و کار، رفتار در محل کار، رفتار در دانشگاه، رفتار در مدرسه، رفتار در فعالیت سیاسی، رفتار در ورزش، رفتار در رسانه، رفتار با پدر و مادر، رفتار با همسر، رفتار با فرزند، رفتار با رئیس، رفتار با مرنوس، رفتار با کارکنان، رفتار با مامور، سفرهای ما، نظافت و طهارت، رفتار با دوست، رفتار با دشمن... از شاخص‌هایی دانسته‌اند که می‌بایست به آن‌ها توجه کرد و مهم‌تر این که در این مؤلفه‌ها باید طوری عمل کرد که تقلیدی هم نباشد (مقام

1. Giddens
2. Bourdieu
3. Cockerham
4. Collectivities

معظم رهبری، خراسان شمالی، ۹۱/۷/۲۳). سبک زندگی اسلامی براساس مبانی دینی، چند شاخص مهم دارد که اساس فکری انسان را برای تفسیر و هدف گذاری زندگی تشکیل می دهد. از دیدگاه امام خمینی (ره) این شاخص ها عبارتند از: توحید محوری، حق محوری، عدالت محوری، تکلیف محوری (بیگی و همکاران، ۱۳۹۴ به نقل از شایگان، ۱۳۹۷: ۸۴). از نظر کاویانی سبک زندگی اسلامی دارای ابعادی مانند اجتماعی، عبادی، باورها، اخلاق، مالی، خانواده، سلامت، تفکر و علم، دفاعی - امنیتی، زمان شناسی می باشد (کاویانی، ۱۳۹۲: ۶۷). از دیدگاه آیت الله مصباح یزدی، شاخص های سبک زندگی اسلامی شامل صبر، زهد، توکل، صدق، ایثار، جود، راستی، تواضع، حق گوئی، احسان، وفا و ... می شود (مصباح یزدی، ۱۳۸۴: ۶۸). از نظر قران کریم و روایات سبک زندگی دینی مطلوب، ما با دو سبک عبادت مواجه هستیم: نخست - عباداتی که در قالب مناسکی ویژه هستند مانند نماز، روزه و حج؛ دوم - عباداتی که از سنخ تعاملات با دیگران یا با محیط پیرامونی یا با سایر موجودات است. فضائل اخلاقی مواردی همچون: سادگی، تقوا، زهد و پارسایی، سخن نیکو، عفو و گذشت، ادب و احترام، محبت، خوشرویی، عفاف و پاکدامنی، حلم و بردباری (کریمی، ۱۳۹۲: ۷۹). آقاباقری سبک زندگی اسلامی را شامل باور و اعتقاد به توحید، عشق به خداگرایی، اعتقاد به اهمیت اخلاق نیک و تزکیه نفس در آیات قرآن کریم و روایات ائمه معصومین، اعتقاد به عفو و گذشت و عطف و مهربانی و ایثار و فداکاری و تقوا، اعتقاد به راستگویی و صداقت، اعتقاد به پرهیز از بدگمانی می داند (آقاباقری، ۱۳۹۲: ۸۳). مهدوی کنی مؤلفه های سبک زندگی را کنش های مرجح یا رفتارهای ترجیحی، وضع های اجتماعی و دارای های فرد، نظام ارتباطی، نظام معیشتی، تفریح و شیوه های گذران اوقات فراغت، الگوی خرید و مصرف، توجه به مد، جلوه های عینی شان و منزلت، استفاده از محصولات تکنولوژیک، نقاط تمرکز علاقه مندی در فرهنگ مانند دین، خانواده، میهن، هنر، ورزش و امثال آن می داند (مهدوی کنی، ۱۳۸۷: ۵۸). «هژمونی فرهنگی» به تعبیر آنتونیو گرامشی، «امپریالیسم فرهنگی» در تعبیر یوهان گالتونگ، «قدرت نرم» در تعبیر جوزف نای و تعبیری از قبیل «امپریالیسم رسانه ای»، «امپریالیسم اطلاعاتی» و امپریالیسم سایبر» مفاهیم قریب و دارای حوزه معنایی کم و بیش مشترکی هستند و در نهایت سلطه فرهنگی را به عنوان گام اصلی و تعیین کننده در نیل به سلطه همه جانبه بر جوامع هدف، در مرکز توجه خویش قرار داده اند (دارابی، ۱۴۰۰: ۹۸). از دیدگاه دیگر و جمع بندی به عمل آمده می توان ابعاد اصلی فعلیت (رعایت) سبک زندگی اسلامی را در ۱۰ مؤلفه خانواده، مسکن، پوشش، الگوی مصرف، خوراک، کسب و کار، ورزش، اوقات فراغت، رفتار با دیگران و بهداشت طراحی نمود.

پیشینه پژوهش

جستجوی در ارتباط با موضوع سبک زندگی ایرانی اسلامی در راستای بیانیه گام دوم انقلاب بیانگر آن است که تحقیقات در داخل و خارج از کشور صورت نگرفته است که زیر به برخی از تحقیقاتی که مرتبط تر با موضوع تحقیق سبک زندگی و قدرت نرم هستند اشاره می‌شود:

دارابی (۱۳۹۹) تحقیقی با عنوان گام انقلاب اسلامی، تهاجم نرم و سواد رسانه‌ای انجام داد. نتایج و یافته‌های تحقیق وی نشان داد که با توجه به تأکیدات مقام معظم رهبری توجه به سیاست‌گذاری رسانه‌ای مبتنی بر بصیرت و مهارت انتقادی به عنوان یکی از بخش‌های سواد رسانه‌ای ضمن فراهم ساختن شکست محاصره تبلیغاتی و تهاجم نرم نظام سرمایه‌داری سلطه‌جو، تسهیل‌کننده تحقق فصول و اهداف بیانیه گام دوم به مثابه منشوری برای دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی انقلاب اسلامی خواهد بود.

اشتری و همکاران (۱۳۹۷) در تحقیقی با عنوان طراحی الگوی سبک زندگی ایرانی - اسلامی شهروندان شهر تهران به این نتیجه رسید که سبک زندگی ایرانی - اسلامی در قالب سه محور اصلی: سبک زندگی در بعد عبادی، سبک زندگی در بعد فردی و خانوادگی و سبک زندگی در بعد اخلاقی و اجتماعی (نظام اخلاقی) قالب دسته‌بندی است.

نوروزی و همکاران (۱۳۹۷) تحقیقی با عنوان بازشناسی تحلیلی نقش بانوان در ارتقای سلامت و بهداشت روانی خانواده با تأکید بر سبک زندگی حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه (ع) انجام داده‌اند. یافته‌های تحقیق وی نشان داد که بانوان با الگوپذیری از سبک زندگی ایشان، در زمینه فضائل اخلاقی مواردی همچون: سادگی، تقوا، زهد و پارسایی، سخن نیکو، عفو و گذشت، ادب و احترام، محبت، خوشرویی، عفاف و پاکدامنی، حلم و بردباری می‌توانند موجبات بهبود بهداشت روانی خانواده را فراهم سازد.

توکلی و همکاران (۱۳۹۶) در تحقیقی با عنوان تحلیل تأثیر قدرت رسانه‌ها بر سبک زندگی روستاییان مرزنشین (زهک) سیستان به این نتیجه رسید که ارتباط معنادار میان میزان استفاده از رسانه‌ها و تغییر در سبک زندگی روستاییان در منطقه مورد مطالعه دارد.

الفی و همکاران (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان سبک زندگی اسلامی، قدرت نرم و امنیت به این نتیجه رسید که که قدرت نرم یک اقدام پیچیده و پنهان و چندوجهی مشتمل بر عملیات سیاسی، فرهنگی و اطلاعاتی با پشتوانه اقتصادی برای ایجاد تغییرات دلخواه و مطلوب علیه

ارزش‌ها و فرهنگ و سبک زندگی اسلامی ملت ایران است.

ناظری و همکاران (۱۳۹۵) تحقیقی با عنوان تأثیر سبک زندگی اسلامی بر الگوهای رفتاری کارکنان پلیس با مردم انجام داده‌اند. نتایج و یافته‌های تحقیق وی نشان داد که برای تعهد اخلاقی کارکنان ناجا با تبیین آموزه‌های اخلاقی و انسانیت محور در محبوبیت و ترویج فرهنگ اسلامی تلاش شود، و نظارت بر رفتارهای کارکنان، دقیق‌تر و جدی‌تر شود.

افرازکنجین و همکاران (۱۳۹۶) در تحقیقی با عنوان تبیین الگوی سبک زندگی کارکنان نیروی انتظامی استان زنجان به این نتیجه رسید که میزان ضریب تأثیرگذاری بعد فردی بر سبک زندگی برابر با $0/82$ ، بعد سازمانی با میزان $0/80$ ، بعد خانوادگی با میزان $0/72$ و بعد خانوادگی میزان تأثیرگذاری $0/67$ بر سبک زندگی کارکنان انتظامی استان زنجان دارد.

دمیتروس^۱ (۲۰۱۳) در تحقیقی با عنوان بررسی رابطه سبک زندگی (اوقات فراغت) با رضایت از زندگی به این نتیجه رسید که رضایت از زندگی بیشتر تحت تأثیر سبک زندگی و به میزان کمتر تحت تأثیر اوقات فراغت می‌باشد.

سیمپسون^۲ و همکاران (۲۰۱۲) در تحقیقی با عنوان رابطه سبک زندگی و رضایت از زندگی در بین مهاجران زمستانی به این نتیجه رسید که بین سبک زندگی و رضایت از زندگی در بین مهاجران رابطه مثبت معنی‌داری وجود دارد.

لینگ^۳ و همکاران (۲۰۰۹) در تحقیقی با عنوان رابطه سبک زندگی و برنامه‌ریزی مجدد شغلی با رضایت از زندگی به این نتیجه رسید که ارتباط معنی‌داری بین سبک زندگی و برنامه‌ریزی شغلی و رضایت از زندگی وجود دارد.

در واکاوی آثار مربوط به سبک زندگی و جنگ نرم و نیز متغیرهای و مؤلفه‌های سبک زندگی، بیشتر بر سبک زندگی اسلامی پرداخته شده بود و فقط در یک تحقیق به تبیین الگوی سبک زندگی پرداخته شده، اما محقق توانست با برخی از نظریات سبک زندگی، متغیرهای سبک زندگی اسلامی و تعاریف متغیرهای کلیدی آشنا شود و بنابراین در بین این آثار نیز هیچ تحقیقی یافت نشد که به شناسایی مؤلفه‌ها، ابعاد و شاخص‌های سبک زندگی اسلامی ایرانی در

1. Demitru

2. Simpson

3. Ling

راستای بیانیه گام دوم انقلاب و مبتنی بر قدرت نرم پرداخته شود و این موضوع تحقیق حاضر از این لحاظ از نوآوری خاص خود برخوردار است.

روش تحقیق

روش با توجه به فقدان مضامین و مفاهیم از پیش تدوین شده‌ای برای تصمیم‌گیری استراتژیک در حوزه سبک زندگی اسلامی ایرانی در راستای بیانیه گام دوم انقلاب و با تأکید بر قدرت نرم، پژوهش حاضر به لحاظ هدف اکتشافی بوده و لذا مبتنی بر رویکرد کیفی پیش‌رفته است. بدین منظور استراتژی تحقیق به کار گرفته شده برای دستیابی به الگو، روش داده‌بنیاد بوده است. در روش داده‌بنیاد راه تکامل نظریه یا مدل یا الگوی مفهومی از جزء به کل رسیدن است و از کدگذاری به مفاهیم و از مفاهیم به مقولات و از مقولات به سوی الگوی یا مدل مفهومی می‌یابد. همچنین، این روش امکان تبدیل اطلاعات کیفی به کمی را فراهم می‌کند. این تحقیق از دو مرحله تشکیل شده است: ۱) مصاحبه دقیق و نزدیک پارامترهای مورد پژوهش در جامعه، ۲) جمع‌آوری اطلاعات و معنا دادن به آنچه که مورد مصاحبه و پرسش از خبرگان قرار گرفته است. از آنجای که این پژوهش کیفی است در این بخش به روش داده‌بنیاد و مصاحبه اکتشافی نیمه عمیق انجام می‌گیرد. جامعه آماری تحقیق را خبرگان مرتبط در این حوزه تشکیل داده‌اند. برای شناسایی افراد در پژوهش حاضر، جامعه آماری متشکل از استادان دانشگاهی خیره، مدیران ارشد و صاحب‌نظران که دارای حداقل تحصیلات کارشناسی ارشد به بالا بوده و مسلط به حوزه سبک زندگی اسلامی و دینی و قدرت نرم می‌باشند را شامل می‌شود. حجم نمونه در این تحقیق تا رسیدن به اشباع نظری خواهد بود، که این تعداد پس از مصاحبه با ۳۲ نفر از استادان دانشگاهی خیره، مدیران ارشد و صاحب‌نظران بودند، که به اشباع نظری رسیدیم. در پژوهش حاضر برای انتخاب حجم نمونه از روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی استفاده شد. روش تحلیل اطلاعات در این پژوهش با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودا می‌باشد که اطلاعات کدگذاری شده و کدهای پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر شناسایی می‌شوند. جهت سنجش روایی از روایی نظری استفاده شد. برای محاسبه سنجش پایایی تحلیل محتوای، تعداد کلمات کدگذاری شده توسط سه نفر از خبرگان حوزه سبک زندگی در فرمول هولستی قرار داده شده است و پایایی آن بدست آمد.

یافته های پژوهش

۱. یافته های توصیفی

همان طور که پیش تر ذکر شد به منظور دستیابی به داده ها و اطلاعاتی که بتواند پرسش های پژوهش را پاسخ دهد، مصاحبه های عمیق و نیمه ساختار یافته با صاحب نظران و خبرگان انجام شد. در جدول شماره سه، ویژگی های جمعیت شناختی مصاحبه شوندگان آمده است. این ویژگی ها در قالب متغیرهای جنسیت، مرتبه، سابقه و سن قرار دارد.

جدول شماره ۴: ویژگی های جمعیت شناختی مصاحبه شوندگان

متغیر	آماره	جمع کل	
		تعداد	درصد
جنسیت	زن	۳	۹/۴
	مرد	۲۹	۹۰/۶
مرتبه	استاد	۸	۳۲٪
	دانشیار	۱۹	۵۹/۳
سابقه کاری	استادیار	۵	۱۵/۶
	کمتر از ۱۵ سال	۳	۹/۳
	۱۵ تا ۲۰ سال	۶	۱۸/۷
	۲۰ تا ۲۵ سال	۴	۱۲/۵
	۲۵ تا ۳۰ سال	۱۵	۴۶/۸
سن	بالای ۳۰ سال	۴	۱۲/۵
	کمتر از ۴۰ سال	۱۲	۳۷/۵
	۴۰ تا ۵۰ سال	۱۴	۴۳/۷
	۵۰ تا ۶۰ سال	۴	۱۲/۲
	بالای ۶۰ سال	۲	۶/۲

۲. یافته های تحلیلی مستخرج از مصاحبه ها

در این پژوهش با استفاده از ابزار مصاحبه نیمه ساختار یافته و با استفاده از نرم افزار مکس کیودا، ۴۹ نقل قول استخراج گردید، بنابراین با توجه به اینکه برخی مصاحبه های استخراج شده توضیح یا مصداقی از مصاحبه های دیگر بود، موارد تکراری حذف شد و از این نقل قول ها به مضامین پایه رسیدیم که به دلیل حجم بالا، نمونه ای از آن در جدول شماره (۴) در این مقاله آورده شد. در ادامه از طریق مضامین پایه به

دست آمده، به ۸ مضمون سازمان‌دهنده، رسیدیم. مضامین سازمان‌دهنده به دست آمده هر کدام مربوط به یک بعد از ابعاد سبک زندگی اسلامی ایرانی می‌شوند. در انتها با توجه به مضامین سازمان‌دهنده، به ۴ مضمون فراگیر دست یافتیم. اما تذکر این نکته ضروری است که این نقل قول‌ها تنها برای نمونه‌ای از مضمون کلی مشترک بیان شده در نظرات مصاحبه‌شوندگان آمده و مشابه آن را می‌توان در سخنان بقیه مصاحبه‌شوندگان نیز یافت که برای پرهیز از اطناب، در بیان هر یک از مقوله‌ها تنها به ذکر چند مورد بسنده شده است.

جدول شماره ۴: نمونه مضمون‌های برگرفته از مصاحبه

مضمون سازمان‌دهنده	مضمون پایه (کدهای استخراج شده)	کد	متن گزاره مصاحبه‌شوندگان (نقل قول‌ها)
سبک فرهنگی متناسب با اسلام	شرکت در کلاس‌های آموزشی و ورزشی مورد تأکید اسلام	F۴	«شهروندان بیشتر به نرمش در پارک‌ها وقت خود را می‌گذارند و شب‌ها با خانواده در پارک‌ها به نرمش می‌پردازند. بهترین سرگرمی برای مردم و خانواده، شرکت در کلاس‌های آموزشی مانند شنا، تیراندازی و پیاده‌روی، قران، کامپیوتر، گل‌سازی و ... است که در اسلام هم بر آن تأکید شده است»
سبک سازمانی	اخلاص در عمل در محل کار	F۸	«شهروندان سعی می‌کنند در محل کار به صورت مخلوصانه کار کنند و هیچ انگیزه‌ای دیگری را جزء رضای پروردگار در انجام مأموریت وارد کار نکنند و این اخلاص، برکت عجیبی دارد»
سبک معطوف به ورزش	کوهنوردی به عنوان ورزش مورد تأکید اسلام	F۱۴	«از آنجاکه شهروندان بیشتر از ورزش‌های مانند کوهنوردی استفاده می‌کنند و با نگاهی به زندگی انبیاء الهی می‌بینیم آن بزرگواران با کوه و کوه‌پیمایی سروکار داشته‌اند»
سبک مصرف رسانه‌ای	مطالعه مجلات یا روزنامه	F۲۱	«مجلات را شاید هفته‌ای مطالعه کنم و ولی چون روزنامه مسائل روز را نوشته است تا جایی که وقت داشته باشیم مطالعه کرده و از مطالب آن استفاده می‌کنیم»

شاخص‌ها و مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی ایرانی در راستای بیانیه گام دوم انقلاب و با تأکید بر قدرت نرم کدام‌اند؟

در جدول شماره (۵) مضامین پایه‌ای را که به دست آورده بودیم را با توجه به نرم‌افزار مکس کیودا (MAXQDA) تحلیل و از ترکیب و تلخیص چند مضمون پایه که با هم ارتباط دارند، به یک مفهوم

سازمان دهنده می‌رسیم که در این جا از ۴۹ مضمون پایه به ۸ مضمون سازمان دهنده رسیدیم. گفتنی است به دلیل حجم زیاد از آوردن نقل قول‌ها در این مقاله خوداری کردیم.

جدول شماره ۵: تعیین مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی و ایرانی و دستیابی به مضمون سازمان دهنده

ردیف	مضمون پایه	مضمون سازمان دهنده
۱	اقامه نماز	سبک توحیدی در مقابل با سبک مادی‌گرایانه
۲	آداب ضروری دعا	
۳	قرائت و تدبر در قرآن کریم	
۴	شناخت و ارتباط با اهل بیت	
۵	شرکت در کلاس‌های آموزشی و ورزشی مورد تأکید اسلام	سبک فرهنگی متناسب با اسلام و در تقابل با سکولاریسم
۶	بازدید از موزه‌ها و آثار هنری مذهبی و اسلامی	
۷	شرکت در گردهمایی‌های مثل انجمن اسلامی	
۸	رفتن به تئاتر مذهبی و اسلامی	
۹	شرکت در فعالیت‌های هنری اسلامی ایرانی	
۱۰	رفتن به سینما برای دیدن فیلم‌های با الگوی اسلامی	
۱۱	گوش دادن به موسیقی‌های مجاز	
۱۲	رفتن به مسافرت زیارتی و تفریحی	
۱۳	رفتن به نمایشگاه‌ها و همایش‌ها مرتبط با علوم دینی	
۱۴	تماشای فیلم در حوزه تربیتی، آموزشی، اخلاقی و اعتقادی	
۱۵	ولایت‌باوری و ولایت‌پذیری	سبک خوشناسی و تزکیه و تهذیب
۱۶	خودشناسی	
۱۷	تهذیب و خودسازی	
۱۸	نظافت و بهداشت	
۱۹	آراستگی	
۲۰	تغذیه سالم	
۲۱	تفریح (شادابی و نشاط)	
۲۲	یادگیری و یادهی از اهل علم و تفکر خلاقیت	
۲۳	استعانت از صبر، نماز و یاد خدا	
۲۴	خوردن غذای طیب و حلال	

سبک معطوف به بدن	۲۵	استفاده از رنگ های شاد با رعایت الگوی اسلامی
	۲۶	استفاده از عطر و ادکلن مورد تأکید اسلام
	۲۷	استفاده از ورزش های مورد تأکید اسلام
	۲۸	استحمام روزانه
سبک معطوف به ورزش	۲۹	زینت و آراستگی و رفتن به آرایشگاه
	۳۰	چکاپ سالیانه پزشکی
	۳۱	پیاده روی به عنوان ورزش
	۳۲	کوهنوردی به عنوان ورزش مورد تأکید اسلام
سبک مصرف رسانه ای	۳۳	کنترل وزن از طریق ورزش
	۳۴	گوش دادن به موسیقی های مجاز (ایرانی اسلامی)
	۳۵	مطالعه مجلات یا روزنامه
	۳۶	استفاده از کامپیوتر (اینترنت، کار با نرم افزار و ...)
سبک فراغت اجتماعی متناسب با عرف اسلامی (صله رحم)	۳۷	تماشای فیلم های تلویزیون
	۳۸	مطالعه آزاد مستمر و نظام مند
	۳۹	رفتن به مراکز خرید متناسب با عرف و پرهیز از تجمل پرستی
	۴۰	رفتن به مهمانی های دوستانه با رعایت ادب و احترام
سبک سازمانی	۴۱	معاشرت با اقوام و دوستان (صله رحم)
	۴۲	رفتن به رستوران و کافی شاپ با دوستان
	۴۳	اخلاص در عمل در محل کار
	۴۴	خودباوری و خود فراموشی
	۴۵	جوشندگی، خلاقیت و ابتکار
	۴۶	عمل بر اساس موازین شرعی و استفاده از کمترین امکانات با بیشترین بازدهی
	۴۷	وجدان کاری
	۴۸	افزایش مهارت و توانایی علمی و تخصصی
	۴۹	تکلیف گرایی در کار

ابعاد سبک زندگی اسلامی ایرانی در راستای بیانیه گام دوم انقلاب و با تأکید بر قدرت نرم کدام‌اند؟

در جدول شماره (۶) که جدول نهایی است مضمون‌های سازمان‌دهنده به دست آمده در جدول قبل را نوشته و از ترکیب چند مفهوم سازمان‌دهنده مرتبط به هم به یک مضمون فراگیر و اصلی

می‌رسیم که در این پژوهش از ۸ مضمون سازمان‌دهنده به ۴ مضمون اصلی و فراگیر دست یافته‌ایم.

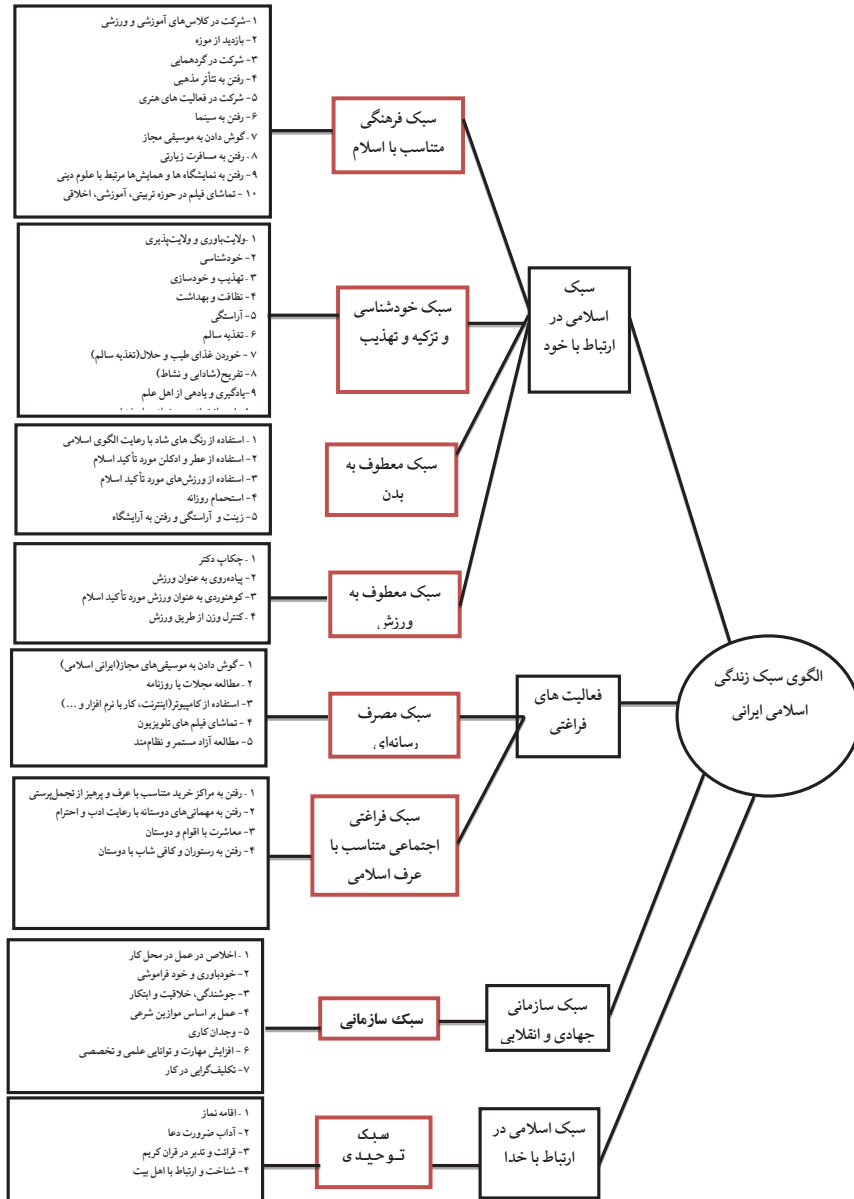
جدول شماره ۶: تعیین ابعاد سبک زندگی اسلامی ایرانی و دستیابی به مضمون فراگیر

ردیف	مضمون سازمان‌دهنده (مستخرج از جدول ۴)	مضمون فراگیر
۱	سبک توحیدی	سبک اسلامی در ارتباط با خدا
۲	سبک فرهنگی متناسب با اسلام	سبک اسلامی در ارتباط با خود
۳	سبک خودشناسی و تزکیه و تهذیب	
۴	سبک معطوف به بدن	
۵	سبک معطوف به ورزش	
۶	سبک مصرف رسانه‌ای	سبک فعالیت‌های فراغتی
۷	سبک فراغت اجتماعی متناسب با عرف اسلامی (صله رحم)	
۸	سبک سازمانی	سبک سازمانی جهادی و عمل انقلابی

با توجه به جدول ۵ پس از جمع‌بندی مضمون‌های سازمان‌دهنده به دست آمده انجام شده، یافته‌ها و پاسخ پاسخگویان مخاطبین در قالب ۴ مضمون فراگیر (۱) سبک اسلامی در ارتباط با خدا، (۲) سبک اسلامی در ارتباط با خود، (۳) سبک فعالیت‌های فراغتی و (۴) سبک سازمانی جهادی و عمل انقلابی دسته‌بندی و خلاصه گردید.

برابر الگوی مستخرج پس از جمع‌آوری و کدگذاری مضمون‌های سازمان‌دهنده، سبک زندگی اسلامی ایرانی در راستای بیانیه گام دوم انقلاب و با تأکید بر قدرت نرم در قالب ۴ بعد یا مضمون فراگیر دسته‌بندی و خلاصه گردید که این مضامین فراگیر شامل سبک زندگی اسلامی در ارتباط با خود، سبک زندگی اسلامی در ارتباط با خدا، سبک زندگی فعالیت‌های فراغتی و سبک زندگی سازمانی جهادی و عمل انقلابی می‌شود که پنج بعد اصلی مدل قرار داده شدند.

شکل شماره ۱: الگوی سبک زندگی اسلامی ایرانی در راستای بیانیه گام دوم انقلاب و با تأکید بر قدرت نرم



نتیجه‌گیری

برابر یافته‌های تحقیق پس از جمع‌آوری و کدگذاری مضمون‌های سازمان‌دهنده سبک زندگی اسلامی ایرانی در راستای بیانیه گام دوم انقلاب و با تأکید بر قدرت نرم در قالب ۴ بعد یا مضمون فراگیر دسته‌بندی و خلاصه گردید. بعد اول سبک زندگی اسلامی در ارتباط با خود است. از آنجای که انسان از دو بعد روح و جسم تشکیل شده است و اصالت در وجود انسان با روح است، بر خلاف دیدگاه غرب که اصالت به جسم می‌باشد، نوع تعامل با روح نقش اساسی در رسیدن به سعادت در زندگی مؤمن انقلابی دارد. (مجلسی، جلد ۲: ۳۳). مشارکت‌کنندگان در مصاحبه همواره در سخنان خود به نکات کلیدی و راهبردی در مورد موضوعات مورد بحث در خصوص سبک زندگی در ارتباط با خود اشاره دارند که می‌تواند چراغ راهنما و نقشه راه برای رسیدن به الگوی سبک زندگی در تراز انقلاب اسلامی با تأکید بر قدرت نرم باشد. پس اساسی‌ترین و مفیدترین چیزی که انسان باید بشناسد، خود او است. برابر نظرات مشارکت‌کننده در مصاحبه، الگوهای رفتاری سبک زندگی اسلامی در ارتباط با خود در راستای بیانیه گام دوم انقلاب، می‌تواند مؤلفه‌های متعددی را در برگیرد از جمله سبک زندگی فرهنگی متناسب با اسلام، سبک خودشناسی و تزکیه و تهذیب، سبک معطوف به بدن و سبک معطوف به ورزش. شهر و ندان در تراز انقلاب اسلامی در وهله نخست باید سبک فرهنگی متناسب با عرف دینی و اسلامی را در رفتارهای اجتماعی خود داشته باشد. البته گوش دادن به موسیقی مجاز داخلی، رفتن به مسافرت، شرکت در کلاس‌های ورزشی، شرکت در گردهمایی‌هایی نظیر انجمن اسلامی و انجمن علمی، شرکت در فعالیت‌های هنری، بازدید از موزه‌ها و آثار هنری، رفتن به تئاتر و رفتن به سینما از آموزهای دینی اسلامی است که پیامبر اسلام (ص) و پیشوایان دینی همواره عامل به آن بوده و پیروان خود را به آن سفارش نموده‌اند. همچنین این موارد نیز با تحقیقات نوروزی و همکاران (۱۳۹۷)، ناظری و همکاران (۱۳۹۵) و فاضلی (۱۳۸۲) در این زمینه، مطابقت دارد. در این نوع از سبک شهروندان در تراز انقلاب اسلامی رفتن به مسافرت، گوش دادن به موسیقی‌های مجاز داخلی، شرکت در گردهمایی‌هایی نظیر انجمن اسلامی و انجمن علمی، بازدید از موزه‌ها و آثار هنری، رفتن به سینما سفارش شده است. در همین راستا از نظر رهبر انقلاب اسلامی الگوی مصرف یکی از مؤلفه‌ها و شاخص‌های سبک زندگی است که ضمن تلاش جدی برای آسیب‌شناسی، به چاره‌جویی و جستجوی راه‌های علاج باید پردازیم. همچنین ایشان در جایی دیگر در واقع هشدار به اینکه پدیده مصرف‌گرایی نه تنها نقطه مثبت و افتخار نیست، بلکه نوعی بیماری خطرناک اجتماعی است که عواقب بسیار خطرناکی برای فرد، خانواده، جامعه و امت اسلامی دارد و باید هر چه سریع‌تر مورد

اصلاح و تجدیدنظر قرار گیرد، اشاره می‌کنند. ایشان در یکی از سخنرانی خود می‌فرمایند: «مصرف‌گرایی، جامعه را از پای در می‌آورد. جامعه‌ای که مصرف آن از تولیدش بیشتر باشد، در میدان‌های مختلف شکست خواهد خورد. ما باید عادت کنیم مصرف خود را تعدیل و کم کنیم و از زیاده‌ها بزنیم» (بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز عید فطر، ۱۳۸۱/۰۹/۱۵). در سبک‌های مصرفی خانواده ایرانی در تراز انقلاب اسلامی لازم است به اصلاح این نوع از سبک پرداخته شود.

بعد دوم: سبک زندگی در ارتباط با خدا است. در این نوع سبک به دو مؤلفه اصلی سبک مذهبی و سبک عبادی رسیدیم. سبک زندگی هر فرد و جامعه‌ای متأثر از نوع باورها (جهان‌بینی) و ارزش‌های (ایدئولوژی) حاکم بر آن فرد و جامعه است. جهان‌بینی مادی و ارزش‌های لذت‌گرایانه و سودمحورانه سبک زندگی خاصی را پدید می‌آورند؛ همان‌طور که جهان‌بینی الهی و ارزش‌های کمال‌گرایانه و سعادت‌محورانه، سبک خاصی از زندگی را شکل می‌دهند. به تعبیری سبک زندگی هر کسی متأثر از اهداف یا هدف‌غایی اوست. مشخصه این گروه پایبندی به اعتقادات مذهبی و مناسک دینی است. فعالیت‌های فرهنگی و فراغتی آنها مجاز و در چارچوب عرف و قوانین پذیرفته شده است. این سبک شامل شرکت در مراسم مذهبی، شرکت در نماز جماعت، حضور در مکان‌های زیارتی، خواندن کتب مذهبی، تماشای برنامه‌های مذهبی تلویزیون داخلی، پایبندی به امور مذهبی و رعایت امور مذهبی در زندگی است. از مصاحبه‌های صورت گرفته در این زمینه به مواردی مانند حضور در مکان‌های مذهبی، شرکت در نماز جماعت، رعایت امور مذهبی در زندگی، پایبندی به امور مذهبی، خواندن کتب مذهبی از جمله قرآن و حضور در مکان‌های مذهبی مانند امامزاده‌ها و رسیدیم و این موضوع می‌تواند ناشی از گسترش اعتقادات مذهبی در بین شهروندان باشد. سبک زندگی مذهبی در بین شهروندان بر پایه آیات قرآن کریم، اعتقاد به خداوند و باور قلبی به آن موجب آثار و نتایج ارزشمندی است که خود می‌تواند در رفتار اسلامی و امنیت‌بخشی در جامعه نقشی بسزا داشته باشد. همچنین در سبک عبادت و ولایت‌محوری به مؤلفه‌های مهمی از جمله رعایت آداب و شرایط دعا، قراعت و تدبر در آیات قرآن کریم، استمداد و زیارت اهل بیت و ولایت‌پذیری و ولایت‌باوری رسیدیم. بنابراین در سبک زندگی اسلامی در تراز انقلاب اسلامی، برای دستیابی به همه نیازهای مادی و معنوی، در کنار سعی و کوشش، نباید از مؤلفه‌های پیش‌گفته غافل شد و خود را از مبدأ غیبت بی‌نیاز دانست.

بعد سوم سبک زندگی فعالیت‌های فراغتی است. اوقات فراغت یکی از مهم‌ترین شاخص‌های سازنده سبک زندگی است که در دهه‌های گذشته بحث درباره آن رونق چشمگیری یافته است. در مورد اوقات فراغت همین سخن پرورگار کافی است که می‌فرماید «همانا همراه سختی‌ها آسودگی است، پس هرگاه فراغت پیدا کردی، خود را به کار دیگری مشغول کن و تن‌پروری و تنبلی مکن و به سوی خدا و رضایت او رغبت کن». رسول خدا(ص) در این باره می‌فرماید: «مسافرت کنید تا تندرست باشید». اوقات فراغت با توجه به تجربیات جدید و مصاحبه‌های انجام شده، در از بین بردن خستگی و رشد و تعالی انسان مؤثر است. قرآن کریم در بیش از ده آیه، مردم را به سیر و گردش در زمین فرمان داده است. از دیگر روندهای مهم و تأثیرگذار در فرهنگ فراغتی شهروندان ظهور امکان مشارکت‌های جدید اجتماعی است که رسانه‌های نوین مهیا کرده‌اند. اینترنت (با میدان‌ها و شبکه‌های اجتماعی جدید خود)، تلفن همراه (به‌ویژه تلفن‌های نسل جدید) و استفاده از رایانه‌ای و فردی کردن فراغت، میدان‌ها و فرصت‌های جدید و متفاوتی را برای ارتباط و برقرار روابط اجتماعی مهیا کرده‌اند که آثار مستقیم و غیرمستقیم بسیاری بر هویت‌های فراغتی آنها دارد. برابر نظرات مشارکت‌کننده در مصاحبه، الگوهای رفتاری سبک زندگی فعالیت‌های فراغتی شهروندان در تراز انقلاب اسلامی، می‌تواند مؤلفه‌های متعددی را در برگیرد از جمله سبک زندگی مصرف رسانه‌ای و سبک فراغت اجتماعی متناسب با عرف اسلامی.

بعد چهارم سبک زندگی سازمانی جهادی و عمل انقلابی است. از جمله ابعاد و مؤلفه‌های زندگی هر انسانی کار و شغل اوست. اسلام با تأکید بر تضمین روزی بندگان از سوی خدای متعال، سعی و تلاش را سفارش می‌کند؛ «انسان جزء محصول کوشش خویش مالک چیزی نیست» (نجم: ۳۹). و از تنبلی و کم‌همتی پرهیز داده است. حضرت علی(ع) می‌فرماید: «اگر کار، سخت و توان‌فرساست، بی‌کاری دایمی هم فسادآور است» (مفید، جلد ۱: ۲۹۸). یکی از مؤلفه‌های مورد تأکید این بعد سازمانی برای شهروندان، تکلیف‌گرایی و انجام وظیفه و تکلیف دینی است که طی سه مرحله «تشخیص تکلیف»، «انگیزه الهی در تکلیف» و «عمل به تکلیف» تحقق می‌پذیرد. شهروندان به کار و مأموریتش نگاه تکلیف‌مدارانه دارد. دفاع از ارزش‌های دینی و انقلابی، احساس مسئولیت و پاسخگو بودن در برابر وظایف، نظم و رعایت قانون و چشم به دیگران ندوختن در انجام تکلیف از جمله مصداق‌های تکلیف‌گرایی است که بر عهده همه افراد

جامعه اسلامی است. از جمله مؤلفه‌های مردم مؤمن و انقلابی داشتن روحیه جهادی است. اصطلاح «روحیه جهادی»، «جهادی عمل کردن» و «مدیریت جهادی» اصطلاحی است که اولین بار مقام معظم رهبری، امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به صورت گفتمان فراگیر در سطح جامعه مطرح کردند. ایشان در تعریف روحیه جهادی می‌فرمایند: «اعتقاد به این که ما می‌توانیم و کار بی‌وقفه و خستگی‌ناپذیر و استفاده از همه ظرفیت وجودی و ذهنی و اعتماد به جوان‌ها ...». بر اساس این تعریف، روحیه جهادی در بین شهروندان هم ناظر به اعتقاد است و هم ناظر به عمل و رفتار.

پیشنهادها

۱. با توجه به تأکید رهبر معظم انقلاب اسلامی بر اهمیت سبک زندگی اسلامی ایرانی در تراز انقلاب اسلامی به عنوان بخش اساسی و حقیقی پیشرفت و تمدن‌سازی نوین اسلامی، باید مشوق مهمی برای تلاش مسئولان و مدیران ارشد برای ایجاد و گسترش سبک زندگی متناسب با فرهنگ اسلامی در بین شهروندان و با مبارزه با حربه‌های مدنظر در قدرت نرم دشمن انجام گردد.
۲. لزوم شناخت صحیح تهدیدات و آسیب‌های ناشی از استفاده نامناسب از ابزارهای رسانه‌ای نوین هم چون ماهواره، شبکه‌های اجتماعی و... توسط ارگان‌های امنیتی و فرهنگی کشور در گام نخست و سپس آگاه‌سازی و صیانت جامعه و خصوصاً نسل جوان در برابر اهداف سوء سبک زندگی جوامع غربی.
۳. مسئولان و مدیران فرهنگی کشور باید برنامه‌های مدون و دقیقی برای تشویق شهروندان به داشتن سبک زندگی متناسب با ارزش‌های اسلامی، تقویت باورها و ارزش‌های مذهبی و جهت‌دهی به سلیقه و ذائقه مردم به استفاده از فیلم، موسیقی و هنر فاخر و سالم و... داشته باشند.
۴. بدون شک مسئولان و مدیران فرهنگی کشور با توجه به قدرت بالای نرم‌افزاری و با تأکید بر ایدئولوژی و هویت اسلامی و میراث فرهنگی مشترک می‌تواند زمینه ایجاد سبک زندگی واقعی متناسب با ارزش‌های اسلامی را برای شهروندان در تراز انقلاب اسلامی فراهم نماید. ایجاد و طراحی چنین الگویی از سبک و فرهنگ صحیح زندگی برای مردم منجر به رسیدن

به آرامش، امنیت، تعالی و پیشرفت حقیقی کل جامعه می‌گردد.

۵. مدیران و مسئولان بر مبنای ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های این تحقیق و با هدف تحقق و ارتقای شایستگی‌های مشخص شده، راهبردهای شیوه و سبک زندگی در حوزه فردی، اجتماعی، خانوادگی، اقتصادی را تدوین و الزامات تحقق آن را برای شهروندان فراهم سازد.
۶. مسئولان و مدیران فرهنگی کشور اولویت برنامه‌ها و فعالیت‌های خود را بر حفظ و ارتقای باورهای دینی و اعتقادی شهروندان و به طبع آن سبک و شیوه‌های اخلاقی، رفتاری در بعد اعتقادی شهروندان، متمرکز و اقدام نماید.
۷. بر مبنای این ابعاد و مؤلفه‌ها که به عنوان بهترین منبع سبک زندگی خانواده شهروندان به شمار می‌رود، مسئولان و مدیران فرهنگی کشور دوره‌های آموزشی و سرفصل‌های خود را در جهت تحقق و تقویت ویژگی‌های مشخص شده به صورت روزآمد، روان و همه‌فهم به بیان شیوه زندگی اسلامی ساماندهی، برنامه ریزی و اقدام کند.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.
۲. آقاباقری، زهرا (۱۳۹۲). «بررسی رابطه ابعاد سبک زندگی اسلامی با سلامت روان نوجوانان پسر»، مجله حدیث زندگی، شماره ۴۱.
۳. اشتری فرد، حسن، صالحی امیری، سیدرضا و شهریاری، محمدرضا (۱۳۹۷). «طراحی الگوی سبک زندگی ایرانی- اسلامی شهروندان شهر تهران»، پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی، سال اول، شماره ۴۴.
۴. الفتی، محمدرضا و قائمی، محمدحسن (۱۳۹۵). «سبک زندگی اسلامی، قدرت نرم و امنیت»، فصلنامه دانش انتظامی زنجان، سال ششم، شماره ۱۸.
۵. افرازکنجین، ضیا و احمدی، حسین (۱۳۹۶). «تبیین الگوی سبک زندگی کارکنان نیروی انتظامی زنجان»، فصلنامه دانش انتظامی زنجان، سال هفتم، شماره ۲۵.
۶. امام خامنه‌ای (مدظله العالی)، سید علی (۱۳۸۹). حدیث ولایت (لوح فشرده مجموعه رهنمودهای رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه‌ای)، تهران: انتشارات موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.

۷. امام خامنه‌ای (مدظله العالی)، سید علی (۱۳۹۷). بیانیه گام دوم انقلاب (مجموعه رهنمودهای رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه‌ای)، سخنرانی ۲۲ بهمن ماه.
۸. بخشی رودسری، جواد (۱۳۹۶). «رابطه رضایت از زندگی، سبک مسأله گشایی و نگرش مذهبی با سلامت روانی»، فصلنامه اصول بهداشت روانی، سال نهم، شماره ۳.
۹. بوردیو، پی (۱۳۸۹). نظریه کنش (دلایل عملی و انتخاب عقلانی)، ترجمه مرتضی مردی‌ها، چاپ دوم، تهران: نشر نقش و نگار.
۱۰. بیگی، حسن و فتحی، رضا (۱۳۹۴). «بررسی راه کارهای کاربردی سازی سبک زندگی اسلامی در نهاد خانواده» پژوهش نامه تبلیغی، سال اول، شماره ۴.
۱۱. توکلی، مرتضی و شاهزانی، عبدالمجید (۱۳۹۶). «تحلیل تأثیر قدرت نرم رسانه‌ها بر سبک زندگی روستاییان مرزنشین سیستان»، دوفصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم، سال هفتم، شماره ۱۶.
۱۲. دارابی، علی (۱۴۰۰). «گام دوم انقلاب اسلامی، تهاجم نرم و سواد رسانه‌ای»، دوفصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم، سال دهم، شماره ۲، صص ۹۵-۱۲۱.
۱۳. سعیدی، علی؛ حاتمی، حمیدرضا؛ پیکرنگار، عبدالله؛ صادقی نسب، محسن (۱۳۹۴). «ارائه الگوی سبک زندگی ایرانی-اسلامی نیروهای مسلح»، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، سال دوازدهم، شماره ۶۰.
۱۴. خیراله، اکبر (۱۳۹۰). «بررسی عوامل اجتماعی موثر بر سلامت روانی با تأکید بر سرمایه اجتماعی (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی)»، پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۱۵. شایگان، فریبا؛ حیدری، فاطمه (۱۳۹۷). «تعالی معنوی کارکنان زن نیروهای مسلح بر اساس سبک زندگی فاطمی»، فصلنامه مطالعات راهبردی ناجا، سال سوم، شماره ۷.
۱۶. فاضلی، محمد (۱۳۸۲). مصرف و سبک زندگی، قم: انتشارات صبح صادق.
۱۷. کاویانی ارانی، محمد (۱۳۹۲). «طرح نظریه سبک زندگی براساس دیدگاه اسلام و ساخت آزمون سبک زندگی اسلامی و بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی آن»، رساله دکتری روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان.
۱۸. کمالی، امید (۱۳۹۲). «مفاهیم و مبانی سبک زندگی اسلامی-ایرانی»، پایان نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی دانشگاه تهران.

۱۹. کریمی، رضا (۱۳۹۲). «بررسی رابطه میان سبک زندگی زنان و احساس امنیت (مورد مطالعه: شهر تهران)»، طرح تحقیقاتی، معاونت اجتماعی ناجا.
۲۰. کوزر، لوئیس (۱۳۸۹). زندگی اندیشمندان بزرگان جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
۲۱. گیلدنز، آنتونی (۱۳۸۲). تجدد و تشخص: جامعه و هویت شخصی در عرصه مدرنیته، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نی.
۲۲. مجلسی، محمدتقی (۱۳۸۴). حیوه القلوب (زندگی محمد پیامبر اسلام)، قم: انتشارات سرور.
۲۳. مفید، محمد (۱۳۷۴). رساله حول حدیث، تهران: انتشارات علمیه اسلامی، جلد ۱.
۲۴. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۴). جامعه و تاریخ از نگاه قرآن، قم: سازمان تبلیغات اسلامی.
۲۵. مطلبی، مسعود (۱۳۹۹). «آینده پژوهی امنیت اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه علمی جامعه شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، سال ۱، شماره ۱.
۲۶. ناظری، حسین (۱۳۹۵). «ارکان اخلاقی سبک زندگی همسران بر اساس هستی شناسی اسلامی»، فصلنامه پژوهش های اخلاقی، دوره هیجدهم، شماره ۴.
۲۷. نعمتی، لیلیا و نعمتی، یعقوب (۱۳۹۹). «نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران به مثابه یک الگوی متعالی»، فصلنامه علمی جامعه شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، سال ۱، شماره ۲.
۲۸. نوروزی، محمد و جهانی جوانمردی، فاطمه (۱۳۹۷). «بازشناسی تحلیلی نقش بانوان در ارتقای سلامت و بهداشت روانی خانواده با تأکید بر سبک زندگی حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه (س)»، دوره ۱۵، شماره ۴۴.
۲۹. نوری، مرجان؛ علی محسنی، رضا و خوش فر، غلامرضا (۱۳۹۹). «بررسی وضعیت مشارکت اجتماعی زنان در بین اقوام استان گلستان و تبیین موانع جامعه شناختی آن»، فصلنامه علمی جامعه شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، سال ۱، شماره ۱.

۳۰. سایت پژوهشکده سبک زندگی اسلامی، ۲۵ آبان ۱۳۹۸. <http://journal.manaviyat.ir>

31. Bourdieu, Pierre (2002). "Distinction: A Social Critique of the Judgment of Taste", Translated by Richard Nice, Routled & Keagan Paul.

32. Cockerham, William C. and Rutten (2005). "Alfred and Abel. Thomas Conceptualizing Contemporary Health Lifestyles: Moving Beyond Weber. The Sociological Quarterly. www.proquest.com

33. Dimitrios, E.D. and Suh (2013). measuring quality of life, social indicators research, no.32.
34. Ling (2009). "housing and life satisfaction of older adults in two rural regions in germany", research of aging.
35. Simpson, P. E (2012). «Measurement of human service staff satisfaction: Development of the Job Satisfaction Survey». American Journal of Community Psychology, 13, 693-713.
36. Weber, M (2003). "music and middle class:social structure of concert:life in london,paris,and vienna between 1830 and 1880", london:croom helm.
37. Zemel, C.J (2006). The Relationship life style Police Officers International Review of Modern Sociology, Vol. 24 No.1, pp.109-116.

Designing an Iranian Islamic lifestyle model in line with the statement of the second step of the Islamic Revolution (with emphasis on soft war)

Alireza Haydarnejad¹ (corresponding author)

Assistant Professor of Sociology and Member of the Faculty of Law and Social Studies
Research Institute, Tehran, Iran.

Mehdi Moghimi

Associate Professor of Criminal Law and Criminology and faculty member of Amin
University of Police Sciences, Tehran, Iran.

Abstract

According to the statements of the Supreme Leader in the statement of the second step of the revolution, “the efforts of the West in promoting the Western lifestyle by applying the tactics of soft power in Iran have caused irreparable moral, economic, religious and political losses to our country and nation”. Therefore, the aim of this research is to achieve the ideal model of Iranian Islamic lifestyle in line with the declaration of the second step of the revolution and emphasizing soft power. This research is developmental in terms of its exploratory purpose, and in terms of the nature of qualitative research, that is, data extraction, dimensions and components were extracted using the database theory method. The data collection tool is interview. The findings of the research showed that the extracted model, which is considered as a soft power tactic in contrast to the promotion of the western lifestyle, includes four dimensions or the overarching theme of the Islamic style in relation to oneself, in relation to God, leisure activities and jihadist organizational style and revolutionary action. According to the philosophy and goals of the model, in order to implement it, the necessary strategies to increase the revolutionary jihadist lifestyle of the citizens at the level of the Islamic Revolution and to confront the Western and American cultural NATO should be predicted, which requires the application of legal, educational, structural and cultural solutions in order to In this way, the gap between the current and the desired situation can be eliminated.

Keywords: lifestyle, Iranian Islam, soft power, declaration of the second step of the revolution

1. alirezahaydarnejad@gmail.com

**entifying the components of the soft power of the foreign policy of the
Islamic Republic of Iran in the face of the United States****Mohammad Rajabi**(corresponding author)

Assistant Professor of Political Science, Department of Security and Social Sciences,
Faculty of Security and Policing and Social Sciences, Policing Sciences and Social Studies
Research institute, Tehran, Iran.

Abstract

The form and nature of relations between the Islamic Republic of Iran and the United States of America during the period since the Islamic Revolution have been controversial in nature, ranging from hard confrontation to soft methods. In other words, in the relations between the two countries, at first, the hardware aspects were important, but with the passage of time and the inefficiency of these tools, the use of software tools has become important. Accordingly, both countries, aware of this equation, have tried to increase and use more of their soft power capacities and have sought to achieve foreign policy goals and maintain their interests through the use of soft power tools. The present study, by asking the question, "On what principles and components has the soft power of Iran's foreign policy been based on the United States of America?" "It has increased its deterrent capability, thereby countering soft US threats." The method used in this research is descriptive and analytical quality and filing has been used to collect materials.

Keywords: Soft Power, Iran, US, Foreign Policy, Islamic Revolution.

Investigating the situation of tolerance and tolerance threshold of the society from the point of view of Sarva citizens and strategies

Hadi EbrahimiKiapei¹ (corresponding author)

Associate professor of the group Department of Islamic Sciences and Education, Faculty Member, Radio and Television University, Tehran, Iran

Abstract

The current research was conducted with the aim of identifying the state of tolerance and resilience from the point of view of the citizens of Saravi and the strategies to increase resilience in critical situations. The meta-analysis method has been used for this research. The analysis was based on a survey conducted in 2008 at the Radio and Television Research Center. The statistical population of the research was the citizens of Sari city over 18 years old. The sample consisted of 400 citizens of 18 years old and above the city of Sari. A standard resilience questionnaire was used to collect research data. The research data was analyzed using the t-test coefficient and regression analysis of variance. The findings of the research showed that age did not have a significant effect on the level of resilience. The average attitude towards resilience was higher among men. According to the respondents, there was no significant relationship between education and resilience. There is no significant relationship between the monthly cost of living of the Batabavari household. The average resilience has been the same according to occupation. The average resilience was the same according to marital status. The level of tolerance has had a significant impact on the level of resilience according to the respondents. According to the respondents, the culture of tolerance in the society is moderate to low. According to the respondents of Miran, the situation of fights and conflicts in the society is low. The level of compatibility in facing lack of money is high among the respondents. The level of discouragement in the face of failure is high. The level of lack of control of feelings of sadness, fear and anger in the society is low according to the citizens of Saravi. According to the respondents, the level of anger in different situations in the society is low. According to the respondents, the state of resilience in the society is medium to high.

Keywords: Resilience, tolerance threshold, critical conditions, citizens of Sarvai

1. Ebrahimih56@yahoo.com

Analysis of Dimensions and Components of Soft Power of the Islamic Republic of Iran in Reference Documents

Ali Sadeghi¹ (corresponding author)

Assistant Professor, Department of Humanities and Social Sciences, Farhangian University, Tehran, Iran

Abstract

The Islamic Republic of Iran, as one of the actors in the international system, in order to organize its activities, interact with other political actors and in general for survival and interaction, has to gain a level of power. Now that many of the rules and equations governing domestic and international relations have undergone extensive changes, the achievement to these goals cannot be pursued by relying solely on hard power; Rather, it requires another type of power that can be most effective at the lowest cost. This form of power is the “soft power”. Iran, which was formed based on the two principles of religion and popular unity, relying on this power, which is inspired by the basics and principles in the reference documents, while establishing a cultural revolution, it was able to go through the path of internal development and prosperity has increased social and internal resilience, and withing sphere of spiritual influence in the west Asia and the World, it has created a kind of discourse of resistance against the discourses of managing domination and force in the world. The present study has tried to study the components of soft power in reference documents including Islam, Imam Khomeini discourse, ideas of leadership, culture and civilization, constitution and 20-year vision document with a descriptive-analytical approach. The results showed that although in some of these sources, soft power is not directly validated, but in all these, the use of soft power in advancing the goals of the revolution is emphasized.

Keywords: Soft Power, Islamic Republic of Iran, Reference Documents, The Second Phase of the Revolution

1. a.sadeghi@cfu.ac.ir

Social progress as a tool of soft power and its challenges in the Islamic Republic in Imam Khomeini's thought

Mahmood Sharafi¹ (corresponding author)

Graduated from the field of cultural management at Shahid Mahalati College, Qom, Iran

Forouzan Rezaei Vormziar

PhD student of Quranic Sciences, Islamic Azad University,
North Tehran branch, Tehran, Iran

Abstract

Social progress and in parallel the challenges ahead in the Islamic Republic have always been a point that has been considered by the Imams of the Revolution during these years, in terms of the importance of the issue in this article with the aim of extracting indicators and advanced social components. By drawing its challenges in the social dimension, it has been done by relying on the security thought of Imam Khomeini. For this reason, the main issue of this research is to know the social ideas of Imam Khomeini; Because by recognizing the social ideas of Imam Khomeini (ra) and its progress and challenges, it is possible to obtain theories in different dimensions and use them in practice. This research is applied in terms of purpose and descriptive-analytical type that content analysis technique has been used to analyze the findings. In the field of research findings, the progress of this field was explained by examining the social pillars of Imam Khomeini's thought, which include the Islamic government, people and statesmen, and challenges and weaknesses were expressed. Imam Khomeini's thought was drawn and explained.

Keywords: Progress, social, Challenge, Thought, Imam Khomeini

1. shaker6047@gmail.com

The pioneers of soft power of the Islamic Republic of Iran in Indonesia

Seyed Mohammad Mosavi¹ (corresponding author)
Associate Professor, Department of Political Science,
Payam Noor University, Tehran, Iran

Abstract

Indonesia, as the largest Islamic country in the international arena and also among Islamic countries, has an important place. Research on the Shiites as one of the most important Islamic sects in Indonesia and the impact of the spread of Shiism in the formation of cultural or textual influences in the Malay region and Indonesia on the other hand has always been an interesting topic for research. The purpose of this article is to recognize the soft power resources of the Islamic Republic of Iran as the most populous Shiite country in Indonesia. Using the theory of soft power as a theoretical basis and using the method of descriptive-analytical research, the author seeks to count and identify the sources of soft power of the Islamic Republic of Iran in Indonesia. The findings show that the emergence and spread of Shiite religious political ideology in the archipelago, in addition to global Islamic revivalism, it is the result of the software reflection of the Islamic Revolution of Iran. As a result, the Islamic Republic of Iran has used cultural tools and soft power in its influence in Indonesia. The Shiite religion, Shiite leaders, the communication network of the clergy, and the communication network of academics and intellectuals are the most important pioneers of soft power of the Islamic Republic of Iran in Indonesia.

Keywords: Shiites of Indonesia”, “Islamic Republic of Iran”, “Soft Power”, “Islamic Center of Jakarta

1. s46mosavi@yahoo.com

Position and Role of Women in the Soft Power (A Case Study of the Role of Women in the Pillars of Scientific Journals)

Zahra Namur¹ (corresponding author)

PhD student in Information Science, Islamic Azad University, Science and Research Department, Tehran, Iran

Narjes Vara

Assistant Professor at the Regional Science and Technology Information Center, Shiraz, Iran

Abstract

Scientific productions and publications as one of the tools of science and technology diplomacy in scientific policy-making and its impact on the third layer of science and technology diplomacy (soft power) are important. Therefore, the present study was conducted to investigate the presence of women in managerial positions in the pillars of publications. The research is descriptive-survey and webometric. The gender of the editor, managing director and members of the editorial board of the prestigious journals of the MSRT was collected, stored and examined through the information contained in the journal's website or their personal page. The results showed that despite the fact that women, like men, are valuable resources of society and all of them play a major role in sustainable development; But only in 10% of the publications, they had the role of editor and in 12% of the publications, they held the position of responsible manager. They also make up a total of 8% of the editorial board. However, more than 90% of the publications published by women editors have international rankings, A and B, and this can show the ability of women in managing and managing publications. Finally, by emphasizing the findings, it can be argued that the current policies in this area seem to be insufficient to address gender inequality and increase women's participation in increasing soft power in terms of science and technology.

Keywords: managerial positions, soft power, women, scientific journals, gender distribution

1. namvarzahra@gmail.com

Fundamentals of education of the Islamic Revolution in the field of reproduction of soft power with emphasis on the statement of the second step**Yaghoob Alizadeh**¹(corresponding author)Assistant Professor, Faculty of Islamic Jurisprudence and Law,
Payame Noor University, Tehran, Iran**Elnaz Alineghad**Assistant Professor, Faculty Member, Theology Department,
Payame Noor University, Tehran, Iran**Zahra Ghasemi**

PhD student of Political Science, Islamic Azad University, Shiraz branch, Shiraz, Iran

Mehri ToutounchianPhD candidate in Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Central Tehran Branch, Islamic
Azad University, Tehran, Iran**Abstract**

Although the Islamic Revolution of Iran is at first glance a political and social revolution, but a deeper study of its dimensions shows significant educational aspects that have left many effects both domestically and internationally. A new aspect that can be mentioned will also play a significant role in reproducing the soft power of the Islamic Revolution of Iran. In addition, the draft statement of the second step of the Islamic Revolution, which is of special importance for the issue of education, clearly shows the continuity of education and the increase of the soft power of the Islamic Republic of Iran. Accordingly, the present study deals with the issue of what are the basics of education of the Islamic Revolution in the field of reproduction of soft power with emphasis on the statement of the second step? The answer that can be provided is that the characteristics of dignity and morality, anti-arrogance, independence and self-reliance, the denial of colonialism, political education based on religious democracy as aspects of the foundations of education and training of the Islamic Revolution based on the statement are the second step. They also have the power to produce soft power. The method used in the present study is descriptive-analytical and by collecting materials from the statements of Imam Khomeini (RA), Ayatollah Khamenei, their opinions in different books and reviewing the statement of the second step has been done.

Keywords: Education, Islamic Revolution, Soft Power, Second Step Statement, Ayatollah Khamenei

1. y_alizadeh@pnu.ac.ir

United States of America the strategies politicals of in Trump era compared with Obamas era to change the behavior or the regime change of islamic republic of Iran

Syed Ali Asghar Rahmani

Department of Iranian Issues, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Habibullah Abolhasan Shirazi¹ (Corresponding Author)

Department of International Relations, Central Tehran Branch,
Islamic Azad University, Tehran, Iran

Ardeshir Senai

Department of Political Science, Central Tehran Branch,
Islamic Azad University, Tehran, Iran

Abstract

The United states of America has been following the supremacy of the liberal order pradigm from the capitalist system over the opposite paradigm since 1945 and this was followed after the cold war more closely, but after the victory of the islamic Revolution, Iran was considered the hypothetical enemy.

United States foreign policy in the international system was merely a reflection of strategies of the ruling political system on this country which is based on a realistic approach which is also based on the school of power politics. The purpose of power utilization is upgrading benefits so that america implements its foreign strategies, basded on concepts such as power and national concepts.

United States diplomatic engagement with Iran complemented the strategy of all-out pressure and was in fact part of coercive diplomacy and this policies during the Trump administration were hostile and in various forms with the technological tools of systemic conditions and the use of intelligent power applied against Iran and the scope of sanctions became wider but these policies did not achieve the desired results for the United States and painted an inappropriate image of this country in the eyes of the people of Iran and the world. United States foreign policy was changed from liberal internationalism in Obama era to realism and pragmatism in Trump era.

Keywords: Sanctions, JCPOA, comprehensive pressures, international system, liberal order, intelligent power

1. mhabib_shirazi@yahoo.com

The Impact of the Economic Components of the Soft Power of the Islamic Republic of Iran on the Development of Trade Relations with China

Fereshteh Alayipoor

Master of Economics, Semnan University, Semnan, Iran

AbdolMohammad Kashian¹ (Corresponding Author)

Assistant Professor, Department of Economics, Semnan University, Semnan, Iran

Abstract

One of the factors influencing the desire of countries to develop their trade relations is the level of soft power of the target country and the extent of its influence on international equations. The present article answers the question that among the economic components of the soft power of the Islamic Republic of Iran, which of them has been effective in the development of trade relations between Iran and China? The method used in this research is the autoregressive model with distributed interrupts (ARDL) and the data analyzed in this paper are related to the period 1988 to 2019. The results obtained from data analysis indicate that the economic components of Iran's soft power play a very important role on China's desire to develop trade relations with Iran. Increasing Iran's economic power in terms of GDP, improving social capital and increasing foreign investment has played a very important role in developing Iran-China trade relations. International and development of trade relations with other countries requires increasing the country's soft power, especially in components such as domestic production, social capital and foreign investment, and increasing Iran-China trade relations can be justified in the context of increasing the soft power of the Islamic Republic of Iran.

Keywords: soft power trade relations foreign investment domestic production

1. a.m.kashian@profs.semnan.ac.ir

Investigating the basics of love between hearts in cyberspace and its role in deepening the soft power of Islamic rule

Mohammad Rasool Ahangaran

Professor of Jurisprudence and Fundamentals of Law, Farabi Campus, University of Tehran, Qom, Iran

Mohammad Reza Mahmoudi¹ (corresponding author)

Assistant Professor, Culture and Media Department, Shahid Mahalati College, Qom, Iran

Fatemeh Hajizadeh

PhD student of Quran and Hadith Sciences, University of Quran and Hadith, Qom, Iran

Abstract

Power as a guarantor of national sovereignty is divided into two types, soft and hard. Soft power has always been the focus of religious rule because of its vast merits. In Islam, there are tools for soft power and one of the most important of them is "Love between hearts". The most important purpose of love between hearts is to strengthen the security and spread of Islam. Studies show that the principle of love between hearts after the Prophet (PBUH) is believed. The jurists are not only not abrogated but also have a higher priority, and the realm of the authors is both Muslim and non-Muslim. Circuits are a safe contract and a practical and verbal effort to deal well. Cyberspace with an interactive approach is one of the most important tools of soft power today. Writing hearts in cyberspace due to the wide range of examples and tools and its complexity requires a coherent organization to love. This article uses a descriptive-analytical approach to examine the basics of love between hearts in cyberspace and its place in the soft power of Islamic rule.

Keywords: Love between hearts, cyberspace, soft power, Islamic rule

1. mrmahmudi@yahoo.com

The role and effect of the Arbaeen March on the soft power of the Islamic Revolution of Iran**Nosratallah Heidari**¹ (Corresponding author)

Assistant Professor and Faculty Member, Department of Political Science, Ilam Branch, Islamic Azad University, Ilam, Iran

Younes Ezati

Assistant Professor and Faculty Member, Department of Social Sciences, Ilam Branch, Islamic Azad University, Ilam, Iran

Sara Falahi

Assistant Professor and Faculty Member, Department of Political Science, Ilam Branch, Islamic Azad University, Ilam, Iran

Abstract

The Islamic Revolution of Iran has been formed with the focus on religion, so the foundations of its power are also based on religious components. The mourning ceremonies of Ashura and Arbaeen are among the rituals that have the necessary capacity for the unification and empowerment of the Islamic Republic of Iran. The Islamic Republic has consistency used these rituals in the management of the imposed war. It is now necessary to use these capacities in accordance with regional conditions. With the collapse of the Ba'athist regime in Iraq and the resumption of the Arbaeen March, attention to this religious capacity has doubled. In the present article, the role of Arbaeen march on the soft power of the Islamic Republic of Iran has been studied using a descriptive-analytical method. The main research question was that "what is the effect of the Arbaeen march on the soft power of the Islamic Republic of Iran?" The findings indicated that the Arbaeen March had a positive effect on promoting the soft power of the Islamic Republic of Iran by strengthening religious values, spiritualism, strengthening self-sacrifice, martyrdom and expectation.

Keywords: Arbaeen March, Power, Soft Power, Islamic Revolution of Iran

1. Nosratheidari@gmail.com

Table of Contents

The role and effect of the Arbaeen March on the soft power of the Islamic Revolution of Iran Nosratallah Heidari, Younes Ezati, Sara Falahi	317
Investigating the basics of love between hearts in cyberspace and its role in deepening the soft power of Islamic rule Mohammad Rasool Ahangaran, Mohammad Reza Mahmoudi, Fatemeh Hajizade	316
The Impact of the Economic Components of the Soft Power of the Islamic Republic of Iran on the Development of Trade Relations with China Fereshteh Alayipoor, AbdolMohammad Kashian	315
Investigating the basics of love between hearts in cyberspace and its role in deepening the soft power of Islamic rule Mohammad Rasool Ahangaran, Mohammad Reza Mahmoudi, Fatemeh Hajizadeh	314
The Impact of the Economic Components of the Soft Power of the Islamic Republic of Iran on the Development of Trade Relations with China Fereshteh Alayipoor, AbdolMohammad Kashian	313
United States of America the strategies politicals of in Trump era compared with Obamas era to change the behavior or the regime change of islamic republic of Iran Syed Ali Asghar Rahmani, Habibullah Abolhasan Shirazi Ardeshir Senai	312
Fundamentals of education of the Islamic Revolution in the field of reproduction of soft power with emphasis on the statement of the second step Yaghoob Alizadeh, Elnaz Alineghad, Zahra Ghasemi, Mehri Toutouchian	311
Position and Role of Women in the Soft Power (A Case Study of the Role of Women in the Pillars of Scientific Journals) Zahra Namur, Narjes Vara	310
The pioneers of soft power of the Islamic Republic of Iran in Indonesia Seyed Mohammad Mosavi	309
Social progress as a tool of soft power and its challenges in the Islamic Republic in Imam Khomeini's thought Mahmood Sharafi Forouzan Rezaei Vormziar	308
entifying the components of the soft power of the foreign policy of the Islamic Republic of Iran in the face of the United States Mohammad Rajabi	307
Designing an Iranian Islamic lifestyle model in line with the statement of the second step of the Islamic Revolution (with emphasis on soft war) Alireza Haydarnejad, Mehdi Moghimi	306

In The Name of GOD The Compassionate The Merciful

Scientific Quarterly
Journal of Soft Power Studies

Volume 12, Issue 1, Serial Number 28, Spring 2022

Proprietor: Basij Organization of University Professors, Higher Education and Research Centers of the Country

Director-in-Charge: Dr. Mohammadreza Mardani

Editor-in-Chief: Dr. Mohammad Javad Javid

Manager: Dr. Seyed Mohammadreza Mousavi

Content Designer: Engineer Yousef Behrokh

Lithography, publication and Binding: Basij Organization of University Professors, Higher Education and Research Centers of the Country

Address: Iran, Tehran, Islamic Revolution St., in front of the main door of the University of Tehran, No. 1246.

Telephone Number: +98-21-66975605 | **E-mail:** org.05@basijasatid.ir

Editorial Board (Sorted by alphabet)

- **Dr. Ali Bagheri Dolatabadi** / Associate Professor of Political Science, Yasouj University
- **Dr. Bahram Bayat** / Associate Professor of National Security, Supreme National Defense and Strategic Research University and Institute
- **Dr. Gholamreza Behrozi Lak** / Professor of Political Science, Baqer al-Uloom University
- **Dr. Mohammad Javad Javid** / Professor of Law, University of Tehran
- **Dr. Ali Akbar Jafari** / Associate Professor of International Relations, University of Mazandaran
- **Dr. Ali Darabi** / Associate Professor of Political Science, Radio and Television University of the Islamic Republic of Iran
- **Dr. Hossein Harsij** / Professor of Political Science, University of Isfahan

Website: <http://www.spba.ir/>